



هیات معارف جنگ شهید سپهبد علی صیاد شیرازی



هیات معارف جنگ
شهید سپهد علی صیاد شیرازی

تقدیم میکند



هیات معارف جنگ شهید سپهد علی صیاد شیرازی







هیات معارف جنگ شهید سپهبد علی صیاد شیرازی

شجاعان تبرد

قرارگاه نصر ۱۲ در عملیات فتح المبین



سرتیپ فرض الله شاهین راد



شجاعان نبرد

قرارگاه نص 2 در عملیات فتح المبین

سرتیپ فرض الله شاهین راد

چاپ اول

هیأت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیاد شیرازی

تهران پایید 1382





شاهین راد ، فرض الله
شجاعان نبرد: قرارگاه نصر 2 در عملیات فتح المبین فرض الله شاهین راد
هیات معارف جنگ شهید سپهبد علی صیاد شیرازی
تهران: عرشان 1382
هیچده 33 ص. مصور رنگ ، نقشه، جدول
ISBN 964-95057-0-9: تومان 2200
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا
جنگ ایران و عراق 1359-1367 - عملیات فتح المبین: 2. شاهین راد، 1.
فرض الله ، خاطرات. 3. جنگ ایران و عراق 1359-1367 - عملیات فتح
المبین شهیدان الف. ایران ارتش هیات معارف جنگ شهید سپهبد علی صیاد
شیرازی ب عنوان
DSR0843/955 شماره 5 ف 21607
کتابخانه ملی ایران 1578 2 م

نوبت چاپ: اول

نویسنده سرتیپ ستاد فرض الله شاهین راد

طراحی جلد: داریوش خان جان زاده

تایپ | صفحه آرایی سید مهدی حسینی نصر، کامران طاهری

چاپ صحافی و لیتوگرافی: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ناشر: انتشارات عرشان

تیراژ 5000

قیمت جلد شوم 2200 تومان جلد زرکوب 2400 تومان

کلیه حقوق اعم از چاپ ، تکثیر ، نسخه برداری ، ترجمه و ... متعلق به
> هیات معارف جنگ شهید سپهبد علی صیاد شیرازی < است ، نقل مطالب با
ذکر مأخذ بلامانع است .





تقدیم به مسند نشین سریر وجود ، یکه تاز عرصه غیب و شهود حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف) .

– به بیدارگر قرن ، فریاد گر زمان ، مظهر علم و عرفان ، خمینی قهرمان رحما الله علیا) .

– به مظهر شجاعت حسینی ، خلف صدق خمینی ، رهبر پرشکوه ، خامنای نستوه .

– به روزآفرینا ، شب ستیز و به نورآفرینان ظلمت گریز . شهیدان زاهد و شاهدان شهید .

– با طلایه داران پهنه پیکار که پشت مرگ از صلابتشان لرزید .

– با ملت غیور ، سلحشور ایران که تاریخ از غیرتش با حیرت نشست .

– به روح آن مرد مرد – شهسوار عرصه نبرد ، امیر دلاور ، سپهبد نام آور ، شهید علی صیاد شیرازی .



رحمت واسعه خداوند بر آن مادران و پدرانی که شما **شجاعان نبرد** در میدان کارزار و مجاهدان با نفس در شبهای نورانی را در دامن پاکشان تربیت نمودند. بخشی از پیام حضرت امام خمینی (ر) در پایان عملیات ظفرمند فتح المبیر «



سازمان علمی هیأت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیاد شیرازی

برای کتاب « شجاعان نبر »

۱ - بنیانگذار هیأت :

شهید سپهبد علی صیاد شیرازی

۲ - سرپرست هیأت :

سرتیپ ستاد ناصر آراسته

۳ - شورای سیاستگذاری :

سرتیپ ستاد ناصر آراسته

سرتیپ ستاد اسدالله حیدری

سرتیپ ستاد سید حسام هاشمی

۴ - ویرایش تخصصی :

سرتیپ ۱ ستاد سید محسن شاهان بهبهانی

سرتیپ ۲ ستاد سعید پورداراب

سرتیپ ۲ ستاد نجاتعلی صادقی گویا

سرهنگ فنی هوایی محمد اکبری

۵ - ویرایش ادبی و فنی :

سرهنگ فنی هوایی محمد اکبری

۶ - نویسنده :

سرتیپ ستاد فرض الله شاهین راد



فهرست مطالب

پانزده	پیشگفتار
هفده	دبیاچه
1	مقدمه
5	بخش یکم : عملیاتهای اجرا شده قبل از عملیات فتح المبین
7	عملیات بیست و سوم مهرماه
7	عملیاتهای اجرا شده قبل از عملیات فتح المبین
9	عملیات نهم آبان ماه
10	عملیات تپه چشمه
12	عملیات زعن
15	عملیات انگوش
17	بخش دوم : انتصاب فرماندهان
19	تغییرات در فرماندهی
27	بازدید از ستاد تیپ و گروهان قرارگاه
31	بخش سوم : بازدید از آمادگی نیروها
33	بازدید از خط پدافندی
51	تشکیل جلسه ستادی
57	وضعیت شهرستان شوش
59	موقعیت رودخانه کرخه
62	روش کارکنان ستاد تیپ
63	نحوه برقراری ارتباط
65	سایر نیروهای پشتیبانی کننده
67	عملیات تیپ 120





87	بخش چهارم ادامه وضعیت پدافندی
89	ادامه وضعیت پدافندی
96	بخش پنجم نقل مکان و جابجایی
97	عویض تیپ 2 از منطقه عمومی شوش
101	استقرار در منطقه تجمع
104	برنامه های آموزشی
106	تقدم در برنامه های آموزشی
109	بخش ششم: مقدمات عملیات فتح المبین
111	اطلاع از مأموریت آینده تیپ
115	انتصاب رئیس رکن دوم
116	بازدید از منطقه مأموریت
125	انجام شناسایی و کسب اطلاعات از دشمن
135	اجرای برنامه های آموزشی در سطح گردانهای تیپ
141	نکات مهم در شناسایی در عمق منطقه
147	نتیجه اطلاعات حاصله از گشتی های اعزامی
148	طرح ادغام نیروهای ارتش و سپاه
154	سازمان رزم برای مأموریت
157	طرح عملیات نص 2
167	تحركات ارتش عراق قبل از عملیات
168	مواضع پدافندی ارتش عراق
171	بخش هفتم: اجرای عملیات فتح المبین
173	حرکت نیروها به موضع تک
178	شروع عملیات





203 خاتمه عملیات مرحله یکم عملیات فتح المبین و اتخاذ وضعیت پدافندی
207 وضعیت قرارگاه نصر در روز اول نبرد
211 جدول پیامهای ارسالی از تیپ به قرارگاه نصر
216 نتایج کلی اولین روز نبرد عملیات فتح المبین
216 ادامه نبرد در روز دوه عملیات
220 نتیجه نبرد در روز دوم
220 جریان نبرد در روز سوه عملیات 4/1/61
225 جدول پیامهای مبادله شده در مرحله دوم
227 وضعیت قرارگاه نصر در مرحله دوه عملیات
230 وضعیت قرارگاه فتح در مرحله دوه عملیات
232 وضعیت قرارگاه فجر در مرحله دوه عملیات
234 وضعیت قرارگاه قدس در مرحله دوه عملیات
237 جریان نبرد د 5/1/61
239 جریان نبرد د 6/1/61
242 جریان نبرد در روز هفتم فروردین ماه (مرحله سوه عملیات)
249 جریان نبرد د 8/1/61 (مرحله چهاره عملیات)
263 تلاشهای نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران
264 تعویض خط پدافندی
267 جدول پیامهای مبادله شده در مرحله چهارم عملیات)
270 استقرار گردانهای تیپ در منطقه تجمع
273 بخش هشتم : خاتمه عملیات فتح المبین
275 نتیجه عملیات فتح المبین





276	پیام حضرت امام خمینی (ر) در خاتمه عملیات ظفرمند فتح المبین
279	پاسخ حضرت امام خمینی (ر) به نامه فرماندهان
283	بخش نهم <u>تحلیل عملیات فتح المبین</u>
285	<u>تحلیل مختصر عملیات فتح المبین</u>
292	<u>اسامی شهدا و جانبازان</u>
299	<u>فهرست راهنما</u>
303	<u>فهرست منابع</u>



پیشگفتار

« معارف جنگ » مجموعه ای از باز یافته ها ، ذخایر ، دست آوردهای جبهه های نبرد حق علیه باطل است که خداوند متعال به یاس فداکاری ها ، ایثارگری ها و برکت خون شهدای والامقام نصیب رزمندگان اسلام نموده و از سینه های جوان آنها به سینه های پاک و تشنه نسل جوان انقلاب اسلامی منتقل می گردد.

سازمان افتخاری « هیأت معارف جنگ » که از یاییز سا 1373 ، با بنیانگذاری امیر سرافراز ارتش اسلام « شهید سپهبد علی صیاد شیرازی » و حمایت های مادی و معنوی مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا ، این رسالت مهم را با روحیه متعالی بسیجی بر عهده گرفته مفتخر است که با بهام از کلام نورانی ، خدای متعال ، منی ، بر « وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ » ، با صداقت ، تلاش دسته جمعی ، در این وادی مقدس گام نهاده و این رسالت افتخار آمیز را که به گرایش « پژوهشی - آموزشی » شکل گرفت است ادامه دهد و در این راه امید با لطف و یاری خدا دارد .

شیوه کار هیأت معارف جنگ در گردآوری تجارب جبهه های نبرد بدین ترتیب بوده است که براساس زمان و مکان هر عملیات جمعی از رزمندگان اسلام که در آن عملیات نقش مهمی را بر عهده داشته اند به منطقه عملیات عزیمت نموده و با یادآوری خاطرات خود در صحنه نبرد ، برداشت های تحریری صوتی و تصویری ، مجموعه ای از حقایق و واقعیات های تلخ و شیرین را گردآوری نموده و در نهایت بعد از تطبیق آنها به مدارک و اسناد جبهه های نبرد در سیر تدوین قرار می دهند .

هیأت معارف جنگ ، شهید سپهبد علی صیاد شیرازی «



دیباچه

در سال 1379 به افتخار بازنشستگی نایل شدم. علاقه مند بوده پس از سالها تلاش مستمر و بیدار شدن در صبح زود و استراحت دیر وقت، مدتی بدون برنامه و آزاد زندگی کنم تا رفع خستگی گردد. چند هفته ای پیش سیری نشده بود که از وضع موجود خسته شدم. عادت کردن به فعالیت مستمر روزانه و انجام امور طبق برنامه، ادامه زندگی را در شرایط جدید برای من مشکل کرد. تصمیم گرفتم در هر صورت وقت فراغت خود را، با برنامه ای که پیش تنظیم کرده باشم بذرانم.

تجدید خاطرات گذشته بیش از سایر موارد، افکار من را به خود مشغول کرده بود، بویژه اینکه در طول جنگ تحمیلی، در جبهه های مختلف حضور داشتم، و به من در مشاغل فرماندهی گردان، تیپ، لشکر مسئولیت واگذار شده بود. در همین مدت فرزندان من به مدرسه می رفتند و نبود من، محدودیتها، مشکلاتی برای آنان، همسرم ایجاد کرده بود، این دوران برای آنان نیز فراموش نشدنی است.

با شروع هر عملیات که با حماسه سازی، طنین رادیو و نواختن آهنگ مخصوص اعلاء می گردید، اضطراب و نگرانی خانواده های زیادی که عزیزان آنها در جبهه بودند بیشتر می شد. هر یک از آنان تصویری از شهادت و یمنج و حیت سفر کرده خود را در ذهن تداعی می کردند و برای آینده و سرنوشت خودشان تشویش خاطر داشتند.

در آن موقع، بازگو کردن اینکه در جبهه چه می گذرد امکان نداشت چون یک فرد نظامی زمانی که از محیط خدمتی خارج می شود همه مسائل و موارد خدمتی را فراموش می کند. و در مقابل پس از وارد شدن به محل کار نیز آنچه که در خارج از آن اتفاق افتاد، است ارتباطی به محیط کار نخواهد داشت.

دوران بازنشستگی آخرین مرحله زندگی است و آنچه که با صورت یک حقیقت جلو می کند این است که همه انسانها، دیر یا زود بنا بر سرنوشت و



تقدیری که برای آنها مشخص شد، است با این دنیا وداع خواهند کرد.

موقعیت را بسیار مناسب دیدم. که به نوشتن خاطرات خود از جنگ تحمیلی، خانواده خودم را از آنچه سبب گردیده بود من آنها را تنها گذاشته و به جبهه بروم آگاه سازم تا با خواندن این خاطرات ضمن اطلاع از چگونگی فعالیت من در جبهه ها، به سنگینی وظایف هر فرد در دفاع از مملکت و حدود و ثغور آن آشنا شوند.

در ابتدای کار، در فکر چاپ و تکثیر آن نبودم. تا اینکه در جلسه ای که در هیأت معارف جنگ برگزار شد، موضوع را با امیر حساه هاشمی در میان گذاشتم. ایشان از این تصمیم استقبال نمودند و ارتباط من را با امیر علی صادقی گویا برقرار کردند.

نوشته من توسط امرای مذکور مطالعه گردید و برای چاپ و نشر تایید شد سپس از طریق هیأت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیاد شیرازی، اولین کتاب خاطراتم به نام «گردار 144 در نبرد آبادار» چاپ شد.

در هفته کتاب که در آبانماه سال 1381 توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد، بنا بر رای هیأت داوران کتاب «گردان 144 در نبرد آبادار» در بخش خاطره نویسی مقام نخست را به خود اختصاص داد.

کتاب حاضر دومین کتاب از خاطرات جنگ تحمیلی در عملیات فتح المبین است که هم اکنون به رشته تحریر درآمده است. به نگرش به ذل توجه مسئولان محتره هیأت معارف جنگ در چاپ و نشر کتاب، که هدفی بس فراتر از آنچه که در ابتدای امر بود می باشد، امیدوارم مطالعه کنندگان عزیز، برای آملتر شدن آن نویسنده را از راهنمایی محروم نفرمایند.

سرتیپ فرض الله شاهین راد

تهران، تابستار 1382



مقدمه

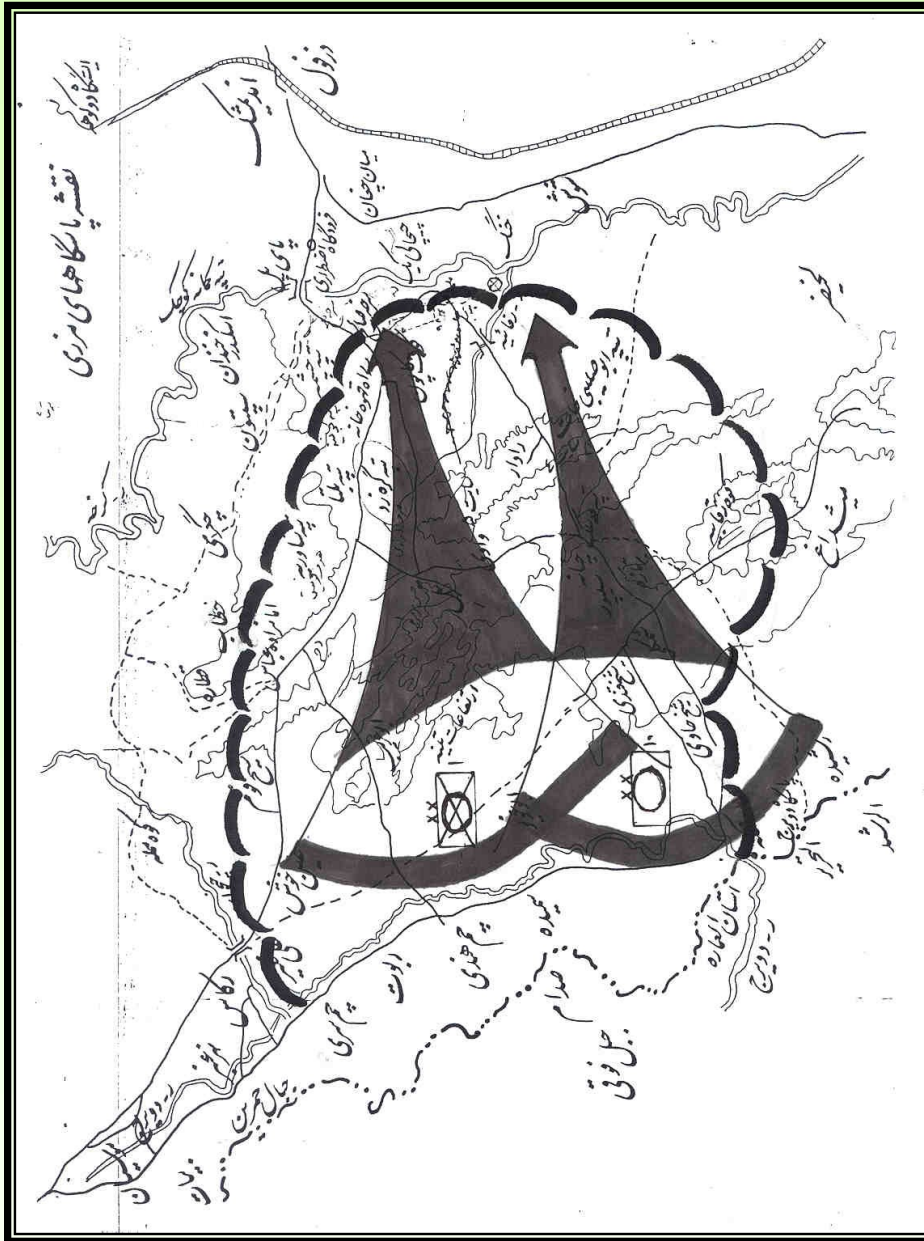
مدت یکسال از جنگ تحمیلی می‌گذرد. در جبهه‌های نبرد تلاش زیادی، توسط رزمندگان برای متوقف نمودن دشمن، صورت گرفته است. دشمن به علت مقاومت نیروهای رزمنده، در سراسر منطقه نبرد زمین‌گیر شده است. تشکیل خط پدافندی توسط متجاوزان نشانگر آن است، که موفقیت‌های به دست آمده را برای رسیدن به اهداف تعیین شده کافی می‌داند. نقشه شماره ۱) نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، با کمک و پشتیبانی نیروهای مردمی را نشان می‌دهد که توانسته‌اند علاوه بر سد پیشروی دشمن، در مناطقی از جبهه‌های نبرد تک‌های محدود اجراء کنند، در بعضی موارد تلفاتی و ضایعاتی به دشمن وارد آورند و یا اینکه وضعیت بهتری برای ایجا خط پدافندی داشته باشند.

عملیات کرخه نور، در تاریخ 15/10/59، عملیات میمک در تاریخ 19/10/59، نبرد در تپه‌های الله‌اکبر در تاریخ 31/2/61، ... هر یک موفقیت‌هایی برای نیروهای اجرا کنند، داشت و در تقویت روحیه آنها بسیار موثر بود.

وضعیت موجود نشان می‌داد، که دشمن با تمام توان تصمیم بر حفظ و نگهداری زمین‌های متصرفی دارد. تک‌های محدود پاسخگوی خواسته‌های مسئولان محترم جمهوری اسلامی و ملت شریف ایران در بیرون راندن دشمن از سرزمین کشور ایران نبود. اجرای تک‌های هماهنگ و در سطح وسیع نیاز به نیروهای رزمنده بیشتری داشت به همین جهت ارتش ج. . . با استفاده از تمام توان بالقوه و موجود، برای سازماندهی نیروها به صورت تمرکزی اقدام نمود. یگان‌هایی را که در شروع جنگ بنا به وضعیت از لشکرهای پیاده و یا زرهی جدا و به مأموریت اعزام شده بودند، در کنترل عملیاتی یگان اصلی قرار داد.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با استفاده از نیروهای مردمی داوطلب، که تعداد آنها روز به روز فزونی می‌یافت اقدام به تشکیل یگان‌های زمینی نمود.







مقدمه 3

اولین عملیات هماهنگ ارتش و سپاه و در سطح نسبتاً وسیع در تاریخ 5/7/60 در منطقه آبادان به نام عملیات ثامن الائمه (ع) به فرماندهی قرارگاه لشکر 77 پیروز خراسان اجرا گردید. نیروهای تازه سازمان یافته سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز در عملیات نمودند.

در این عملیات، کلیه نیروهای دشمن که در شرق رودخانه کارون سر پ 1 ایجاد کرده بودند، منهدم شدند شهر آبادان از محاصره خارج گردید.

دومین عملیات هماهنگ در منطقه میانی جبهه، به نام عملیات طریق القدس جام شد این عملیات تا تاریخ 3/9/60 طول کشید و امام راحل آن را فتح الفتوح نامیدند. در این عملیات ضمن انهدام نیروهای دشمن و گرفتن غنایم زیاد تنگ جزایه و شهر بستان از لوٹ وجود دشمن آزاد گردید. در این قسمت نیروها به مرز رسیدند و شکافی بین نیروهای عراقی در امتداد شمال - جنوب ایجاد شد. در نتیجه نیروهای شمال و جنوب دشمن با مشکلاتی مواجه گردیدند. از جهتی این موفقیت به ملت شرایط خاص تنگ جزایه، برای نیروهای خودی این حسن را داشت که از تنگ با نیروی کمتری پدافند نماید. اصل صرفه جویی در قوا سبب شد که تعدادی از یگانهای درگیر در منطقه آزاد شوند و از آنها برای اجرای عملیات در مناطق دیگر استفاده شود.

انجام موفقیت آمیز و عملیات هماهنگ و در سطح وسیع، در تقویت روحیه رزمندگان بسیار موثر بود و شکست پذیری دشمن را در مقابل اراده پولادین نیروها نشان می داد.

زمینه بسیار خوبی در خاتمه عملیات طریق القدس، برای اجرای عملیتهای رگ به وجود آمد و همین امر سبب گردید که فرماندهان ارتش و سپاه، برای اجرای عملیتهایی مانند فتح المبین و بیت المقدس اقدام نمایند.

1. منطقه مشخصی از ساحل طرف دشمن، چنانچه تصرف و نگهداری شود. استمرار پیاده شدن عدهها و وسائل را به ساحل تامین می نماید و فضای مانوری لازم را برای عملیات طرح ریزی داده به ساحل فراهم می سازد «





4 شجاعان نبرد

در همین باره، قرارگاه عملیاتی مشترک ارتش و سپاه به نام کربلا 2 در جنوب فعالیت خود را شروع کرد. این قرارگاه، با استفاده از اساتید دانشکده فرماندهی و ستاد ارتش و سایر فرماندهان صحنه نبرد، از اوایل دیماه 1360 اقدام با طرح ریزی عملیات فتح‌المبین نمودند.

جلسات متعددی تشکیل شد، بحثهای زیادی صورت گرفت. در نهایت طرح عملیات فتح‌المبین تهیه شد و مورد تصویب فرماندهی معظم کل قوا حضرت امام (ره) قرار گرفت.

در سازمان رزم، برای اجرای عملیات، چهار قرارگاه مشترک ارتش و سپاه به نامهای نصر، فتح، فجر قدس منظور گردیده بود.

قرارگاه نصر، ترکیبی از لشکر 21 حمزه و تیپ 58 ذوالفقار ارتش و لشکر 5 فجر سپاه بود. تیپ 2 لشکر 21 حمزه به تیپ 27 محمد رسول الله (ص) به نام ناه 2 تحت فرماندهی قرارگاه نصر، در عملیات فتح‌المبین شرکت نمودند.

مسئولیت فرماندهی تیپ 27 محمد رسول الله (ص) را برادر احمد متوسلیان به عهده داشت و مسئولیت فرماندهی تیپ 2 لشکر 21 حمزه به من سرهنگ دوم فرض‌الله شاهین راد محول گردیده بود.

کتابی که هم اکنون در اختیار شما خواننده عزیز قرار گرفته است، خاطرات نجانب سرتیپ بازنشسته شاهین راد از اجرای عملیات فتح‌المبین است.



بخش یکم

عملیاتهای اجرا شده قبل از

عملیات فتح المبین



عملیات‌های اجر شده تا مهرماه سال 1360 در منطقه لشک 21 حمزه

در 22 مهرماه سال 1359 در حالی که انتقال نیروهای لشک 21 حمزه به منطقه عملیات در غرب شهرستان دزفول ادامه داشت دشمن با به کارگیری تپ‌های 42 زرهی، 24 مکانیزه به منطقه سرپل، تپ 2 زرهی لشک 92 و تپ 37 زرهی شیراز در غرب رودخانه کرخه تک نمود تک دشمن با رشادتهایی که نیروهای ر خط به خرج دادند و با پشتیبانی آتش شدید توپخانه گروه 55 و سایر نیروهای حاضر د خط خنثی شد، دشمن با محل اولیه خود عقب نشینی نمود.

عملیات بیست و سوه مهرماه

در بیست و سوم مهرماه به لشک 21 حمزه مأموریت داده شد به دشمن تک کند و اهدافی را در عمق منطقه، در غرب رودخانه کرخه تصرف نماید. در زمان تعیین شده لشکر عملیات خود را شروع کرد. در ابتدای تک ب سمت دشمن پیشروی مالدودی صورت گرفت اما ادامه تک موفقیت آمیز نبود به طوری که تلفات و ضایعات ابل توجهی به نیروهای عمل کننده وارد آمد و آنها مجبور به قطع درگیری گردیدند. (نقشه شما 2)



عملیاتهای اجر شده قبل از عملیات فتح المبین / 9

عملیات نهم آبان ماه

در نهم آبانماه دشمن که سر پل ایجاد شده توسط نیروهای خودی در غرب رودخانه کرخه ر خطر بزرگی می دید، برای تصرف آن اقدام ب تک مجدد نمود. در این هوم تپپهای 24 مکانیزه 42 زرهی 31 نیروهای مخصوص شرکت داشتند و از ساعت 4 30 دقیقه ب مدت 45 دقیقه آتش تهیه شدید بر مواضع نیروهای خودی اجرا شد و در تعقیب آن نیروهای هجومی اقدام ب پیشروی نمودند.

لشکر 21 حمزه و قرارگاه مقدم نیروی زمینی ارتش ج. . که بر اساس اطلاعات جمع آوری شده، از تصمیم دشمن آگاهی داشتند، با استفاده از آتش های پشتیبانی توپخانه های موجود، و پشتیبانی نزدیک هوایی، بطوریکه برتری هوایی در آن منطقه با نیروی هوایی ج 1 1 بود. پیشروی دشمن ر سد نمودند. با وارد ساختن تلفات و ضایعات انسانی و آمادی دشمن ر مجبور ب عقب نشینی ت مواضع اولیه نمود.

تلاش نیروهای در خط و پشتیبانی مؤثر توپخانه ها، و نیروی هوایی سبب رسید که سر پل تصرفی در دست نیروها باقی ماند بطوری که تیپ 1 لشکر 21 عملیات فتح المبین را از همان سر پل آغاز نمود.

. - آتش تهیه توده ای از آتش پیش بینی شده است که بر طبق برنامه زمانی، برای پشتیبانی از تک اجر می شود. منظور از اجرای آن، از هه گسستن فرماندهی و مخابرات دشمن، برهه زدن سازمان پدافندی ر خنثی کردن وسایل پشتیبانی آتش است

؛ - پشتیبانی نزدیک هوایی تک علیه هدفهایی از دشمن، که در نزدیکی نیروهای خودی واقع شده اند. ابنا ب درخواست فرماندهان نیروهای سطحی خودی). به منظور خنثی کردن یا از دام نیروهای دشمن که تهدید مستقیم و فوری برای نیروهای خودی هستند بکار می رود



10 شجاعان نبرد

قابل ذکر است ی‌دافند جانانه نیروهای لشکر 21 حمزه در روز نهم آبانماه، در سر یل تصرف شده، آن چنان مؤثر واقع شد که پس از آن، تا اجرای عملیات فتح‌المبین، از سوی دشمن هیچ گونه حرکتی در آن منطقه به جلو صورت نگرفت.

عملیات تپ چشمه

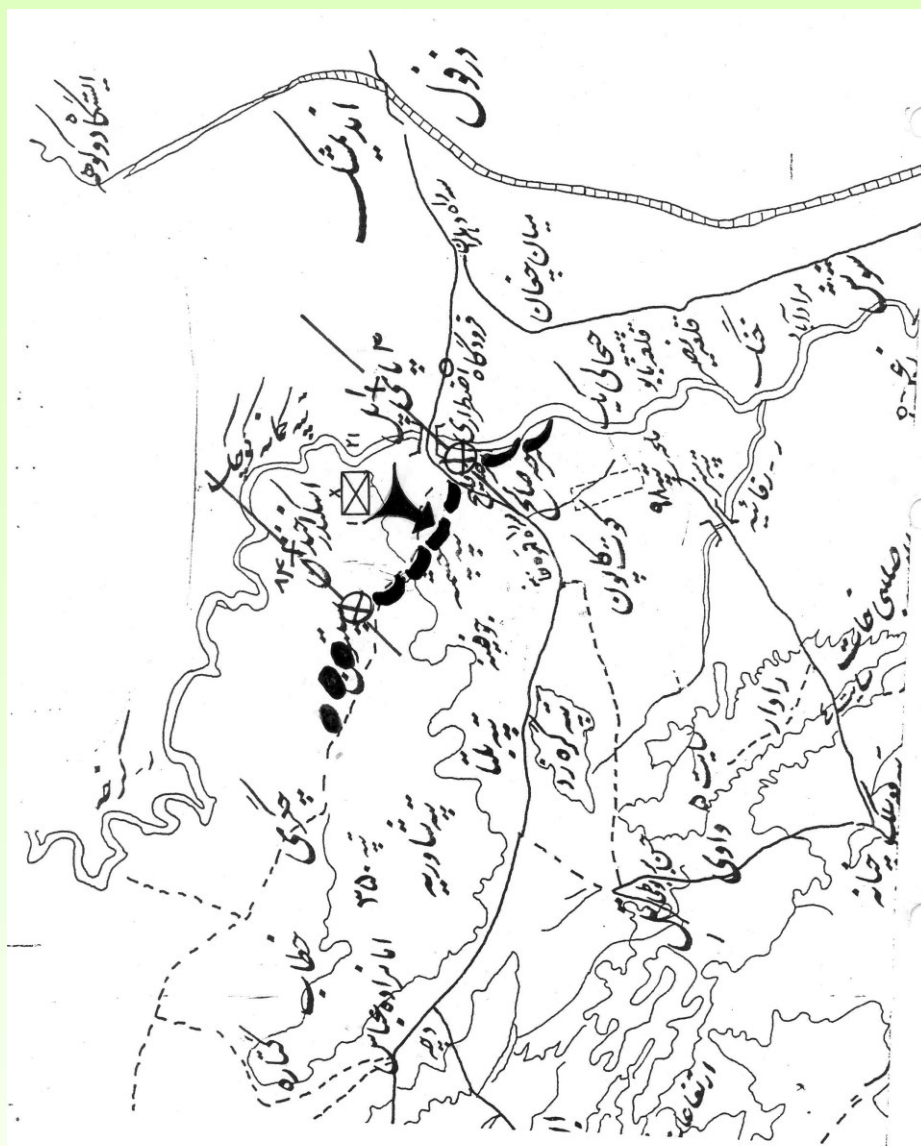
گردان 131 ییاده تپ 1 در تاریخ 15/1/60 با دریافت مأموریت، اقدام به تصرف تپ چشمه در غرب یل نادری نمود. موقعیت تپ چشمه از لحاظ دبدبانی برای نیروهای خودی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بود. با توجه به حساسیت محل تصرف شده توسط گردان 131، دشمن تلاش زیادی برای بیرون راندن نیروها از محل موصوف نمود. لیکن با تدابیر پیش‌بینی شده و مقاومت نیروهای د خط و پشتیبانی آتش بسیار خوب، گردان مذکور در روی هدف مستقر گردید و مواضع اشغال شده ر تثبیت نمود.

پس از تصرف تپ چشمه، تپ 1 لشکر 21 حمزه از لحاظ دیدبانی در وضعیت بسیار خوبی قرار گرفت و این امر برای هدایت آتشی‌های پشتیبانی 1 و کسب اطلاعات از دشمن اثر بسیار مثبتی داشت. نقشه شماره 3)

- آتش پشتیبانی: اجرای آتش توسط یگانهای پشتیبانی کننده، به منظو کمک و حفاظت یک یگان در باشد. آتش پشتیبانی نزدیک آتش پشتیبانی دو دست آتش پشتیبانی مستقیم).



11 عملیاته‌های اجر شده قبل از عملیات فتح المبین: /





عملیات زعن

نیروهای عراقی در بعضی از قسمتهای ساحل رودخانه کرخه که برای پدافند حایز شرایط مقتضی نبود خطوط پدافندی خود را دورتر از ساحل رودخانه تشیل داده بودند؛ این تدبیر عراقی هم سبب می شد که نیروهای ما با بهره برداری مطلوب از خلأ حضور نیروهای دشمن، از رودخانه عبور کرده و به شناسایی منطقه کسب اطلاعات مورد نیاز مبادرت نمایند.

تیپ 3 پیاده لشکر 21 حمزه، با استفاده از همین موقعیت سرپل را در شمال رودخانه رفائیه در غرب کرخه، مقابل آبادی سرخه صالح و کوت کاین اشغال نمود. توسعه همین سرپل که در ابتدا با اعزام گشته‌های شناسایی و حضور موقت صورت گرفته بود سبب گردید که در مقابل نیروهای دشمن در این منطقه خط پدافندی تشکیل شود و تلفات و ضایعات زیادی با دشمن وارد گردد. مضاف بر اینکه تیپ 3 پیاده برای اجرای عملیات فتح المبین از سرپل موصوف استفاده شایانی با عمل آورد. نقشه شمار 4)

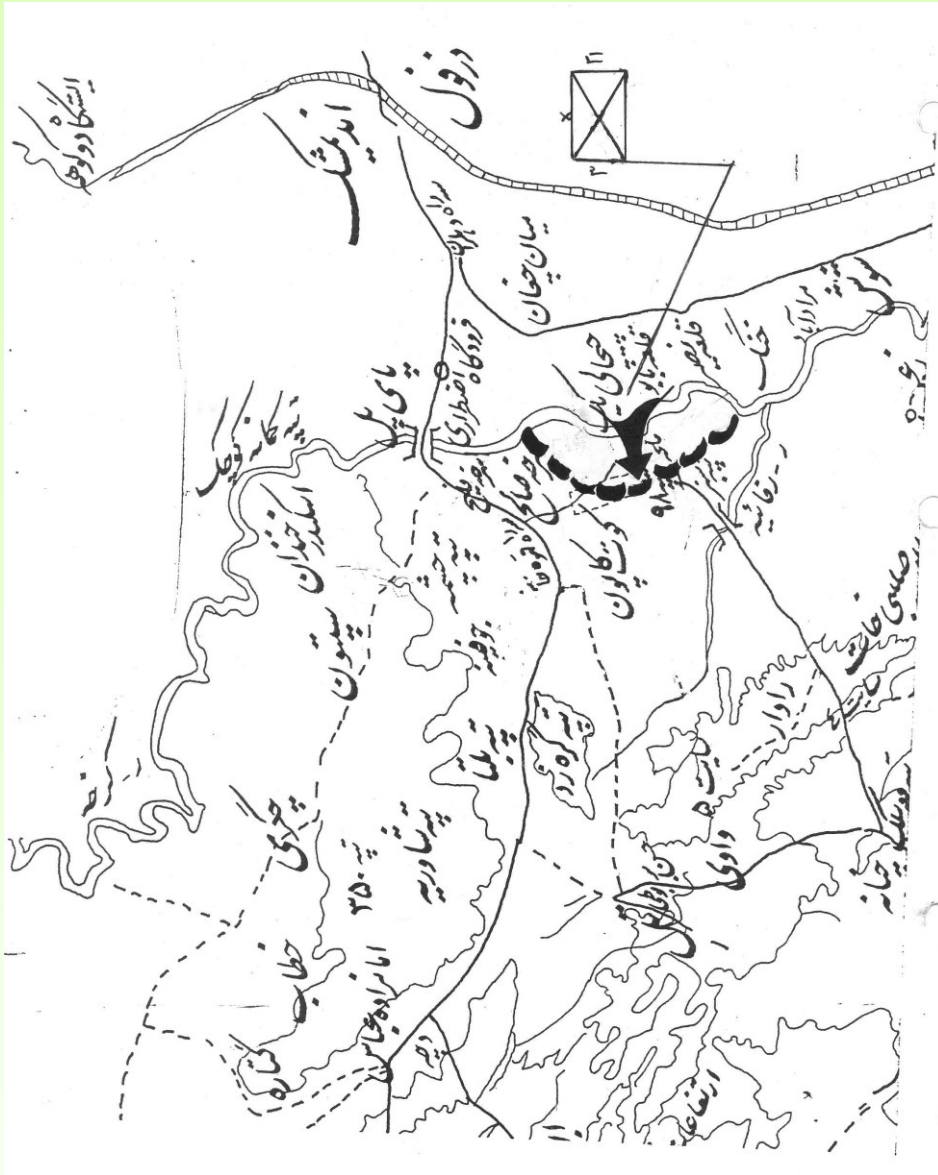
اشغال سرپل در غرب رودخانه کرخه، برای تیپ 2 لشکر 21 بدون انجام عملیات میسر نبود. در منطقه پدافندی واگذار شده به تیپ 2 پیاده لشکر 21، آبادی زعن و تیه‌های اطراف آن که حدود 2 کیلومتر دورتر از ساحل غربی رودخانه کرخه قرار داشت منطقه مناسبی برای ایجاد سرپل تعیین گردید، بطوریکه در دست داشتن آن سبب می شد تماس با دشمن از نزدیک باشد؛ دیدبانی در عمق



عملیاتهای اجر شده قبل از عملیات فتح المبین / 13

دشمن بهتر انجام گیرد و از همه مهمتر، در دست داشتن سر پل : تسهیلات بسیار خوبی برای آماد شدن نیروها جهت اجرای عملیات بعدی ایجاد نماید.

از طریق لشکر اجرای مأموریت به تیپ 2 ابلاغ می گردد و تیپ مذکور در 25 فروردین ماه سال 1360 با سازماندهی نیروهای مورد نیاز مأموریت واگذاری را با غافگیری دشمن انجام می دهد و در ساعات اولیه، عناصر دشمن با دادن تلفات سنگینی از مواضع خود عقب‌نشینی می‌نمایند. در این عملیات تعداد 27 نفر از نیروهای دشمن به اسارت در می‌آیند. با تدابیر پیش‌بینی شده، نیروهای اد تفراری در روی هدف هرگونه حرکت بعدی دشمن را به جلو پاسخ می‌دهند پس از 12 ساعت مقاومت در منطقه مربوط خط پدافندی تثبیت می گردد. بدین ترتیب بر 2 پیاده لشکر 21 در غرب رودخانه کرخا سر پلی را اشغال نمود.



نقشه شمار ۱. تصرف سرپل توسط تیپ ۳ لشکر ۲۱



عملیاتیهای اجرا شده قبل از عملیات فتح المبین /

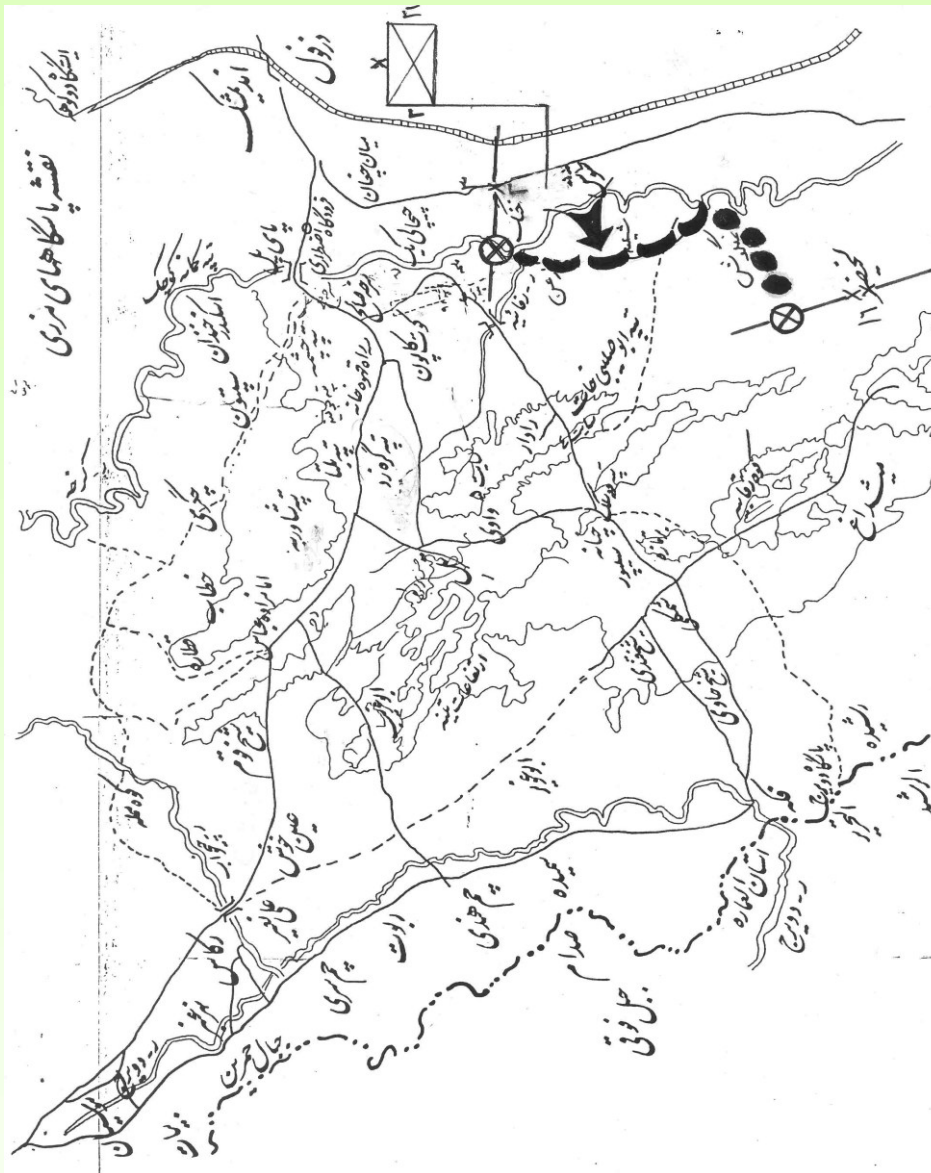
عملیات انگوش

همزمان با عملیات گسترده آفندی، در منطقه سوسنگرد تپه الله اکبر، ل کر 21 پیاده در راستای توسعه سر پل متصرفی توسط تپه 2 طرح عملیات انگوش را تهیه و برای اجرا به تپه 2 ابلاغ می‌نماید.

تپه 2 پیاده در مورخ 31/2/60 با استفاده از اصل غافلگیری ب سمت اهداف تعیین شد. تک می‌کند. نیروهای دشمن به استعداد یک گردان در روی هدف تعیین شده گسترش داشتند که توسط نیروهای تکور کشته و اسیر می‌گردند. در این عملیات نیز نیروهای عمل کننده، تعداد 126 نفر از نفرات دشمن را به اسارت در می‌آورند و هدف تعیین شده را تأمین می‌کنند.

با توسعه سر پل، تپه 2، گرانهای 169 141) پیاده را برای نگهداری سر پل به غرب رودخانه کرخه اعزام خط پدافندی ر در منطقه مربوط مستحکم می‌نماید.

بدین ترتیب، لشکر 21 حمزه با تصرف سر پلهای مناسب در مناطق عملیات تپه‌های 1 و 3 ضمن اجرای دیدبان خوب و در عمق از دشمن، کسب اطلاعات بیشتر و بهتر، قادر گردیده است برای اجرای عملیات تک، تسهیلات بهتری در آماده‌سازی نیروها داشته باشد، یا به وجود آورد. نقشه شماره 5)



نقشه شمار 5 - تصرف سرپل توسط تیپ 2 لشک 21





بخش دوم

انتصاب فرماندهان



تغییرات در فرماندهی

سقوط هوایمای حامل فرماندهان، در مراجعت از منطقه عملیاتی آبادار پس از انجام عملیات پیروزمند ثامن الائمه علیه السلام، و به شهادت رسیدن آنان سبب گردید که تغییراتی از نظر فرماندهی در سطح نیروی زمینی به وجود آید.

بنا به تصویب فرماندهی کل قوا، شهید سپهبد علی صیاد شیرازی که در آن سرهنگی داشت به سمت فرماندهی نیروی زمینی منصوب گردید. آن شهید بزرگوار، حسب تفویض اختیار، تغییراتی در سیستم فرماندهی یگانهای رزمی به وجود آورد.

من در شروع جنگ تحمیلی فرماندهی گردان 144 پیاده از لشکر 21 حمزه را بر عهده داشتم. گردان 144 در تاریخ 13/7/59 از تهران به منطقه دزفول نقل مکان داد. شد مدت 10 روز، تا تاریخ 23/7/59 در کنترل عملیاتی، تیپ 3 پیاده قرار گرفت. بر حسب مأموریت ابلاغی، از تاریخ 24/7/59 گردان 144 از کنترل عملیاتی تیپ 3 پیاده خارج و به منطقه آبادان اعزام گردید پس از رسیدن گردان به شهرستان ماهشهر تحت کنترل عملیاتی قرارگاه اروند که فرماندهی آن

... - کنترل عملیاتی: نوعی روابط فرماندهی در یک سازمان رزمی است. یگان به منظور انجام وظایف مختلف، واگذاری هدفها، ترکیب با یگانهای زیر دست و کمک در انجام مأموریت در اختیار یگان دیگر قرار گیرد.



20 شجاعان نبرد

را جناب سرهنگ حسن فروزان فرماندهی، ژاندارمری وقت بر عهده داشتند قرار گرفت و مأموریت‌های ارجاعی را انجام داد. در اواخر اسفند ماه قرار گاه اروند منحل و مسئولیت عملیاتی منطقه به فرماندهی لشکر 77 جناب سرهنگ سید شهاب الدین جوادی واگذار شد. گردان 144 تا تاریخ 15/4/60 در منطقه آبادان مأموریت عملیاتی را طبق دستورات ابلاغی از سوی لشکر 177 انجام داد، سپس بر اساس دستورالعمل صادره از نیروی زمینی به منطقه دزفول نقل مکان نمود و در اختیار لشکر 21 حمزه قرار گرفت. 1

پس از استقرار گردان در منطقه عمومی دزفول، به توجه به منطقه مسئولیت دافندی تیپ 2 لشکر و عملیات آینده گردان از زیر امر تیپ 3 رها و در کنترل عملیاتی تیپ 2 قرار گرفت.

فرماندهی تیپ 2 لشکر جناب سرهنگ محمود جعفری بر عهده داشتند پس از اینکه استقرار خاتمه یافت من را به حضور پذیرفتند. بعد از توجیه کلی منطقه در روی نقشه، در معیت ایشان برای شناسایی عملی به منطقه گسترش نیرو ای تیپ، به غرب رودخانه کرخه رفتیم پس از بازدید از خط، منطقه پدافندی گردان 144 را که در سمت چپ گردان 141 بود به من نشان دادند این منطقه شامل: منطقه شلش، تیپ 60 عباس سلطان بود

۱. شرح حوادث و خاطرات مأموریت این گردان در مدت اشاره شده به قلم نگارنده گردان 144 در نبرد آبادان « و پشتیبانی هیات معارف جنگ شهید سپهبد صیاد شیرازی توسط انشارات ایران سبز انتشار یافت است.



انتصاب فرماندهان / 21

یس از مراجعت از شناسایی، از طریق ستاد تیپ دستور العمل اشغال خط یدندی ابلاغ شد و گردان 144 پیاده با فراهم نمودن امکانات لازم برای سنگرسازی و تهیه استحکامات، مأموریت واگذاری را اجر کرد و خط پدافندی قرار گرفت.

روز چهاردهم مهر ماه، فرماندهی تیپ 2، جناب سرهنگ محمود جعفری من را به قرارگاه تیپ احضار نمودند. قرارگاه تیپ در غرب شهرستان شوش، به فاصله 2 کیلومتر از شهر واقع شده بود من به حضور ایشان رسیدم. یس از ادای احترام، از وضعیت استقرار گردان سؤال فرمودند، با عرض رسید هنوز استقرار تمام نشده است، تلاش می‌شود تا عصر کارهای ضروری برای پدافند از منطقه مسئولیت انجام یابد، بقیه موارد با فراهم شدن تسهیلات و وسائل سنگرکنی کامل تر خواهد شد. در مدت جا به جایی و استقرار هیچ گونه آسیبی به نیروها وارد نشده و گردان متحمل تلفاتی نگردیده است و این امر سبب خوشحالی من و فرمانده تیپ بود و ایشان ضمن تشکر فرمودند: از طریق ستاد لشکر پیامی واصل شده است مبنی بر اینکه فرد صبح شما در پادگان تیپ 2 زرهی دزفول باشید. احتمالاً مأموریت جدیدی به شما محول خواهد شد.

من از موضوع با اطلاع نبودم و از جهت هم نخواستیم سؤال کنم که این مأموریت چیست؟ ام پیش خود فکر می‌کرده ممکن است به گردان 144 مأموریت دیگری داده شود. اگر چه گردان هنوز در منطقه جدید استقرار کامل نیافته بود. به هر حال خودم را نتوانسته توجیه کنم. فقط گفتم: در صورتی که مأموریت



22 شجاعان نبرد

جدید به گردان داده شود و نیاز به جا به جا به جایه مجدد شد، در ساختن سنگرها راتب در نظر گرفته شود که مصالح زیاد مصرف نگردد و سنگرها به صورت تعجبی ساخته شود. ایشان فرمودند: احتمال دارد به شما مسئولیت جدیدی داده شود. گردان آمار خود را برای استقرار کامل د خط پدافندی ادامه دهد.

درجه من در آن موقع سرگرد بود و حداکثر شغل برای درجه سرگردی، فرماندهی گردان در نظر گرفته می‌شود. در آن شرایط فرماندهی گردان 144 برای من از سایر گردانها مناسب تر بود زیرا مدت یکسال به صورت شبانه روزی در پشت خاک یزها با تک تک نفرات انس گرفته بودم، بطوریکه کلیه سربازان مرا به عنوان یک برادر بزرگتر قبول داشتند و ارتباط عاطفی من با افراد عمیق تر از یک فرماندهی معمولی بود، زیرا برای بازدید از سنگرها خط پدافندی، صرف وقت برای آموزش گوش دادن به حرفهای رزمندگان و اقدامات برای رفع نواقص و معایب موجود زمان زیادی لازم داشت به طوریکه روزانه من هیچ وقت در سنگر فرماندهی نبودم و شبها کاری داشت گردان را انجام می‌دادم و تمام روز در داخل گروهان حضور داشتم. به همین جهت ابلاغ موضوع من را به فکر انداخت که برای عوض نشدن از فرماندهی گردان 144 باید دلایل معقولی داشته باشم.

با آمدن سایر فرماندهان گردانهای تیپ، جناب سرهنگ الیاس نیوشاهی و جناب سرهنگ مرتضی خسروی تاش، موضوع عوض شد. فرماندهی تیپ جلسه ستادی را که طبق روش هر روز تشکیل می‌داد اداره کردند، پس از خاتمه جلسه من نیز از چگونگی مأموریت جدید سؤال ننموده.



انتصاب فرماندهان / 23

بعد از مراجعت مدتی این موضوع فکر من را جلب کرده بود که این مأموریت چیست، در نهایت خود را ب دست سرنوشت سپردم و موضوع فراموش شد.

ساعت 9 صبح روز یازدهم مهر ماه در یادگان تپه 2 زرهی لشکر 29 حضور یافته. در آنجا تعدادی از افسران نیروی زمینی را که مشابه من، احضار شده بودند ماقات نموده. آنها هم هر کدام برای حضور خود در آنج حدس و گمانی داشتند. زیرا تا آن موقع ابلاغ مشاغل معمولاً به صورت فردی و کتبی از طریق سلسله مراتب فرماندهی صورت می گرفت و به صورت دسته جمعی، آن هم به آن تعداد تغییر شغل، تصور نبود.

ساعت 9 30 افسران حاضر، به زیرزمین بزرگی که در نزدیکی کارخانه لاد یک سازی ارتش بود، هدایت شدند. این محل آن موقع بنام قرارگاه مقدم نیروی زه نی در جنوب مورد استفاده قرار گرفته بود.

پس از آنکه در یک راهرو طولانی که ظاهراً به اطاقهای راست و چپ در دو طرف منتهی می شد تجمع یافتیم. اولین نفر جناب سرهنگ حسنی سعدی بود که به خدمت شهید بزرگوار صیاد شیرازی رسید. زیاد طول نکشید حدود 5 دقیقه بعد خارج شدند. حاضرین بلافاصله به دور او حلقه زدند و سؤالاتی داشتند مبنی بر اینکه موضوع چه بود؟ و به شمه چه مأموریتی داده شد؟

موضوع فور مشخص شد: آنهایی که در آنج حضور داشتند به شغل جدید گما ده خواهند شد. جناب سرهنگ حسنی سعدی نیز به فرماندهی لشکر 21



24 شجاعان نبرد

حمزه منصوب گردیده بودند. حاضرین به ایشان تبریک گفتند و در شغل دیدن آرزوی موفقیت نمودند.

من سومین نفری بوده که با خدمت فرماندهی نیروی زمینی رسیده. ایشان در اطاق کوچکی حدود 3 متر که به موکت ساده‌ای مفروش بود روی زمین نشسته بودند و تعدادی پوشه و پرونده در یک طرف اطاق روی هم قرار داشت. و یک جلد قرآن مقابل شهید بزرگوار صیاد شیرازی بود پس از ورود من به اطاق ایشان از جا برخاستند و با من دست دادند و پس از خوش آمدگویی و احوالپرسی مقابل هم نشستیم. در ابتدا یاد و نام خدا بر زبان جاری شد و پس از آن دعای فرج حضرت صاحب الزمان (عج) را به اتفاق خواندیم. در خاتمه دعا، ایشان آیه‌ای از قرآن را خواندند و بعد از آن رو به من کردند و فرمودند: «با اختیاراتی که از طرف فرقه دهی معظمه کل قوا به من تفویض گردید، است و به شناختی که من از شما داشته‌ام که در طول جنگ این شناخت به یقین تبدیل شده است، از امروز شما در سمت فرقه دهی تیپ 2 لشکر 21 حمزه منصوب می‌گردید. درجه سرگردی شما به سرهنگ دومی ارتقاء می‌یابد و این دستورات از طریق ستاد نیروی زمینی به صورت کتبی به لشکر ابلاغ می‌گردد. در خاتمه از درگاه خداوند متعال برای من در شغل جدید آرزوی موفقیت نموده و به من خداحافظی کردند.

پس از خروج از دفتر فرماندهی نیروی زمینی، افسران حاضر هر کدام سؤال‌ی مطرح کردند پس از اطلاع از موضوع شغل جدید را با من تبریک گفتند.



انتصاب فرماندهان / 25

ظواهر امر نشان می‌داد که فرمانده لشکر 21 و فرماندهان تیپ، فرمانده توپخانه لشکری و حتی فرمانده یشتیبانی لشکر تعویض گردیده و فرماندهان جدیدی جایگزین آنها شده‌اند. و این تغییرات در سطح سایر یگانهای نیروی زمینی نیز به وجود آمده است.

وضعیت شغلی مر مشخص شد اما سایر افسران هم بتدریج احضار می‌شدند و کم خود را دریافت می‌کردند. لازم بود برای اقدام بعدی، از جناب سرهنگ حسنی سعدی سؤال کنم. خدمت ایشان رسیده. فرمودند: تعدادی از افسران لشکر که مسئولیت جدید خواهند داشت هنوز به خدمت فرماندهی نیروی زمینی نرسیده‌اند، فعلاً تأمل کنید تا بقیه نیز احکام خود را دریافت نمایند آن گاه برنامه‌ریزی اعلام می‌گردد. حدود 2 ساعت طول کشید تا احکام کلیه افسرانی که در آنجا حاضر بودند صادر گردید.

جناب سرهنگ بهروز سلیمان‌جاه که قبلاً فرماندهی تیپ 1 لشکر را بر عهده داشت به سمت جانشین لشکر، جناب سرهنگ علی رزمی به سمت فرماندهی تیپ 1، جناب سرهنگ سعید پور داراب به سمت فرماندهی تیپ 3، جناب سرهنگ باقری به سمت فرماندهی توپخانه لشکر و جناب سرهنگ خواجه‌ئی به سمت فرماندهی پشته بانی منصوب گردیدند.

معمولاً مراسم معارفه فرماندهان جدید و قدردانی از فرماندهان قبلی در طول جنگ بسیار مختص است عناصری از ستاد یگان مربوطه و فرماندهان



26 شجاعان نبرد

یگانهای تابعه در محلی که تا حدودی از نظر خطرات هوایی تأمین باشد جمع می‌شوند و فرمانده بالاتر در یک زمان کوتاه این برنامه را اجرا می‌کند.

عصر همان روز، من در قرارگاه تیپ 2 واقع در غرب شهرستان شوش حضور یافتم عوامل ستادی، فرماندهان گردان، فرماندهان یگانهای مأمور به تیپ در محل حضور داشتند جناب سرهنگ حسین حسینی سعدی فرمانده لشکر 21 چند دقیقه بعد به قرارگاه وارد شدند.

از جناب سرهنگ محمود جعفری که تا آن مرحله جنگ زحمات زیادی بر متحمل شده بودند بویژه برای ایجاد سرپل و توسعه آن در غرب رودخانه کرخه، که امتاز بزرگی محسوب می‌شد به طوریکه یگانهای تیپ سینه به سینه در مقابل دشمن ایستادگی نموده و با عملیات جنگ سرنیزه و تن به تن دشمن را منهدم و یا سیر کرده بودند قدردانی به عمل آمد. من در سمت فرماندهی تیپ 2 با درجه سرهنگ دومی معرفی شده.

شب شام سربازی را در خدمت جناب سرهنگ جعفری بودیم و تا پاسی از شب گذشت، موقعیتی بود که من از آن استفاده نمودم. در مورد شناخت کارکنان - معی ستاد تیپ و قرارگاه و وضعیت گردانهای تابعه و موقعیت سایر یگانهای هم‌وار لشکر بحث شد. مناطق مورد تهدید دشمن، نقاط ضعف، گسترش در خط پدافندی اطلاعاتی و کسب نموده.



انتصاب فرماندهان / 27

صبح اول وقت جناب سرهنگ محمود جعفری پس از صرف صبحانه و خداحافظی از کارکنان ستاد و فرماندهان گردان از قرارگاه تیپ خارج شدند و عازم تهران گردیدند.

بازدید از ستاد تیپ و گروهان قرارگاه

معمولاً روش در سیستم فرماندهی یگانها بر این منوال است که فرمانده مسولیت دارد برای یگانهای جمعی برنامه هفتگی بر اساس موضوعات تعیین شده از راه بالاتر تهیه و لااقل یک هفته قبل از شروع کار به آنها ابلاغ نماید. در موقع جنگ تیمی در شرایطی که اتفاق خاص و یا مأموریت اضطراری پیش نمی‌آید، شبها پس از صرف شام فرمانده مسئول، سایر فرماندهان تابعه را احضار می‌کند و در جلسه‌ای که برقرار می‌گردد دو موضوع همواره مورد بحث قرار می‌گرفت: اول امور انجام شده در روز جاری؛ از نظر فعالیت نیروهای خودی و دشمن؛ دوم کارهایی که بایستی فردا صورت گیرد، بقیه موارد بحث آزاد بود. امکان گفت و شنود برای همه وجود داشت. برای بهتر انجام شدن مأموریت و یا پیشرفت کار نظراتی داده می‌شد و مورد مشورت قرار می‌گرفت. اما در شرایط اضطراری و یا واگذاری مأموریت خاص، در صورت نیاز بلافاصله جلسه ستادی تشکیل می‌شد.

از شب به علت اینکه من نسبت به برنامه‌های آتی توجیه نبودم و زمان نیز اجازه موضوع را نداد برنامه فردا برای عناصر ستادی مشخص نشد. برای آشنایی با کارکنان ستادی بازدید از وضعیت زیست و نحوه انجام امور ستادی، با جناب



28 شجاعان نبرد

سرهنگ یرویز دارالصفائی رئیس ستاد ابلاغ شد که بیش از ظهر جهت توجه بیشتر با امور ستادی و آشنایی با کارکنان ستاد تیپ بازدید ستادی خواهی داشت و به رکن سوه که مسئولیت آن را جناب سرهنگ فراهانی بر عهده داشت ابلاغ گردید، بعد از ظهر، بازدید از گروهان قرارگاه و دسته پدافند هوایی مأمور به تیپ را در برنامه کاری قرار داد و به فرماندهان مربوطه ابلاغ نماید.

پس از صرف صبحانه و خداحافظی جناب سرهنگ جعفری، به اتفاق رئیس ستاد تیپ جهت بازدید از عوامل ستادی رفتی.

کارکنان ستاد در پناه دو رشته خاکریز، که هر کدام به طول 30. 25 متر احداث گردیده بود استقرار داشتند. سنگرهای استراحت جدا از سنگرهای کار بود - ماکریزها 15. 20 متر از یکدیگر فاصله داشتند. پراکندگی سنگرها طوری بود که مبارزان هوایی و اصابت گلوله توپخانه دشمن در هر صورت به بیش از یک سنگر، آسیب نمی‌رساند.

در بازدیدی که از عوامل ستادی به عمل آمد مشاهده گردید رکن سوه تیپ از لحاظ سازمان تا حدودی تکمیل است اما ارکان 2، 4 کمبود نیرو داشتند و سرپرست آنها از درجه‌داران خوب مانند استوار طاهری و استوار اکبری تعیین گردیده بود. رئیس رکن سوه تیپ جناب سرهنگ مشهدی فراهانی بود که بسیار افسر رتلاش و صادقی به نظر می‌رسید. رکن دوم لازم بود تقویت گردد؛ چون دریافت اطلاعات از دشمن در تصمیم‌گیری فرماندهی در منطقه عملیات نقش تعیین‌کننده دارد.



انتصاب فرماندهان 29

بعد از ظهر همان روز از گروهان قرارگاه تیپ و دسته مخابرات باز دید شد فرمانده گروهان قرارگاه ستوان یکم محمد رضائی بودند و ستوان دوم حسین خنجری مسئولیت دسته مخابرات را بر عهده داشتند در گروهان قرار مشکلی وجود نداشت و دسته مخابرات ارتباط با سیم و بیسیم و تله تایپ را با گردانهای تحت امر و لشکر برقرار نموده بود و تیپ قادر بود در هر لحظه با گردانهای تابعه و لشکر ارتباط مطمئنی داشته باشد.

یکدسته پدافند هوایی شامل 4 قبضه توپ 23مم مسئولیت پدافند هوایی قرارگاه تیپ را در مقابل حملات هوایی دشمن برعهده داشت. از آمادگی آنها نیز برای اجرای مأموریت بازدید شد و جهت اطمینان از آموزش خدمه، سؤالاتی درباره اجرای مأموریت از خدمه‌های مربوطه پرسیده شد و هر قبضه بنا به دستور یک الی و رگبا 6 5 تیری تیراندازی کردند.



بخش سوم

بازدید از آمادگی نیروها



بازدید از خط پدافندی

فرماندهی تیپ آن موقع جانشینی نداشت و رئیس ستاد تیپ جناب سرهنگ پرویز دارالصفائی، امور مربوطه را انجام می‌داد. در ساعت 3 شب فرمانده گروهان قرارگاه و رؤسای ارکان ستاد تیپ در سنگر فرماندهی به اتفاق رئیس ستاد حضور یافتند و جلسه‌ای تشکیل گردید. در این جلسه خط مشی کلی در امور ستادی با توجه به بازدید به عمل آمده ابلاغ شد. نکات قابل توجه تأکید گردید. برنامه روز بعد نیز مشخص و اعلام شد. تصمیم بر این قرار گرفت: جناب سرهنگ فراهانی و سرست رکن دوم استوار رضا فرهادی و من برای بازدید از گردانهای خط پدافندی به ح زو حرکت کنیم و رئیس ستاد و سایر عوامل، امور جاری را انجام دهند.

گردانهای 169 و 141 و 144 پیاده در خط پدافندی استقرار داشتند. برای دسترسی به نیروها بایستی از رودخانه کرخه عبور می‌کردیم. در آن موقع از صل سال، آب رودخانه زیاد نبود اما عبور از آن، بدون برقراری پل و یا با قایق امکان نداشت. در ابتدا که نیروهای کمتری در غرب رودخانه برای شناسایی تردد داشتند برای عبور از قایق استفاده می‌نمودند. اما بتدریج که در غرب رودخانه سرپل، ایجاد گردید مسیر سرپل توسعه داده شده بود لشکر از طریق گروه مهندسی و رداژ پل نیروی زمینی اقدام به زدن پل از نوع M 4 T6 نموده بود. مضاف بر اینکه 2 دستگاه قایق بطور دائم در کنار پل آماده برای تردد حضور داشتند.



34 شجاعان نبرد

پس از اقامه نماز صبح، عناصر تعیین شده از قرارگاه با سمت محل حرکت کریمه. پس از عبور از رودخانه در جاده خاکی و باریکی که در اثر رفت و آمد نیروها ایجاد شده بود به سمت گردان 169 ادامه مسیر داد، شد.

مسیر حرکت به ج 2 مورد که به علت شرایط زمین در دید دشمن قرار می گرفت امن بود و در گذر از آن در محل نیز به علت اینکه صبح زود بود و دیده بانان عال نبودند اتفاقی نیفتاد.

فرمانده گردان 169 جناب سرهنگ الیاس نیوشاهی بودند محل استقرار گردان در راست منطقه مسئولیت تپ بود. همان محلی بود که این گردان به جنگ نزدیک و تن به تن دشمن ر کشته و یا اسیر نموده بود و به عقب راندن باقیمانده محل استقرار آنها را اشتغال خط پدافندی تشکیل داده بود.

در قسمت شمالی و راست خط پدافندی گردان، رودخانه رفائیه قرار داشت دشمن از این محل به رودخانه کرخه بسیار نزدیک بود و تردد در ساحل خودی را زیر نظر داشت و اجرای آتش می نمود. در منتهی الیه راست منطقه گردان تپ کوچکی بود. در طرفین این تپه نیروهای خودی و دشمن هر دو استقرار داشتند. نزدیک بودن نیروها در حدی بود که سنگرهای جلو در برد نارنجک دستی، یعنی به فاصله 20 تا 25 متر بود و سربازی که در سنگر قرار می گرفت از طریق کانال رابط رفت و آمد دست در صورتی که دیده می شد بلافاصله طرف مقابل قادر بود بوسیله نارنجک دستی او را از بین ببرد. معمولاً حضور در این سنگرها در شب امکان داشت.



بازدید از آمادگی نیروها / 35

با ورود ما به منطقه گردان 169، جناب سرهنگ نیوشاهی به ما ملحق شدند، در ابتدا در ستاد گردان به وسیله نقش وضعیت^۱، ما نسبت به خط پدندی و نحوه استقرار نیروها توجیه نمودند. پس از خاتمه توجیه ستادی، به اتفاق با سمت خط گسترش نیروها حرکت کردیم. تصمیم بر این شد که بازدید از شمال و راست منطقه پدافندی گردان انجام شود. یعنی همان محل که بیشتر با دشمن نزدیک بود جناب سرهنگ نیوشاهی توصیه نمودند که بهتر است با حداقل نفرات این بازدید صورت گیرد چون احتمال تیراندازی از سوی دشمن زیاد است.

پس از حرکت از محل سنگر فرماندهی گردان حدود 2 کیلومتر در ساحل غربی رودخانه کرخه، به جلو رفتیم. در نقطه‌ای که در پناه ارتفاع ساحل رودخانه قرار داشت، خودروها را متوقف نمودیم.

راننده‌ها و بی‌سید چه من و فرمانده گردان، رؤسای رکن سوم تیپ و گردان در محل باقی ماندند من و جناب سرهنگ نیوشاهی و استوار مسلمی از رکن سوه گردان 169 پیاده به سمت خط جلو حرکت کردیم. تیه ماهورهای کوچکی با ایجاد خط و کانال، توسط نیروهای رزمنده اشغال شده بود. بالای تیه سنگرهای دیده‌بانی و پدافندی ایجاد شده بود. سنگرهای استراحت در پایین و دامنه تیه ساخته شده بود که هر کدام از این سنگرها 1- 3 نفر را برای استراحت در خود جا می‌داد

۱- نقشه وضعیت: نقشه‌ای است که بطور ترسیمی، وضعیتهای تاکتیکی، پشتیبانی سرویس رزمی را همانطوری که عملاً در روی زمین در زمان معینی وجود دارد نشان می‌دهد.



36 شجاعان نبرد

در موقع ورود ما به منطقه، به نظر می‌رسید وضعیت آراد است و صدای تیراندازی به گوش نمی‌رسید ده دقیقه از ورود ما به منطقه سیری شد و ما با تعدادی از سربازان احوالپرسی کرده و سؤالاتی از آنها در مورد وضعیت بهداشت، غذا، فعالیت دشمن، امکانات تردد مرخصی و ... نمودیم از سوی نیروهای خودی تعدادی گلوله خمپاره با طرف نیروهای دشمن شلیک شد. فرماندهی گردان اظهار نمودند حتماً دیدن آن در خط فعالیت دشمن را مشاهده کرده و درخواست آتش نموده‌اند. چند دقیقه بعد دشمن نیز شروع به تیراندازی با سمت نیروهای خودی کرد و طولی نکشید که هر دو طرف با شدت درگیر شدند. ما خود را به سنگرهای حفر شده از قبل که توسط سربازان اشغال شده بود رساندیم و در پناه سنگر نشستیم. این نوع سنگر مخصوص استراحت سربازان بود. در شیب تپه خاکی، که از طرف دشمن دیده نمی‌شد، جاد گردیده بود. دیوار جلو سنگر بوسیله گونیهای پیر از خاک چیده شده بود و در دیواره‌های پشت و پهلوها به علت اینکه در شیب زمین خاکبرداری شده بود، یزی قرار نداشت سقف سنگر به وسیله ورق آهنی و نایلون پوشیده بود و از وسط نیز یک میله آهنی برای نگهداری ورق‌ها قرار داشت روی ورقهای آهنی و نایلون خاک ریخته بودند و قطر خاک در سقف سنگر به 30 سانتی متر می‌رسید. سربازان من را نمی‌شناختند اما فرمانده گردان برای آنها آشنا بود چون هر دو درجه سرهنگ داشتیم. معمولاً آنچه را که توضیح می‌دادند به فرمانده گردان توضیح می‌دادند. جناب سرهنگ نیوشاهی من را به سربازان سنگر معرفی نمودند و آنها مطلع شدند که من فرمانده جدید تپه هستم.



بازدید از آمادگی نیروها / 37

هدف از بازدید آن روز آشنایی من به وضع موجود بود. یعنی من می‌خواسته وضعیت قرار گرفتن دشمن در جبهه مقابل و وضعیت استقرار نیروهای خودی و شرایط منطقه پدافندی، فعالیت طرفین، روحیه نیروهای گسترش یافته خط و مکانات و تسهیلات موجود برای رزمندگان را ببینم و اطلاع داشته باشم. بنابراین لازم بود که سرتاسر خط پدافندی را پیاده کنم و سؤالاتی نیز از سربازان و فرماندهان مربوطه داشته باشم و این حضور لااقل 3 ساعت طول می‌کشید. در صورتی که انفجارات گلوله‌های پرتاب شده توسط دشمن ما را متوقف نمی‌نمود کار ما آنروز تمام می‌شد.

پس از چند دقیقه توقف، به فرمانده گردان گفتم بروید. یکی از سربازان به فرمانده تیم بود اظهار داشت: در این محدوده دو نوع گلوله منفجر می‌شود که هر دو نوع با خط مسیر منحنی می‌باشند. یک نوع گلوله‌های توپ و یا خمپاره اندک 120 م است که قبل از اصابت صغیر آنها برای تشخیص مشخص است و ما می‌توانیم خود را به نزدیکترین گودی برسانیم یا زمین گیر شویم و دراز بکشیم، در این صورت ترکش گوله به ما اصابت نمی‌کند. اما نوع دوم که از مسافت نزدیک توسط خمپاره اندازه‌های 6 م پرتاب می‌گردد هیچ گونه صدایی ندارد؛ غافلگیرانه منفجر می‌گردد و همین نوع انفجارات است که روزانه تعدادی از سربازان را مجروح می‌کند و یا اگر ترکش جای حساس اصابت کند منجر به شهادت آنها می‌گردد.



38 شجاعان نبرد

من آن موقع اسم آن سرباز را سؤال نکردم. توضیحات وی تجربه خوبی بود و من تا آن موقع موضوع را با این شفافیت متوجه نشده بودم. این نکته آموزش توأم عمل بود و هیچ وقت فراموش نمی‌شود.

ده دقیقه از حضور ما در آن سنگر می‌گذشت و توضیحات فرمانده تیم نیز چند دقیقه ای طول کشید. صدای انفجارات کم شد و ما برای رفتن به سنگرهای جلو راهی شدیم. مسیرهای حرکت با ایجاد کانال رابده مشخص بود. یعنی سربازان برای رفتن به سنگرهای جلو، برای هر گروه یک کانال ایجاد کرده بودند، عرض کانال 60 سانتی‌متر و عمق آن با 70 تا 90 سانتی‌متر بستگی به موقعیت زمین (می‌دید استفاده از مسیر تعیین شده برای سربازان عادت شده بود. چون با محض شنیدن صفیر گلوله در داخل کانال دراز می‌کشیدند و نود درصد از آسیب پذیری در مان بودند فقط در صورتی آسیب می‌دیدند که گلوله بطور مستقیم در نقطه تردد منفجر می‌گردید.

سرکار استوار یکم مسلمی جلوتر از ما حرکت می‌کرد و ما پشت سر ایشان و دیریس از طی مسافتی حدود 500 متر به دامنه تپه‌خاکی کوچکی رسیدیم، در یک نقطه مناسب که دید نسبتاً خوبی به اطراف داشت متوقف شدیم. فرمانده گردان از آنجا نحوه درگیر شدن نیروهای خودی با دشمن، و چگونه جنگیدن رزمندگان را شرح دادند. آثار به جای مانده از دشمن، شامل سنگرهای جلو و تجهیزات منهدم شده، خود گویای شهامت و شجاعت و ایثارگریهای فراوان آنها بود.



بازدید از آمادگی نیروها / 39

دشمن عقب‌تر رفته بود و از آنجا ما قادر به دیدن آنها نبودیم و وضعیت زمین طوری بود که قسمتی از خط پدافندی نیروها جلوتر از قسمت دیگر که در سمت چپ قرار گرفته بودند واقع شده بود، یعنی در آن نقطه خط پدافندی شکسته شده بود و تیه مورد نظر به علت شرایط حساس دیده بان حدود 50 تا 60 متر جلوتر بود. از سمت چپ با فاصله 300 الی 400 متر دشمن روی مسیر دید داشت. بنا به توصیه فرہ نده گردان از اینجا به بعد لازم بود کاملاً پوشیده به جلو رفت، یعنی فقط نیم خیز و یا نشسته، در داخل کانال امکان پیشروی بدون خطر میسر بود. در بعضی جاها مق کانال ایجاد شده به 120 سانتی متر می‌رسید و کافی بود فقط سر را خم کرد و مشکل آن چنان وجود نداشت.

بالأخره با رعایت اصول نظامی تا سنگرهای جلو رفتیم. در پشت سنگرهای جلو نیز سربازان کانال رابطی به موزان خط پدافندی ایجاد کرده بودند و برای دیده نشدن از سوی دشمن هر چند متری به کانال انحنای داده بودند، در نتیجه بازدید ما از سنگر با استفاده از آن صورت گرفت. فرمانده گردان اظهار داشت این اقدامات پس از صرف این تیه در شب انجام شده است و روز امکان تحرک وجود ندارد.

البته تا رسیدن ما به خط جلو تیراندازی به صورت پراکنده وجود داشت اما بیراندازی نشان شده به روی ما انجام نشد.

وضعیت به نحوی بود که در رأس ارتفاع نیرویی از طرفین حضور نداشت. اما طرز قرار گرفتن سنگرها، در شیب نیروهای خودی، در ضد شیب 1 نیروهای دشمن

- نسبت بالا رفتن یا پایین آمدن زمین را شیب گویند. در صورتی که نیروهای نظامی در سربالایی استقرار یابند

شیب و در حالتی که نیروها در سرازیری به سمت دشمن مستقر شوند شیب گویند





طوری بود که بسیار نزدیک بودند، صدای سربازان، جا به جایی، تجهیزات شیده می‌شد. فرماندهی گردان نقطه‌ای ر روی تپه نشان داد و اظهار نمود: شب پیش 3 نفر از عناصر دشمن تا آنجا آمده بودند که با پرتاب نارنجک دستی و انفجار ن. سریع منطقه ر ترک نمودند. آثار خون به جا مانده. مؤید مجروح شدن آنها می‌باشد.

روحیه سربازان خوب بود. گر چه نزدیکی به دشمن سبب می‌گردید که روزانه با رعایت تمام دستورات و پیش بینی‌های لازم حرکات دشمن را زیر نظر بگیرد و فعالیت آنها را با دیده‌بانی و اجرای دقیق آتش خنثی نمایند. اما بهایی نیز می‌پرداختند. تعداد مجروحین در این قسمت کا یگ گروهان استقرار داشت از سایر قسمت‌ها بیشتر بود. از جهتی چون ضایعات و تلفات وارده با دشمن ر می دیدند و این امر نشان از اجرای مأموریت داشت خوشحال می‌شدند.

آن موقع کمک‌های مردمی توسط تعدادی افراد نیکوکار برای رزمندگان به منطقه ارسال می‌گردید و بین یگانها توزیع می‌شد. معمولاً یگان در خط که در وضعیت مشکلی قرار داشت از این نوع کمک‌ها بیشتر استفاده می‌کرد مضاف بر آنکه یگان در خط که آسیب‌پذیری بیشتری داشت پس از مدت کوتاهی تعویض می‌شد و مه این اقدامات سبب می‌گردید که روحیه نیروه تقویت گردد.

پس از خاتمه بازدید حساسیت آن تپه کوچک، کاما مشخص شد اهمیت در دست داشتن آن قسمت که در ایجاد سر پل در غرب رودخانه کرخه و جنوب رودخانه رفائیه قرار داشت بیش از حد توصیف بود.



از دید از آمادگی نیروها / 41

به ج یک گروهان از گرداز 169 که در شمال خط پدافندی مشرف به آبادی زعن، در تماس بسیار نزدیک با دشمن بود، سه گروهان دیگر شرایط بهتری داشتند و دشمن روی آنها دیده‌بانی نزدیک نداشت به علت تپه و ماهور بودن منطقه تدد با خطرپذیری کمتری همراه بود.

در برگشت همان مسیری که در موقع رفتن استفاده شده بود انتخاب گردید. زیرا بنا به اظهار فرمانده گروهان حرکت در آن مسیر خطر کمتری داشت.

در نیمه راه، با جناب سرهنگ فراهانی رئیس رکن سوم تیپ و مسئول رکن دوم گردان برخورد کردیم چون آنها نیز پشت سر، یک فاصله زمانی به جلو آمده بودند و هر کدام نسبت به وظایف محوله، در قسمتی از نیروهای گسترش یافته م غول بازدید بودند.

بازدید ادامه داشت ابتدا از گروهانهای پیاده که در خط جلو بودند بازدید شد. به علت اینکه خط پدافندی در منطقه مسئولیت سایر یگانها فاصله بیشتری به دشمن داشت سرعت کار زیاد شد و ت ظهر خاتمه یافت.

بطور کلی خط پدافندی گرداز 169، از لحاظ گسترش و وضعیت زمین خوب بود سنگرهای ایجاد شده، استحکام خوبی داشتند و در جاهایی که حضور نیروها و تردد آنها در زیر دید دشمن قرار داشت با حفر زمین و یا زدن خاکریز، اثرات گوله باران را به حداقل کاهش داده بودند. فرماندهان در هر رده‌ای، گروهان، دسته، گروه دارای روحیه خوبی بودند و این اطمینان وجود داشت که هر گونه حرکت دشمن به جلو منجر به نابودی او خواهد شد.



دسته‌های یشتیبانه شامل خمپاره‌اندازه‌های 120 مم، موشک‌اندازه‌های 107 مم که با اجرای آتش، نیروهای د خط را یشتیبانه می‌نمودند، با فاصله‌ای حدود 2 کیلومتر عقب‌تر از خط جلو استقرار داشتند و در برگشت از آنها نیز بازدید شد. وضعیت خدمه حاضر به کاری سلاحها خوب بود. آموزش عالی بود و از نظر مهمات و وسائل خودرویی کمبودی نداشتند. معمولاً دسته‌های یشتیبانه به علت شرایط آموریت، کمتر از یگانهای در خط در زیر آتش قرار دارند. در صورتی که به وسیله دشمن محل استقرار آنها مشخص شود آتشفای نشان شده و ی ثابت شده بر روی مواج آنها اجر می‌گردد. در این صورت است خطراتی متوجه آنها می‌شود و لازه است سریع تغییر مکان دهند.

ترکیب و بافت زمین در منطقه عمومی دزفول، شوش، همانند منطقه آبادان بود. زیرا وجود شیارها و تپه ماهور بودن زمین، سبب می‌گردید که از خاکریز که ر استفاده شود. مواردی که خاکریز زده می‌شد در جاهائی بود که دشمن به علت شرایط زمین دید مستقیم بر فعالیت نیروه داشت. سنگرهای دیده‌بان و دافندی در خط جلو ب‌کندن زمین ایجاد شده بود و در بعضی موارد سقف بسیار کوچکی که از سطح زمین 0 تا 20 سانتی متر بیشتر ارتفاع نداشت برای جلوگیری از شش گلوله برای این نوع سنگر ساخته شده بود.

سنگرهای استراحت رزمندگان، در پناه ارتفاعات و یا خاکریز، همانند منطقه آبادان با استفاده از وسائل سنگری ساخته شده بود. این وسایل شامل گونی، تراورس، ورقه آهنی، و نایلون بود. ب توجه به اینکه مدتی از استقرار نیروهای گردان



بازدید از آمادگی نیروها / 43

می‌گذشت و از جهتی، پشتیبانی لشکر خوب بود مشکلی در اسقرار نیروها وجود نداشت.

گردان 141 پیاده در سمت چپ گردان 169 خط یدافندی داشت تصمیم بر این شد که با فرماندهی گردان 169 خداحافظی نمائیم و به گردان 141 برویم. به اتفاق رئیس رکن سوم و سرپرست رکن دوم با سمت سنگر فرماندهی گردان، روان ناد شهید سرهنگ دود مرتضی خسرو تاش حرکت کردیم¹

ساعت 2 بعد از ظهر را نشان می‌داد به ستاد گردان 141 پیاده رسیدیم. فرمانده گردان منتظر بودند، ما را در ابتدا به سنگر عملیات هدایت نمودند.

سنگرهای ستاد گردانها معمولاً در پناه پوشش ارتفاع مناسب ساخته می‌شود و تعداد آنها به بیش از 5؛ 6 سنگر نمی‌رسد. در این نوع سنگرها محل کار و استراحت کی است و به علت اینکه به خط جلو نزدیک هستند تمام موارد تاکتیکی در دست آنها رعایت می‌شود. حدود یک متر زمین به ابعاد 2 حفر می‌گردد 80 الی 90 سانتی متر دیوار چینی روی زمین به وسیله گونی پر از خاک یا بلوک‌های سیمانی صورت می‌گیرد. برای پوشش سقف این نوع سنگرها به علت وسعت نسبتاً زیاد لازم است از تیرهای آهنی و یا تراورس استفاده گردد و ارتفاع خاکریز روی سقف باشد از 50 سانتی متر باشد تا در مقابل ترکش توپ و حتی بعضی انفجارات در روی آن آسیب پذیر نباشند

1 - سرهنگ دوم مرتضی خسرو تاش در آخرین روز عملیات بیت المقدس 3/3/61 در حالی که شهر خرمشهر آزاد

می‌شد به جمع شهدای عزیز پیوست



یس از ورود به سنگر عملیات افسر رکن سوم گردان، جناب سروان برزگر، روی قشه گسترش نیروهای گردان، توضیح دادند. یک گروهان از گردان‌های امداد ژاندار، ی نیز در کنترل عملیاتی این گردان قرار گرفته بود. رکن دوم گردان نیز گترش و فعالیت دشمن را در مقابل نیروهای خودی شرح دادند. فرمانده گردان در مورد استعداد نیروهای در خط و امکانات و تجهیزات موجود و نحوه پشتیبانی لشکر را توضیح دادند. گردان مشکل خاصی نداشت. به علت شرایط مناسب قرار گرفتن در خط پدافندی از آرامش بهتری برخوردار بود.

یس از خاتمه توجیه عملیاتی، به اتفاق به سنگر فرماندهی گردان رفتیم. نماز اقامه شد، البته فرمانده گردان و سایر عناصر حاضر نماز را به موقع اقامه نموده بودند. متأسفانه ما نماز را به موقع نخوانده بودیم. ناهار حاضر بود چون قبلاً از طریق جناب سرهنگ فراهانی به گردان 141 اطلاع داده شده بود که ناهار در آنجا صرف می‌شود. غذای چلوخورشت قرمه سبزی و از همان نوع غذایی بود که سربازان صرف کرده بودند. بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی، نوع غذا در سطح ارتش برای همه یکسان شد و در صورتی که قبل از انقلاب بین غذای سربازان و کارکنان استخدامی تفاوت وجود داشت.

یس از صرف غذا، برای بازدید خط پدافندی حرکت کردیم. وجود ارتفاعات موازی نسبت به جبهه دشمن در منطقه گردان سبب گردید تا برای رسیدن به خط جلو با خودرو حرکت کنیم. در مواضع خمپاره‌اندازهای 81 م گروهان یکم از خودروها پیاده شدیم دسته ادوات گروهانهای پیاده پشتیبانی آتش نیروهای در



بازدید از آمادگی نیروها / 45

خط گروهانها را تأمین می‌کنند. در این دسته علاوه بر 3 قبضه خمپاره اندک 81 م دو قبضه تفنگ 106 م نیز وجود دارد. گلوله تفنگ‌های 106 م چون دارای خط سیر مستقیم، ضد ادوات زرهی می‌باشند معمولاً در خط جلو به کار گرفته می‌شوند. خمپاره اندازه‌ها دارای تیر منحنی هستند و به همین جهت در پشت ارتفاعات نسبت به برد گلوله استقرار می‌یابند. دیده‌بان به گروهانهای جلو اعزام می‌گردند. سافت و زاویه اهداف مورد نظر توسط دیده‌بان به محاسبین هدایت آتش اعلام می‌گردد. محاسبین پس از استفاده از یلاتینگ برد، درجه و مسافت هدف را به فرمانده قبضه‌ها اعلام می‌کنند و خمپاره اندازه‌ها براساس اطلاعات داده شده تیراندازی می‌کنند. دیده‌بانان موظفند در صورتی که گلوله به هدف اصابت نمودن تحیح تیر بدهند تا محاسبین درجه و مسافت جدید را به اطلاع فرمانده قبضه برسانند و تیراندازی مجدد انجام شود و این امر معمولاً 3 بار ممکن است تکرار شود و گلوله سوم به هدف اصابت می‌نماید. بازدید از موضع صورت گرفت وضعیت آموزش مهمات و سلاح خوب بود.

مهمات همراهی قبضه‌های خمپاره اندازه در یک سنگری که روی آن باز بود روی هم چیده شده بود که زیرچینی! نداشت و سنگر نیز دارای سقف نبود

- یلاتینگ برد صفحه ای است مدور، شفاف، شیری رنگ که در روی یک صفحه ای از نوع پلاستیک با یک محور متحرک سوار شده و برای محاسبات به بردو سمت و تعیین عناصر تیر و همچنین تصحیح تیر در تیراندازی توپخانه و خمپاره اندازه بکار می‌رود.

زیر چینی مهمات: عبارت از ایجاد زمینه برای مهمات بطوریکه لاقط جعبه‌های مهمات 20 سانتی متر از کف زمین بالاتر قرار گیرند. در صورت بارندگی رطوبت آب باران به جعبه مهمات آسیب نرساند.



تذکر داد، شد که مهمات هر قبضه را جداگانه به فاصله 20 متر در سنگر سقف دار انبار کنند در صورتی که امکان ایجاد سقف سنگر بعلت نداشتن وسایل، نگرانی فعلاً میسر نیست مهمات را بعد از زیر چینی در داخل سنگر قرار دهند و مطمئن باشند در صورت بارندگی آب از یک طرف سنگر خارج می‌شود.

خودروها در موضع خمپاره‌اندازه‌ها ماندند و ما به اتفاق فرمانده گردان و رئیس رکن سوه گردان به جمل حرکت کردیم.

گسترش نیروها در روی ارتفاعات و خط الرأس نظامی بود. بین نیروهای خودی و دشمن حدود 2 کیلومتر فاصله داشت و در این فاصله هر دو نیرو و به منطه دید و تیر مستقیم داشتند. حرکت، از طرف شیب ارتفاعات به جلو بود تا رسیدن به سنگرهای جلو، دشمن متوجه حضور ما نشد و تیراندازی صورت نگرفت. وضعیت نسبتاً آرام بود گاهی گلوله‌های توپ پرتابی از سوی دشمن در پشت ارتفاعات صدای انفجاری را با گوش می‌رسانید.

باز دیدار سمت راست که گروهان یکم استقرار داشت شروع شد. فرماندهان گروهان در صورتی که مرخصی نبودند در موقع بازدید رده بالاتر حتماً حضور داشتند. فرمانده گروهان یکم ستوانیکه کامران معینی در خط حضور داشت.

وضعیت استقرار نیروها خوب بود نسبت به آرامش نسبی منطقه و زمانی که استقرار یافته بودند اقدامات خوبی انجام داده بودند، بطوریکه سنگرها از نظر

خط الرأس نظامی خطی است پایین‌تر از خط الرأس جغرافیایی روی شیب با طرف دشمن که تردد نیروها در سمت خودی از طرف دشمن دیده نمی‌شود. زیرا به اندازه قد نفرات خط الرأس مذکور پایین‌تر قرار گرفته است.



بازدید از آمادگی نیروها / 47

ساخت کامل بودند و کانالهای رابط طولی و عرضی برای تردد افراد به سنگرها کنده شده بود. اشکالی که به نظر می‌رسید و تقریباً این موضوع عمومیت داشت صل استتار و اختفاء بود. 1.

به فرماندهان موضوع و اهمیت آن عنوان شد. البته اجرای این امر نیاز به طور استتار برای سلاحها و خودر داشت که موجودی کفاف نیازمندی را نمی‌کرد. لیکن قیمت عمده استتار از لحاظ سنگر و کانالهای تردد با رعایت آموزشهای داده شده قابل اجرا بود.

در سمت چپ گروهان یکم گردان 141 یک گروهان از گردان امداد ژاندارمری استقرار یافته بود که تحت کنترل عملیاتی گردان قرار داشت. این گروهان وی ارتفاع کوچکی ک 150 . 200 متر طول داشت خط پدافندی اشغال نموده بود و به آن ارتفاع 60 می‌گفتند. در بررسی روی نقشه، ارتفاع 60 در آن محل وجود نداشت. چگونگی از فرمانده گردان سؤال شد. ایشان اظهار داشتند « این عدد را کارکن ژاندارمری مصطلح نموده اند و عدد 60 رقم فوق العاده جنگی آنان در یک ماده می‌باشد ». کارکنان ارتش که پیمانیه هستند روزانه 108 تومان فوق العاده دریافت می‌کنند اما ژاندارمری به نیروهای خود روزانه 60 تومان فوق العاده پرداخت می‌کند چون شرایط و منطقه برای هر دو نیرو یکسان است، به عنوان اعتراض عنوان می‌شود

1 - استتار: هم‌رنگ کردن محیط، بطوریکه بافت زمین بهم نخورد. اختفاء: پوشش به طوریکه در اثر دید زنی و هوایی دشمن حضور و حرکت دیده نشود.



یس از برگشت از بازدید موضوع بررسی شد. قانون پرداخت فوق العاده برای ارباب استخدامی ژاندارمری که محل خدمتی آنان در خارج از شهر و یا در پاسگاهها بود، همان مبلغ تعیین گردیده بود. زیرا آنان مزایایی اضافه بر حقوق دریافتی بهت خدمت در خارج از شهرستانها و یا پاسگاهها دریافت می نمودند و همین امر سبب می گردید که فوق العاده جنگی آنان کمتر از ارتش باشد.

وضعیت خط پدافندی گروهان ژاندارمری بسیار خوب بود و تعداد درجه داران این گروهان تقریباً دو برابر یگانهای ارتش بود. سایر گردانهای د. خط گردان 141 که در سمت چپ نیروهای ژاندارمری استقرار داشتند در همان بعد از ظهر بازدید شد. در مجموع گردان توانسته بود خط پدافندی ر مستحکم نماید و اقدامات مناسبی در جهت کنترل تردد و فعالیت دیده بانان و اجرای آتش های در خواستی کرده بود. بطوریکه دیده بانان به منطقه مسئولیت خود کاملاً تسلط داشتند هر کدام دارای طرح منظر از منطقه دشمن بودند و فعالیت های دشمن را در دفتر مربوطه یادداشت موده بودند.

بازدید از گردان 141 تا غروب به طول انجامید. هنگام غروب به ستاد تیپ برگشته کارهای اداری را رئیس ستاد تیپ جناب سرهنگ پرویز دارالصفائی، انجام داده بود. موارد مهم را که نیاز به تصمیم گیری و یا درخواست از رده بالاتر داشت

- طرح منظر: کروکمی ترسیه شده از نقطه توسط دیده بان است که در آن محل حضور دشمن، و استقرار سا حها، ثبت می گردد و به ترتیب این نقاط به صورت اهداف شماره گذاری می شود. این موارد به صورت آدرس اهداف بین دیده بان و محاسبین در گروهان، و مرکز هدایت آتش د. سطح گردان عنوان می گردد. تصحیحات تیر را دیده بانها با همین شماره گذاری اعلام می کنند.



بازدید از آمادگی نیروها / 49

پیش من آوردند. هنوز جانشین فرماندهی تیپ معرفی نشده بود و این امر ، ب می‌گردید که رئیس ستاد کارهای او را نیز انجام دهد.

بعداً صرف شام امور ستادی بررسی شد و اقدامات صورت گرفت.

اولین شب بود که عناصر ستادی برای بررسی اقدامات جاری و تعیین برنامه‌های آینده در دفتر من که یک سنگر نسبتاً بزرگ بود دور هم جمع شدیم. ریاست ستاد شروع جلسه را ساعت ۱ شب ابلاغ نموده بود. در زمان تعیین شده مسئولین و اعضاء جلسه حضور یافتند.

اقدامات جاری ستادی را با مطالعه پرونده، توجیه بوم و نتیجه بازدید هم تو ط جناب سرهنگ فراهانی یادداشت شده بود. در ابتدای امر عوامل ستادی در جریان بازدید روز جاری قرار گرفتند و اقداماتی که بایستی از طریق ارکان 1,2,3,4 تیپ صورت گیر مشخص شد و ابلاغ گردید.

روش کار ستادی بر اساس تدبیر من اعلام گردید:

۱- نیمی از کارکنان ستاد کار عملی و بازدید روزانه از نیروهای عملیاتی م متقر در خط پدافندی و عناصر پشتیبانی کننده را انجام دهند .

۲- نصف باقیمانده کارهای اداری و ستادی را یاسخگو باشند . روز بعد نیم باقیمانده برای بازدید از نیروهای تحت کنترل عملیاتی تیپ ب خط پدندی بروند با بقیه کارکنان که روز قبل بازدید ا خط پدافندی داشتند امور ستادی را انجام دهند و بدین ترتیب بطور مستمر کار عملیاتی و ستادی هدایت و کنترل می گردید .



50 شجاعان نبرد

جلسه ستادی حدوداً 2 ساعت با طول کشید و برنامه فردا نیز ابلاغ شد.

گردان 144 که در سمت چپ گردان 141 خط پدافندی اشغال کرده بود هنوز بازدید نشده بود اولین برنامه روز بعد بازدید از آن گردان تعیین و ابلاغ گردید.

روز بعد پس از اقامه نماز، صرف صبحانه به اتفاق رئیس رکن سوم تیپ به سمت منطقه استقرار گردان 144 حرکت کردیم. نیمه دوم مهرماه بود و هوای خوزستان هنوز گرم بود حرکت در صبح زود دو حُسن داشت یکی اینکه هو خنک بود، دوم اجرای آتش توسط دشمن کم بود. قبل از طلوع آفتاب از رودخانه کرخه عبور کردیم. در طلوع آفتاب به سنگر فرماندهی گردان 144 جناب سرگرد مظفر هدایت نسب رسیدیم.

اقدامات اولیه برای گسترش گردان در خط پدافندی توسط خود من انجام شده بود لیکن پس از معرفی من به سمت فرماندهی تیپ، معاون گردان که جناب سرگرد هدایت نسب بودند مسئولیت فرماندهی را بر عهده گرفتند. زمان زیادی از گسترش این گردان در خط پدافندی نمی گذشت. با وجود اینکه تلاش نسبتاً خوبی برای استقرار نیروها صورت گرفته بود اما هنوز سنگرها کامل نشده بود. وسایل، نگری محدودیت داشت. سنگرهای دیده بانی کامل نبود و کانالهای رابط تکمیل نده بود. وضعیت طوری بود که بایستی توان عناصر ستادی بیشتر برای رفع مشکلات این گردان به کار گرفته می شد.

سمت چپ این گردان تا کیلومترها خالی از نیرو بود. بررسی شد تیپ 2 لشکر 16 در سمت چپ لشکر 21 مستقر بود و گردان 144 در سمت چپ لشکر



بازدید از آمادگی نیروها / 51

21 قرار داشت. گردان 247 سوار زرهی لشکر مأموریت داشت که در فاصله بین دو لشکر با اجرای گشت یوشش نسبی را به قرار نماید منطقه خالی از نیرو و در مقابل سایت‌های 4،5 نیروی هوایی ارتش : 1.1. بود که دشمن در شروع جنگ هر دو را اشغال کرده بود.

پس از خاتمه بازدید که تا ظهر آن روز به طول کشید، به ستاد تیپ برگ تیب. وضعیت خط پدافندی تیپ کاملاً مشخص شد. نقطه ضعف در منطقه گردان 144 بود. و منطقه‌ای که بین لشکرهای 21 پیاده و 16 زرهی واقع گردیده بود خلاء بسیار بزرگی بود. که هیچ نیرویی در آنجا استقرار نداشت. در بعد از ظهر همان روز از گردان 313 توپخان کمک مستقیم تیپ، گروهان مهندسی، گروهان بهداری که در پشتیبانی تیپ قرار داشتند بازدید و در جریان وضعیت عملیاتی آنها قرار گرفته.

تشکیل جلسا ستادی

جلسه ستادی طبق روال تعیین شده در ساعت 1 شب تشکیل شد. بازدید دو روزه از نیروهای تحت امر تیپ معایب و نواقص و مشکلات موجود را تا حدودی مشخص کرده بود. حالا مسئولیت رئیس ستاد و ارکان برای اقدامات لازم بایستی تعیین و اعلام می‌گردید.



معمولاً ستاد تیپ یک ستاد تاکتیکی و عملیاتی است، یعنی، از بعد آمی در چانل، آمادی لشکر قرار ندارد. گردانهای تابعه اقلام آمادی مورد نیاز در درخواست می‌کند و با مراجعه به پشتیبانی در صورت موجود بودن دریافت می‌نمایند. در صورتی که اجناس درخواستی موجود نباشد. در نوبت دریافت بعدی قرار می‌گیرند تا به حض فراهم شدن امکانات تحویل بگیرند.

ارکان ستاد تیپ دو مورد اقدام می‌کرد، اول اینکه تقدم واگذاری را تعیین و به لشکر اعلام می‌نمود. چون از نظر وضعیت عملیاتی، گردانها در دریافت اقلام تقدم و آخر خواهند داشت. دوم با توجه به مأموریت واگذاری به تیپ از لشکر تقاضا می‌کرد در سطح لشکر حق تقدم را در واگذاری آماد درخواستی به تیپ بدهد.

گردان 144 که در زمان کوتاهی در خط پدافندی قرار گرفته بود. شامل شرایط خاصی بود و در این مورد رک 4 تیپ بایستی پیگیری‌های مؤثر با عمل می‌آورد.

اخبار فعالیت های دشمن توسط دیده‌بانان در خط واصل می‌گردید و گشته‌های اعزامی در شب نیز اطلاعات منطقه نفوذ را گزارش می‌دادند. روزانه گزارش اطلاعاتی به لشکر ارسال می‌گردید و لشکر نیز در مجموع اخبار واصله از دشمن از طریق یگانهای همجوار، شناسایی هوایی، گزارش ارسالی از سایر نیروهای تحت امر، را در بولتن اطلاعاتی و عملیاتی به صورت نوبه‌ای به تیپ ارسال می‌نمود

- آمادهها: کلیه اقلامی را گویند که برای تجهیز: نگهداری و عملیات یک یگان نظامی ضرورت دارد. غذا، وشاک، تجهیزات سلاح. مهمات سوخت و سایر اقلامی ماشینی: موتورالات، از هر نوع در بر می‌گیرد.



بازدید از آمادگی نیروها / 53

این اقدامات یک روش جاری و معمولی بود. در صورتی که محتوای گزارشات راضی کننده به نظر نمی‌رسید، به رکن دوم ابلاغ شد برای بهتر شدن وضع گزارش‌های اطلاعاتی و ازدیاد فعالیت گشتی‌ها بررسی کند و پیشنهاد دهد.

معایب و نارسایی‌هایی از بُعد آرایشات در خط پدافندی بویژه در منطقه گرداز 144 در حین بازدید به نظر رسیده و یادداشت شده بود به رکن سوم ابلاغ گردید نظرات و پیشنهادهای خود را برای برطرف نمودن آنها ارائه نماید.

به ریاست ستاد ابلاغ شد برای بعد از ظهر فردا، جلسه‌ای با حضور مسئولین ارکان ستاد تیپ و فرماندهی یگانهای تحت امر تشکیل دهند. و دستور جلسه را بررسی ستادی و اقدامات مورد نیاز برای رفع معایب و نواقص مشاهده شده در بازدید و دریافت پیشنهادها برای فعال‌تر شدن عناصر گشتی و دیده‌بان اعلام نماید.

صبح روز هیجدهم مهر ماه، بازدید نرفته. مواردیکه در بازدید دو روز گذشته یا داشت کرده بودم و قسمتی را نیز که جناب سرهنگ فراهانی نوشته بودند جمع‌بندی کرده. اقدامات خوب نیروها در ابتدا جمع‌بندی شد، موارد زیادی بود که بازگو نمودن آنها، ضمن قدردانی از زحمات رزمندگان، در تقویت روحیه بسیار مؤثر بود. عنوان کردن موضوع ضمن اینکه حقیقت بود ارزش‌گذاری من نسبت به امور عملیاتی را نشان می‌داد یعنی در واقع خواسته خودم را با اقدامات انجام شده که تأثیر گذار بود هماهنگ نموده. در قده بعدی، نواقص نوشتا شد.

روش جاری عملیاتی): آن دستا روش‌هایی هستند. که مختصر یک سازمان بوده و بنا به عادت برای اجرای امور یا مسائل جاری و مستمر بکار برده می‌شود.



برطرف نمودن نواقص نیاز با کمک و پشتیبانی لشکر داشت و از این جهت اقدامات پیگیری ر بایستی ستاد تیپ انجام می‌داد.

قسمت بعدی صحبت معایب بود. این نوع کاره توسط یگانها بایستی صورت گیرد. که احتمالاً در اثر ضعف آموزش، کنترل، و یا نداشتن خط مشی، کامل اجر نمی‌شود. تلاش مسئولین و فرماندهان لازم بود در این قسمت متمرکز شود. این نوع امر از وظایف محوله می‌باشد و بایستی به نحو احسن صورت گیرد.

علاوه بر موضوعات فوق در اولین جلسه با مسئولین و فرماندهان لازم بود که خط‌مشی کلی در امور عملیاتی اعلام گردد. دو نکته اصلی که تمام فعالیتها را تحت الشعاع قرار می‌دادند عملیات و اطلاعات بود. عملیات یعنی آنچه که نیروهای وادی بایستی در مقابل دشمن جهت ضربه زدن و انهدام نیروها و تجهیزات انجام دهند. اطلاعات یعنی، تحت کنترل قرار دادن کلیه فعالیتها، استقرار نیروها به ملاحظه و تجهیزات دشمن، و گزارش آن به رده بالاتر. همین موارد بود که 3 ساعتی وقت صرف نمود و در خاتمه با بررسی‌های انجام شده، متنی تهیه شد که در جلسه بعد از ظهر عنوان گردد.

ساعت 16 جلسه ستادی تشکیل گردید یکی از صفات خوب در نظامیان وقت شناسی است و همین امر سبب می‌گردد که در برگزاری جلسات همه به موقع حضور یابند و وقت دسته جمعی تلف نشود. ساعت 16 من در جلسه حضور یافته. دستور جلسه، توسط ریاست ستاد تیپ قرائت شد. من در ابتدا خوش آمد گتم و پس از تشکر از حضور اعضا، نکات مثبت بازدید دو روز عنوان شد و از



بازدید از آمادگی نیروها / 55

مسئولین اجرایی، قدردانه گردید. بعد از آن از حاضرین درخواست کرده که مکاتبات و نارسایی‌های خود را برای بهتر اجر شدن مأموریت اظهار نمایند و ترتیب صورت براساس ترتیب بازدید تعیین گردید.

موارد زیادی گفته شد. با توجه به اینکه خود من نیز مدتی روی مسائل فکر کرده بودم آمادگی داشته‌ام عملاً در بحث شرکت نمایم بطوریکه خواسته‌ها را بر اساس امکانات موجود تعدیل کنم. در نهایت موارد مشخصی به صورت جمع‌بندی حاصل شد.

اما در مورد رفع معایب و راضی نبودن به آنچه که به صورت روش استمرار داشت شگرد جدیدی لازم بود. موضوع با دستور اکید به نتیجه نمی‌رسید. در ابتدا معایب از نظر برداشت شخصی من در بازدید اعلاہ شد. گرچه تعدادی از فرماندهان، نکات توجیه کننده برای پاسخ دادن داشتند اما هدف بالاتر از توجیه کردن بود. می‌موضوع فکر شده بود داشتن نظارت دقیق بر عملکردها براساس مأموریت و اذاری، تقویت و تشویق و تقدیر از نیروهایی که مأموریت واگذاری را بهتر انجام می‌هند. راهنمایی و نظارت و هدایت مستمر آنهایی که تلاش کمتری دارند روشی بود که در ابتدا بایستی بکار گرفته می‌شد موضوع اعلاہ گردید.

در جهت انجام این روش، ستاد بایستی فعال می‌شد تا ارزیابی‌ها دقیق صورت گیرد و راهنمایی و هدایت نیروها برای انجام امر، از نزدیک و بطور دائمی انجام شود



نیروی زیادی در ارکان ستاد نبود. و تعدادی نیز به علت طولانی بودن جنگ، موارده در مرخصی بودند. برنامه‌ریزی دقیق و استفاده از حداکثر توان کارکنان، تودودی کمبود جبران می‌کرد اصولاً در فک حل مشکل بودن. راضی با وضع موجود بودن، سبب می‌گردد راه کارهای زیادی به ذهن انسان برسد بررسی راه‌حلها و مقایسه آنها با یکدیگر و انتخاب بهترین را حل ممکن روشی است که فرماندهان دینی و ره‌ای آموزشی، فراوان شنیده‌اند. من نیز آنچه که یاد گرفته بودم به کار بسته‌ام. اهمیت موضوع بر این است که باید همه امور تحت نظر باشد و هر کاری که در راستای اهداف تعیین شده انجام می‌شود آن را دید و تأیید کرد و به هر نحو ممکن رضایت خاطر را اعلام نمود.

من معتقد بودم یک ستاد فعال و پر تلاش در هدایت یگانهای عملیاتی نقش اساسی دارد. به همین جهت علاقه مند بودم، ابتدا برای کارکنان ستاد برنامه‌ریزی نمایم و در موازات آن ستادهای گردانها را نیز فعال نمایم. رئیس ستاد بسیار خوب، صمیمی و فعالی داشته. در نتیجه امر مشکل نبود فقط برنامه‌ریزی لازم داشت.

جلسه‌ت ساعت 7 بعد از ظهر طول کشید و در خاتمه جلسه نکته‌های مهم به صورت نتیجه جلسه اعلام گردید و خط مشی کلی برای آینده معلوم شد. با فرستادن صلوات، اعضا جلسه از سنگر عملیات خارج شدند.



بازدید از آمادگی نیروها / 57

وضعیت شهرستار شوش

فاصله قرارگاه تپ تا شهرستان شوش 2 کیلومتر بیشتر نبود. این شهر در اثر بمباران های هوایی و آتش توپخانه های دوربرد دشمن به ویرانه های تبدیل گردیده بود. کمتر ساختمانی وجود داشت که به نحوی آسیب ندیده باشد. اهالی شهر را ک نموده بودند اما از وسائل زندگی آنها زیاد به جا مانده بود که در اثر ترکش گلوله های سوختار یا آتش گلوله های توپخانه دشمن و همچنین تخریب ساختمانهای، منهدم گردیده بودند. در این شهر از جنب و جوش مرده. آثار نشاط زندگی و شیطنت بچه های بازیگوش خبری نبود. مغازه های شهر خالی، از اجناس بود و کرکره های مغازه ها در اثر ترکش گلوله همانند آب کش سوراخ سوراخ شده بودند سقف خانه ها فرو ریخته و دیوار منازل در اثر انفجارات ویران گردیده بود.

انفجار گلوله های توپ در روی آسفالت خیابانها، چاله های عمیقی ایجاد کرده بود و این چاله ها در اثر ترکیدن لوله های آب شهر پر از آب بود. در اثر آتش ایجاد شده در شهر، کلیه تأسیسات و تجهیزات قابل اشتغال سوخته بود و دیگر چیزی رای شعله ور شدن وجود نداشت.

به علت ناهمواری سطح خیابانها، تردد خودروها در این شهر به سختی صورت می گرفت. از فضای سبز - گلگاری و چمن کاری - که قبل از جنگ، تفرجگاه خسته شده گان از کار بود خبری نبود. موشهای خرمایی رنگ که تعدادی از آنان در جثه گربه بودند در ویرانه های شهر بویژه در جوی ه جولان می دادند. درختان سر به ملک کشیده و چندیر 10 ساله در اثر رفتار ظالمان دشمن به شاخ و



برگ شکسته و ریخته، پژمرده و غمگین ایستاده و یا تعدادی از آنها در اثر گلوله باران بر زمین افتاده بودند.

نیروهای نظامی و بسیجی گاهگاهی برای عبور از شهر و یا برای خروج از منطقه در شهر رفت و آمد داشتند دشمن که احتمال استفاده از تسهیلات باقیمانده شهر را توسط نیروهای نظامی می داد به طور مستمر، شهر را گلوله باران می کرد و هر روز تعداد بیشتری از ساختمانهای نیمه مخروبه به کلی تخریب می شد.

قبل از انتصاب من به فرماندهی تیپ دوم در اثر همین گلوله باران 5 نفر از سربازان قرارگاه تیپ شهید زخمی شده بودند.

در شهر معدودی از ساکنین هنوز حضور داشتند و نیروهای نظامی در بعضی مواقع از حضور آنان و امکانات موجود بهره می بردند. حمام بزرگ قدیمی در یکی از محله ها فعال بود و سربازان با پرداخت مبلغی ناچیز از آن استفاده می کردند. در بعضی از گذرگاهها، نوشابه خنک و یا بستنی یخی توسط دست فروشان، فروخته می شد. اما حضور همین تعداد قلیل نیز خالی از خطرات نبود چه بسا بعضی از آنان در طول جنگ شهید و ی مجروح گردیدند.

از آب شهر همه نیروها استفاده می کردند و از کارکنان سازمان مربوطه تعدادی رای سرویس دهی و تأمین آب رزمندگان حضور داشتند. این امر در پشتیبانی یانها بسیار مؤثر بود چون از آب بهداشتی مطمئن بود.



بازدید از آمادگی نیروها / 59

موقعیت رودخانه کرخه

ستاد تیپ در شرق رودخانه کرخه استقرار داشت. اکثر نیروهای تابعه در غرب رودخانه گسترش داشتند برای تردد نیروها و پشتیبانی آنها، ارتباط دو طرف بوسیله یک دستگاه پل اه 4 تا 6 توسط گردان پل گروه مهندسی نیروی زمینی نصب و برقرار گردیده بود.

رودخانه کرخه در فصل تابستان آرام و در اکثر جاها قابل عبور می‌باشد اما در فصل بارندگی، در بعضی مواقع طغیان آن، پل و سواحل را تهدید می‌نماید. اطراف رودخانه دارای زمین‌های سست بوده و شیب رودخانه طوری است که در اثر بارانهای موسمی و فشار آب حفظ پل‌های نظامی نصب شده بر روی رودخانه بسیار مشکل می‌رود.

در نیمه دوم آبانماه بارندگی شروع شد اما به علت شنی بودن زمین منطقه زش باران مشکلاتی از لحاظ حرکت خودروها به وجود نمی‌آورد. نیم شب بود نگاهبانان پل به گروهان مهندسی تیپ اطلاع داده بودند که حجم و شدت آب رو به فزونی است و در صورتی که به همین ترتیب ادامه یابد احتمال شکستن پل و یا ه شدن آن از ساحل متصور است. پیام به اطلاع من رسید و به گروهان مهندسی اطلاع دادم. فرمانده گروهان با نفرات مورد نیاز و تجهیزات کافی، شبانه برای جلوگیری از خسارات وارده به پل به پای پل رفتند.

فرمانده گروهان دوه مهندسی لشکر مأمور به تیپ 2 - جناب سروان بشیری - قبلاً پیش‌بینی‌های لازم را نموده ام خودشان پای پل نرفته بودند پس از



دریافت دستور با تعدادی عوامل دیگر به طرف محل نصب پل حرکت کردند. اصله سه کیلومتر بیشتر نبود نیم ساعت بعد به من تماس گرفتند و اظهار داشتند: « آب رودخانه خیلی زیاد است، احتمال کننده شدن کابل‌های مهار پل در اثر شدت جریان آب وجود دارد »

موضوع به لشکر اعلاہ شد و درخواست گردید فرمانده گردان پل اقدامات ممکن را برای حفظ پل به عمل آورند و در صورت شکستن و یا ره شدن آن تدبیری در جهت پشتیبانی نیروها با عمل آورند.

ساعت 4 جناب سروان بشیری طی پیامی اعلام نمود آب از روی پل عبور نموده و ارتفاع آب به حدی است که سواحل تا مسافت 50 متر به زیر آب رفته است؛ چون آب گل آلود است هم اکنون آثاری از پل مشاهده نمی‌شود.

پس از دریافت پیام من به اتفاق جناب سرهنگ فراهانی و رئیس رکن سوم پل به پای پل حرکت کردیم. زمانی که به محل رسیدیم هوا تاریک بود. صدای غرش حرکت آب شنیده می‌شد ام ساحل دور را نمی‌دیدیم از ساحل نزدیک مسافت زیادی را جریان آب فرا گرفته بود و اثری از پل نبود. مطمئن شدیم که پس از فرس کردن آب، پل قابل استفاده نخواهد بود حتی احتمال برده شدن آن توسط آب سیار زیاد بود.

برای پشتیبانی نیروها در غرب رودخانه بدون استفاده از پل بایستی چاره‌ویی می‌شد. دو فروند قایق کا ام برای حفاظت از پل با قایقران مربوطه همواره پای ل آماده بودند و در صورت آسیب رسیدن به پل به طور موقت برای



بازدید از آمادگی نیروها 61

یشتیانی، آمادی نیروها در غرب رودخانه، مورد استفاده قرار می گرفتند اما رای زمان طولانی کافی نبودند. فرماندهان مهندسی اظهار داشتند در صورتی که به یل آسیبی برسد، می توانم در چند ساعت آن را حاضر به کار نماییم. چون قطعات ل : 6 موجود است. در صورتی که به طور کامل یل ر آب ببرد لازه است در ف ر زدن یل دیگری باشیم به هر حال به گردان یل اطلاع داده شدو آنها اقدامات ب سته را انجام خواهند داد.

بتدریج هو روشن شد ، حجه آب سرازیر شده در رودخانه قدرت واقعی خود را نشان داد آب گل آلود کرخه، ب عرض حدود 300 متر ب صدایه چون رعد در جریان بود و از یل هیچ گونه اثری وجود نداشت. ارتباط غرب و شرق رودخانه کاملاً قطع شه بود. پیش بینی می شد پس از خاتمه ریزش باران بتدریج شدت جریان آب متر شود و باید صبر می کردیه.

یس از دادن دستورات لازم، فرمانده گروهان مهندسی در محل ماند و من به قرارگاه تیب برگشتیه. نیروهای د خط جیر 48 ساعته عملیاتی را همراه داشتند و مشکلی از لحاظ غذایی وجود نداشت. موضوع تخلیه اضطراری مجروحین بود. در چنین مواردی از بالگرد استفاده می شود - موضوع به لشکر گزارش گردید و بالگرد آماده جهت امور اضطراری در نظر گرفت شد.

ساعت 9 فرمانده گروهان مهندسی گزارش داد: طغیان رودخانه در حال فروکش است احتمالاً ؛ 2 ساعت دیگر وضعیت یل قابل بررسی خواهد بود یک



ساعت بعد گزارش مهندسی حاکی از آن بود که قطعاتی از پل ر آب برده اما با سازی پل امکان پذیر است.

مراتب به لشکر اعلاء شد برابر اقداماتی که از طریق ستاد لشکر صورت گرفت، گردان پل نیروی زمینی در منطقه حاضر شد و برای بازسازی پل اقدام نمود. تا ساعت 20 همان روز تعمیرات پل خاتمه یافت و ارتباط نیروها به شرق رودخانه برقرار گردید.

روشر کارکنان ستاد تیپ

در طول جنگ تحمیلی، کلیه نیروهای حاضر در صحنه نبرد به صورت 24 ساعته و مستمر برای انجام وظایف محوله آماده بودند. در ستاد تیپ نوع فعالیت با روی در خط تفاوت داشت. ستاد ضمن نظارت و کنترل و هدایت نیروها در حین انجام عملیات آفندی و پدافندی تسهیلات مورد نیاز نیروها را فراهم می‌نماید. ستاد برای انجام این امور بایستی به صورت مداوم در صحنه حضور داشته و ارتباط چندجبهه را با نیرو حفظ کند تا بتواند در اسرع وقت گزارشهای ارسالی از یگانها را دریافت نموده و به اطلاع فرمانده برساند. همچنین دستورات رده بالاتر را بدون فوت وقت به رده‌های پایین ابلاغ نماید.

کارشناسان اطلاعات و عملیات موظفند اطلاعات و اخبار رسیده از رده‌های مختلف را بررسی و تجزیه تحلیل نموده و آثار آن را برای نیروهای خودی و



بازدید از آمادگی نیروها / 63

دشمر مشخص کنند و به عنوان مشاورین فرماندهی راهکارهای مناسب ارایه نم د.

براساس همین وظایف، که بطور مختلف عنوان گردید، امور ستادی به در بخش کلی تقسیم می گردد: کارهای عملی حضور در خط پدافندی، نظارت، کنترل و ه ت) - کارهای اداری - دریافت و ارسال گزارشها به ردههای تابعه و بالا، بررسی و تجزیه تحلیل وقایع و گزارشهای اطلاعاتی و عملیاتی و پیشنهاد راهکارها . حفظ ارتباط با ردههای بالا و پایین).

کارکنان ستادی نیز به دو قسمت تقسیم می شدند هر کدام یک بخش مأموریت را انجام می دادند و ترتیب تعویض مأموریت در اختیار ریاست ستاد بود.

شبهه یس از ساعت 22 در صورتی که امور ستادی کمتر بود و نیروها درگیری نداشتند مداومت کار تعیین می گردید و بقیه به استراحت می پرداختند در صورتی که در طول شب گزارش و پیاه اضطراری می رسید کارکنان مسئول بیدار می دند و شبانه کار انجام می شد. این آمادگی در تمام عوامل ستادی به نحوی بود که در صورت نیاز همگی در اسرع وقت برای اجرای مأموریت حاضر می شدند.

نحوه برقراری ارتباط

ارتباط قرارگاه تیپ بایگانههای تابعه 1 3 طریق برقرار بود:

1. از طریق تلفن یا ب سیم: دسته مخابرات به وسیله ایجاد مرکز و با شنیدن سیم این ارتباط را برقرار کرده بود. این نوع ارتباط از نظر امنیت مکالماتی نسبت به



در طریق دیگر اطمینان بیشتری دارد. اما سیمه چون از روی زمین کشیده می شوند. انفجارات گلوله دشمن، عوامل جوی و تردد نیروهای خودی در بعضی موارد سبب قطع خطوط می گردد به همین منظور تعدادی از سربازان مخابرات بطور مستمر برای ترمیم خط به حالت آماده هستند و در اسرع وقت خط قطع شده را ترمیم می کنند و اشکال برطرف می گردد.

2. از طریق بی سیم: برقراری ارتباط بی سیم بسیار سهل است. کافی است که دو طرف مکالمه کننده دارای بی سیم مشابه باشند و یا روی یک فرکانس معین قرار گیرند. این نوع ارتباط از لحاظ شنود استراق سمع بسیار آسیب پذیر است. معمولاً در وضعیت پدافندی کمتر از این نوع ارتباط استفاده می شود. البته تعدادی از بی سیمها دارای سیستم رمز کننده هستند و شنود تعدادی از آنها مشکل می شود اما شکستن رمز برای دشمن غیر ممکن نیست بنابراین لازمه است حتی الامکان از وسیله باسیم استفاده شود.

3. از طریق دستگاه تله تایپ: استفاده از این نوع دستگاه برای ارتباط دور مناسب است اما به طور مستقیم ارتباط برقرار نمی شود متن پیام با رمز ارسال می گردد گیرنده پیام با استفاده از رمز، پیام را کشف می کند و به اطلاع مسئول یا فرمانده می رساند. با توجه به پیشرفت سیستمهای ارتباطی احتمال کشف این نوع ارتباط نیز وجود دارد.

تعیین تلاش می کرد ارتباط خود را فقط بوسیله حضور در منطقه و یا تلفن رقرار نماید.



سایر نیروهای پشتیبانی کننده

علاوه بر یگانهای پیاده یا زرهی که برای اجرای عملیات تحت کنترل تیپ رار می‌گیرند، برای پشتیبانی از نیروهای در خط، نیروهای مهندسی، مخابرات، ویخانه، بهداری، تعمیرات، یک دسته دژبان، یک رسد یا تیم آماد نیز در اختیار تیپ قرار داده می‌شود. نحوه همکاری این نیروها با شرح زیر است:

1. گروهان مهندس از گردان مهندس لشکر اعزام می‌شود. این گروهان در راستای وظیفه محوله، تخصص مربوطه، امور مهندسی شامل: مین گذاری - مین برداری - جاده سازی - ایجاد سنگر - ایجاد خاکریز و ایجاد تسهیلات برای عبور از رودخانه را انجام می‌دهد. در صورتی که انجام امور در توان خودش نباشد از امکانات لشکر استفاده می‌نماید. فرمانده این گروهان ضمن اجرای مأموریت مشاور و کمک فرماندهی تیپ در امور مهندسی است.

2. دسته مخابرات که از گردان جلویی گردان مخابرات لشکر اعزام می‌گردد در برقراری ارتباط بی‌سیم و باسیم تیپ با رده‌های بالا، همجوار و پایین‌تر دارد و در هر شرایط حفظ امنیت ارتباط در شبکه‌های دایره شده تیپ از وظایف این دسته می‌باشد.

3. گردان کمک مستقیم توپخانه مسئولیت پشتیبانی آتش در سطح منطقه مسئولیت تیپ را دارد این گردان با اعزام رده‌های دیده‌بانی به خط جلو پدندی و یا آفندی، اهداف مشاهده شده را با اجرای آتش منهدم می‌نماید علاوه



بر آن بنا به درخواست نیروهای د خط نیز آنها را ب آتش توپخانه پشتیبانی می‌کند.

4. گروهان بهداری از گردان بهداری لشکر به تیپ مأمور می‌شود. این گروهان د ی پزشکی و یزشکیار و تجهیزات لازم برای جراحی عمومی است. تخلیه مجروحین ز پست امداد گردان‌ها به بیمارستان لشکر و انجام کمکهای اولیه برای مجروحین به عهده این گروهان است.

5. گروهان تعمیرات: این گروهان از گردان تعمیر و نگهداری لشکر به تیپ ه مور می‌گردد. دارای آتلیه، ابزار تعمیرات و قطعات متنوع است. افراد متخصص و فنی این گروهان کلیه تعمیرات خودرویی، مخابراتی، مهندسی و انواع سلاحها را انجام می‌دهند. در طول جنگ تحمیلی به علت استفاده مستمر از تجهیزات آن هم در یر آتش توپخانه و بمباران هوایی دشمن، کار گردان نگهداری در پشتیبانی از یروها از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار بود.

6. دسته دژبان یگان دژبان لشکر یک دسته از عناصر خود را برای کنترل آ و ر و مرور در جاده‌ها و همچنین حفاظت از کمپ اسراء، و بازجویی از آنان به تیپ مأمور می‌کند. دسته دژبان: در نقاط کنترلی، پست ایست و بازرسی تشکیل می‌دهند و حفاظت نیروهای تاکتیکی را ب کنترل عبور و مرور تأمین می‌نمایند.

7. تیم ی رسد آماد: از گردان آماد و ترابری لشکر برای توزیع آماده بویژد جیه غذای و مواد خوراکی، این رسد در اختیار تیپ قرار می‌گیرد. عناصر تشکیل دهنده رسد آماد موظفند، مواد غذایی طبق برنامه مصوبه د سطح نیروی زمینی را



بازدید از آمادگی نیروها / 67

از گردان آماد ترابری تحویل بگیرند و در محل بین نیروهای رزمنده در سطح گردانها توزیع نمایند. در شرایط مناسب گردانها با وسایل خودرویی به نقطه آماد مراجعه و مواد اولیه جیره روزانه ابواب جمعی را طبق آمار ارسالی از رسد مربوطه دریافت می نمایند.

هفت قسمت مأمور به طوریکه شرح داده شد تحت امر تیپ قرار گرفته بودند. برای اطلاع از آمادگی آنها، معایب و یا نواقصی که احتمالاً وجود داشت در مدت دو روز، بطور کامل بازدید شدند در بعضی موارد تذکر لازم داده شد. از تعدادی قدردانی به عمل آمد. و نواقص به ستاد لشکر گزارش گردید.

عملیات تپ 120

در سمت چپ گردان 144 منطقه لخیضر خالی از نیرو بود. به گردان 247 سوار زرهی لشکر مأموریت داده شده بود که در فاصله بین گردان 144 و لشکر 16 زرهی با اعزاء گشتی، تأمین منطقه را برقرار نماید. در این منطقه نیروهای دشمن با اشغال سایت های 4 و 5 نیروی هوایی ارتش ج.ا.ا. در اوائل و شروع جنگ تحمیلی حضور دائم داشتند. بررسیهایی که به عمل آمد. نتیجه گرفته شد در صورتی که دشمن قصد عملیات تهاجمی داشته باشد. منطقه اشاره شده بهترین معبر برای دسترسی دشمن به جاده اهواز - اندیمشک می باشد در این محور تپه ای با ارتفاع 120 متر وجود داشت که از حساسیت و موقعیت بسیار خوبی برخوردار بود. در دست داشتن این ارتفاع سبب می گردید که تا حدودی معبر وصولی



دشمن پوشش داده شود و هرگونه حرکت او در این محور کنترل گردد. همچنین قسمتی از خط پدافندی دشمن را در جنوب سایت‌های 4، 5 تحت دیده‌بانی نیروهای خودی قرار می‌گرفت تردد و فعالیت نیروهای استقراری را کنترل می‌کرد. بنابراین از نیمه اول آبانماه گشته‌های شناسایی از گردان 144 به تیرا 120 اعزام گردیدند. و روزانه اطلاعات جدیدی از فعالیت دشمن و نحوه استقرار سلاحهای در خط را گزارش نمودند. فاصله تیرا 120 تا دشمن بیش از 2 کیلومتر بود. اشغال این ارتفاع به وسیله نیروهای خودی مشکل نبود ضعف در نگهداری آن بود. و به علت آن عدم پیوستگی خط پدافندی بود. زیرا در سمت چپ گردان 144 تا تیرا 120 نیرویی استقرار نداشت و این امکان وجود داشت که دشمن از موقعیت استفاده نموده و نیروها را دور بزند و انجام امر به علت اینکه نیروی احتیاط قوی و متحرک در منطقه وجود نداشت با خطر مواجه بود. نقشه شماره 3 از طریق لشکر نیز موضوع مورد بررسی قرار گرفت و ادامه اعزام گشته‌ها و جمع‌آوری اطلاعات تأکید شد. فرماندهی گردان 247 سوار زرهی جناب سرگرد اصغر نصیری بودند چند روپس ز انتصاب جناب سرهنگ حسنی سعدی به فرماندهی لشکر 21، فرماندهی گردان سوار زرهی تغییر یافت و جناب سرگرد جهانگیر درجری که یکی از افسران خوب له‌کر بود مسئولیت فرماندهی را عهده دار گردید.



گردان سوار زرهی، طبق دستور صادره از لشکر تحت امر تیپ 2 قرار گرفت. از اول آذر ماه این گردان به صورت فعال در اعزام گشتی‌ها شرکت نمود و اطلاعات مک‌سببه را روزانه گزارش می‌نمود.

گزارش رو 5 آذر این گردان حاکی از حضور تعدادی از عناصر دشمن در تیپ 120 بود. و این امر نشانگر این بود که دشمن نیز به حساسیت موضع آگاهی دارد و احتمالاً در فکر اقداماتی نیز می‌باشد موضوع به لشکر گزارش و تصمیم بر این شد که با عناصر گشتی دشمن برخورد جدی صورت گیرد.

مأموریت برخورد با دشمن در تیپ 120 به گردان سوار زرهی محول گردید و روز هشتم آذر گشتی‌های اعزامی از گردان سوار زرهی با گذاشتن کمین موفق شدند نیروهای دشمن را که چهار نفر بودند غافلگیر و با آنها درگیر شوند. در نتیجه گشتی‌های دشمن تجهیزات همراهی را جا گذاشته و فرار کردند. تجهیزات به دست گرفته شده شامل یک دستگاه بی‌سیم، یک دستگاه سیستم هدایت کمانده موشک مالیوتکا 2 قبضه موشک مالیوتکا، و یک قبضه تیربار و یک دستگاه دوربین بود. متأسفانه از نفرات گشتی دشمن کسی دستگیر و یا اسیر نشد.

هنگامی که گزارش ماجرا به لشکر اطلاع داد، موضوع بررسی گردید و تصمیم بر این شد که با اجرای عملیاتی، تیپ 120 اشغال و نیرویی به استعداد 2 گروهان، پدافند منطقه را به عهده بگیرند.

پس از ابلاغ مأموریت به صورت شفاهی، روز دهم آذر من به اتفاق رئیس رکن دوم تیپ و جناب سرگرد درجری صبح زود برای بررسی وضعیت منطقه به



بازدید از آمادگی نیروها / 71

تیا 120 رفتیه یس از رسیدن به رأس تیه دشمن شروع به اجرای آتش نمود. اما اینکه فقط سه نفر بودیم ام حساسیت دشمن نسبت به منطقه به قدری یاد بود که مدت 15 دقیقه به طور مداوم روی تیه تیراندازی کرد. م سعی کردیم در ضد یب قرار بگیریم و اتفاقی نیفتاد. در بررسی ای که از وضعیت و موقعیت هدف عیین شده به عمل آمد این موضوع مشخص تر گردید که در دست داشتن این ارتفاع امتاز مهمی در کل منطقه دارد و آن دیده بانیه و کنترل در منطقه است. مشکل، نگه اری آن به علت باز بودن اطراف این ارتفاع بود و از طرف چپ شدیداً مورد تهدید و ع می شد.

پس از مراجعت، موضوع به لشکر اعلام و احتمال دور زدن دشمن از طرف چپ که خالی از نیرو بود تأکید گردید.

عصر همان روز پیامی دریافت شد که جانشین لشکر - جناب سرهنگ سلیم جاه فردا برای بررسی وضعیت تیا 120 به آن محل می روند، شما در معیت ایشان باشید. در زمان تعیین شده من و جناب سرگرد در جزی به اتفاق جانشین فرماندهی لشکر و افسر عملیات لشکر - جناب سرهنگ همایونمهر با محل رفتیه. از پایین تیه ت رسیدن به رأس آن که در ضد شیب طی مسیر داشتیم و از طرف دشمن دیده نمی شد. تیراندازی از سوی دشمن انجام نشد. ب محض رسیدن به بالای تیه تیراندازی شروع شد و به قدری شدت داشت و نشان شده اجرا می گردید که ما قادر به شناسایی جلو تیه به طرف دشمن نشدیم. اجباراً در ضد شیب قرار گرفتیم و وضعیت جزی (طرفین) ارتفاع 120 را مورد بررسی قرار دادیم. سمت



چپ فاصله زیادی تا لشکر 16 زرهی، بود به طوریکه هیچ نیرویی، از لشکر قابل مشاهده نبود (8 7 کیلومتر) سمت راست حدود 2 کیلومتر نیرو استقرار نداشت. و نیروهایی که در روی تپه قرار می گرفتند قادر به برقراری ارتباط جانبی بودند.

پس از بررسی موضوع، در حالی که دشمن هنوز تیراندازی را ادامه می داد به پین تپه برگشتیم و این تیراندازی پراکنده تا پایین تپه ادامه داشت.

بررسی موضوع در لشکر انجام شد. و عنوان گردید چون احتمال اشغال این تپه توسط دشمن متصور است و در آن صورت آسیب پذیری منطقه بیشتر خواهد بود، در بهایت نتیجه بر این امر واقع گردید که گردان سوار زرهی با تقویت از طریق تیپ، آموریت تصرف تپه را انجام دهد.

جلسه‌ای ب جناب سرگرد درجزی در قرارگاه تیپ تشکیل و نیازمندیهای گردان سوار زرهی، برای اجرای عملیات توسط فرماندهی گردان 247 سوار زرهی اعلام شد. مقرر گردید یکدسته پیاده و یک دسته تانک در اختیار گردان قرار گیرد. آتش ای پشتیبانی، بنا به درخواست توسط توپخانه اجرا گردد. البته ظرفیت پیرش نیرو در تپ 120 زیاد نبود، گروهان سوار زرهی و نیروهای تقویتی تعیین شده کافی به نظر می‌رسید.

یک دسته پیاده از گروهان سوم گردان 144 و دسته تانک از گردان 243 تانک تعیین گردید. از طریق ستاد تیپ دستور العمل اجرای عملیات براساس ماه ریت ابلاغی ا سوی لشکر به یگانهای ذی ربط ابلاغ شد.



بازدید از آمادگی نیروها / 73

روز یازدهم آذرماه سال 1360 ساعت 3 گردان سوار زرهی با نیروهای تعیین شده تیپ 120 را اشغال نمود. به علت اینکه نیرویی از دشمن در روی تپ حضور نداشت و در تاریکی شب مأموریت اجر شد مشکلی پیش نیامد و نیروی پدافندی در مان مناسب مواضع تعیین شده ر تصرف نمود.

من و فرمانده گردان قبل از طلوع آفتاب در منطقه حضور یافته چون برای ما کاملاً روشن بود که عکس العمل دشمن شدید خواهد بود.

با روشن شدن هوا، دشمن از حضور نیروها و اشغال تیپ 120 با اطلاع گردید. و اجرای آتش از سوی دشمن شروع شد. با توجه با اینکه چند روزی بود منطقه موصوف را گلوله باران می کرد. تقریب همه آتشیهای اجرایی، ثبت شده بود. و منطقه به جهنمی از انفجارات گلوله تبدیل شد. با ادامه وضعیت و حضور نیروها در بالای تپ احتمال تلفات و ضایعات خیلی زیاد بود. نیروها را به ضد شیب هدایت کردیم تا در دید دشمن نباشند. انجام امر بطور موقت می توانست از آسیب پذیری نیروها جلوگیری نماید لیکن از جهت اجرای مأموریت امکان پذیر نبود. زیرا نیروهای پدافندی بایستی در محلی قرار گیرند که به سمت مقابل دشمن میدان دید و تیر داشته باشند تا از پیشروی دشمن به جلو ممانعت نمایند. در صورتی که در آن حالت دشمن روی نیروهای ما دید نداشت و نیروهای ما نیز دشمن را نمی دیدند. (نقشه شماره 7)

یک راه برای پاسخ به دشمن وجود داشت و آن اجرای شدید آتش به وسیله توخانه روی منطقه پدافندی دشمن بود. دیده بان توپخانه همراه گردان به



منطقه اعزام نشده بود از لشکر تقاضا گردید که دیده بان توپخانه را برای درخواست آتش با محل اعزام نمایند. و تا آمدن دیده بان از روی نقشه، منطقه جلوی تپ 120 محل استقرار دشمن را گلوله باران نمایند.

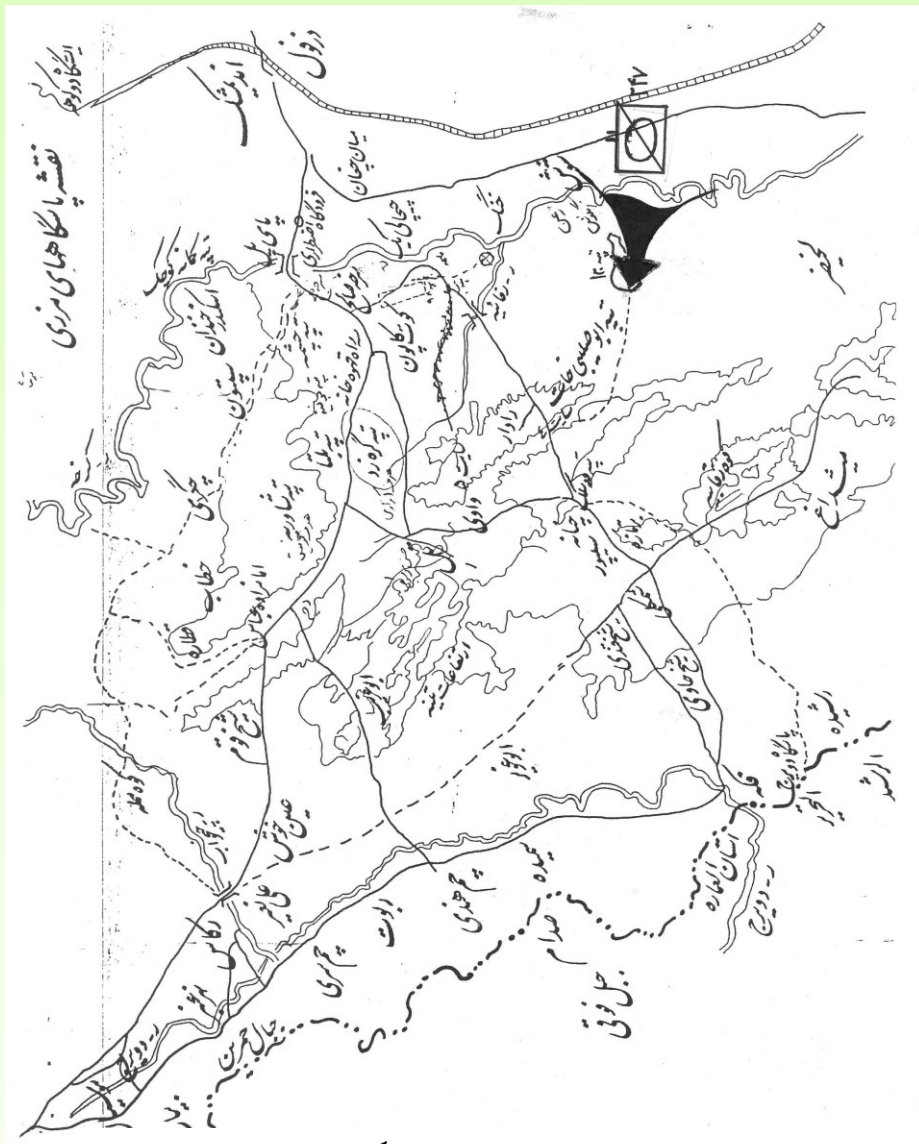
اجرای مراتب درخواستی مدتی طول کشید. ام دشمن به طور مداوم منطقه را گلوله باران می کرد. محل سنگرهای جلو برای نیروه مشخص شده بود. اما هنوز کندن سنگرها تمام نشده بود. و از طرفی ادامه و تکمیل سنگرها در زیر دید دشمن یسر نبود. برای اینکه نیروها در ضد شیب نیز آسیب زیادی نبینند دستور داده شد سنگر تعجیلی تهیه و در داخل سنگر قرار گیرند. آن گاه بعد از تاریکی، سنگرهای جلو را تکمیل و کانالهای ارتباطی را آماده کنند.

پس از نیم ساعت گردان توپخانه 130 مم لشکر شروع به تیراندازی کرد ام حجم آتش دشمن خیلی بیشتر از توپخانه لشکری بود. و انجام امر اثری در روند آتش دشمن نداشت.

اجرای تیراندازی به حجم زیاد دشمن در ساعت طول کشید و در این مدت تعدادی از افراد مجروح شدند. آمبولانس برای تخلیه مجروح نداشتیم چون سه دستگاه آمبولانس موجود، برای خارج نمودن مجروحین از منطقه اعزام شده بودند و هنوز برنگشته بودند سه نفر مجروح روی زمین بودند و بایستی چاره جویی می شد. از نفربر زرهی برای تخلیه مجروح استفاده گردید. چون یزشکیاران گردان فقط قادر بودند کمکهای اولیه را انجام دهند. و برای اقدامات بعدی پزشک جراح نیاز بود.



بازدید از آمادگی نیروها / 75



نقشه شماره 7 - تصرف تپه 120 توسط گزردان 247 سوار زرهي





یزشک تیب آقای دکتر اسماعیلی بودند که به علت نزدیکی بیمارستان شوش به قرارگاه تیب در بیمارستان مداوا می‌کردند. سه نفر مجروح از منطقه به بیه رستان تخلیه گردیدند.

از ساعت 9 به بعد شدت آتش دشمن کم شد اما قطع نشد. دشمن به خوبی می‌دانست اگر فرصت در دست داشته باشیم سنگرها را تکمیل می‌کنیم. عد از آن، قادر به دفع تک خواهیم بود. برای تقویت روحیه نیروها من و جناب سرگرد د جزی در منطقه درگیری ماندیم ساعت 13 نهار رسید و این در حالی بود که هنوز غذای صبحانه سربازان که کره و مربا بود در روی زمین و روی سنگها مانده خشک شده بود و یا در اثر خاک برخاسته از انفجارات گلوله‌ها، پراکنده گردیده بود. آماده بودن نهار به افراد ابلاغ شد اما تعدادی که برای دریافت غذا مراجعه کردند بسیار کم بود. معلوم نشد کسانی که غذا دریافت نمودند آیا غذا را خوردند یا فقط همان صبحانه گرفتند و در کنار خود باقی گذاشتند.

وساثل سنگرسازی براساس اقدامات و پیش بینی‌های قبلی، از طریق رکز 4 تیب به منطقه ارسال شده در پشت نیروها تخلیه گردیده بود. این وسايل شامل گری، تعدادی تراورس، ورقه‌های آهنی (پلیت) و نایلون بود. اما سنگرها بایستی در بالای تپه و در قسمت شیب تپه احداث می‌گردید و این اقدام در روز غیرممکن بود اما شبانه و در تاریکی ایجاد سنگر مقدور بود.

فشار مستمر دشمن نشان می‌داد که تصمیم بر این است تا مادامی که نیروها در روی این ارتفاع کوچک حضور دارند گلوله باران ادامه داشته باشد ساعت



بازدید از آمادگی نیروها 77

14 در حالی که کمه شدت آتش فروکش نموده بود، من به قرارگاه تیپ بر شتم. وضعیت تیه، ضایعات و تلفات وارده و همچنین احتمال سقوط خط پدافندی به هنوز مستحکم نشده بود به لشکر گزارش شد. با فرماندهی لشکر نیز تلفتی صحبت کرده. نظر فرماندهی لشکر بر این بود که به هر ترتیب بایستی موقعیت حفظ شود. اگر نیروها بتوانند 24 ساعت مقاومت کنند و شبانه سنگرهای جلو تکمیل شود تک دشمن سد می شود و موقعیت حفظ می گردد.

پس از دادن گزارشات و دریافت دستورات مجدداً به منطقه برگشته. گلوله باران از سوی دشمن ادامه داشت و در مدت رفت و برگشت من تعدادی مجروح به آمار تا تات اضافه شده بود.

تا آن موقع نیروها برای حفظ جان خود سنگرهایی تهیه کرده بودند اما این سنگرها چون در ضد شیب قرار گرفته بود با سمت دشمن دید نداشتند و از جهتی اصله آنها ت دشمن زیاد بود و تیراندازی به سلاحهای سبک، نمی توانست مؤثر باشد فقط تعدادی خمپاره انداز 120 مم و 81 مم که بر روی نفربر مستقر بودند با سمت دشمن تیراندازی می کردند. این سلاحها نیز به علت کارکرد مستمر قادر به دامه کار با نواخت تیر زیاد نبودند. آتشهای درخواستی به حجه کم اجرا می گردید و چ بین به نظر می رسید که تیراندازی از سوی نیروهای خودی تلفات و ضایعات زیادی، دشمن وارد نمی کند.

پس از مراجعت من از قرارگاه تیپ، با جناب سرگرد درجری برای مشاهده آخرین وضعیت نیروها و تقویت روحیه آنان با تذکر و راهنمایی و اینکه ما



نیز در بیش آنها هستیم و اقداماتی برای ایجاد تسهیلات انجام داده‌ایم حرکت کردیم. گلوله باران دشمن ادامه داشت. سنگرها با صورت انفرادی و بعضی دو نفره انداخته شده بود و این اطمینان را می‌داد، در صورتی که گلوله دقیقاً به روی سنگر انداخته نشد احتمال خطر کمتر است. تعدادی از سربازان در داخل سنگر تیمی غذا خورده بودند اما ظرف و باقیمانده غذا در همان سنگر انداخته شده بود. قهقهه سربازان آب نداشت زیرا تانکر آب با فاصله‌ای حدود 100 متر قرار داشت و حمل آن به جلو به علت شیب تپه و نبودن جاده ممکن نبود. مشاهده وضعیت حکایت از ضعف روحیه داشت چون نیروها در محلی قرار گرفته بودند که به صورت مداوم گلوله باران می‌شد و عکس‌العملی هم نداشتند.

با مشاهده وضعیت نیروها، تصمیم بر آن شد در شروع تاریکی نیمی از نیروها، در ضد شیب برای کندن سنگر اقدام نمایند و نیمی دیگر وسایل سنگری را حمل کنند و برای کندن کانالهای رابط اقدام کنند. تدبیر این بود که دشمن تیراندازی خود را در پشت ارتفاع تنظیم نموده است و در جلو ارتفاع در تاریکی نیروها را نخواهند دید. چون فاصله دشمن بیش از 2 کیلومتر است، شبانه کارها انجام و کامل گردد.

همانگه، بیژن من و فرمانده گردان سوار زرهمی حاصل گردید. لازم بود اجرای امر به فرماندهان گروهان ابلاغ گردد. در سمت چپ محل استقرار نیروها، که دو دستگاه تانک نیز سنگر گرفته بودند و بعضی مواقع تیراندازی می‌کردند در گوی نشستم تا فرماندهان گروهانها را احضار کنیم و برنامه را ابلاغ نماییم.



بازدید از آمادگی نیروها / 79

بحث در مورد سازماندهی 5 دستگاه تانک در خط یدافند بود، تا شبانه وسائل مهندسی (لودر و بولدوزر) برای تانکها سنگر تهیه کنند و برای تردد نیرو ای پیاده خاکریز زده شود. صحبت روی تقسیم کار و تعداد وسایل مهندسی بود. گلوله‌ای در سمت راست ما به زمین خورد و من سرم را ناخودآگاه پایین آورده. فریاد جناب سرگرد درجزی بلند شد و گفت « سوخته » و دست شان چپ خود را نشان داد. من برگشتم و فوراً خون را از گردن او مشاهده کرده یک لحظه تصمیم گرفتم از خون ریزی جلوگیری کنم تلاش کردم به هر ترتیبی روی شکاف زخم را بپوشانم. موفق نشدم. فوراً خون زیاد بود. در مدت چند ثانیه تمام لباسهای من و این غرق خون شد.

خدمه تانکی که در نزدیک ما بود متوجه موضوع شد بلافاصله داد کشید آدولانس - آمبولانس. طولی نکشید یکدستگاه نفربر که آمبولانس گردان نیز در محل حاضر شد. ابتدا پزشکیار مربوطه کمکهای اولیه را انجام داد سپس آمبولانس حرکت کرد.

اتفاق ناگواری بود اما برنامه بایستی اجرا می‌شد. معاون گردان جناب سروان راهیم براتی یور و فرماندهان گروهانها در محل تعیین شده جمع شدند. برنامه شب بلاغ شد و وظیفه هر گروهان مشخص گردید. آفتاب غروب کرد و هوا رو به تاریکی می‌رفت. گلوله باران دشمن ادامه داشت اما شدت آن کم شده بود. غذای شام سربازان رسید. مسئولین غذای گروهانها برای دریافت غذا مراجعه



نمودند وسایل مهندسی از قبیل لودر و بولدوزر در پایین تپه آماده بودند. بنا به دستور ب محل کار شبان حرکت نمایند.

پس از شروع تاریکی و سفارشات لازم به معاون گردان من از منطقه خارج شده، اما خیلی نگران وضعیت بوده. زمانی طول نکشید تا به قرارگاه تیپ رسیدم. در این مدت خیلی فکر کرده: امشب چه خواهد شد؟ تحکیم مواضع و مقاومت؟ یا تک دشمن و عقب نشینی؟ در هر دو حالت لازم بود تصمیم گیری شود.

در صورتی که مواضع مستحکم می شد مقاومت امکان پذیر بود. مأموریت واگاری اجرا می گردید و مشکلی چندانی وجود نداشت. فقط در صورت ازدیاد ضایعات و تلفات نیروهای جدیدی جایگزین می شد. از طرفی در صورت تک دشمن و عقب نشینی نیروها، از نیروی احتیاط بایستی استفاده می گردید. تیپ نیروی احتیاط نداشت و همه نیروها در خط پدافند بودند یک راه کار متصور بود و آن استفاده از نیروی احتیاط لشکر بود.

پس از وارد شدن به قرارگاه تیپ، مجروح شدن فرماندهی گردان سوار زرهی و وضعیت نیروها را به اطلاع فرمانده لشکر رسانده. فرماندهی اظهار داشتند سر رکن سوم تیپ برای نظارت در اجرای دستورات صادره به منطقه بروند، به گردان 133 پیاده مکانیزه که در احتیاط لشکر است از طریق رکن سوم لشکر آماده باش داده می شود. نگران نباشید.



بازدید از آمادگی نیروها / 81

جناب سرهنگ فراهانی رئیس رکن سوه تیپ به منطقه مورد نظر اعزام گردید.

یاسی از شب گذشت، من از طریق بی‌سیم با گردان سوار زرهی تماس داشتم. گزارشات شروع شد: ابتدا گزارش واصله حاکی از حرکت نیروها به جلو برای سنگرسازی بود. این خبر امیدوار کننده بود. نیم ساعت بعد گزارش واصله شد که شدت آتش در منطقه زیاد شده، خط جلو نیز زیر آتش گلوله دشمن واقع شده است. پیام بعدی حاکی از مجروح شدن تعدادی از نیروها و آسیب رسیدن به یکدستگاه لودر بود. در حال تماس و دریافت پیام‌ها بوده. جناب سرهنگ ساوکیا و جناب سرهنگ همایونمهر از رکن سوه لشکر به سنگر من وارد شدند پس از بحث و بررسی در حالی که لحظه به لحظه فشار دشمن به نیروها فزونی می‌یافت صمیم بر این شد که گردان احتیاط برای تقویت نیروهای در خط، به منطقه اعزام گردد.

افسران اعزامی از ستاد لشکر از سنگر من خارج شدند و مقرر گردید از همانجا محل استقرار نیروی احتیاط بروند تا در اعزام نیرو تسریع نمایند همچنین به توپخانه 30 م دستور دادند با تمام توان روی نیروهای دشمن آتش اجرا کند.

گزارشات بعدی نمایانگر شدت اقدامات دشمن بود. ما اصرار داشتیم که نیروها موقعیت را حفظ کنند تا نیروهای احتیاط وارد عمل گردند.



نیم شب پیاه واصل شد که دشمن با نیروی زرهمی ب سمت تی 120 حرکت کرده و طولی نخواهد کشید که درگیری نزدیک و تن به تن شروع شود، پاسخ داد شد: مقاومت کنید، من به سمت شم حرکت کرده. نیروی احتیاط نیز الان می‌رسد. از لشکر درخواست گردید پشتیبانی آتش ر در منطقه وسیعی اجرا نمایند.

پس از ارسال پیام، من و جناب سروان خنجری به سمت منطقه درگیری حرکت کردیم. در طول راه با نیروهای درگیر ارتباط برقرار بود. پیام‌ها بسیار نگران کننده بود نیم ساعت پس از حرکت هنوز به منطقه نرسیده بودیم صدای بی‌سیه بی با حالت لرزان بلند شد که نیروهای خط جلو با دشمن درگیر هستند و تعدادی از تانکهای دشمن از خط جلو گذشتند و در حال تصرف کامل ارتفاع 120 می‌باشند.

وضعیت از کنترل خارج شده بود. دستورات مؤثر واقع نمی‌شد چون زمانی که دشمن وارد منطقه گردد سیستم فرماندهی مختل می‌شود و برقراری ارتباط بی‌سیم یا باسیم دشوار با توجه به اینکه به خدمه و فرمانده و وسیله آبی می‌رسد، میسر نیست.

طبیعی بود که رفتن ما به داخل نیروهای درگیر دشوار بود که صدای ما را کسی نمی‌شنید. کاری از پیش نمی‌برد من، راننده، بی‌سیه چی، جناب سروان خنجری که جمع 4 نفر در داخل یک خودرو بودیم در 2 کیلومتری منطقه درگیری و در عقب هر کدام با فاصله 100 متر قرار گرفتیم و قرار بر این شد



بازدید از آمادگی نیروها / 83

نیروهایی که به عقب می‌آیند جمع‌آوری کنیم و اجازه خروج از منطقه را ندهیم. ما همین خط پدافندی بعدی باشد. با رسیدن گردان 133 خط تقویت می‌شود و در مقابل دشمن قرار می‌گیریم.

این ابتکار و پیش‌بینی به موقع بود و در جمع‌آوری نیروهایی که در شب ریک به عقب می‌آمدند مؤثر واقع گردید. ما توانستیم تمام افرادی که به عقب آمدند جمع کنیم. صحبت کنیم، توجیه کنیم، اهمیت مأموریت را شرح دهیم تا آن حالت عصبانیت و فشار روحی بتدریج کمتر شود مضاف بر اینکه آمدن گردان 133 پیاده مکانیزه در تقویت روحی آنها بسیا خوب بود.

ت ساعت 4 صبح تعدادی از نیروها که قطع درگیری کرده بودند جمع شدند اما بن تعداد نسبت به آمار کلی بسیار کم بود. بعد از ساعت 4 درگیری کلاً قطع شد و صدای تیراندازی به گوش نمی‌رسید. این حالت نشان می‌داد که دشمن هدف را تصرف نموده و باقیمانده نیروها را به اسارت درآورد، است.

از نیروهای حاضر اطلاعات دریافت شده حاکی است که دشمن به یک یگان زرهی در حد 2 گردان بود که پس از اجرای آتش تهیه به مدت 45 دقیقه تک را شروع کرده بودند، به‌طور مستقیم روی تپه آمدند و یگان خودی را دور نزدند.

در این حرکت دسته پیاده و فرمانده دسته مربوطه، شهید یا مجروح و یا با اسارت درآمده بودند 2 دستگاه از تانکها در اثر اصابت گلوله تانک منهدم، یک دستگاه غیر قابل حرکت شده بود و تعدادی از نفربرهای زرهی منهدم و چند دستگاه نیز به عقب آمده بودند.



هوا روشن شد و بتدریج آفتاب طلوع کرد هنوز گردان 133 به منطقه نرسیده بود. البته با داشتن ارتباط با لشکر وقایع و گزارش‌ها ارسال می‌گردید. توپخانه 130م لشکر روی تپه 120 اجرای آتش می‌نمود.

نفرت جمع‌آوری شده از گردان 247 سوار زرهی در خط تعیین شده گسترش یافتند و موقعیت زمین طوری بود که در دید دشمن قرار نداشتند و دشمن در آن منطقه اجرای آتش نکرد فقط منظور حفظ نیروها بود که پس از وارد شدن گردان 133 آنان از منطقه خارج می‌شدند. جناب سرهنگ فراهانی رئیس رکن سوم پ که برای نظارت بر اجرای دستورات اعزام شده بود ساعت 4 مراجعت نمودند و گزارش کاملی از درگیری ارائه دادند. ایثار، پایداری و مقاومت نیروهای مستقر در تپه 120 فوق‌العاده بود و واقعاً آنچه که ابلاغ شده بود اجرا کرده بودند. از دسته یاده گروهان سوم گردان 144 که در خط جلو پدافندی بودند حتی یک نفر به عقب برنگشته بود و این امر نشان میداد که تا آخرین نفس دشمن جنگیدند.

بررسی بعدی نشان داد ارتش عراق بعثت حساسیت ارتفاع 120 و موقعیت خاص آن در منطقه با استفاده از تپه 10 زرهی که یکی از زنده‌ترین و پرتحرکترین نیروهای زرهی با حساب می‌آمد و در احتیاط لشکر 10 زرهی قرار داشت تک نموده و موفق با تصرف هدف گردید، است.

نیروهای عراقی پس از تصرف هدف استحکامات زیادی روی آن ساختند و نیروی قابل توجهی مستقر نمودند به طوری که در عملیات فتح‌المبین آخرین نقطه‌ای



بازدید از آمادگی نیروها 85

کا سقوط کرد همان تیپ 120 بود. تا آخرین لحظه مقاومت کردند و در نهایت همه آنها به اسارت درآمدند و یک کشته شدند با اجرای عملیات فتح‌المبین، در این نقطه از نیروهای عراقی 10 برابر انتقام گرفت شد. خداوند ر سپاسگزارد.

بعد از طلوع آفتاب اولین سریال گردان 133 مکانیزه به منطقه وارد شد. در ابتدا در جاهایی که پوشش داشت جمع شدند. فرمانده گردان جناب سرگرد ابوالقاسم بیهان زاده و فرمانده گروهان نسبت به منطقه توجه شدند و سپس بتدریج در خط پدافندی تعیین شد، گسترش یافتند.

لشکر مصمم بود مجدداً به تیپ 120 تک نماید و آن را به تصرف درآورد بر همین مبنا گردانهای تانک 242 و 243 نیز به منطقه وارد شدند و احتمالاً اجرای طرح وسیع تر بود و تصرف سایتها اداما داشت.

بعد از عملیات تیپ 120 در وضعیت پدافندی منطقه تغییراتی به وجود آمد و با عزام گردانهای 133 پیاده مکانیزه 242 و 243 تانک فضای خالی بین لشکرهای 21 و 16 پر شد و در خط پدافندی پیوستگی ایجاد شد. منطقه مسئولیت تیپ 2 از رودخانه رفائیه در راست تا تپه‌های لخیضر د چپ ادامه داشت هفت گردان در خط گسترش یافتند. خطر نفوذ دشمن و احتمال دور زدن نیروهای خودی از بین رفت. (نقشه شما 3)



بخش چهارم

ادامه وضعیت پدافندی



اداما وضعیت پدافندی

با تکمیل شدن گسترش نیروها و سازماندهی خط پدافندی، اطمینان در ک رل و مهار کردن حرکات دشمن در هر نقطه‌ای ا خط بیشتر شد و نگرانیه برطرف ردید. امّ هدف بیرون راندن دشمن از خاک ج ا بود. تا آن موقع چندین عملیات موفق انجام شده و صدها کیلومتر ا خاک مقدس کشور عزیزمان ایران آزاد گردیده بود.

تغییرات داده شده در رده‌های فرماندهی نیز مؤید حرکات جدید بود. طرح ریزی عملیاتهای بزرگ در دست اجرا و در حال انجام بود. لشکر 21 طرحی را در دست بررسی داشت که هدف آن تصرف سایت‌های 4 و 5 بود. برای همین منظور به یگانهای د خط بویژد سه گردان 133 ، 242 ، 243 که اخیراً د خط پدافندی حضور یافته بودند ابلاغ شد با اعزاه گشتی اطلاعات جدید از نحو گسترش، استقرار سلاحها و نقاه ضعف خط پدافندی دشمن را ب دست آورند.

رکن دوم گردانهای د خط و تیپ نیز فعال شدند و فعالیت نیروها د کسب ا لاعات متمرکز گردید. گزارشات واصله روزانه جمع‌بندی و به لشکر ارسال می گردید.



در خط پدافندی، رقابت نیروهای در خط جهت نزدیک شدن به دشمن، گرفتن اسیر، انهدام تجهیزات و تأسیسات و آوردن اطلاعات با ارزش که در تصمیم‌گیری فرماندهی مؤثر باشد شدت یافت.

یگانگی امتیاز بیشتری داشت که عملاً در مأموریت‌های واگذاری مؤثرتر عمل‌اند. گرفتن اسیر از دشمن بیش از سایر موارد ارزش داشت و برای اسیر کردن فرمان عراقی جایزه‌ای به مبلغ بیست هزار تومان تعیین شده بود. درجه دار عراقی ده هزار تومان، سرباز عراقی در صورتی که به اسارت درمی‌آمد پنج هزار تومان جایزه داشت.

گردانهای 133، 144 توانستند خط پدافندی جدیدی را که حدود 500 متر به دشمن نزدیک تر بود اشغال نموده و در موقعیت بهتری قرار گیرند. گردان 169 به دشمن خیلی نزدیک بود و با اجرای آتشهای مؤثر تلفات بیشتری وارد می‌شد. در مقابل گردان 141، دشمن میدان مین وسیعی ایجاد کرده بود. گشته‌های این گردان موفق به باز نمودن معبر در داخل میدان شدند اما به علت حساس شدن دشمن، نتوانستند اسیر بگیرند.

وضعیت پدافندی، ادامه داشت من از صبح زود برای بازدید به خط پدافندی می‌رفتم بعضاً نکاتی یادآوری می‌شد. کمبودها را می‌دیدم. اشکالات در حد توان برطرف می‌گردید. نحوه اعزام گشته‌ها به جلو و محورهای نفوذی را کنترل می‌کردم و از لحاظ آموزش و استفاده از سلاح‌های در خط بازدید به عمل می‌آمد. این امر سبب می‌شد تا عملاً از جریان کلی اطلاعات و عملیات شخصاً آگاه باشم و



اداما وضعیت پدافندی / 91

از جهتی حضور من تقویت روحیه‌ای برای نیروهای در خط بود. رئیس رکن سوم و سرپرست رکن دوه تیپ ب من بودند.

تا اول دیماد وضعیت ادامه داشت و تمام فعالیتها، برای چگونه دسترسی یا بن به سایت‌های 4، 5 بود هر یگان در مسیر منطقه خود راههایی را بررسی کرده بود و در جلسات متشکله ارائه می‌داد.

در سطح لشکر نیز فعالیت‌های اطلاعاتی، افزایش یافته بود. بولتن روزانه لشکر که حاوی اخبار زیادی از وضعیت دشمن، از طریق تفسیر عسکهای هوایی منطقه و گزارشهای رسیده از سایر یگانها بود به تیپ ارسال می‌گردید.

اعزام گشته‌ها به جلو، باز کردن معابر از داخل میادین مین و نفوذ تعدادی از ناصر اطلاعاتی به خط پدافندی سبب گردیده بود دشمن حساسیت بیشتری نشان دهد. شبها به صورت مستمر با پرتاب گلوله‌های منور منطقه را روشن می‌کرد و این امر معمولاً ت روشنایی صبح ادامه داشت.

تلاش دسته‌های شناسایی و عوامل اطلاعاتی شبها ادامه داشت، این عناصر در رز استراحت می‌کردند. اسیری از دشمن گرفته نشد. اما در دو مورد نتیجه خوبی حاصل شد یکی اینکه افراد اعتماد با نفس پیدا کردند فز نزدیک شدن به دشمن و نفوذ به خط جلو پدافندی را یاد گرفتند. دوه همین تحرکات سبب گردید دشمن هم‌اره بویژه در شب در حالت ترس و نگرانی باشد. نیروهای خود را آماده‌باش بدهد. و خط پدافندی را با گلوله‌های منور روشن نگهدارد. که ادامه این امر سبب فرسوگی نیروهای وی می‌گردید. در مناطق سایر یگانهای لشکر نیز،



همین وضع ادامه داشت پس از تکمیل شدن خط پدافندی و استقرار نیروها، در فاصله‌ای از خط که خالی از نیرو بود تلاش گردید، محل دیده‌بانان در موقعیت بهتری باشد. اجرای آتش‌های درخواستی و ثبت شده افزایش یافت. در نتیجه تلفات و ضایعات وارده با دشمن زیاد شد.

متقابلاً توپخانه‌های دشمن نیز فعالیت زیادی داشتند. با توجه به اینکه همه اقدامات تأمینی رعایت می‌گردید و کنترل می‌شد مع الوصف روزانه آمار تعدادی شهید و مجروح از هر گردان به تیپ ارسال می‌گردید ضایعات تجهیزاتی نیز داشتیه.

اوائل دیما 1360 حضور یگانهایی از لشکر 77 در منطقه شوش به اطلاع من رسید. تیپ 2 لشکر 77 زودتر از سایر یگانها، به منطقه وارد شده بود. با آمدن نیروهای جدید، احتمال تغییر آرایش نیروهای لشکر 21 که 40 کیلومتر خط پدافندی داشتند وجود داشت.

اجرای عملیات ثامن الائمه (ع) . شکست حصر آبادان . سبب گردید که نیرو ای عراقی سرپلی را که در شرق رودخانه کارون و در شمال آبادان ایجاد کرده بودند ز دست بدهند و بد تحمل تلفات و ضایعات زیادی در غرب کارور خط پدافندی از غل نمایند. رودخانه کارون مانع خوبی در حرکت نیروهای عراقی به سمت شرق بود ز این لحاظ تیپ 40 سراب در ساحل شرقی رودخانه کارون مواضع پدافندی لشکر 77 ر تحویل گرفت و لشکر 77 آزاد شد



اداما وضعیت پدافندی / 93

در سطح نیروی زمینی تلاش برای تمرکز نیروه جهت اجرای یک عملیات وسیع و هماهنگ صورت می گرفت در همین راستا پس از عملیات طریق القدس و تصرف تنگ چزابه، نیروهای درگیر لشکر 92 زرهی نیز آزاد شد، آماده اجرای عملیات جدید گردیدند. در 16 دی سال 1360 از طریق لشکر اطلاع دادند که تپه 2 لشکر 77 در منطقه شوش، نیروهای تپه 21 را تعویض خواهد کرد، این موضوع یک دستور آگهی بود.



بخش پنجم

نقل مکان و جا به جایی



تعویض تیپ 2 از منطقا عمومی شوش

پس از دریافت دستور آگهی، سؤال اول این بود کجا برویم؟ رکز سوه لشکر منطقه‌ای را در شمال غربی یل فلزی نادری در ارتفاعات خرولی و اسکندر خندان را برای یپ پس از تعویض پیش بینی کرده بود. این منطقه نسبت به خط جلو فاه ه زیادی داشت و به علت وجود ارتفاعات از لحاظ پوشش هوایی نیز مناسب بود.

با تعویض تیپ 2 از منطقه شوش، اولین قدم برای آماده شدن نیروه جهت انجام عملیات بزرگ فتح‌المبین برداشته شد. چون لشکر 77 برای اجرای عملیات، در منطقه شوش استقرار می‌یافت. همان منطقه‌ای که تیپ 2 به گردان یدافند می‌کرد به لشکر موصوف واگذار گردید (اولین یگان برای استقرار در خط، یپ 2 تعیین شده بود).

تیپ 2 لشکر 21 با تعویض از منطقا شوش به شمال منطقه نبرد تغییر مکان داده می‌شد. در این منطقه نیز بین لشکر 21 در چپ و تیپ 84 پیاده خرم آباد در راست، فاصله ای 5 . 6 کیلومتری خالی از نیرو بود. تدبیر لشکر بر این اساس بود که تیپ 2 عملیات آتی را از این محل شروع نماید. اما در ابتدا لازم بود پس از تعویض از منطقا شوش در یک محل مناسبی تجمع کند. و شناسایی های لازم را از منطقه مورد نظر با عمل آورد.



98 شجاعان نبرد

دستورالعمل تعویض تیپ 2 لشک 77 به تیپ 2 لشک 21، در تاریخ 21/10/60 از طریق رکن سوه ستاد لشکر با تیپ ابلاغ گردید.

جابه‌جایی، یا تعویض نیروها در شرایطی که هر یک از آنها برای زندگی در شرایط سخت جبهه، سنگری با امکانات تحویل شده، و سلیقه خودشان درست کرد و تهیه این مکان مدت زیادی طول کشیده، بسیار سخت است چون در محل جدید، موقعیت استقرار مشخص نیست. وسائل سنگری در حد نیاز تحویل نمی‌شد و زمان زیادی لازم است تا بتدریج محل کوچکی به ناه سنگر ساخته شود.

بارش بارانهای موسمی در منطقه، شروع شده بود. اولین اقدام این بود که له‌کر با تمام توان بایستی تیپ 2 را از لحاظ تأمین وسائل ساخت سنگر یشتیبانی نمود. چون دستور بر این بود کوچکترین وسیله سنگری از منطقه استقرار تیپ جابه‌جا نشود حتی سیمهای مخابراتی که برای ارتباط یگانها بر روی زمین کشیده شده بود باقی باشد و معادل آن از تیپ 2 لشک 77 دریافت گردد.

به رکن چهارم تیپ مسئولیت داده شد برای دریافت وسائل سنگری به له‌کر مراجعه نماید. موضوع را با صورت مستمر پیگیری کند.

فرماندهان گردانهای در خط و یگانهای یشتیبانی، احضار شدند و در مورد دستورالعمل ارسالی از لشکر توجیه گردیدند. و دستورهای اکید در عدم جمع‌وری وسائل سنگری و همچنین سیم ارتباط بین یگانها داد شد و مقرر



نقل مکان و جابه جایی / 99

گردید معادل وسائل به جای مانده، از طریق تیپ 2 لشکر 77 و لشکر 21 حمزه وسیله تحویل آنها داده شود.

عناصر فرماندهی، و ستاد تیپ 2 لشکر 77 در تاریخ 21/10/60، برای هماهنگی ستادی به قرارگاه تیپ وارد شدند. جناب سرهنگ هوشنگ ناصری فرماندهی تیپ 2 بودند رؤسای ارکان 1 2 3 4؛ همچنین رئیس ستاد تیپ با معاونین آنها در حضور داشتند.

بعد از خوش آمدگویی، به سنگر عملیات تیپ رفتیم و حاضرین توسط رؤسا و مسئولین ارکان چهارگانه تیپ توجیه شدند. اطلاعاتی از وضعیت دشمن، از وضعیت نیروهای خودی، نقاط ضعف و مثبت موجود در منطقه از طرف نیروهای خودی و دشمن از روی نقشه وضعیت توضیح داد شد.

به خاطر دارم اولین موضوعی که مورد توجه بود مسئله تخریب سنگرها بود. در مورد آن تعهد گردید، سنگرها سالم تحویل می‌شوند. در مورد تحویل سیم مخابرات مشکلی وجود نداشت چون معادل آن دریافت می‌گردید.

دستورالعمل ارسال، از لشکر موارد کلی تعویض را عنوان کرده بود. اما هماهنگی در اجرای دستورالعمل و جزئیات تعویض بایستی روشن می‌شد. نکته‌ای که از عد تاکتیکی مورد نظر بود بایستی تغییرات محسوسی در طول تعویض از لحاظ تردد - تجمع - دیده‌بانی - اجرای آتش - ارتباطات به سیم و ... در منطقه مشاهده شود. تا دشمن متوجه نگردد و چون در زمان تعویض نیروی تعویض شونده و نیروی تعویض کننده هر دو آسیب پذیر هستند.



تصمیم بر آن شد. بازدید و هماهنگی فرماندهان گردانها و گروهانها در دو روز انجام شود. از روز سوم به مدت سه روز روزاناً یک سوم نیروها تعویض شوند. تعویض فقط در شب بعد از شروع تاریکی صورت گیرد. تعویض نیروهای یشتیبانی که نده که عقب تر بودند مشکل زیادی نداشت اما آنها نیز در سه روز تعویض شدند فقط با این تفاوت، نیروهای موصوف یک روز دیرتر از خط جلو شروع به تعویض کردند به طوری که از لحاظ توپخانه و اجرای آتش کمبودی به وجود نیاید.

ارتباط و فرماندهی، تا خاتمه تعویض روز دوم به من بود پس از خاتمه تعویض روز دوم به عهده فرماندهی تیم 2 لشکر 77 واگذار گردید.

در طول بازدید و هماهنگی فرماندهان گردانها در منطقه عملیات، ستاد تیپ 4 مسئولیت آن را جناب سرهنگ دارالصفائی بر عهده داشت از منطقه جدید اسقرار گردانها، محل ستاد، بازدید با عمل آوردند و اطلاعات اولیه را گزارش کردند.

در حین انجام تعویض جناب سرهنگ مصطفی شهری، در سمت جانشین فرماندهی تیپ معرفی گردید. ایشان فارغ التحصیل از دانشکده فرماندهی و ستاد بودند. افسری شایسته و دوستی صمیمی که بعد از حضور ایشان در ستاد تیپ، پیشرفت کارها بسیار خوب بود.

روز بعد من به اتفاق فرماندهان گردان جناب سرهنگ فتح پورمظفری که چند روزی بود به فرماندهی گردان 169 منصوب شده بود، جناب سرهنگ مرتضی خسروتاش فرماندهی گردان 141 جناب سرگرد هدایت نسب فرمانده گردان 144



نقل مکان و جابه جایی / 101

و فرمانده قرارگاه تیب و فرماندهان یگانهای مأمور به منطقه استقرار جدید ر تیب. محل جدید استقرار گردانها، مشخص کردیم و نیروهای مأمور به جز گردان توخانه به محل جدید آشن شدند و از چگونگی استقرار مطلع گشتند.

تعویض نیروها به صورت یک سوم از تاریخ 23/10/60 شروع شد و در تاریخ 26/10/60 خاتمه یافت.

تعویض نیروها، در شرایطی صورت گرفت که بارانهای موسمی می بارید و هوای خوزستان بویژه د شب سرد بود و از جهت نیروهای تعویض شونده از لحاظ و اائل سنگری در محدودیت بودند. ابتدا مشکلاتی ایجاد شد. لیکن موقعیت خوب منطقه و امنیت آن در رفع مشکلات کمک کرد. از طریق لشکر تعدادی چادر گروهی و از رادی به گردانها تحویل شد، محل پراکندگی به صورت اردوگاه سازماندهی شد.

استقرار در منطقا تجمع

منطقه تجمع تیب 2 که برای آماده شدن تیب جهت اجرای عملیات پیش بینیه ، ده بود. نقشه شمار 9) 1 سمت شرق به تیه کمان کوچک منتهی می گردید. اراتاعات خرولی و تیه اسکندر خان پوشش هوایی نسبی را برای استقرار نیروها تأمین کرده بودند زمین منطقا شنی بود و تردد خودروه پس از بارش باران مشکلی نداشت.

آن سال در منطقه خوزستان بارندگی بسیار خوبی شد. اواخر دیماه تپهها و درهها سرسبز بودند اما یک مشکل برای نیروه وجود داشت. چاله های چادرها



چون در شیب تپه کنده شده بود پس از هر بارندگی، چند روز جریان آب به داخل چاله‌ها راه می‌یافت. تجهیزات سربازان خیس می‌شد و وسائل خواب آنها همواره رطوبت داشت. البته پس از قطع باران لطافت هوا و گرمی آفتاب جبران نارا می‌را می‌کرد استقرار تپه به صورت گردانی صورت گرفت. هر گردان منطقه جداگانه‌ای برای یگانهای تابعه داشت. قرارگاه تپه در اول دهلیز ارتفاعات خرولی به روخانه کرخه استقرار یافت. نقشه شمار ()

گروهان مهندسی با استفاده از منبع‌های لاستیکی و دستگاه تصفیه آب در کنار رودخانه کرخه آب مورد نیاز تپه را تهیه و تأمین می‌کرد. آشپزخانه‌های گرد بها در نزدیکی رودخانه کرخه، در پناه ارتفاعات استقرار یافتند و بار مبنای مهمات همراهی نیروها با استفاده از شیارهای موجود دپو گردید.

از طریق لشکر به گروهان بهداری یکدستگاه کانکس با تجهیزات کامل به مارستانی تحویل شد که در جنب گروهان قرارگاه تپه استقرار یافت.

دسته مخابرات تپه ارتباط قرارگاه را دایر نمود و برقراری ارتباط با لشکر و سایر نیروها توسط دسته اعزامی از لشکر انجام شد.

دسترسی به منطقه آماد و لشکر به علت نزدیکی منطقه استقرار بسیار سان بود و گردانها روزانه جیره غذایی خود را طبق آمار ارسالی دریافت می‌نمودند.

دسته پدافند هوایی برای حفاظت نیروهای تپه در مقابل حملات هوایی احتیاجی دشمن در محلهای مناسب مستقر گردید. دسته دژبان که مقررات عبور و مرور و کنترل تردها را بر عهد داشت در محل مربوطه استقرار یافت.



گروهان دوم تعمیر و نگهداری مأمور به تیپ در نزدیکی جاده مواصلاتی مستر شدند. تعمیرات خودرو، سلاح و وسایل مخابرات را بر عهده گرفتند.

استقرار نیروها سه روز طول کشید. در خاتمه بازدید به عمل آمد، کمبودها و مشکلات بررسی و جمع‌بندی گردید. رکز 4 تیپ که مسئولیت پیگیری و دریافت بعضی از اقلام، مانند وسائل سنگری را داشت به لشکر اعزام گردید. بعضی از اقلام مورد نیاز نیز بایستی توسط گردانها درخواست و دریافت می‌شد در مورد آنها قرر گردید من با فرماندهی لشکر - جناب سرهنگ حسنی سعدی - صحبت کنم حق تقدیر دریافت به تیپ 2 باشد.

منطقه استقرار دور از تیررس تویخانه دشمن بود و از صدای انفجار گلوله ای چند روزی نیروها در امان بودند. بارش باران، سبز بودن منطقه، هوای بهاری، آفتاب لایم، روحیه سرشار نیروها را تقویت می‌کرد و فرماندهان نیز با ایجاد زمین‌های ورزشی مانند والیبال، فوتبال و گل کوچک علاقه مند بودند چند روزی رکود و کسالت روحی در سنگر بودن افراد را از بین ببرند و روحیه شادی جایگزین نمایند. بته در خلال برنامه‌های ورزشی برنامه آموزشی نیروها فراموش نگردید.

برنامه‌های آموزشی

اهمیت آموزش در میدان جنگ معادل موفقیت و عدم موفقیت است. یعنی نیروهایی که با آموزش خوب وارد صحنه نبرد شوند موفقیت آنان حتمی است، پرا کلید موفقیت در جنگ چهار کلمه است کشتن دشمن و کشته نشدن. این عمل



105 نقل مکان و جابه جایی

امکان ندارد مگر با آموزش خوب، آموزش خوب یعنی استفاده از سلاح برای کشتن دشمن، برای استفاده صحیح و بجا از اسلحه بایستی آموزش دید آموزش خوب، طرز استفاده از زمین را برای کشته نشدن به افراد جنگجو یاد می‌دهد هر رزمنده‌ای تواند از زمین، ارتفاعات، گودیها، شیارها، کانالها، سنگره) خوب استفاده کند کشته نمی‌شود. زمانی که با تیراندازی دقیق و به موقع قادر باشیم نیروهای دشمن را منهدم کنیم و هنگامی که با استفاده از زمین بتوانیم جان خود را حفظ کنیم موفقیت حتمی است.

مثالی را یاد آوری می‌کنم. اگر سربازی به سوی دشمن تیراندازی کند و به هدف اصابت نکند چندین خطر او را تهدید می‌کند. اول اینکه دشمن او را دیده است و هدفی برای دشمن است. دوم به علت عدم اصابت گلوله به هدف، دشمن متوجه ضعف او خواهد بود. سوم، ضعف او با دشمن جسارت تعرض می‌دهد و روحیه دشمن تقویت می‌گردد. چهارم خود سرباز که تیرش با هدف نخورده است احساس ترس و سپس احساس ضعف می‌کند. پنجم جایگزینی مهمات مصرفی مشکلاتی برای نیروهای تجدید کننده مهمات ایجاد خواهد کرد. چه بسا در اثر تجدید مهمات نیروهایی شهید یا مجروح شوند. ششم از بعد اقتصادی، تهیه و تأمین و رساندن مهمات به جبهه برای کشور هزینه سنگین خواهد داشت. هفتم عدم موفقیت، شکست بزرگ سیاسی، تاریخی، و ... اضمحلال یک کشور را در پی خواهد داشت. آموزش متون اصلی (اساس وجودی نیروهای نظامی است).



با توجه به مأموریت واگذاری آینده کا سبب گردید تیپ از منطق شوش از نوب جبهه لشک (به منطقه شمال تغییر مکان دهد، موقعیت بسیار خوبی در برامه ریزی برای آموزش نیروها پس از خاتمه استقرار پیش آمده بود. در جهت استفاده از ن موقعیت دستورات لازم با رئیس ستاد و رکن سود تیپ داد شد.

برای اطلاع از محل مأموریت، به ستاد لشکر رفته. البته با آمدن جانشین ف مانند تیپ امور داخلی و اداری با وی محول گردید. من امور عملیاتی را بیشتر پیگیر بوده.

تقدیه در برنامه های آموزشی

در برنامه آموزشی با سه مورد اهمیت خاصی داد شد:

1. استفاده خوب از سلاح برای هر رزمنده با هر نوع سلاح انفرادی - اجتماعی (بن امر در صورت اجر می گردد. شناخت سلاح و استفاده از آن با صورت تئوری به توسط مربیان در کلاس درس تدریس می گردید. - تیراندازی به صورت عملی یعنی آنچه که یاد گرفته شده عملاً انجام دهند. فرماندهی لشکر در مورد مصرف مهمات برای تیراندازی آموزشی به هیچ عنوان محدودیت قایل نبودند یعنی سربازان در مرحله اول قادر به زدن هدف نبود مراحل بعد تکرار می شد. ت حدی این عمل ادامه می یافت تا سرباز مطمئن شود تیر اول را به هدف خواهد زد.



نقل مکان و جابه جایی 107

2. عملیات در شب: بطور کلی پس از دروس کلاسی و تدریس به صورت تئوری تمرین در شب صورت می گرفت. و این امر از حساسیت بالایی برخوردار بود.

چون در شب راه رفتن، ایجاد صدا نکردن، گم نشدن و حرکت در مسیرهای تعیین شده تیراندازی کردن، و شناخت نیروهای خودی از دشمن، همه و همه از مواردی است که نیاز به تمرین و ممارست دارد. کنترل نیروها در شب، هدایت آنها در امتداد مسیر تعیین شده، متوقف نمودن نیروها، تغییر جهت دادن، کنترل آتش و ارتباط و مخابرات برای فرماندهان امر حساس و حیاتی است که به تمرین و آموزش و اعتهاد به نفس امکان پذیر است.

3. تقویت نیروی جسمانی: در خط پدافندی بویژه زمانی که به دشمن در مسافت نزدیک هستیم نیروها برای جلوگیری از تلفات و ضایعات اکثراً در سنگرها مستند و تحرک زیادی ندارند. انجام عملیات تک و رسیدن به اهداف تعیین شده، ایجاب می نماید که نیروهای پیاده در بعضی مواقع مسافت 6 الی 20 کیلومتر پیشروی نمایند و در صورتی که منطقه کوهستانی باشد، نیروی جسمانی قوی قادر است در این منطقه، عملیاتی موفق انجام دهد.

برای تقویت نیروی جسمانی، برنامه کوهنوردی و راهپیمایی شبانه در نظر گرفته شد.



بخش ششم

مقدمات عمليات فتح الم بن



اطلاع از مأموریت آیند، تیپ

تا خاتمه استقرار گردانهای تابعه و یگانهای مأمور به تیپ، عوامل ستادی از لشکر برای بازدید و مشاهد، مشکلات نیروه حضور می‌یافتند و آمد و رفت آنها با اقاماتی که انجام می‌شد مؤثر و مفید بود. اما از مأموریت آیند تیپ، خبر نداشتیم ط می‌دانستیم که احتمال به کارگیری نیروها در شمال منطقه وجود دارد، محل آن را نیز نمی‌دانستیم. خیلی مشتاق بودم که از موضوع با اطلاع باشم و با استاده از زمان شناسایی به عمل آید تا اطلاعات کافی از دشمن و موقعیت استقرار نیروها داشته باشم.

چون اطلاع از محل مأموریت در نحوه تمرین آموزشی گردانها به صورت عملی اثر مستقیم داشت.

پس از خاتمه استقرار به قرارگاه لشکر 21 رفتم. فرماندهی لشکر من را به حضور پذیرفت در ابتدای امر از وضعیت نیروها در منطقه تجمع سؤال فرمودند، به رض رسید استقرار گردانها خاتمه یافته است و از امروز برنامه آموزشی تعیین شده را اجرا می‌نمایند. راهنمایی‌های کلی در مورد آموزش بویژه آموزشهای عملی صورت گرفت و تأکید ایشان در آموزش شبانه بسیار بود جناب سرهنگ علی محمد سالارک. رئیس رکن سوه لشکر بود. ایشان را احضار نمودند و فرمودند:



سرهنگ شاهین‌راد ر نسبت به منطقه مسئولیت لشکر توجیه نمایید. از عد حفاظتی لازه است فعلا فقط ایشان در جریان اقدامات قرار گیرند.

رئیس رکن سوم لشکر، در اطاق عملیات، روی نقشه وضعیت، من را نسبت ه گسترش نیروهای تیپ 1 ، 3 توجیه نمودند و استقرار نیروهای تیپ 84 پیاده خرم آباد را، در راست لشکر و شمال منطقه نشان دادند. وضعیت استقرار نیروهای لشکر 21 و تیپ 84 به نحوی بود که خط پدافندی به طول 6 . 5 کیلومتر خالی از نیرو بود. جناب سرهنگ سالار کیا به آنجا اشاره کردند و اظهار نمودند که احتمالاً تیپ 2 در این محل وارد عملیات خواهد شد. به علت کمبود و تأمین نیرو تاکنون هیچ نیرویی در آنجا مستقر نگردیده است. لشکر و تیپ 84 با اعزاز گشتی این منطقه را کنترل می‌کنند. تأکید کردند در موقعیت مناسب گشتی های شناسایی و عوامل اطلاعاتی به منطقه اعزام شوند تا اطلاعات جدیدتری بیاروند البته تردد در منطقه به نحوی صورت گیرد که دشمن متوجه عناصر گشتی نشود. اصل غافلگیری - تماماً رعایت گردد.

پس از مراجعت از ستاد لشکر جلسه ستادی تشکیل گردید. نقشه منطقه وسط رکن دوم بایستی تهیه می‌شد. نقشه‌های موجود موقعیت جدید را نشان نمی‌داد. به کن دوم ابلاغ شد نقشه مورد نظر را از طریق رکن دوم لشکر، تحویل بگیرند و ویا نمایند. 1

- گویا کردن نقشه: عبارت از مشخص نمودن ارتفاعات ، جاده‌ها، رودخانه‌ها ، شهرها، روستاها، پلها ، و ... به طوریکه وضعیت جاری در روی نقشه کاملاً مشاهده گردد.



مقدمات عملیات فتح المبین / 113

به رکن سوم ابلاغ گردید، با اجرای بازدید از دسته‌های شناسایی، گردانهای ابغه، کمبودهای نیروی انسانی و تجهیزاتی آنها را به تیپ اعلام نمایند. دسته‌های شناسایی در هر گردان به منظور مأموریت‌های شناسایی، کسب خبر سازماندهی شده اند لازم بود در مأموریت آتی از آنها به نحو شایسته استفاده شود)

به رکن یکم ابلاغ شد، با توجه به آمار دریافتی از گردانها چون سازمان افراد وظیفه کامل است و کمبودی نداریم بررسی شود افراد در محل سازمانی خدمت نمایند. تعدادی از افراد با توسل به بعضی موارد سعی داشتند در دسته‌های پشتیبانی مانند آشپزخانه - تعمیرگاه - بنه صحرا .. خدمت نمایند)

به رکن چهارم در مورد دریافت وسایل سنگری بویژه گونی و نایلون تأکید گردید.

برای انجام شناسایی، در ابتدای امر لازم بود ستاد تیپ یعنی من، رکن سوم و سرپرست رکن دوم از منطقه مورد نظر بازدید کنیم، پس از آن فرماندهان گردانها را نسبت به منطقه توجیه کنیم و منطقه هر گردان برای انجام شناسایی مشخص گردد تا فعالیتهای مربوطه در محدوده تعیین شده انجام پذیرد.

از ستاد لشکر هنوز دستوری برای انجام شناسایی به تیپ ابلاغ نشده بود. ام اطلاعات روز قبل و صحبت‌های مسئولین حاکی از آن بود که تصمیمات قبلاً اتخاذ شده است. منظور استقرار گردانها بودند)



عصر همان روز (30/10/60) حدود ساعت 19 فرماندهی لشکر به محل استقرار تیپ تشریف آوردند و همان روز نی 2 ساعت قبل جناب سرگرد اصغر کریمی مهر- از همدوره‌های دانشکده افسری من - برای دیدن من آمده بود. دیدار ما دو نفر که از سال 1348 همدیگر را ندیده بودیم بسیار جالب بود و من واقع خوشحال بوده.

پس از وارد شدن فرماندهی لشکر به منطقه تیپ، به اتفاق به سنگری که رای من ساخته بودند رفتیم سنگر در شیب تپه ساخته شده بود و به علت بارندگی مداوم چند روز اخیرا کف سنگر آب جاری بود تخت آهنی در بالای سنگر قرار داشت هر دو به اتفاق لبه تخت نشستیم نصف دیواره‌های کنار سنگر خاکبرداری شده بود و نصف بالای آن دیواری بود که به وسیله چیدن گونی پر از خاک ساخته شده بود.

دیوار عقب سنگر خاک سفتی بود که نیاز به چیدن گونی نداشت اما دیوارهای جلو به علت شیب زمین به طور کامل از چیدن گونی‌های پر از خاک بر روی هم درست شده بود سقف سنگر با تراورس و ورقه‌های آهنی پوشیده شده بود و روی آن ایلون قرار داشت که از نفوذ آب جلوگیری کند چون کاملا آب بندی نشده بود چند - ایبی ا سقف چکه می‌کرد.

در محیط نظامی روش بر این است که احترا با بالادست بایستی حفظ شود در تورات صادره لازم است سریع اجر گردد. احترام متقابل لازمه انجام مأموریت است. اما ر طه من و فرماندهی لشکر عمیق‌تر از این مسایل بودم هر دو همدیگر



مقدمات عملیات فتح المبین / 115

را به خوبه درک می‌کردیم و به یکدیگر اعتقاد و اعتماد داشتیم و برای رسیدن به هدف نظرات مشترک داشتیم. دقیقاً آنچه که من می‌خواستم بگویم چیزی بود که فرماندهی لشکر عنوان می‌کردند.

پس از احوال‌پرسی و خسته نباشید، از وضع استقرار نیروها سؤال کردند و مکاتباتی که چند روز بارانی در حال جابه‌جا شدن نیروها به وجود آورد جویا شدند و از زحمات مسئولین قدردانی نمودند. در مورد اجرای مأموریت آتی بر انجام شناسایی‌های دقیق و کسب اطلاع از دشمن تأکید و در نهایت فرمودند: در شناسایی‌ها طوری عمل کنید که دشمن متوجه حضور شما در منطقه نشود. نه ز مغرب و عشاء را به اتفاق اقامه کردیم. من در مورد صرف شاه درخواست کرده که اگر تمایل دارند در همین ج‌ صرف شود. ایشان قبول نمودند. شاه کنسرو ماهی بود و یک مقدار ترشی که معمولاً در موقع برگشت از مرخصی از منزل همراه می‌آوردم با قرص نان صرف شد. موقع خروج از سنگر با جناب سرگرد کریمی مهر برخورد کردیم من ایشان را معرفی کرده. فرماندهی لشکر ضمن احوال‌پرسی با ایشار پس از خداحافظی به لشکر مراجعت نمودند.

انتصاب رئیس رکن دوم

از احوال‌پرسی جناب سرگرد کریمی مهر و فرمانده لشکر چنین استنباط می‌شد که این دو همدیگر را قبل از این نیز دیده‌اند. موضوع سؤال شد. جناب سرگرد کریمی مهر فرمودند من همین دو رو پیش به لشکر 21 منتقل شده‌ام محلی را نیز در



تیپ 1 پیشنهاد داده‌اند تا فردا بروم و مشغول کار شود چون جوید شده شما در اینجا هستید خواسته امشب پیش شما باشم و فردا از همین جا به تیپ 1 برو « در ستاد تیپ محل رئیس رکن دوم خالی بود و من علاقه مند بودم، برای شناسایی‌ها در صورت امکان محل مورد نظر سازماندهی گردد پیش خودم فکر کردم در صورتی که جناب سرگرد کریمی مهر موضوع را بپذیرد اقدام خوبی خواهد شد. در هر حال مورد با ایشان در میان گذاشت شد.

خوشبختانه موضوع به شرطی که دستور داده شده قبلی کان لم یکن شود وفاق گردید. معمولاً کمتر اتفاق می‌افتد که دو نفر هم‌دوره دانشکده، در یک یگان شغل‌های متفاوت داشته باشند.

موضوع دادن شغل با فرماندهی لشکر تلفنی در همان شب صحبت شد. اهمیت موضوع، نداشتن رئیس رکن دوم، حساسیت شغلی برای انجام مأموریت آتی و الطاف فرماندهی سبب گردید که با درخواست من موافقت گردد. این امر در ابدای کار شانس خوبی برای تیپ بود کسری یک رئیس رکن در ستاد تیپ ج‌راز شد.

بازدید از منطقه مأموریت

یکم بهمن ماه سال 1360 هنگامی که از خواب بیدار شدم و برای گرفتن وضو از سنگر بیرون آمدم. هوا بسیار خوب بود. از ابر خبری نبود. بارش باران شب، زمین سبز منطقه را بسیار پرتراوت کرده بود شبانه بهاری روی سبزه‌ها تلالو می‌کرد و



مقدمات عملیات فتح المبین / 117

نسیم بهاری جانی تازه به تمام جانداران می‌بخشید خوشحال بودم که در او بن‌قدم برای اجرای مأموریت موفق شده مسئولی فعال، دوست قدیمی را همراه داشته‌اشم.

پس از صرف صبحانه تلفنی با فرمانده گردان، تماس حاصل شد و برای تکمیل جلسه در ساعت 9 از آنها دعوت به عمل آمد. استقرار گردانها به نحوی بود که دسترسی فرماندهان به تیپ و حضور مسئولین تیپ در گردانها، بدون اتلاف وقت صورت می‌گرفت چون گسترش نیروها در منطقه هر یک به فاصله یک کیلومتر بیشتر نبود.

ساعت 9 جلسه تشکیل شد. جناب سرگرد کریمی، مهر در سمت رئیس رکن دوم تیپ معرفی گردید. اطلاعات مختصری که از مأموریت آینده در اختیار بود به سمع فرماندهان گردان و رؤسای ارکان تیپ رسید. سپس در مورد مشکلات و نیازها دیدها سؤال شد. هر یک از فرماندهان مواردی را عنوان نمودند که مراتب به رؤسای ارکان تیپ برای پیگیری و اقدام تأکید گردید.

برای تنظیم برنامه آینده روی سه موضوعی که قبلاً بررسی گردیده بود صحبت شد و فرماندهان برای اجرای بهتر هر یک از موارد نظراتی داشتند. که بحث و بررسی لازم به عمل آمد.

دسته‌های شناسایی هر گردان با عناصر رکن دوم، مربوطه برای شناسایی‌های اولیه از منطقه مأموریت تعیین گردیدند. بازنگری در سازمان گروهانهای پیاده و اسفاده بهتر از سربازان موجود گروهانها تأکید شد.



به رکن سوم گردانها برای نظارت در امر آموزش تأکید گردید و موضوع ورزش و تقویت نیروی جسمانی سربازان در رأس برنامه آموزشی قرار گرفت.

پس از تنظیم برنامه و هماهنگی آن با برنامه ابلاغی از سوی لشکر، تصمیم بر این امر قرار گرفت که معاون فرماندهی گردان و رؤسای ارکان سوم، من و جناب سرهنگ فراهانی برای بررسی وضعیت در منطقه که خالی از نیرو بود بروی. نزدیک شهر بود. زمان حرکت، ساعت 2 بعد از ظهر تعیین گردید. البته هماهنگی و اطلاع دادن به تیپ 1 لشکر و تیپ 84 خرم آباد برای انجام کار ضروری بود و این موضوع توسط رکن سوه تیپ انجام شد.

به منظور رعایت یوشش و تردد با نفرات کمتر، فرماندهان به دو اکیپ تقسیم شدند رئیس رکن سوه تیپ با فرمانده گردان 141 با سمت تیه چشمه، که آخرین یگان سمن چپ تیپ 1 لشکر 21 استقرار داشت روانه شدند. من، فرمانده گردان 169 و فرمانده گردان 144 با سمت راست منطقه به محلی که تیپ 84 پیاده خرم آباد گسترش داشت رفتیم.

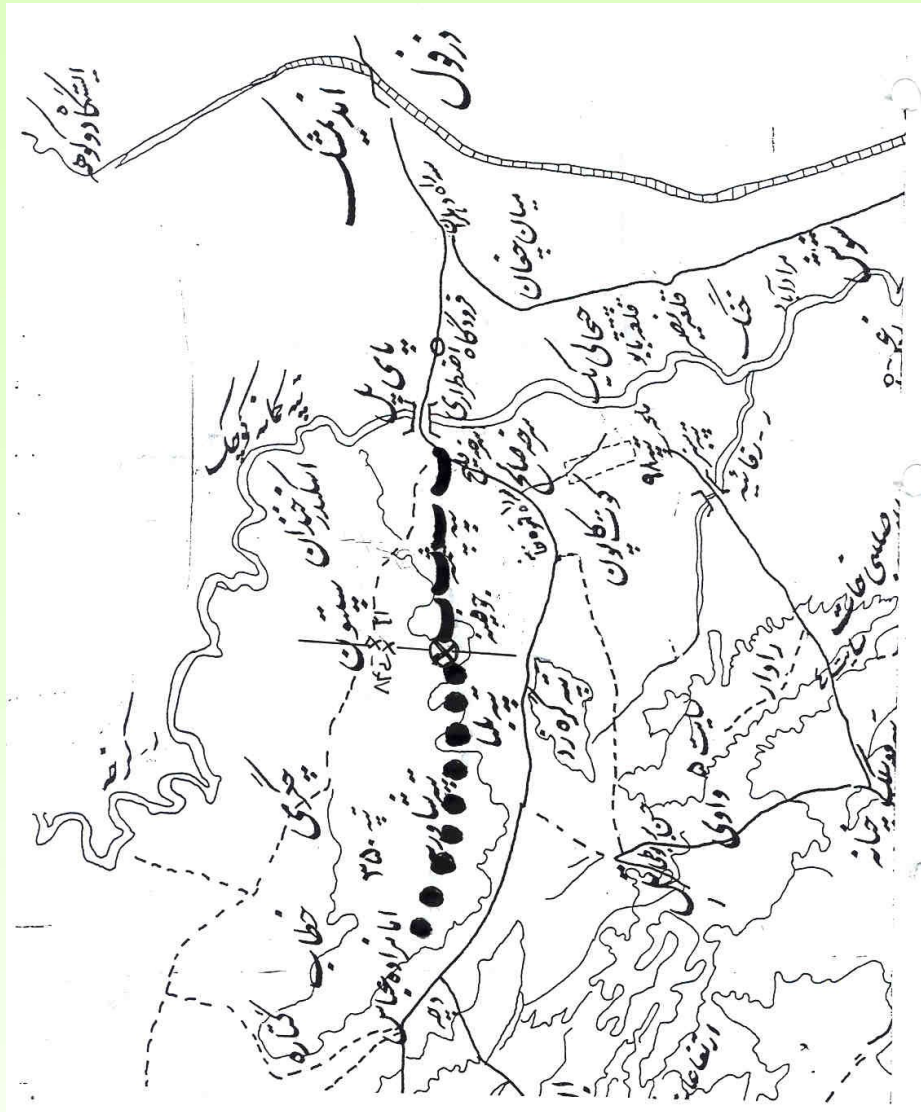
دسترسی به تیه چشمه از محل تجمع تیپ طی 30 دقیقه حرکت با خودرو امکان پذیر بود. رسیدن به قرارگاه تیپ 84 پیاده، 90 دقیقه طول کشید. جناب سرهنگ احمدی فرماندهی تیپ 84 در ستاد تیپ ما را به حضور پذیرفتند. ستاد تیپ در پشت ارتفاعات قرار داشت پس از توجیه شدن با نقشه وضعیت تیپ که حدود 30 کیلومتر تأمین منطقه را به صورت نیروی یوششی برقرار نموده بود درخواست کردیم که از دیدگاه توپخانه که تقریباً به تمام منطقه خالی از نیرو



مقدمات عملیات فتح المبین / 119

مسلط بود و دید کافی داشت برویم و از آنجا اطلاعات نظری از منطقه کسب ماییم. به اتفاق با سمت دیدگاه رفتیم. دیدگاه روی ارتفاع 270، بالای تپه‌های بلتا واقع شده بود. به وسیله کانال احداثی، دسترسی به سنگ دیدگاه بدون دیدن از طرف دشمن امکان‌پذیر بود. تپه‌های بلتا در منطقه طوری قرار گرفته‌اند که از طرف ارتفاعات تپه چشمه قسمتی از آنها زیر دید واقع می‌شود. چون در روی تپه‌ها چه در مقابل یگانی از تیپ 1 لشکر 21 به فاصله 200 تا 300 متر دشمن خط پدافندی داشت احتمال دیده‌بانی از سوی دشمن بعید نبود (نقشه شماره 10)

سنگ دیده‌بانی تقریباً در رأس تپه ساخته شده و کاملاً استتار گردیده بود. این سنگ به علت واقع شدن در بلندترین نقطه منطقه بهترین دید را به اطراف داشت و به عمق زیادی از منطقه استقرار نیروهای دشمن از این نقطه دیده می‌شد. بررسی منطقه‌ای که در سمت چپ سنگ دیده‌بانی بود و مأموریت آیند تیپ در همان منطقه ایستی اجرا می‌شد از طریق دیده‌بانی صورت گرفت و تقریباً برداشت تاکتیکی از مانجا تا حدودی میسر گردید. لیکن کافی نبود و بقیه موارد بایستی از راه‌های دیگر با پیاده روی بررسی می‌شد. در آن منطقه جاده دسترسی به جلو وجود نداشت. احداث جاده نیز دشمن را نسبت به وضعیت حساس می‌کرد. مگر اینکه کار جاده‌سازی دور از دید دشمن پشت ارتفاعات انجام می‌شد.



نقشه شماره 10 - گسترش تپه 84 خرم آباد در منطقه محوله





مقدمات عملیات فتح المبین 121

از دیدگاه به یابین آمدیم. چون هنوز تا غروب آفتاب زمان داشتیم به اتفاق ماون فرمانده تیپ 84 خرم‌آباد در رودخانه‌ای که در سمت چپ ستاد واقع شده بود ادامه مسیر دادیم پس از طی مسافتی حدود یک کیلومتر به نقطه‌ای رسیدیم که علامت گذاری شده بود. معاون فرمانده تیپ 84 ما را متوقف نمود و اظهار داشت: اوائل جنگ تحمیلی در سال 59 به لحاظ اینکه دشمن از این راه نفوذی برای گسترش نیروهای خودی در منطقه اشغال، استفاده نکند جناب سرهنگ آشناسازن با تیم‌های نیروهای مخصوص از اینجا به بعد را مین‌گذاری کرده‌اند و ما هم وقتی متوجه موضوع شدیم که یک‌دستگاه خود را جیب روی میز رفت و خساراتی نیز وارد شد. اطلاع از موضوع برای ما اهمیت داشت زیرا عوامل اطلاعاتی و شناسایی اعزامی بایستی از همین مسیر استفاده می‌کردند سمت چپ رودخانه ارتفاع کوچکی بود. ارتفاع را دور زدیم و اریشت ارتفاع طوری که دشمن حضور ما را متوجه نشود به بالا رفتیم در رأس ارتفاع به صورت خزیده و خوابیده جلو رفتیم تا حضور دشمن را از آن نقطه ارزیابی کنیم معاون فرمانده تیپ سنگر خالی از دشمن را به ما نشان دادند اما خیلی دور بود فقط شکلی از خاکریزها به صورت سنگر قابل رؤیت بود. به سیله دوربین همراهی مدتی منطقه را دیده‌بانی کردیم. از حرکات نفرات دشمن چیزی مشاهده نکردیم چنین به نظر می‌رسید دشمن

- شهید سرلشکر آشناسازن فرمانده لشکر 23 نیروهای مخصوص در سال 1364 در عملیات قادر که در شمالغرب انجام شد به لقاءالله پیوست.



نیروی زیادی در منطقه ندارد و یا استار و اختفا؛ د حدی است که دیده نمی‌وند. نزدیک غروب بود. از راهی که رفته بودیم برگشته پس از رسیدن به قرارگاه تیپ 84 و خداحافظی با معاون فرماندهی تیپ به قرارگاه مراجعت نمودیم. اطلاعات دریافتی کلی بود. برای تقسیم منطقه بین گردانها، لازم بود همه منطقه ورد نظر بررسی و راههای وصول با خط جلو دشمن مشخص شود و مسیر تردد گشتی‌ها تعیین گردد تا از ناهماهنگی‌های بعدی جلوگیری شود. در هر صورت برای تقسیم کار ب آن اطلاعات تصمیم گیری ممکن نبود.

پس از مراجعت از منطقه، صرف شام، جلسه شبانه تشکیل شد. رئیس رکن سوم تیپ گزارشات خود را از وضعیت منطقه به اطلاع ستاد رسانید. طبق معمول گزارشات جمع‌بندی شد. و برنامه فردا تعیین گردید. در قسمت عملیات، من بر این قرار گرفتم. با توجه به مشخص شدن وضعیت طرفین راست چپ منطقه فردا من به اتفاق رئیس رکن دوم جناب سرگرد کریمی (مه) ا، وسط منطقه بازدید کنیم. با توجه به اینکه از صبح تا غروب زمان زیادی بر انجام کار وجود دارد کار تکمیل خواهد شد و برای بعد برنامه‌ریزی ب اطلاعات بیشتر صورت می‌گیرد.

روز دوم بهمن ماه، من و رئیس رکن دوم برای شناسایی به منطقه میانی رفته‌ام، رئیس رکن سوم و جانشین فرماندهی تیپ مأموریت بازدید و کنترل از اجرای برنامه آموزشی یگانهای تابعه را داشتند.



123 مقدمات عملیات فتح المبین

مسیر حرکت از گردنه سیتون انتخاب شد دشمن از عمق منقطه، به این منطقه دید مستقیم داشت و تردد نیروها را کنترل می‌کرد. اوایل که عبور و مرور در مسیر زیاد نبود ضایعات وارده در اثر تیراندازی دشمن کم بود. نیروها سعی داشتند در واقعی که دید کم است عبور صورت گیرد و در بعضی موارد پس از تیراندازی از سوی دشمن، رانندگان برای جلوگیری از اصابت گلوله سرعت خود را زیاد می‌کردند؛ گاهی اوقات نیز ترکش گلوله‌ها آسیب‌هایی وارد می‌ساخت. به مرور زمان که نیروها زایش یافتند و نیاز به رفت و آمد بیشتر شد، دشمن نیز برای آسیب رساندن بیشتر در تنظیم تیر دقت نمود و روزبه‌روز ضایعات بیشتر شد. با اطلاع از این وضع، فرماندهی لشکر به گردان مهندسی، مأموریت داد که وسط کوه را بشکافند و جاده را از دید دشمن پوشش دهند.

زمانی که ما برای بازدید از این مسیر استفاده می‌کردیم، هنوز کار مهندسی شروع نشده بود و ما نیز از موضوع تیراندازی دشمن اطلاع نداشتیم. عبور از گردنه با سرعت معمولی صورت گرفت پس از عبور از بلندترین نقطه مسیر، فاصله زیادی در سرازیری جاده خاکی به پایین نرفته بودیم که صدای گلوله تانک از جلو - و درو شنید، شد و صدا به قدری شدید و نزدیک بود که گوشه‌های هر سه نفر، من - سرگرد کریمی مهر- رانند (قادر به شنیدن صدای دیگری نبود. به راننده اشاره کرده سرعت را زیاد کند ماشین با سرعت زیاد با حرکت خود ادامه داد و گلوله بعدی از دست ما به سینه ارتفاعات سیتون برخورد کرد.



آسیبی به ما نرسید. اما این واقعه یک نوز کسب خبر بود و آن اینکه دامن در این نقطه از مسیر دید مستقیم دارد و حدود 100 متر از مسیر خطرناک است.

در نقطه‌ای از مسیر که برای خروج، زمین صاف بود و مشکلی نداشت از جاده خارج شدیم و آنجا به علت وجود ارتفاعات و شیارهای منطقه، جاده کاملاً امن بود. مسافتی حدود 2 کیلومتر در بیراهه حرکت کردیم. به محلی رسیدیم که ادامه مسیر با خودرو میسر نبود، خودرو و راننده را در همانجا گذاشتیم و پیاده از طریق شیارها و آبرفت‌های منطقه به جلو رفتیم. منطقه دارای تپه ماهور بود و کشیدن جاده، مان‌بر و هزینه‌بردار بود. اما دسترسی به ارتفاع جلو که ارتفاع 150 بود از طریق پیاده‌روی کار مشکلی نبود. این ارتفاع به نظر می‌رسید برای دیده‌بانی موقعیت خوبی دارد چون با توجیه نقشه در روی زمین نیز نظر ما تأیید می‌شد. ادامه حرکت و رسیدن به محل مورد نظر 2 ساعتی طول کشید. در بعضی مواقع برای دیده‌شدن از سوی دشمن، مسیر را طولانی می‌کردیم. تا یای ارتفاع مورد نظر رسیدیم و بالا رفتیم. اس‌تپه صاف بود و منطقه وسیعی از بالای تپه همین وضعیت را داشت. در نتیجه برای دیده‌شدن از طرف دشمن بایستی با کندن کانال و استفاده از آن جلو می‌رفتیم در صورتی که حرکت بدون استفاده از کانال صورت می‌گرفت حتماً از طرف دشمن دیده می‌شدیم.

آن روز در آن نقطه نتوانستیم وضعیت دشمن را مشاهده کنیم اما نسبت به وضعیت نقطه مأموریت آگاد شدیم. تا ساعت 13 در عمق منطقه گشت زدیم و برای تقسیم آن بین گردانها بررسی کردیم و موقعیت زمین به نقشه همراهی



مقدمات عملیات فتح المبین / 125

توجیه شد. محدوده‌ای برای هر گردان جهت فعالیت گشته‌های اعزامی تعیین گردید. در مراجعت به علت پیاده‌روی در عرض طول منطقه، پید کردن خودرو و راننده نیز کار آسانی نبود بالاخره به جستجوی زیاد راننده و خودرو را در توقفگاه پیدا کردیم و به قرارگاه مراجعت کردیم.

عصر همان روز جلسه‌ای با فرماندهان گردانهای 169، 141، 144 و عناصر عملیاتی و اطلاعاتی برگزار گردید. ضمن توجیه کلی منطقه، محدوده فعالیت‌های شناسایی گردانها ابلاغ گردید.

مسئولیت انجام مأموریت در مرحله اول به عهده فرماندهان بود. عامل اجرایی دسته‌های شناسایی گردانها بودند و عناصر اطلاعاتی و عملیاتی، کنترل و هدایت گشته‌ها را در سطح گردانها انجام می‌دادند. ارکان دوم سه تیپ نیز نظارت مستمر در اجرای مأموریت داشتند و گزارشهای ارسالی از گردانها توسط رکن دوم تیپ، تجزیه و تحلیل، تفسیر و ارزیابی می‌گردید. به این ترتیب روش کلی شناسایی و کسب اطلاعات از دشمن تهیه و ابلاغ گردید.

انجام شناسایی کسب اطلاعات از دشمن

به روز بودن اطلاعات صحیح بودن آن در تصمیم‌گیری فرماندهان اهمیت اساسی و حیاتی دارد. موفقیت عملیات و یا اصولاً انجام یا ندادن آن بستگی به گاهی از وضعیت دشمن دارد چه بسا پس از دریافت اطلاعات، تجزیه تحلیل و جمع‌بندی، سبب گردد که راه کارهای انتخابی عوض شود و عملیات به زمان



دیگری موكول گردد. در این صورت نیروهای عمل کنند آسب کمتری می‌یابند و نتیجه عملیات نیز موفقیت‌آمیز خواهد بود. به همین منظور تأکید فرماندهی لشکر و تمام رده‌ای پایین بر جمع‌آوری اطلاعات هر روز بیش از روز گذشته بود.

ستوان دوم وظیفه سعید ناصری¹ ب همکاری ستوان دوم وظیفه کوچه مشکباز که در رشته مهندسی عمران فارغ التحصیل شده بود. مأموریت یافت جعبه شنی² منطقه عملیات را در قرارگاه تیپ تهیه نماید محل خدمتی نامبرده در رکن سوه تیپ بود. به رکن چهاره تیپ دستور داد شد امکانات و وسایل مورد نیاز را تهیه و در اختیار وی قرار دهند. روان شاد ناصری تعهد نمودند که در مدت 10 روز جعبه شنی منطقه را بر اساس نقشه موجود تهیه نماید. از فرماندهان گردان خواسته شد که روز اول مأموریت سوم یا چهارم بهمین ما (شخصاً به منطقه تعیین شده بروند و شناه ایی دقیقی از محدوده تعیین شده به عمل آورند. راههای نفوذی و محل‌های دیده‌بانی را مشخص نمایند تا هدایت گشتی‌ها از مسیرهای مطمئن صورت گیرد.

خوشبختانه تیپ 2 بهترین فرماندهان گردانها را در سطح نیروی زمینی داشت و موفقیت این گردانها در عملیاتیهای فتح‌المبین و بیت‌المقدس مدیون همین فرماندهان می‌باشد. اولین قدم در هر مأموریت به‌وسیله فرماندهان برداشته شد و روز اول شناسایی با حضور فرماندهان اجرا گردید شب در جلسه متشکله در ستاد پ فرماندهان گردانها نیز حضور داشتند. گزارشات بررسی شد. سمت راست

1 - ستوان دوه سعید ناصری در عملیات بزرگ بیت‌المقدس با فیض شهادت نائل گردید

2 - جعبه شنی نمایانگر زمینی است که بر روی آن میتوان مقصود و منظور یک عملیات و یا اصول تاکتیکی مهمی را با مقیاس کوچک به افراد نشان داد. جعبه شنی یک وسیله کمک آموزشی بسیار مفید و انعطاف‌پذیر است که در تفهیم پاره‌ای از عملیات تاکتیکی، مانند تک - پدافند - عملیات تاخیری و عملیات گشتی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.



مقدمات عملیات فتح المبین / 127

منطقه برای انجام گشت و شناسایی تأمین خوبه داشت چون نزدیکترین ارتفاعات به دشمن - ارتفاعات بلتا - همانند دیواری جلو دشمن را گرفته بود. در سمت چپ منطقه ب سمت تیه چشمه، ارتفاعات نزدیک به دشمن کوتاه بود گشت و دیده‌بانی نیاز به تعیین مسیر ا سمت راست و ایجاد کانال و کندن سنگر دیده‌بانی در نزدیکی دشمن داشت.

گردانهای 144 و 169 مشکلی نداشتند. گردان 141 که در سمت چپ منطقه مأموریت داشت، مقرر گردید از منطقه گردان 169 به جلو نفوذ کند و با استفاده از همان رودخانه‌ای که شهید بزرگوار آشناسان در اول جنگ مین‌گذاری کرده بود ه دشمن نزدیک شوند و در بقیه موارد با کندن کانال و سنگر دیده‌بانی در اج ای مأموریت اقدام کنند.

از روز پنجم بهمن ماه ارکان دوه تپ و گردانهای طرحهای گشتی‌های شناسایی را با هماهنگی یکدیگر تهیه می‌کردند و با اعزام تیم‌های شناسایی، اطلاعاتی از دشمن کسب می‌نمودند.

در هفته اول، گزارش گشتی‌ها فقط از راه نزدیک شدن به دشمن و انجام دیده‌بانی در روز صورت می‌گرفت و در این مدت بهترین مسیر برای دسترسی به دشمن مشخص گردید. استعداد نیروهای دشمن در خط جلو گزارش شد موضوع قابل توجه، رعایت استتار و اختفا؛ عناصر گشتی‌های اعزامی بود که دشمن متوجه



نیمه اول بهمن ماه سیری شد. جعبه شن فقط توسط شهید بزرگوار سعید اصری به تدریج در حال تکمیل بود. گزارشهای واصله از هر گردان در رکن دوه تیب بررسی و تجزیه و تحلیل می شد. با توجه به تقاطع اطلاعات، موارد تأیید شده از گزارشهای ارسالی و گزارشهای قبلی، جمع آوری و در روی نقشه وضعیت اطلاعاتی ثبت می گردید.

مهندسی لشکر؛ تلاش شبانه روزی گردنه سپتون ر شکافت و با خاکبراری وسیعی که در بعضی جاها به ارتفاع 20 متر می رسید امنیت جاده را تا حدودی برقرار نمود.

مجموع اطلاعات رسیده از دشمن حاکی بود: موانع زیادی در جلو دشمن از قبیل مین و سیم خاردار وجود دارد، استعداد نیروهای دشمن در خط جلو محدود است و در سطح گروهان استقرار دارند، اکثر خط پدافندی نیروهای دشمن در ضد ب قرار دارد و در عمق منطقه نیروهای زیادی گسترش دارند که استعداد آنها نام ص است.

تک با سمت دشمن در منطقه تعیین شده در شیب انجاه می گرفت حضور شمن در ضد شیب برای نیروهای تک و یک امتیاز به حساب می آمد. دشمن در آن قسمت مأموریت پهلوداری را داشت نمی توانست نیروهای زیادی به کار بگیرد و چون جبهه دشمن، تیه چشمه و سواحل رودخانه کرخه بود، وضعیت دیده بانیه برای نیروهای خودی از بالا به پایین بود که مزیت بسیار خوبی داشت. حرکت نیروهای خودی در پشت ارتفاعات صورت می گرفت و دشمن از جابه جایی



مقدمات عملیات فتح المبین / 129

نیروها نمی‌توانست اطلاع کامل داشته باشد مگر با عکسبرداری هوایی، و چون هنوز نیروهای خودی استقرار نیافته بودند عکس هوایی نیز آثاری از نیروها در منطقه نشان نمی‌داد.

در نیمه دوم بهمن ماه جعبه شنی به صورت کامل تهیه شد. ارتفاعات و مسیرها با علایم مشخص در روی جعبه شنی ارائه گردید. قدم بعدی وضعیت نیروهای شمن در منطقه مأموریت تیب بود. اطلاعات کسب شده با علایم ویژه در جعبه شنی وارد گردید. بعد از آن نیز تغییرات پس از دریافت گزارشات از گردانها، و در بعضی موارد از طریق لشکر روی جعبه شنی اعمال می‌گردید.

در نیمه دوم بهمن ماه علاوه بر دسته‌های شناسایی فرماندهان گروهان و دسته نیز برای توجیه شدن در منطقه مأموریت و آشنایی به راههای نفوذی به جبهه دشمن، برای شناسایی اعزام شدند. جعبه شنی تهیه شده برای توجیه کلی فرماندهان، علاوه بر منطقه مسئولیت خودشان که عملاً شناسایی می‌کردند، بسیار مؤثر بود.

تا اواخر بهمن ماه طبق برنامه، خط جلو دشمن اطلاعات دقیق و کلی بدست مده بود. استعداد دشمن، در خط جلو پدافندی و نوع سلاحهای استقراری در گزارشات متعدد عنوان مشخص گردیده بود فرماندهان تا رده دسته، شناسایی عملی در منطقه مربوطه انجام داده بودند و شناسایی کلی منطقه در روی جعبه شنی رای تمام رده‌های فرماندهی صورت گرفته بود.



اوائل اسفند ماه تصمیم بر شناسایی در عمق دشمن گرفته شد. اطلاعات در افتی و ثبت شده نشان می‌داد که در منطقه گرداز 141 در یک قسمت به علت فاصله‌ای که بین نیروهای د خط دشمن وجود دارد، می‌توان به عمق منطقه نفوذ کرد. قابل کر است، فقط خط جلو دشمن دارای نیروی استقراری پیوسته بود. ک پس از آ و ر از آن، مسیرهای خالی از نیرو در عمق دشمن زیاد بود و امکان دور زدن نیروهای دشمن در عمق منطقه بوسیله عوامل اطلاعاتی وجود داشت. ام همین منطقه خالی از نیرو که فاصله د و سنگر د خط بود مین‌گذاری شده بود پس از پاکسازی و ایجاد معبر امکان نفوذ میسر بود.

زمانی که تصمیم بر شناسایی در عمق نیروهای دشمن گرفته شد یک ماه از آ ر اطلاعاتی نیروهای تعیین شده می‌گذشت در این مدت هر وجب از منطقه مورد شناسایی قرار گرفته بود. به وسیله کندن کانالهای طولانی و سنگرهای دده‌بانی در نزدیکی دشمن و دیده‌بانی مستمر شب و روز، کوچکترین حرکت و تغییرات در منطقه گزارش شده بود. در اطلاعات روزانه فقط تحرکات و تغییرات نیروهای دشمن قید می‌گردید.

پنجم اسفندماه، حدود ساعت 3 صبح پیامی از گرداز 141 به تیب واصل شد مبنی بر اینکه نیروهای گشتی آن گردان در حال حرکت با سمت مأموریت، مورد اد ت گلوله تانک دشمن واقع شده و دو نفر شهید و چهار نفر دیگر مجروح شده‌اند. ز طرفی به علت اینکه خودرو آنها دقیقاً زیر دید و تیر مستقیم دشمن قرار شت تخلیه کامیون و شهدا تاکنون میسر نگردیده است.



مقدمات عملیات فتح المبین / 131

یس از دریافت خبر، به اتفاق رئیس رکن سوم به منطقه حرکت کردیم، نردیده به محل مورد نظر در یک دوراهی، دو نفر سرباز جلو خودرو ما را گرفتند و متوقف شدیم. یکی از سربازان جلو آمد و اظهار داشت اگر می‌خواهید به جلوتر بروید از جاده سمت چپ استفاده کنید. جاد سمت راست خطرناک است.

سربازان جمعاً تیبی 1 بودند. من خودم را معرفی کردم و چگونگی را جویا شده. اظهار داشتند: برای دسترسی به خط جلو، دو راه در اثر رفت و آمد خودروها ایجاد شده است. جاد سمت راست نزدیک است اما در یک نقطه دشمن روی آن ثبت بیر کرده است و با تانک مورد اصابت قرار می‌دهد، برای همین منظور جاد، سمت چپ ایجاد شد گرچه مسافت زیاد و جاده ناهموار است اما خطری ندارد.

من متوجه موضوع شدم گشتی‌های اعزامی از مسیر جدید خواستند به منطقه روند و چون روز اول بوده به اشتباه از مسیر خطرناک عبور کردند. زیرا مسیر گشی‌های گردان 141 از منطقه گردان 169 مسیر رودخانه‌ای بود که قبلاً به وسیله نیروهای خودی در مقابل دشمن مین‌گذاری و سپس پاکسازی گردیده بود.

ما بایستی از جاده سمت راست می‌رفتیم تا وضعیت کامیون و شهدا را بررسی می‌کردیم. از سربازان فاصله دو راهی تا نقطه‌ای که دشمن روی مسیر ثبت نکرده است سؤال شد اطلاع نداشتند فقط مأموریت اعلاہ خطر و راهنمایی را داشتند. لازم دانستیم علت استفاده از مسیر خطرناک را به آنها بگوییم. در صورتی که طری برای ما ایجاد می‌شد، آنها نزدیکترین کمک احتمالی به ما بودند. موضوع به نان گفت شد و از جاد سمت راست به حرکت ادامه دادیم پس از عبور



از یشت ارتفاع کوچک، کامیون رؤیت گردید. مسافتی حدود یک کیلومتر . رسیدن به محل حادثه بیشتر نبود. چون اطلاع نداشتیم نقطه دقیق کجاست، خودرو را با راننده متوقف نمودیم و پیاده راه افتادیم.

قبل از اینکه به محل حادثه برسیم با عوامل اعزامی از گردار 141 برخورد کردیم.

خودرو آمبولانس حدود 150 متر از کامیون فاصله داشت. این امر نشان می داد که دشمن در محل توقف آمبولانس دید ندارد. جنازه شهدا در آمبولانس نبود چگه نگی سؤال شد فرمانده گروه امداد اظهار داشت. دسترس به مجروحین و شهدا بسیار سخت است دشمن بطور دقیق کامیون را زیر نظر دارد و هر گونا حرکت در اطراف کامیون با تیراندازی دشمن مواجه می گردد. دو نفر از مجروحین که توان پیا ه شدن از ماشین را داشتند پیاده شده بودند. در فاصله صد متری ماشین آنها را پیدا کردیم. در آن محل دشمن ب سمت ما تیراندازی نکرد احتمالاً روی ما دید نداشت. اما هنگامی که برای تخلیه مجروحین به جا مانده در داخل کامیون اقدام نمودیم. تیراندازی شروع شد و ما به عقب آمدیم پس از مدتی دوباره اقدام کردیم مجدداً زیر آتش دشمن قرار گرفتیم. تا اینکه با حالت خزیده از سمت راست ماشین که دشمن دید نداشت خود را به داخل کامیون رساندیم پس از یک ساعت تلاش، در ۳، که چندین گلوله تانک ب سمت ما شلیک شد ب مشکلات زیاد مجروحین را از خودرو پیاده کردیم. اما جنازه شهدا در داخل کامیون باقی مانده است.



مقدمات عملیات فتح المبین / 133

دو نفر از مجروحین که آسیب بیشتری دیده بودند، حال خوبی نداشتند. راننده آمبولانس به یک نفر امدادگر برای رساندن مجروحین به بیمارستان امام اعزام شدند. فرمانده گروه امداد با دو نفر دیگر در محل ماندند. به راننده آمبولانس تأکید گردید به محض رسیدن به قرارگاه، مجروحین به بیمارستان صحرائی تیب تحویل شوند و آمبولانس سریعاً برگردد.

نظر من این بود که به هر ترتیب جنازه شهدا تخلیه شود. ماندن کامیون در محل اشکالی نداشت چون قادر به حرکت نبود و بایستی بکسل می‌شد.

برای بررسی وضعیت در مسیر حرکت کردیم. هنوز مسافت زیادی به رسیدن محل سانحه مانده بود سرپرست تیم امدادگران اظهار داشت از اینجا به بعد باید به صورت نشسته و یا خزیده حرکت کنیم. به توصیه و راهنمایی ایشان توجه مسافتی را به‌طور نشسته در خارج از مسیری که خودرو حرکت کرده بود می‌یم و حدود 20 تا 25 متر مانده به محل توقف خودرو، گفتند بایستی از اینجا به سمت جنوب حرکت کنید. با توجه به اطلاعاتی که ایشان داشتند مسافت اقیمانده به صورت خزیده طی شد مدت سه ربع طول کشید تا به نزدیکی کامیون رسیدیم وضعیت توقف کامیون، شمالی - جنوبی بود و طرفین کامیون شرقی و غربی قرار داشت که سمت شرق دشمن دید کافی داشت.

برای اطلاع از وضعیت شهدا، لازم دیدم که فقط من به بالای کامیون بروم تا قدم بعدی را اعلام کنم. 3 نفر امدادگران و رئیس رکز سوه تیب به حالت درازکش روی زمین توقف کردند، من با استفاده از لاستیک‌های سمت راست



خودرو خودم را به بالای کامیون رسانده وضع اسفناکی را مشاهده کرده. نیمه الای هر دو نفر شهید در اثر اصابت مستقیم گلوله، از سمت شرق به غرب، به سمتی متلاشی شده بود به طوریکه از بالا تنه سربازان چیزی مشخص نبود قسمت پایین تنه از کمر به پایین به رو در داخل کامیون افتاده بودند. تحمل دیدن و یا ه دن بیشتر را نداشتیم از بالای کامیون به زمین افتادم و سرم گیج می‌رفت. بیه که وضعیت من را دیدند به حالت خزیده به نزدیکی کامیون رسیدند من بدت اشاره کرده برگردید. البته آنها برگشتند، پیش من آمدند.

تخلیه جنازه شهدا با آن شرایط امکان نداشت. دستور داد شد امدادگران به اردان برگردند و شبانه در تاریکی، اول جنازه‌ها سپس کامیون را تخلیه نمایند.

در برگشت با فرمانده گردان 141 جناب سرهنگ خسرو تاش برخورد کردیم در نزدیکی محل توقف آمبولانس منتظر ما بودند. دیگر نیازی به جلو رفتن بود. نحوه تخلیه شهدا و کامیون به ایشان ابلاغ شد.

در بررسی‌های صورت گرفته به این نتیجه رسیدیم که گشتی‌های شناسایی هر روز قبل از روشنایی، برای اجرای مأموریت از آن نقطه عبور می‌کردند. متأسفانه در روز حادثه، زمان عبور دیرتر از هر روز بود. دیده‌بانهای دشمن که آتش ثبت شده‌ی آن نقطه و محل داشتند آنها را می‌بینند و درخواست آتش می‌کنند و آن اتفاق جانگداز رخ می‌دهد.



مقدمات عملیات فتح المبین / 135

انجام شناسایی‌ها ادامه داشت. مسئولین، فرماندهان به طور متناوب، برای اطلاع و توجیه شدن با منطقه، قبل از روشن شدن هوا، به شناسایی می‌رفتند و بعد از شروع تاریکی، تعدادی مراجعت می‌کردند و تعدادی نیز با فراهم شدن امکانات در همان محل دیده‌بانی، شبانه روز حضور داشتند. بد گذشت زمان جعبه شنی نیز برای ارائه موقعیت زمین، نحوه استقرار، عناصر دشمن و تجهیزات آنها آماده گردید. جناب سروان کوچه مشکیان و سعید ناصری هر روز اخبار و اطلاعات تازه‌ای دریافت و در روی جعبه شنی اعمال می‌کردند.

جعبه شنی برای فرماندهان، در هر رده قابل بهره‌برداری بود و از این لحاظ در آد زش و ارائه راه کار جهت اجرای عملیات و همچنین راه کارهای احتمالی دشمن، برای عکس‌العمل می‌توانستیم روی آن بحث کنیم.

اجرای برنامه آموزش در سطح گردانهای تیپ

انجام شناسایی‌ها توسط دسته‌های شناسایی و عوامل ارکان دوم و فرماندهان ادامه داشت یگانهای ییاده، خدمه سلاحهای اجتماعی، در گروهانهای ارکان گردانها طبق برنامه تعیین شده مشغول آموزش بودند. برنامه آموزش در سه قسمت کلی، نظیم شده بود: بدن سازی، استفاده خوب از سلاح و استفاده خوب از زمین که هر کدام فلسفه‌ای داشت.

هوای منطقه در آن موقع از فصل بسیار مساعد، خوب بود محل استقرار نیروها، دور دشمن بود و امنیت خوبی نسبت به تحرکات هوایی دشمن داشت.



انگیزه و روحیه‌ای بسیار قوی در یادگیری و آماده شدن برای مصاف با دشمن وجود بود. تمام زمینه‌ها برای اجرای برنامه آموزش مناسب و خوب بود کلاسهای متشکل در سطح گردان‌ها، ساعات اول و دوم آموزش را به ورزش و بدنسازی اختصاص داده بودند بعد از خاتمه ورزش و صرف صبحانه، مطالب آموزشی به صورت تئوری گفته می‌شد و تا ساعت 13 ادامه داشت بعد از ظهر کلاسهای آموزشی عملی از درس تئوری، اجرا می‌گردید.

در قسمت اول طبق برنامه آموزش تنظیمی، استفاده خوب از سلاح سازمانی در سربازان تدریس شد و بعد از ظهرها، تمرین عملی در همان نزدیکی محل استقرار در میادین تیراندازی که آماده شده بود انجام می‌شد. نظر فرماندهی لشکر برای تیراندازی خدمه سلاحهای سازمانی بر اساس اطمینان از یادگیری افراد، ابلاغ شده بود و در مصرف مهمات آموزشی محدودیت وجود نداشت یعنی تا مادامی که خدمه به طور کامل استفاده از سلاح را یاد نگرفته بود، آموزش ادامه داشت و تیراندازی می‌کرد. حداقل نمرات دریافتی یا تیرهایی که با هدف اصابت می‌کرد، 70 درصد بود. سربازانی که استعداد تیراندازی داشتند روزهای اول و دوم تیراندازی به حد نصاب می‌رسیدند. ادامه تیراندازی آنها برای تعیین تیرانداز ممتاز در داخل تیمهای گروه صورت می‌گرفت.

مسابقات و رقابتهایی نیز بین دسته‌ها و گروهانها انجام می‌شد و تیمهای منتخب به مرخصی تشویقی 5 روزه اعزام می‌گردیدند.



مقدمات عملیات فتح المبین / 137

برنامه استفاده از زمین، در مراحل بعدی آموزش داده می‌شد. این برنامه در ابتدا به صورت انفرادی سپس به صورت گروهی، دسته‌ای و گروهانی انجام می‌شد.

برنامه استفاده از زمین به صورت انفرادی، همان رزم انفرادی است که در این مرحله شناسایی زمین: برای دیده نشدن، برای دیدن دشمن، استتار، اختفا یا استفاده از زمین برای پیشروی با سمت دشمن و استفاده از زمین برای پدافند یا جلو پیری از پیشروی دشمن آموزش داده می‌شود.

پس از یادگیری موارد عنوان شده توسط نیروها، کار دسته جمعی و هماهنگی در کاربرد نیروها در انجام عملیات شروع می‌شد.

زمان برای آموزش زیاد بود و با برنامه‌ریزی مناسب از زمان خوب استفاده گردید. رکن سوم با الگو گرفتن از جعبه‌شنی تهیه شده، در اطراف ارتفاعات کمانه و چک منطقه‌ای را در نظر گرفت و منطقه مورد نظر با امکانات گروهان مهندسی مأمور به تیپ آرایش گردید و ت حدودی مشابه زمین منطقه عملیات شکل داد، شد.

پس از خاتمه کار مهندسی، نیروها چند روزی آرایشات تاکتیکی را در آن زمین مشابه تمرین کردند، پس از یک هفته همان کارهای روزانه در شب انجام می‌شد. تمرینات به اندازه‌ای تکرار شد که گردانها، ه شب قبل از تاریکی از محل اسقرار به سمت منطقه آموزش حرکت می‌کردند پس از یک راهپیمایی دو



ساعته به منطقه می‌رسیدند مدت سه ساعت در مسیر و مناطق تعیین شده آموزش عملی شبانه را انجام می‌دادند و نزدیکی‌های صبح مراجعت می‌کردند.

حرکات و عملیات در شب برای نیروها به علت محدودیت دید و ایجاد صدا بسیار مشکل است. رعایت نظم و انضباط، کنترل و هدایت آنان در جهت تعیین شده احتیاج به تمرین دارد. و این امر میسر نمی‌شود مگر اینکه، نیروها آموزش خوب داشته باشند و از جهت نسبت به مأموریت توجیه شوند.

جعبه شنی برای توجیه فرماندهان بسیار خوب بود حرکت و انجام عملیات به طور مستمر در شب‌های متوالی و به صورت تکراری برای نیروها بهترین نحوه آموزش بود که صورت می‌گرفت. در اواخر، تمرینات از نیم شب به بعد انجام شد و تکرار آن در حدی بود که سربازان و فرماندهان به بیداری شب عادت کرده بودند. مسیرها و نقاط هماهنگی را بدون مشکل و با رعایت انضباط کامل یاد گرفته بودند و در زمان تعیین شده به اهداف مورد نظر می‌رسیدند.

تلاش مسئولین و فرماندهان، در ایجاد محیطی فعال و شاد، در روحیه نیروهای - وان و شاداب اثر نیکویی داشت. از آن جمله ایجاد زمین‌های ورزشی، مانند والیبال و فوتبال و انجام مسابقات دو، راهپیمایی، کوه نوردی که در همان مناطق استقرار یگان‌ها به کمی کار روی زمین جمع آوری سنگهای درشت، به صاف کردن آن، زمین مورد نظر آماده شده بود.

مسابقات تیراندازی، باز و بسپته کردن اسلحه با چشمان بسته، روانه کردن خمپاره‌اندازها، اعمال تصحیحات حرکات به قطب نم مواردی بود که در سطح



مقدمات عملیات فتح المبین / 139

یرسنل گردان انجام می‌شد. برندگان مسابقات از 48 ساعت تا 7 روز به مرخصی تشویقی اعزام می‌شدند. انجام این امور در آمادگی نیروها برای عملیات و تقویت روحیه بسیار مؤثر بود.

شناسایی‌ها ادامه داشت. دیده‌بانان در تکمیل شناسایی منطقه دشمن از دید ماههای جدید که با حضور دائمی عوامل شناسایی و اطلاعات به نزدیکترین محل و منطقه ممکن منتقل شده بود، حداکثر اطلاعات روزانه و فعالیتهای دشمن را گزارش می‌دادند. استقرار عناصر دشمن در خط پدافندی نسبت به محل دیده‌بانان در سطح پایین بود. بنابراین عناصر اطلاعاتی و شناسایی قادر به کنترل و مشاهده هرگونه فعالیت دشمن بودند.

اطلاعات بدست آمده حاکی از آن بود که عراقی‌ها ادوات زرهی در خط ندارند. خط پدافندی آنها پیوسته نیست، احتمال نفوذ در بعضی جاها متصور است، دشمن در جلو خطوط استقرار خود، میدان مین ایجاد کرده است در جاهایی که نیرو کم دارد یا فاصله زیاد است میادین مین عمق بیشتری دارد وضعیت قرار گرفتن عراقی‌ها طوری است که در صورت درگیری، نیروهای خودی قادر هستند آنها را زیر آتش سلاحی با تیر مستقیم قرار دهند. در صورتی که در اغلب خطوط، عوامل دشمن روی نیروهای خودی دید ندارند و فقط با اجرای آتش توپخانه یا خمپاره انداز، وارد ردن ضایعات و تلفات به نیروهای خودی ممکن می‌گردد.



در عمق منطقه توپخانه‌های دشمن استقرار دارد اما استعداد آنها برای مشخص نبود. احتیاط دشمن نیز معمولاً در عمق منطقه گسترش پیدا می‌کند این نیز برای مشخص نبود. اطلاعات واصله از لشکر حاکمی از حضور لشکر 1 مکانیزه و لشکر 10 زرهی ارتش عراق بود. البته تعداد یگان‌های تقویتی نیز علاوه بر آن لشکر در منطقه حضور داشتند.

تعدادی از یگانهای لشکر 1 مکانیزه عراق در منطقه مأموریت تیپ 2 حضور داشت که بایگانهای پیاده مأمور به این لشکر تقویت شده بودند.

توپخانه سپاه 4 ارتش عراق نیز طبق اطلاعات واصله از رکن دوم لشکر در عمق منطقه حوالی تپه‌های علی گرد زد استقرار داشت.

در نشست‌های متعددی که در سطح لشکر تشکیل می‌شد، فرماندهان تیپ نیز حضور داشتند. اهداف تعیین شده برای تیپ دوم در عمق منطقه، و محل استقرار توپخانه‌های دشمن بود قسمت اول شناسایی یعنی چگونگی عبور از خط پافندی دشمن انجام شده بود اما از عمق منطقه، اطلاعات بسیار کم بود. حساسیت هدف تعیین شده ایجاب می‌کرد در عمق منطقه نیز شناسایی صورت گیرد.

جلسه‌ای در ستاد تیپ، به حضور فرماندهان گردان و رؤسای ارکان دوم و سوم گردانها و تیپ تشکیل شد. در این جلسه، اهمیت جمع‌آوری اطلاعات، از عمق منطقه شرح داده شد و از حاضرین در جلسه خواست شد که لااقل در سطح هر گردان، بایگ مسیر مطمئن شناسایی شود تا در شب عملیات، گردان از آن



مقدمات عملیات فتح المبین / 141

مسیر به عمق منطقه نفوذ کند. چون در صورت درگیری ب خط جلو دشمن، غافلگیری از بین خواهد رفت. عملیات نیروهای تیپ بایستی در عمق منطقه، با انهدام توپخانه دشمن شروع شود. و این کار در صورتی امکان پذیر است که نیروهای شناسایی ا خط عبور کنند و در عمق منطقا دشمن مبادرت به شناسایی کرد مسیر را ت رسیدن ب هدف بررسی نمایند.

انجام امر مشکل بود ام من مطمئن بودم در داخل دسته‌های شناسایی که مدت 30 روز است مأموریت انجام می‌دهند عناصری هستند که قادر به انجام آن می‌باشند. چون در این مدت وجب با وجب منطقه استقراری دشمن، کنترل گردیده و جاهایی از آن که نیروی کمتری دارد کاما مشخص شده بود.

نکات مهم برای شناسایی در عمق منطقه

در خاتمه جلسه 2 نکته مهم به فرماندهان گردان برای شناسایی در عمق تأکید گردید.

1. هر گردان بایستی یک راه نفوذی مطمئن با عمق منطقه شناسایی نماید.

2. تعدادی از عناصر شناسایی از راه نفوذی انتخاب شده به عمق منطقه دشمن نفوذ نمایند و ت رسیدن به یگانهای توپخانه مسیر ر بررسی کنند.

برای اجرای این امر در صورتی که نیروهای شناسایی، توسط دشمن به اسارت درمی‌آمدند مشکلاتی در اجرای مأموریت اصلی به وجود می‌آمد. البته در این مورد تأکیدات زیادی شد و همه عوامل نسبت به آن توجیه بودند.



زمان برای انجام مأموریت، زیاد بود و هیچ عجله‌ای برای انجام آن نبود. رعایت دقت و برنامه ریزی حساب شده و تعیین نیروهای ورزیده از موارد اصلی مأموریت بود.

در گردان 144 استوار یکم صفایی و در گردان 169 استوار یکم محمد ابراهیم مسلمی، اجرای مأموریت را پذیرفتند. گردان 141 که در سمت چپ منطقه، مأموریت شناسایی داشت، گزارش داد: بررسی‌های زیادی انجام شده است در منطقه گردان، نیروی استقراری از دشمن زیاد است خط پدافند پیوستگی دارد، و نفوذ خط پدافندی دشمن در منطقه مسئولیت گردان امکان پذیر نیست.

منطقه گردان 141 ارتفاعات جوفینه در غرب تپه چشمه بود. دهلیزی بین تپه چشمه و ارتفاعات جوفینه وجود داشت که امکان نفوذ در این دهلیز به عمق منطقه دشمن از لحاظ وضعیت تاکتیکی به آسانی میسر بود. به همین منظور دشمن از این محل احساس خطر می‌کرد و برای جلوگیری از آن، نیروی قابل توجهی به استرداد یک گردان در آنجا مستقر کرده بود. به طوریکه این منطقه در اجرای عملیات فتح‌المبین آخرین قسمتی بود که سقوط کرد.

مسیرهای انتخابی گردانهای 144 و 169، برای نفوذ به عمق منطقه دشمن مشخص گردید و به تیب گزارش شد اولین اقدام، ایجاد معبر در محل‌های تعیین شده توسط گروه‌های مین بردار گروهان دود مهندسی بود. عوامل و مسئولین در این اقدام توسط فرمانده گروهان، سروان بشیری - انتخاب شد. این



مقدمات عملیات فتح المبین / 143

عوامل مأموریت یافتند؟ شب با عناصر شناسایی گردانها به منطقه بروند و توپ آنها در ابتدای امر نسبت به منطقه کاملاً توجیه شوند سپس با دریافت ده تور در موعد مقرر معبرهای تعیین شده ر پاکسازی نمایند.

گردار 44: پس از 18 ساعت آمادگی خود را برای باز کردن معبر اعلاہ کرد. گردان 169 به علت هوشیار بودن دشمن، اجرای مأموریت را به تعویق انداخت.

روز شانزدهم اسفند ماه سال 1360 به گردان 144 ابلاغ شد تیم نفوذی، شامل سه نفر استوار 1 صفایی، - یک سرباز بومی، و یک سرباز مهندس (را برای اجرای مأموریت اعزام نماید. علت اعزام دو نفر سرباز برای این منظور بود که در صورت انحراف از مسیر و برخورد با دشمن، سرباز بومی که به منطقه آشنایی دارد را، نما شود. در برگشت نیز برای عبور از خط در صورت برخورد با میدان مین سرباز مهندسی اقدام لازم را انجام دهد.

تیم تعیین شده از گردان 44 شب 17 اسفند ماه، به سمت مأموریت حرکت کرد.

طبق گزارش دریافتی از گردان پس از ایجاد محل عبور در مسیر تعیین شده، نیمه شب به عمق منطقه نفوذ می کنند تا جاده آسفالتہ اندیمشک - دهلران که حدود 4 کیلومتر بود پیشروی می کنند. و با شنیدن صدای سربازان عراقی در نزدیکی جاده متوقف می شوند پس از مدتی توقف و بررسی اطراف متوجه حضور سربازان عراقی در پست ایست و بازرسی در کنار جاده می شوند.



توقف ادامه می‌یابد. با استراق سمع و جابه ج شدن در امتداد جاده، به این نجه می‌رسند که در سمت راست محل توقف که به غرب ارتفاعات علی‌گره زد منتهی می‌گردد یگانه استقرار ندارد اما در مقابل پست ایست و بازرسی احتمال حضور پیروی عراقی وجود دارد چون برای ادامه مسیر و عبور از جاده زمان کافی نبود از همانجا از مسیر رفت مراجعت می‌کنند و قبل از شروع روشنایی از منطقه خارج می‌شوند پس از مراجعت تیم اعزامی گزارش مأموریت به تیپ ارسال شد. اقداه خوبی بود اما کافی نبود. از اینکه مسیری برای حرکت نیروها، بدون درگیری با دشمن تا عمق 4 کیلومتری شناسایی شده بسیار خوب بود و به ما امید می‌داد که احتمال دسترسی به هدف بدون درگیری در خط جلو ممکن است. به گردار 144 ابله شد. اعزاه مجدد تیم شناسایی برنامه‌ریزی شود. و شناسایی دسترس به هدف ادامه یابد. گزارشات دریافتی به لشکر ارسال گردید. تیم شناسایی گردان 169 در شب هیچدم اسفند ماه، حدود نیمه شب از خط جلو دشمن عبور کرد. مسئولیت تیم را استوار یکم محمد ابراهیم مسلمی بر عهده داشت. این تیم قبل از رسیدن به جاده با عناد بر تأمین دشمن برخورد نموده بودند. برای دور زدن آنان به سمت راست منحرف می‌شوند زیرا به اطلاعات دیده‌بانی و شناسایی قبلی سمت راست سیر خالی از نیرو بود. در ادامه راهییمایی، به نقطه‌ای می‌رسند که همان پست ایست و بازرسی عراقیها در کنار جاده برقرار گردیده بود. تیم شناسایی گردان 169 نیز با توجه به زمان برگشت، ادامه مأموریت را به صلاح نمی‌دانند. زیرا



مقدمات عملیات فتح المبین / 145

احتمال روشن شدن هوا در مراجعت وجود داشت، لذا از مسیر رفت، مراجعت می‌نمایند.

گزارش گشتی اعزامی گردان 169 نیز به تیپ واصل گردید. مسیرهای اعزام گشتی‌ها روی جعبه شنی مشخص شد پس از تجزیه تحلیل و بررسی، رکن سوم و سوم به این نتیجه رسیدند که نفوذ خط جلو دشمن امکان پذیر و تا ده رسی به جاده اندیمشک - دهلران میسر است. البته این مقدمات کار بود رفت و برگشت سه نفر؛ حرکت یک گردان در منطقه تفاوت زیادی دارد.

برای شناسایی بیشتر به گردان 169 نیز مأموریت داده شد جهت دسترسی به اهداف تعیین شده مجدداً تیم مورد نظر را اعزام نماید گزارش واصله از گشتی اعزامی گردان 169 نیز به لشکر اعلام گردید.

بارانی بودن هوا در شب هیچدم این اطمینان را می‌داد که معبر باز شده، با بارش باران استتار خواهد شد و دشمن به موضوع پی نخواهد برد البته فاصله استتار نیروهای دشمن در خط جلو و مین‌گذاری در فواصل زیاد سبب گردید که معبر از شده توسط گردان 144 دشمن را حساس ننماید و احتمالاً متوجه باز شدن معبر نگردد.

در شب بیستم اسفند ماه، تیم شناسایی گردان 144 با ترکیب قبلی، مجدداً در مسیر قبلی به مأموریت اعزام شد. ابتکار جدید تیم این بود که بکف پتین‌ها موکت بسته بودند تا در راه‌پیمایی سر و صدا ایجاد نشود. تیم اعزامی پس از عبور از معبر به سمت جاده ادامه مسیر می‌دهند. و سمت راست تپه‌های



علی گره زد به جلو می‌روند. طبق گزارش دریافتی، تیم مذکور 4 کیلومتر در جنوب ارتفاعات از شمال به جنوب پیشروی می‌کنند در آن مسیر به دشمن برخورد نمی‌کنند. اما حضور نیروهای دشمن را در شرق منطقه در داخل ارتفاعات متوجه می‌شوند. البته مأموریت تیم اعزامی هم در همین حد تعیین گردیده بود پس از انجام مأموریت مراجعت می‌کنند.

گردار 144 گزارش مرحله دوم شناسایی را به ستاد تیپ ارسال نمود. عناصر اعمی برای شناسایی به ستاد تیپ احضار شدند ضمن تشکر و قدردانی مبلغی نیز به عنوان پاداش به آنان پرداخت گردید.

3 نفر اعزامی به مأموریت، به همراه خود به جز قطب نم چیزی حمل نمی‌کردند و لباس نظامی نیز نمی‌پوشیدند سعی می‌شد به لباس شخصی مأموریت امانت داده شود.

با حضور تیم شناسایی، اطلاعات وارده در جعبه شنی، مجدداً بازبینی شد. گدان 141 که در بالای ارتفاعات جوفینه، یستهای دیده‌بانی برقرار نموده بود و مسئولیت شناسایی در آن منطقه را داشت. به علت اینکه نیروهای عراقی در آن منطقه، به صورت گردانی استقرار داشتند خط جلو پیوسته بود به تلاش زیادی که جام داد موفق به نفوذ در عمق منطق دشمن نشد.



نتیجه اطلاعات حاصله از گشتی‌های اعزامی

در دست راست مسیر با فاصله 500 400 متری نیروهای دشمن استقرار دارند. در ادامه مسیر حدود یک کیلومتر مانده به جاده اندیمشک - دهلران، نیروهای دشمن به صورت سیار در حرکت بودند و مواضع ثابتی مشاهده نشد، است.

در غرب مواضع توپخانه دشمن - پایین ارتفاعات علی گره زد - نیرویی استقرار ندارد و دور زدن دشمن تنها از این سمت ممکن خواهد بود. دور زدن توپخانه از سمت شرق امکان پذیر نیست، در شمال مواضع توپخانه نیز نیروهایی از دشمن حضور دارند و امکان دسترسی از شمال نیز میسر نمی‌باشد.

از اطلاعات با دست آمده برای تمرین نیروها در شب در مناطقی که مشابه منطقه عملیات، زمین آرایش داده شده بود. برنامه ریزی گردید. نیروها در شب 8 کیلومتر برای دسترسی به هدف راهپیمایی می‌کردند و این تمرین در شب اجرا می‌گردد.

برای اجرای مأموریت، یکی از اصول جنگ - تک به ضعیف‌ترین نقطه دشمن (در نظر گرفته شده بود. تپ 2 تک هماهنگ شده خود را از پهلوی چپ دشمن انجام می‌داد. نقطه قوت دیگر اجرای مأموریت این بود که نیروهای تک کننده از بالا به پایین یعنی در حالی که میدان دید و تیر کامل داشتند به دشمن یورش می‌بردند. سومین عامل تقویت نیروهای تک کننده این بود که در صورت موفقیت در دور زدن دشمن هدف توپخانه دشمن بود که در مقابل نیروهای تک‌ور توان مقاومت نداشت.



موارد فوق باعث می‌شد که اطمینان کامل از طرح‌ریزی‌ها و تمرین‌ها داشته باشم و در نتیجه امید به موفقیت زیاد بود همین امر در روحیه نیروها و فرماندهان اثر بسیار خوبی داشت.

طرح ادغاه نیروهای ارتش و سپاه

بعد از عملیات موفق کربلای 1 که با همکاری و ترکیبی از نیروهای سپاه و ارتش انجام شد، برای طرح‌ریزی و انجام عملیات کربلای 2 ستاد مشترک، در سطح رده‌های بالای ارتش و سپاه نیروی زمینی ارتش - نیروی زمینی سپاه (در مندرجه دزفول تشکیل گردید. طراحی عملیات به طرز مشترک صورت گرفت. برای انجام عملیات چهار قرارگاه مشترک بنامهای نصر - فجر - فتح قدس تشکیل گردید.

قرارگاه نصر شامل لشکر 21 حمزه، تیپ 58 ذوالفقار و لشکر 5 نصر بود تیپ 2 از لشکر 21 و تیپ 27 محمد رسول (ص) از لشکر 5 پیاده قرارگاه نصر 2 تشکیل دادند.

رو 21 اسفند ماه، از طریق لشکر، دستور تشکیل قرارگاه نصر 2 ابلاغ شد. و انجام امور در قرارگاه نصر 2 ب صورت مشترک ابلاغ گردید.

روز بیست و دوم اسفند ماه، فرماندهی تیپ محمد رسول (ص) برادر حاج احمد متوسلیان به اتفاق سایر فرماندهان در رده گردان به محل قرارگاه تیپ 2 آمدند و جلسه‌ای تشکیل شد در نشست آنرو پس از بحث و بررسی به این نتیجه سیدیه که قرارگاه مشترک از نظر امور ستادی مشکلی ندارد زیرا فرماندهان



مقدمات عملیات فتح المبین / 149

و ارکان مربوطه برای بررسی هرگونه طرح و عملیات، جمع می‌شوند جلسه‌ای برقرار می‌گردد بحث و بررسی صورت می‌گیرد در نهایت نتیجه موضوع با امضاء دو نفر به نیروهای تابعه ابلاغ می‌گردد.

ادغام نیروهای ارتش با نیروهای سپاه به علت عدم تعادل از نظر استعداد و تجهیزات موردی بود که به نتیجه نرسید همچنین موضوع فرماندهی مشترک نیز بهی بود که تصمیم‌گیری بنا به دلایل زیر میسر نگردید:

1. گردانهای پیاده ارتش، دارای 3 گروهان پیاده و یک گروهان ارکان می‌باشد. نیروهای سپاه فقط دارای گروهانهای پیاده بودند. در گروهانهای پیاده ارتش، ه دسته پیاده و یک دسته ادوات سازماندهی شده و موجود بود. در صورتی که در گروهانهای سپاه فقط دسته‌های پیاده حضور داشتند. استعداد گردان پیاده ش بدون در نظر گرفتن نیروهای پشتیبانی 700 . 650 نفر ولی استعداد گردانهای سپا 250 300 نفر بود.

2. از نظر سلاح و تجهیزات، گروهانهای پیاده دارای خمپاره اندازه‌های 81 م م و تفنگ‌های 106 م م در دسته ادوات و سلاحهای تیربار، خمپاره‌انداز 60 م م و تفنگهای بدون عقب نشینی 82 م م و ؛ 9 P G S در گروه ادوات بودند در صورتی که نیروهای سپاه فاقد چنین تجهیزاتی بودند.

3. در گروهانهای ارکان گردانها 4 قبضه خمپاره‌انداز 120 م م 2 قبضه تفنگ 106 م م 4 قبضه موشک تاو 4 قبضه موشک‌انداز 107 م م



سازماندهی شده بود - در سازمان نیروهای سپاه گروهان ارکان با چنین تجهیزاتی وجود نداشت.

4. از نظر برقراری ارتباط، فرماندهان تازه دسته، و دسته‌ها نیز با گروههای یاده ارتباط داشتند و همین ارتباط سبب می‌گردید که فرمانده در هدایت نیروها، در صحنه عملیات نقش داشته باشد.

5. نیروهای سپاه حداکثر در سطح گروهان‌ها ارتباط برقرار می‌کردند و دسته‌ها اquad ارتباط با گروهان بودند.

6. در ابتدا روش ادغام به صورت نفر به نفر بررسی گردید. این موضوع نیز امکان نداشت چون یگانهای سپاه استعداد کمتری داشتند همین مشکل در ادغام به صورت تیمی هم وجود داشت در صورتی که نیروها متعادل بودند از ادغام 2 گروهان ارتشی و سپاهی 2 گروهان ادغامی تشکیل می‌شد. این 2 گروهان، یکی به فرماندهی ارتش و دیگری به فرماندهی سپاه در عملیات شرکت می‌کردند و مشکلی به وجود نمی‌آمد در صورتی که از ادغام دو گروهان، به وجود آمدن یک گروهان ادغامی مورد نظر بود که در این امر میسر نشد.

7. اما از نظر فرماندهی نیروهای ادغامی مشکل زیادی وجود داشت به طوری که در نجلسه این مورد نیز به نتیجه نرسید چون در ارتش اصولی برای فرماندهی و تحت امر گرفتن نیروها حاکم است و اگر آن اصول رعایت نشود مأموریت انجام نخواهد شد.



مقدمات عملیات فتح المبین / 151

در صورتی یک فرمانده می‌تواند علاوه بر یگان خود یگان دیگری را در عملیات فرماندهی نماید که:

1. فرمانده یگان بزرگتر تحت کنترل عملیاتی بودن یگان کوچکتر را بر عهده داشته باشد مانند فرمانده گردان که می‌تواند یک گروهان پیاده یا تانک را علاوه بر سازمان خود در تقویت گردان فرماندهی کند و یا فرمانده تیپ که علاوه بر گردان‌های سازمانی خود - 3 گردان - می‌تواند گردان دیگری را نیز در کنترل عملیاتی داشته باشد.

2. دو نیرو و یا یگان همسان که فرماندهی معادل دارند نمی‌توانند تحت فرماندهی یکدیگر قرار گیرند. یعنی هیچ وقت یک گردان پیاده را که دارای فرماندهی مستقل است تحت امر گردان پیاده یا گردان زرهی دیگری قرار نمی‌دهند.

3. روش و اصول در سیستم فرماندهی در ارتش بر این امر استوار است که هیچ فرماندهی را در حالی که عزل و یا از فرماندهی خلع ننموده‌اند با همان شرایط جانشین قرار نمی‌دهند. اگر چه یگان مربوطه تقویت شده باشد.

4. فرماندهی: بر اساس دانش، طی دوره‌های تحصیلی، درجه، تجربه و سوابق خدمتی، لیاقت و شایستگی برای یگانی تعیین می‌شود. در حالی که تین چنین معیارهایی برای برادران سپاهی، در آن شرایط امکان پذیر نبود.



5. در نتیجه فرماندهان گردانهای ارتش، ب توجه به این اصول شناخته شده . اضر به تغییر وضعیت در فرماندهی نبودند و برادران سپاهی نیز به جانشین فره دهی راضی نشدند.

در خاتمه جلسه از جعبه شنی تهیه شده بازدید به عمل آمد و ضمن توضیحاتی پیشنهاد شد در صورتی که علاقه مند هستند نیروها را برای تمرین در زمی که مشابه منطقه عملیات تهیه شده بیاورند و این تمرین می تواند حرکت ادغامی به صورت گروهانی باشد. یعنی یک گروهان پیاده ارتش پشت سر آن یک گروه ن پیاده سپاه. در تمرین راهپیمایی شبان شرکت کنند.

نیروهای تیپ 27 محمد رسول الله ص (سپاه در منطقه شمالی ارتفاعات بلتا و شاوریه استقرار داشتند و تعدادی از گردانهای این تیپ با تیپ 58 ذوالفقار بایستی ادغام می شدند و در عملیات شرکت می کردند.

اهداف تعیین شده برای نص 2 همان هدفهای تیپ 2 بود که در اول جابه جایی تیپ به شمال منطقه توسط فرماندهی لشکر عنوان شد. و آن انهدام توپخانه سپاه چهارم ارتش عراق در عمق منطقه نبرد. حوالی ارتفاعات علی گره زد بود.

گردانهای ادغامی ارتش و گردانهای معادل سپاهی مشخص گردید: گردار 141 پیاده ب گردان سلمان فارسی به فرماندهی براد حسین قجهای.

گردار 144 پیاده با گردان حبیب بن مظاهر به فرماندهی براد محسن وزوایی.

گردار 169 پیاده با گردان حمزه سید الشهداء به فرماندهی برادر رض چراغی.



مقدمات عملیات فتح المبین / 153

به توجه به اهمیت هدف واگذاری به نص 2، گردان دوه تپه 58 ذوالفقار به فرماندهی سرهنگ دوم علیرضایی و گردان مالک اشتر از تپه 27 محمدرسول (ص) به فرماندهی برادر محمد شهبازی تحت کنترل عملیاتی نص 2 قرار گرفت. این گردان ادغامی در سمت چپ منطقه نصر، روی ارتفاعات جوفینه سمت راست تپه چشمه وارد عمل شد.

در مورد تمرین مشترک نیروها در شب، هماهنگی گردید و اولین تمرین روز است و سوم اسفند ماه تعیین و در سایر موارد مقرر شد جلسه دیگری تشکیل شود و بحث بررسی مجدد صورت گیرد.

عوامل شناسایی نیروهای سپاه نیز که مدتی در منطقه حضور داشتند اطلاعات خوبی در جلسه عنوان نمودند که مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

عصر روز بیست و سوم، گردانهای تعیین شده از نیروهای سپاه در منطقه حضور یافتند و فرماندهان گروهانها و گردانها با یکدیگر آشنا شدند یاسی 1 شب گذشته بود که نیروها برای راهپیمایی جهت رسیدن به منطقه تمرین به صورت گروهانی شد سر هم قرار گرفتند و سپس حرکت نمودند مدت سه شب تمرین شبانه با صورت راهپیمایی انجام شد. در خاتمه جلسه مشترکی در ستاد تپه 2 تشکیل گردید پس از بحث و بررسی تصمیم گرفته شد حرکت نیروها برای عملیات به صورت گروهانی در سطح گردانها باشد یعنی فرماندهان گروهانها به صورت مستقل به یگان مربوطه فرماندهی داشته باشند و هر کدام دستورات را از



فرمانده گردان مربوطه دریافت نمایند. فرماندهان گردان به صورت سازمانی، گانهای مربوطه ر هدایت نمایند و از تیپ‌های سازمانی دستورات دریافت گردد.

در گردانهای ادغامی حرکت گروهانها به این ترتیب بود که اول یک گروهان از حرکت می‌کرد پشت سر آن یک گروهان سیاهی، روانه مأموریت می‌گردید. گردان بعدی نیز همانند گردان جلویی آرایش حرکت می‌گرفت. شرایط هدایت عمات و فرماندهی، مشابه دو یگان همجوار اقدام می‌گردید، در این صورت بود که هیچ مشکلی از لحاظ فرماندهی استفاده از نیروهای پشتیبانی برای آمادگانی، رتباط و مخابرات و همچنین پشتیبانی آتش نیروهای تک کننده به وجود نیامد.

آخرین وضعیت نیروهای نص 2 برای اجرای عملیات فتح‌المبین در منطقه مسدودت با شرح زیر سازماندهی شد.

سازمان رزه برای مأموریت

- گردار 144 به فرماندهی سرگرد مظفر هدایت‌نساب.
- گرداز حبیب بن مظاهر به فرماندهی براد محسن وزوایی.
- گردار 169 به فرماندهی جناب سرهنگ پورمظفری.
- گرداز حمزه سیدالشهدا به فرماندهی برادر رض چراغی.
- گردار 141 به فرماندهی جناب سرهنگ مرتضی خسروتاشر.
- گرداز سلمان فارسی به فرماندهی برادر حسین قجه‌ای.



مقدمات عملیات فتح المبین / 155

- گردان 2 تیپ 58 ذوالفقار به فرماندهی جناب سرهنگ علیرض علیرضایی.

- گردان مالک اشتر به فرماندهی برادر محمد شهبازی.

- گردان عمار یاسر به فرماندهی برادر علی اکبر حاجی پور.

- گردان بلال حبشی به فرماندهی برادر احمد صالحی.

با توجه به اهمیت و حساسیت مأموریت واگذاری به نص 2 در عمق منطقه و قصد انهدام تویخانه سی 4 عراق، فرمانده لشکر 21 در آخرین لحظات قبل از آماده شدن جهت حرکت به تک، گردان 242 تانک لشکر را نیز به سازمان رزم این قرارگاه اذافه کردند.

گردان تانک و گردانهای عمار، یاسر و بلال حبشی در احتیاط قرارگاه نص 2 قرار گرفت. تویخانه کمک مستقیم قرارگاه، گردان 313 تویخانه به فرماندهی جناب سرگرد محسن زینلی بود. گروهان دوم مهندسی از گردان 455 مهندسی لشکر، گروهان دوم تعمیر و نگهداری از گردان 546 نگهداری لشکر، گروهان دوم بهداشتی از گردان 545 بهداشتی لشکر، مأموریت پشتیبانی مستقیم از قرارگاه نص 2 را به عهده داشتند.

دسته دوم گروهان جلویی گردان 456 مخابرات لشکر، و رس 2 آماده از گردان 568 آماده و ترابری مأموریت برقراری ارتباط و پشتیبانی آماده قرارگاه نص 2 را عهده دار بودند.

قرارگاه نص 1، تیپ 7 ولیعصر سپاه و تیپ 1 لشکر 21 حمز (در سمت چپ قرارگاه نص 2 مأموریت انهدام نیروهای دشمن در خط نور - امتداد تپ چشمه - سه راهی قهوه خانه - کوت کاپن) را داشتند. قرارگاه نص 5 تیپ 58 ذوالفقار به



جز گردان دوم با گردانهای انصار رسول (ص) ابوذر غفاری - گردان 1 مالک اشت (د سمت راست مأموریت انهدا هدف توفیق در ارتفاعات شاوریه و تیه بلتای زرگ را بر عهده گرفتند. قرارگاه نص 2 طبق طرح عملیاتی که در صفحات بعد درج گردیده است در اجرای مأموریت اقدام نمود.



مقدمات عملیات فتح المبین / 157

بسمه تعالی

طرح عملیاتی نص 2

در دستورات شفاهی تغییری داده شده است)

شمار 1/1/61 [32/201/12/3

طرح عملیات نص 2

مدارک :

الف طرح عملیات نصر

ب نقشه 50000 1 منطقه سرخه نادری . دچا)

سازمان رزمی :

قرارگاه و گروهان قرارگاه نص 2

گردار 141 پیاده

گردار 144 پیاده

گردار 169 پیاده

گردار 2 تیپ 58 ذوالفقار

گردار 242 تانک نصر

گردار 313 مختلط توپخانه نص ک ()

گروهان 2 گردار 155 مهن نصر پ ()

گروهان دوه گردار 546 نگهداری نصر

گروهان دوه گردار 545 بهداری نصر





158 / شجاعان نبرد

دسته دوه گروهان جلویی گردار 156 مخ نصر

رسا 2 آماد از گ 568 آماد و ترابری نصر

دسته دوه گروهان یکم دژبان

گردان‌هایی از تیب 27 سپاه پاسداران محمد رسول الله (ص) شامل:

گردان: حبیب ابن مظاهر

گردان سلمان

گردان حمزه

گردان مالک اشتر

گردان عمار

گردان بلال

1 وضعیت:

الف. نیروهای دشمن پیوسه ب اطلاعات)

ب. نیروهای خودی

1 فرماندهی قرارگاه نصر در ساعت (س) روز () بمنظور انهداه دشمن در منطقه محول تک نموده ارتفاعات شاوریه، علی گره زد، جوفینه، تیه چشمه کوت آن را تصرف و تأمین و در منطقه پدافند می‌نماید و آماده می‌شود بنا به دستور تک را به سمت غرب جهت تأمیر خط مرز ادامه دهد.

2) قرارگاه نصر 5 در ساعت (س) روز () تک نموده دشمن را منهدم و هدف توفیق را تأمین می‌نماید.





مقدمات عملیات فتح المبین / 159

3) قرارگاه نص 1 تک نموده دشمن را منهدم خط نور را تأمین سیر تک را به سمت غرب ادامه و مقاومت‌های باقیمانده دشمن را در منطقه منهدم و در علی گره زد احتیاط لشکر ر تشکیل می‌دهد.

4) نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران یوشش هوایی منطقه عملیات را برقرار نموده و عملیات یگانهای تحت کنترل فرماندهی عملیات کربلای 2 را روزانه حداقل 14 سورتی حداکثر 20 سورتی پشتیبانی نزدیک می‌نماید.

5) هوانیروز: گروه زرهی پشتیبانی مستقیم عملیات قرارگاه نصر را با اجرای آتش و ترابری عده‌ها و آماد مهمات و شناسایی هوایی و تخلیه مجروحین و هجوم هوایی پشتیبانی می‌نماید.

6) گردار 313 مختلط توپخا ک د تیپ 2

7) آتشبار یکم گردان 376 توپخانه کاتیوش 122 مم تقویت آتش توپخانه قرارگاه نصر بنا به دستور عمل کلی تقویت.

نیروهای تحت امر و جد شده: برابر سازمان زرهی.

- فرضیات:

1) در زمان اجرای طرح کلیه نیروها برابر لیست عده‌ها دسترس خواهند بود.

2) در زمان اجرای طرح در استعداد و گسترش یگانهای درگیر و تقویتی دشمن تغییر عمده‌ای به وجود نخواهد آمد.



3) نیروهای متشکل پیاده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای بسیج مردمی به استعداد دو تیپ حداقل 5400 نفر تا پایان عملیات هماهنگ با سایر یگانهای ل کر در عملیات شرکت می نمایند.

4) نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران از 2 -) تا خاتمه عملیات پوشش هوایی منطقه عملیات لشکر را برقرار و از دخالت هواپیماهای دشمن در عملیات زمینی یگانهای خودی جلوگیری می نماید.

5) دشمن در مدت عملیات از امکانات شیمیایی استفاده نخواهد کرد.

6) دشمن قبل از تک ما اقدام با تک عمده ای در هیچکدام از مناطق عملیاتی در جنوب نخواهد کرد.

2 مأموریت:

قرارگاه نصر 2 مأموریت دارد در ساعت 8 (روز 1) تک نمود ضمن انهدام توپخانه ارتفاعات بلتا و علی گره زد و جوفینه را تصرف و تأمین نماید ، سپس تک را به سمت غرب ادامه داده و مقاومت باقیمانده را منهدم خط خیز آبی را تأمین نماید و بنا به دستور تک را ادامه داده و از مختصات 381 765 تا 328 728) پدافند می نماید.

3. اجر:

الف - تدبیر عملیات پیوسته پ کالک عملیات)

مانور - فرماندهی قرارگاه نصر 2 در ساعت 8 (روز 1) با گردانهای 41 [44] 169 و گ 2 تیپ 58 ذوالفقار ادغاه شده با سپاه پاسداران با استفا ه از



مقدمات عملیات فتح المبین / 161

تاریک شب تک نموده و هدف‌های بیروز و امید و فاتح و سیمرغ را تصرف نمودند. انهدام توپخانه دشمن خط خیز آبی را تأمین و بنا به دستور در امتداد خط سمرغ پدافند می‌کند.

آتش آتش تهیه بمدت 20 دقیقه طرح‌ریزی و در صورت کشف تک بنا به دستور در منطقه مورد درخواست اجرا می‌گردد: پیوسته طرح پشتیبانی آتش (الف) هوایی:

تقدم پشتیبانی هوایی؛ 2 نص؛ سپس؛ 4 نص؛ 4 بهنگام درگیری (ب) توپخانه صحرائی:

تقدم پشتیبانی؛ 2 نص؛ سپس؛ 4 نص؛ 4 بهنگام وارد عمل شدن (پ) توپخانه پدافند هوایی:

تقدم حفاظت به ترتیب بایگانه‌های در خط و توپخانه و پلها و تاسیسات حائاتی در منطقه و قرارگاه می‌باشد.

ب گردان 141

بعد از 30 دقیقه از ساعت (روز) بدنبال گد 169 حرکت نموده در سمت شرق بلت مستقر شوید

پس از تصرف ارتفاعات علی‌گره‌زد از سمت شرق گد 169 به منطقه دشمن نفوذ نمود. پس از انهدام توپخانه دشمن ارتفاع و جاده علی‌گره‌زد را تصرف و تأمین نمایند.



162 / شجاعان نبرد

تک را به سمت غرب ادامه داده و مقاومت‌های باقیمانده دشمن را در منطقه منهدم و خط خیزآبی را تأمین نمایید.

بنا به دستور تک را به سمت غرب ادامه داده و ضمن انهدام مقاومت‌های باقیمانده دشمن و تأمیر خط سرخ در مختصات 28 28) پدافند نمایید.

به عبور قرارگاه نص 4 بمنظور تأمین معابر موجود در منطقه خط سرخ کمک کنید.

پ گروه رزمی 144

1) تک نموده ارتفاعات بلتا و ارتفاعات غرب علی گره‌زد را تصرف نمایید ه ف (پیرو)

2) تک را به سمت غرب ادامه داده و مقاومت‌های باقیمانده دشمن را در منطقه منهدم خط خیزآبی را تأمین نمایید.

3) بنا به دستور تک را به سمت غرب ادامه داده و ضمن انهدام مقاومت‌های باقیمانده در منطقه در امتداد خط سرخ در مختصات 65 81) ب سمت غرب پدافند نمایید.

4) به عبور قرارگاه نص 4 بمنظور تأمین معابر موجود در منطقه خط سرخ کمک کنید.

5) یک گروهان از گ 242 (تانک را زیر امر بگیرید.

ت گ 169 پیاده





مقدمات عملیات فتح المبین / 163

۱) تک نموده ضمن انهدام توپخانه دشمن هدف امید سمت شرق علی گره زه را تصرف و تأمین نمایید.

۲) تک را به سمت غرب ادامه داده و مقاومت‌های باقیمانده دشمن را در منطقه منهدم خط خیز آبی را تأمین نمایید.

۳) بنا به دستور تک را به سمت غرب ادامه داده و ضمن انهدام مقاومت‌های باقیمانده دشمن و تأمیر خط سرخ در احتیاط تیپ قرار بگیرید.

ث گروه رزمی شمار 2 گرداز 2 تیپ 58 ذوالفقار یک گروهان تانک

۱) تک نموده ضمن انهدام یگانها و توپخانه دشمن هدف فاتح را تصرف و تأمین نمایید.

۲) تک را به سمت غرب ادامه و مقاومت‌های باقیمانده دشمن را در منطقه منهدم و خط خیز آبی را تأمین نمایید.

۳) آماده باشید بنا به دستور در اختیار تیپ 58 ذوالفقار قرار بگیرید.

۴) یک گروهان از گ 422 (تانک را زیر امر بگیرید.

ج گ 242 (تانک

۱) یک گروهان تانک را زیر امر گ 144 در قسمت بلتا قرار دهید.

۲) یک گروهان تانک باقیمانده را در زیر امر گ 2 تیپ 58 ذوالفقار قرار بدهید (جوفین)

چ گروهان بهرا 55 مهندسی





۱) نسبت به سازماندهی و آموزش و اعزام دسته‌های مین یاب و مین بردار به گردانها اقدام کنید.

۲) نسبت به ایجاد معابر در میادین مین دشمن در منطقه عملیاتی گردانها اقدام نمایید.

۳) به هماهنگی با گردانها نسبت به ایجاد استحکامات و جاده‌های تدارکاتی مورد نیاز اقدام کنید.

۴) نسبت به آماده بکار نمودن و استفاده بموقع وسائل سنگین مهندسی اقدام کنید.

۵) آماده باشید بنا به دستور پس از تصرف هدف نسبت به مین گذاری و جاد موانع در معابر مورد لزوم اقدام نمایید.

د دستورات هماهنگی:

۱) این طرح به دریافت برای طرح ریزی معتبر بوده و بنا بدستور قابل اجرا می باشد.

۲) ساعت (سر) روز () متعاقباً ابلاغ خواهد شد.

۳) اجرای شناساییها نباید در وضع عادی منطقه تغییراتی حاصل نماید.

۴) پس از دریافت این طرح فرماندهان با برادران یاسدار تماس خود را بطور دائم حفظ و نسبت به تکمیل سازماندهی نیروهای تک و شناساییها و طرح ریزی مشترکاً اقدام نمایند.

۵) از لحاظ استقرار نیروهای سیاه و بسیج مردمی در کنار یگانهای نظامی حداکثر هماهنگی و همکاری در امر آموزش، سازماندهی و شناسایی با عمل آورید.



مقدمات عملیات فتح المبین / 165

3) تقسیم وظایف بین عناصر متشکله نیروهای رزمنده ارتش و سپاه به حوی مشخص و هماهنگ گردد که هر عنصر مرکب نیروهای ادغام شد (از وحدت فرماندهی بهره‌مند گردند).

7) به حفاظت اطلاعات توجه بخصوص مبذول و از دست‌یابی پرسنل غیر مس‌ول بهنگاه طرح‌ریزی و د خلال عملیات شدید جلوگیری شود.

3) ت رسیدن ب خط احتمال گسترش ارتباط ب سیم استفاده شود.

1) در جلسات توجیه و شناساییها از افشاء ناہ مقصد طرح شدید خودداری ش د.

10) یگانها طرح‌های خود را بر مبنای این طرح تهیه و با ییوستها و ضائم م بوطه حداکثر ظرف 24 ساعت پس از دریافت این طرح جهت تصویب باین قرارگاه ارد ل نمایند.

11) یگانہ نسبت بافزایش قدرت جسمانی و همچنین تکمیل آموزش پرد ل توجه ویژه مبذول دادند.

12) یگانها عملیات خود را به نحوی طرح ریزی نمایند که احتیاط مناسبی را در خلال عملیات در اختیار داشته باشند.

13) یگانها در مورد کاربرد مواد شیمیایی توسط دشمن پیش‌بینی لازم را عمل آورده و در فرصتی که در اختیار دارند آموزشهای کافی به پرسنل داده شود.

14) کلیه مکاتبات مربوط به این طرح به عنوان فرمانده، عملیات نصر 2 ارسال نمایند.



15) یگانهای زرهی از پرسنل مربوطه به منظور جمع آوری غنائم جنگی و تخریب اسراء استفاده نمایند.

د پشتیبانی (خدمات: برابر طرح اداری (لجستیک)

ر فرماندهی و مخابرات

الف - مخابرات:

1) برابر پیوست مخابرات که قبلاً فرستاده شده است.

2) دستور کار مخابرات جاری

3) یگانها پاسگاه فرماندهی خود را گزارش نمایند

فرماندهی قرارگاه تاکتیکی مقده نص 2 شاهین راد

1 طرف سرهنگ دوه ستاد ستاد مصطفی شهری

پیوستها:

الف کالک عملیاتی

ب اطلاعات متعاقب ارسال خواهد شد

ت طرح آتش پشتیبانی

گیرندگان:

ف قرارگاه نص جهت استحضار

ف ز ت نص 3 جهت آگاهی

ف ز ت نص 1 جهت آگاهی

ف گ 141 144 161 گ 2 ذوالفقا جهت اجرا





تحرکات ارتش قبل از عملیات

شمارش معکوس برای اجرای عملیات شروع شده بود و نیروها به تلاش شبانه‌ریزی خود را برای درهم کوبیدن عراقی‌ها آماده می‌کردند. افزایش تحرکات، شناسایی‌های مستمر در مجاورت خطوط پدافندی دشمن که اخبار آنها از طریق عکس برداری هوایی، عوامل ستون پنجم، تصاویر ماهواره‌ای توسط متحدین صدام ارائه می‌شد سبب گردید دشمن در ساختار نیروهای استقراری در منطقه تجدید نظر نماید.

لشکر 3 زرهی عراق که در منطقه آبادان استقرار داشت در کمترین زمان ممکن به منطق شوش نقل مکان داده شد. روز بیست و هشتم اسفند ماه نیروهای لشکر 3 در منطق شوش با سمت نیروهای لشکر 77 که در خط پدافندی استقرار داشتند تک نمودند. در ابتدا نیروهای تک‌ور موفق شدند مناطقی از خط پدافندی نیروهای وادی را اشغال نمایند. لیکن مقاومت جانانه جان‌برکفان لشکر 77، در زیر آتش سنگین توپخانه‌های مستقر در منطق سبب گردید که پیشروی دشمن متوقف شود. پس از 12 ساعت نبرد دشمن با دادن تلفات و ضایعات و تعداد 38 نفر اسیر با محل اولیه برگردد. در این عقب‌نشینی دشمن قادر به تخلیه مجروحان و حتی سلاح و مهمات تعدادی از نیروهای خود نشد و لشکر 77 آنها را جمع‌آوری نمود.

در اوایل بامداد روز بیست و نهم اسفند ماه عراقی‌ها با نیرویی به استعداد یک گردان تکاور، به ارتفاع تپ چشمه که گردار 138 تپ 1 لشکر 21 مستقر بود



تک نمود دشمن در این حرکت می‌خواست ارتفاع تپه چشمه که از عوارض حساس منطقه بود تصرف نماید. در این صورت می‌توانست میدان دید و تیر بسیار خوبی به قسمت عمده منطقه در شرق رودخانه کرخه داشته باشد. ولی با هوشیاری و مقاومت نیروهای گردان 138 مواجه گردید و با دادن تلفات قابل ملاحظه‌ای عقب‌نشینی نمود.

در روز بیست و نهم اسفند ماه در منطقه سرپل تپه 3 لشکر 21 نیز دشمن با قصد حمله و پیشروی به سمت نیروهای تپه، یگانهای زرهی را از موضع خارج و با مت جلو حرکت داد که با پاسخ جدی از سوی نیروها مستقر در خط پدافندی مواجه و مجبور به عقب‌نشینی به مواضع اولیه خود گردید.

همزمان با تک در منطقه لشکر 21 در روز بیست و نهم، عناصر از لشکر 3 زرهی و لشکر 10 زرهی عراق، به مواضع تپه 55 هوابرد و لشکر 32 زرهی در منطقه رقابیه تک نمود. در این منطقه نیز هوشیاری نیروهای گسترش یافته در خط پدافندی، و دادن پاسخ جدی، موفقیتی حاصل ننمود و با محل اولیه عقب‌نشینی کرد.

مواضع پدافندی ایجاد شد، توسعه دشمن

ارتش عراق، در منطق غرب دزفول، چهار رده مواضع پدافندی متوالی ایجاد کرده ود.

1 خط پدافندی در امتداد رودخانه کرخه



مقدمات عملیات فتح المبین / 169

2 خط پدافندی در امتداد تپه‌های شاوریه علی‌گره‌زد - ابوصلیبی خات

3 خط پدافندی در امتداد عین‌خوش - ارتفاعات تینه - تنگ ابوغریب - تنگ رغازه تنگ رقابیه - ارتفاعات میشداغ.

4 خط پدافندی در امتداد رودخانه دویرج - ارتفاعات مرزی حمیرین از بیات تا چزه با این اقدامات، امیدوار بود، با پدافند در عمق، یا با اجرای عملیات تأخیری، دست‌ورث پیشروی نیروهای مسلح ج.ا.ا. نیروهای جدید وارد منطقه کند و پیشروی آنها را سد نماید. به همین علت در اواخر اسفند ارتش عراق، علاوه بر لشکرهای 10 زرهی و لشکر 1 مکانیزه تیپ‌های 10، 51 زرهی همچنین، تیپ‌های 60، 93، 423 - 505 پیاده را که معادل 2 لشکر بودند بتدریج به منطقه وارد، تلاش نمود. عملیات فتح‌المبین، در مرحله اول سرپلهای اشغالی توسط نیروهای لشکر 21 حمزه ر تصرف نماید که موفق نشد.

در مرحله دوم چون از عملیات قریب الوقوع نیروهای ایرانی با اطلاع بود برای برهم‌زدن سازمان لشکرها اقدام به تک، با خطوط پدافندی کرد که مهمترین آنها تک به مواضع لشکر 77 پیروز خراسان بود که موفقیتی حاصل ننمود.

همه کارها برای شروع عملیات انجام شده بود نیروها آمادگی کامل داشتند حرکات و تلاش دشمن، در روزهای 28، 29 اسفند انجام عملیات کمی به تأخیر انداخت. در خاتمه چالشهای روز 29 اسفند ماه، به نظر می‌رسید. دشمن در تمام مناطق، بدون نتیجه از تک‌های محدود خود با محل اولیه عقب‌نشینی کرد، است.



بخش هفتم اجرای عملیات فتح المبین



حرکت نیروها با موضع تک

روز یکم فروردین ماه سال 1360 دستور آگهی از طریق قرارگاه نصر مبنی بر حرکت نیروها به موضع تک ابلاغ شد. مواضع تک در چهار نقطه برای گردانها، در پشت ارتفاعات 270 و 290، بلتا و جوفینه پیش‌بینی گردیده بود. نقشه شماره 11)

برای اطمینان از برقراری بنه‌های رزمی گردانها، و پستهای امدادی صبح زود به اتفاق رئیس رکن سوه تیب به طرف مواضع تک پیش‌بینی شده، که از یوشش بسیار خوبی به علت وجود ارتفاعات 270 و 290 برخوردار بود. حرکت کردیم. مسیر حرکت تا رسیدن به محل تعیین شده به جز ارتفاعات سیتون که در اوایل زیر دید من بود اختفای خوبی داشت و در حرکت نیروها به جلو مشکلی پیش نمی‌آمد. ایس گاههای امداد گردانها با استفاده از چادرهای گروهی و بکارگیری امکانات موجود مرتباً ده بودند و برای پذیرش مجروحین آمادگی داشتند. مهمات مورد نیاز سلاحها بویه خمیازه اندازه‌ها به اندازه کافی در داخل شیارها و پشت ارتفاعات دیو شده بود. تانکهای آب، بنزین، گازوئیل در سنگرهای تهیه شده آماده بودند. آشپزخانه به جلو برده نشدند زیرا از همان محل اولیه برای تغذیه نیروها، بهترین موقعیت را دارند.



موقعیت قرار گرفتن نیروها، برای اجرای تک هماهنگ شده به طریق 4 بود، که 4 کیلومتر پیشروی به جاده اندیمشک - دهلران می‌رسیدند. دست داشتن ن جاده، برای آماد رسانی، تخلیه مجروحین و تردد نیروها تسهیلات زیادی ایجاد می‌کند. لیکن تا رسیدن به جاده و تأمین آن از سوی نیروهای خودی، یشتیبانی آمی و تخلیه مجروحین به علت وجود ارتفاعات و نبودن جاده به سختی انجام می‌شد پیش‌بینی امر صورت گرفته بود.

در پشت ارتفاعات بلت کوچک، محلی برای من در نظر گرفته شد که از آنجا قادر بودم در روشنایی، روز صحنه عملیات را با دوربین بینم و شب نیز علایم و تیراندازیهای صورت گرفته دیده می‌شد و این محل به نام پاسگاه فرماندهی نوان می‌گردید.

پاسگاه فرماندهی، در ضد شیب واقع شده بود و با تعبیه کانالی به دیدگاه راه داشت. دیدگاه طوری ساخته شده بود که وسعت آن 5/1 3/1 متر بود و گودی آن با 2 متر می‌رسید. روی آن به وسیله تراورس پوشانده شده بود به نحوی که خاک یز روی تراورس هر سطح ارتفاع اطراف آن بود و روی آن نیز به وسیله بوته‌هایی استار شده بود. سمت دیواره جلو دیدگاه با استفاده از شیب زمین فضایی به طول 5/1 متر به ارتفاع 40 سانتیمتر برای دیدن منطقه جلو باز بود. برای تاریک شدن زمین پشت فضای باز، در محل ورودی به دیدگاه قوسی ایجاد شده بود که زمین پشت ریک باشد و وجود سنگر دیدگاه قابل تشخیص نباشد.



اجرای عملیات فتح المبین / 175

حضور نیروهای شناسایی، به مدت طولانی، در منطقه سبب گردیده بود که ماضع تک بیش بینی شده از هر نظر بررسی گردد و بهترین موقعیت انتخاب شد. و در دستور و روش کار مخابراتی تأکید بر عدم استفاده از بیسیم، ت کشف تک بود به همین جهت برقراری ارتباط در موض تک با استفاده از وسایل ارتباطی با سه صورت گرفت. جناب سروان سنجری پور مسئول برقراری ارتباط با رده بالا قرارگاه ص و رده های پایین چهار گردان ادغامی (و گردان 242 تانک بودند پس از بازدید از بنه های رزمی گردانها، مواضع تک و مواضع توپخانه کمک و مستقیم، حدود سه ت 1600 به دیدگاه رفت. در ا ت ت لاش و زحمات جناب سروان سنجری پور طبق بکه مخابرات باسیم منظور شده در طرح عملیاتی، پاسگاه فرماندهی با تمام نیروها و رده های تعیین شده ارتباط داشت.

طبق روش تعیین شده، نیروها در تاریخ 1/1/61 از منطقه پراکندگی در ارتفاعات خرولی و اسکندرخندان به موض تک - پشت ارتفاعات بلتا و جوفینه - نقل مکان نمودند و ت ساعت 1700 نقل و انتقالات خاتمه یافت.

گردانهای ادغامی سپاه در پشت ارتفاعات بلتای بزرگ تجمع داشتند. تمرین عملی به مدت سه شب در زمین مشابه منطقه عملیات کمک بسیار خوبی بود که نیوها با یکدیگر آشنا شوند و به زمین منطقه عملیات توجیه گردند



اجرای عملیات فتح المبین / 177

ادغام نیروها با صورت گروهانه، در داخل گردانهای تعیین شده قبل از شروع ریکه صورت گرفت. گردانهای 144 و حبیب بن مظاهر به راست منطقه مسئولیت نص 2 ارتفاع بلتای کوچک - گردانهای 169 و حمزه سید الشهدا (ع) در وسط و سمت چپ گردان 144 و حبیب بن مظاهر، گردانهای 141 و سلمان فارسی در وسط و سمت چپ گردان 169 و حمزه سید الشهدا (ع) گردانهای دوم تیب 58 ذوالفقار و مالک اشتر از تیب 27 محمد رسول الله (ص) در سمت چپ روی ارتفاعات جوفینه سازماندهی شد و در شروع تاریکی از موض تک در مسیرهای تعیین شده با صورت ستون راهیمایی در حاله که یک گروهان ارتش به دنبال یک گروهان سیم یا بالعکس حرکت می کردند به راه افتادند یکی از بندهای قید شده در دستور کار مخابرات تیب این بود «ت قبل از درگیری دشمن استفاده از بیسیم منوط است» و تأکید در این مورد استفاده از اصل غافلگیری بود چون اکثر بیسیم در تگه رمز کننده نداشتند و به سرعت دشمن مکالمات بیسیم را کشف می کرد. نقش شماره (12)

حرکت نیروها، در شب تاریک به سمت دشمن با رعایت اصل غافلگیری بسیار دشوار است و این عمل، حین عبور از داخل نیروهای دشمن دشوارتر می شود. با توجه با اینکه هرگونه اشتباه کوچک از سوی یک نفر، موجب هوشیاری دشمن می گردد. حرکت دسته جمعی، آن هم 4 گردان ارتش که هر کدام دارای 700. 650 نفر نیرو بود و برادران سپاهی که به تعداد آنها افزوده می گردید نیاز به آموزش، ضابط و کنترل بسیار دقیق داشت. فرماندهی بسیار توانا قادر خواهد بود



نیروهای خود را از داخل نیروهای دشمن به عمق منطقه عبور دهد و دشمن را غافلگیر نماید.

نص 2 به یاری پروردگار توانا این امر مهم را انجام داد. در انجام این کار مهم پس از کمک گرفتن از خداوند متعال، انجام شناسایی‌های دقیق، کسب اطلاعات از زمین و دشمن، توجیه کلیه رده‌های فرماندهی نسبت به منطقه عملیات از فرمانده گروه تا فرمانده تیپ، تمرین مداوم در شب در زمین مشابه منطقه عملیات به مدت طولانی، به طوریکه کلیه نفرات رزمنده به بیداری در شب و مسافتهای تعیین شده در حرکت از موضعی به موضع دیگر دقیقاً آشنا بودند و عادت کرده بودند بسیار مؤثر و کارساز بود.

شروع عملیات

بر اساس دستور العمل ابلاغی، از سوی قرارگاه نصر، زمان تک ساعت 0030 مورخ 2/1/61 تعیین گردیده بود 30 دقیقه بعد از نیم شب (در زمان تعیین شده که نیروهای تابعه قرارگاه نصر به سمت دشمن تک می کردند). برای غافلگیر کردن دشمن، عملیات در تاریکی شب صورت گرفت.



نقشه شماره 12 - گردان‌های تک‌کننده نصب 2 و مسیرهای پیشروی





برای اینکه نیروهای خودی در موقع درگیری یکدیگر را بشناسند، توسط ئیسر رکن دوه تیب - جناب سرگرد اصغر کریمی - مهر 500 متر نوا شب رنگ تهیه شد و بین نیروهای عمل کننده توزیع گردید. طرز استفاده از نوار، به صورت د خط موازی در پشت کلاه آهنی تعیین گردید و طول هر خط 3 سانتیمتر در نظر گرفته شد. این امر پس از عبور نیروها از خط پدافندی دشمن، بسیار کار آرا بود کمک شایسته کرد.

اجرای تک در منطقه قرارگاه نصر، از سمتهای شمال به جنوب و از شرق به غرب بود به طوریکه نص 1 و نص 3، سمت شرق به غرب تک می نمودند و نص 2 و نص 5 از سمت شمال به جنوب به عمق دشمن تک می کردند. این عملیات در مرحله دوم صورت می گرفت و ادامه تک تأمین ارتفاعات برغازد تنگ ابوغریب دشت عباس و غیر خوش بود.

مسیرهای حرکت، محل معبر، خط پدافندی دشمن با شناسایی دقیق و عملی که صورت گرفته بود، کاملاً مشخص بود. یک شب قبل از عملیات نیز مورد بررسی قرار گرفت. علاوه بر دو مسیر شناسایی شده گردانهای 144، 169، دو مسیر دیگر نیز توسط عوامل شناسایی تیب 27 محمد رسول (ص) مورد شناسایی قرار گرفته بود. راهنمایان مسیرها که در هر یک از آنها دو نفر تعیین شده بودند اولین نفرات هر ستون بودند که حرکت کردند گردان 2 تیب 58 و گردان مالک اشتر از سمت چپ منطقه و جدا از سه گردان ادغامی حرکت کردند.



اجرای عملیات فتح المبین / 181

طبق دستورات ابلاغ شده برای حرکت نیروها از موضع تک به سمت جلو تا رسیدن به اولین نقطه توقف که فاصله زیادی با دشمن داشت از شیارها و پشت ارتفاعات استفاده می‌شد چون دور از دشمن بود سرعت پیشروی تا آنجا خوب بود. این نقطه محلی بود که هر گردان جدا می‌شد و از مسیر تعیین شده برای نزدیک شدن به دشمن استفاده می‌کرد حرکت در این مسیر به علت نزدیکی با دشمن دست و احتیاط زیادی را می‌طلبید از این قسمت به بعد مسئله سرعت مطرح نبود هر گونه اشتباه سبب می‌گردید دشمن هوشیار شود و عمل غافلگیری صورت نگیرد.

پیش‌بینی‌ها برای عبور از معابر تعیین شده، به ترتیب، برنامه‌ریزی شده بود که قبل از ساعت 30 بامداد - آغاز تک - نیروها از معابر تعیین شده عبور نمایند. در هدف واسطه قبل از رسیدن به جاده اندیمشک - دهلران وجود داشت این دو هدف در اولین یورش نیروها بایستی منهدم می‌گردیدند. شروع تک نصر 2 تک به هدفهای واسطه بود.

با شروع تاریکی، نیروها پس از صرف شام از موضع تک به جلو حرکت کردند به علت اینکه هماهنگی لازم و برنامه‌ریزی دقیق صورت گرفته بود و سکوت رادیویی نیز به منطقه حاکم بود تا نیمه شب هیچ گونه ارتباطی از طریق یاسگاه فرماندهی با نیروهای تک‌ور نداشتیم طبق برنامه تا 30 دقیقه بعد از نصف شب بایستی ارتباط برقرار می‌شد و موقعیت نیروها اعلام می‌گردید. اما هنوز سکوت حاکم بود من و رادر احمد متوسلیان مدتی در سنگر تأمین بودیم سنگر کوچک



بود و تعدادی از برادران نیز حضور پیدا کردند پس از یک ساعت من به دیدن ماه رفتم و جناب سروان سنجرى پور همراه من بود.

شب تاریکی بود. ستاره‌ها می‌درخشیدند. نسیم ملایم و خنکی از سمت جنوب به سمت شمال می‌وزید. گاه‌گاهی سکوت شب را صدای شلیک گلوله‌هایی از طرف دشمن یا نیروهای خودی به طور متناوب می‌شکست. مسیر روشن گلوله‌ها من را صحنه‌کننده جهت تیراندازی بود. تبادل آتش عادی بود. مثل هر شب اما اراده آهنین نیروها و خشم آنان از تجاوزات 18 ماهه دشمن به خاک و سرزمین مقدس حج و اعراب لحظاتی بعد خواب خوش آنها را برهم می‌زد و درس عبرتی فراموش نشدنی به آنها می‌داد.

با دشت یهناور تاریکی که انتها نداشت نظاره‌گر بودیم دست دعا و قلبی میدوار به سوی پروردگار یکتا داشتیم و از درگاه خداوند متعال استدعای پیروزی نیرهای اسلام را می‌نمودیم.

ساعت 22 گذشت وضعیت همچنان ادامه داشت افکار مختلفی ما را احاطه کرده بود. به هر طریقی می‌خواستیم آرامش خود را حفظ کنیم اما هیچ کاری از ما ساخته نبود فقط بایستی به خدا توکل می‌نمودیم همه راهها به اذختم می‌شد. زمان در حال گذر بود اما لحظه‌ها خیلی طول می‌کشید. البته سعی می‌کردیم با این فکر که شروع تک نیه ساعت بعد از نیم شب است تا آن موقع طبق دستور سکوت را در پی الزامی است و ادامه سکوت یعنی موفقیت در اجرای مأموریت قلب را تسکین داده و خود را راضی کنیم. لحظه‌ای بعد در این فکر بودیم



اجرای عملیات فتح المبین / 183

که اشتباه هر یک از نیروها سبب هوشیاری دشمن می‌گردد و اگر اشتباهی صورت گیرد، نیروها در وضعیت بدی قرار خواهند گرفت و رسیدن به هدف مشکل خواهد شد. هنگامی که در فکر موفقیت، غافلگیر کردن دشمن، گرفتن اسرای زیاد از دشمن و رسیدن به هدف طبق برنامه پیش بینی شده، بدون کمترین تلفات و ذایعات بودیم، این نوع تفکر به ما روحیه می‌داد و امیدوارتر زمان را تحمل می‌کردیم.

لحظات سیری شد ساعت 30 دقیقه بامداد یعنی همان زمان تعیین شده برای شروع تک‌ر نشان می‌داد. نیروهای نصر 1 و 3 به دشمن در خط جلو درگیر شدند. از آن به بعد احتمال غافلگیری کم می‌شد سکوت رادیویی شکسته شد وضعیت از نیروهای تک‌ور سؤال شد. پاسخ این بود ما نزدیک هدفهای واسطه هستیم گردانهای 141 و سلمان فارسی برای تصرف تپه تانک و گردانهای 169 و حمزه برای تصرف تپه پیاده در نظر گرفته شده بودند این در هدف واسطه در شمال جاده اندیمشک - دهلران قرار داشت. گردان حبیب بن مظاهر و گردان 144، بدون توقف بایستی در مسیر تعیین شده به سمت اهداف اصلی حرکت می‌نمودند.

تا این مرحله قسمت حساس عملیات که عبور از خط دشمن بود انجام شده بود و نیروها در زمان تعیین شده به نزدیک اهداف واسطه رسیده بودند اما گردانهای حبیب بن مظاهر 144 هنوز از جاده به سمت جنوب حرکت نکرده بودند و این امر نشان می‌داد که کار آنها کمی عقب است.



استعداد تانکهای موجود در تیه تانک ر 25 دستگاد اعلام کرده بودند. نیروها در رأس ساعت تعیین شده به تیه تانک رسیده بودند دشمن ا سمت غرب با طرف نیروهای ما تیراندازی کرده بود؛ در صورتی که نیروها از سه طرف دشمن را محاصره کرده بودند و این موضوع نشان می داد هنوز حضور نیروها در آن منطقه توسط دشمن جدی گرفته نشده و تیراندازی بدون هدف بود است.

روش اجرای عملیات به نحوی هماهنگ شده بود که بایستی رأس ساعت 30 دقیقه بعد از نیم شب نیروهای تکور در تیه های تانک و پیاده به دشمن یورش ب رند و گرداز 144 و گردان حبیب بن مظاهر نیز در همان موقع از جاده اندیمشک - دهلران ب سوی هدف اصلی روانه شوند.

وضعیت و زمان تعیین شده نشان می داد که اجرای برنامه از بعد زمانی عقب است در صورتی که گردان 141 و سلمان فارسی در موعد مقرر به تیه تانک تک می گردند بر اثر هوشیاری دشمن، تصرف هدف تیه پیاده و در عبور از جاده برای گردانهای 144 و حبیب بن مظاهر مشکلاتی به وجود می آمد. بنابراین کمی تأخیر در اجرای مأموریت لازم بود.

از قرارگاه نصر به طور مداوم وضعیت را خواستار بودند. پاسخ این بود وضعیت خوب است و هنوز نیروها درگیر نشده اند. گرداز 2 تیه 58 و گردان مالک اشتر نیز هنوز درگیر نشده بودند حرکت آنها نیز هنوز توسط دشمن کشف نشده بود و ز ر آتش قرار نداشتند.



اجرای عملیات فتح المبین / 185

تا ساعت 1 و 50 دقیقه هماهنگ کردن نیروها ادامه داشت. گردانهای ادغامی، حبیب بن مظاهر 144 که مسیر را با انحراف با سمت شرق منطقه رفته بودند، به مسیر تعیین شده هدایت شدند البته در این مورد شهید بزرگوار محسن وزیری فرمانده گردان حبیب بن مظاهر بیش از حد ایثار نمودند. روانش شاه

پس از قرار گرفتن نیروها در وضعیت تعیین شده تک به روی هدفهای واسطه آغاز شد و این زمانی بود که در سرتاسر جبهه درگیری ادامه داشت و دشمن از نظر رانی توان مقاومت را دست داده بود. در مدت یکساعت تپه‌های تانک و پیاده سقوط کرد و در درگیری با نیروهای دشمن، تلفات و ضایعاتی نیز به نیروهای خودی وارد نشد. بعدها به حسب صحبت‌های نیروهایی که در محل درگیری حضور داشتند این موضوع بیشتر مورد توجه قرار می‌گرفت که دشمن بیشتر در فکر فرار بوده و مقدمات زیادی ننموده بود.

در دست داشتن دو ارتفاع تانک و پیاده سبب می‌شد که جاده اندیمشک - ده ران، زیر دید و تیر قرار گیرد و تردد در آن کنترل شود. این اولین امتیازی بود که هدفهای واسطه داشت. روی هر ارتفاع یکدسته نیرو از یگانهای ارتش مستقر شدند و قیه نیروها، به دنبال گردانهای 144، حبیب ابن مظاهر حرکت کردند.

در ساعت 45 دقیقه عملیات تپه‌های تانک و پیاده خاتمه یافت و مراتب به رارگاه نصر اعلام گردید. تا آن موقع گردان 2 تپه 58 و گردان مالک اشتر سیاه که راست منطقه نص 1 چپ نص 2 حرکت می‌کردند. با نیروهای دشمن درگیر نشده بودند. اما دقایقی بعد از شروع درگیری توسط فرماندهی گردان دوم -



جناب سرهنگ علیرضایی، اعلام گردید، در مقابل این دو گردان ادغامی، یک گردان پیاده از نیروهای عراقی استقرار داشتند و به علت شرایط پدافندی خوبی که داشتند تا آخرین لحظه مقاومت نمودند حتی بعد از آنکه نیروهای نصر 1 نیمه از ارتفاعات تپه چشمه ر که دست دشمن بود تصرف کردند، دشمن اسیر و منهدم شد هنوز در ارتفاعات جوفینه درگیری ادامه داشت.

دو گردان ادغامی ارتش با دو گردان ادغامی از سیاه پسر از تصرف هدفهای واسطه، تپه‌های تانک و پیاده، به ترتیب از جاده اندیمشک - دهلران عبور کردند و به سمت جنوب ادامه مسیر دادند. بررسیهای به عمل آمده نشان می‌داد که امکان دسترسی به عمق منطقه و دور زدن توپخانه سیاه چهارم عراق فقط از غرب ارتفاعات علی‌گره زد و علی‌گره دز امکان‌پذیر است. بر همین اساس در ابتدا گردانهای حبیب بن مظفر و 44 سپس گردان 141 و سلمان فارسی و در پشت سر آنها گردان 169 و گردان حمزه به سمت اهداف تعیین شده پیشروی نمودند.

برای دور زدن توپخانه، نیروها بایستی 4 تا 6 کیلومتر پیشروی نمایند که این کار انجام شد و اولین نیروی درگیری با توپخانه دشمن گردانهای 144 و حبیب بن مظاهر بودند. حدود ساعت 4 اولین گردان در عمق منطقه نبرد با عناصر تأمین، گردان توپخانه دشمن درگیر شد در این درگیری به نحو برق آسا نیروهای تأمین، توپخانه منهدم شدند یا پا به فرار گذاشتند و نیروهای عمل کننده خود را به خدمه‌های توپخانه رساندند. مقاومت در داخل محل استقرار توپها زیاد نبود و ن



187 / اجرای عملیات فتح المبین

گردان توپخان پس از نیم ساعت سقوط کرد و خدمه آنها اسیر شدند و تعدادی نیز فرار کردند.

در ساعت 4 30 دقیقه بقیه نیروهای نصر 2 در این محور با گردانهای باقیمانده توپخانه سپا 4 درگیر شدند.

در ساعت 5 سقوط کامل توپخانه سپا 4 عراق به استعدا 180 قبضه توپ توسط نیروهای عمل کننده اعلام گردید. این عملیات بزرگترین موفقیت در طول گ تحمیلی بود.

درگیری در ارتفاعات جوفینه ادامه داشت در حالی که دهها کیلومتر جلوتر در مق منطقه نبرد نیروهای عراقی به صورت گروهی و گروهانی به اسارت رزمندگان درمی آمدند. قرارگاه نصر تصمیم گرفت نصر 4 ر که در احتیاط قرارگاه بود، به منظور درهم کوبیدن مقاومت دشمن در ارتفاعات جوفینه وارد عمل کند.

در ساعت 4 50 دقیقه به من ابلاغ شد نصر 4 به طرف شما می آید آنها را توسط راهنما به محل مربوطه هدایت کنند. رئیس رکن سوه جناب سرهنگ فراهانی، رای هدایت نصر 4 جهت انجام مأموریت تعیین گردید و من در ساعت 5 30 دقیقه به سمت هدف تأمین شده. محل توپخانه سپا 4 عراق حرکت کرده.

بی سیم و بی سیم چی همراه داشتم و با تمام ردهها ارتباط برقرار بود پس از تأمین هدف توسط نصر 2، در سایر نصرها هنوز درگیری ادامه داشت و نیروها نصر 2 به جز گردانهای درگیر در ارتفاعات جوفینه حدود 12 کیلومتر در عمق منطقه دشمن حضور داشتند. بنابراین اگر خط پدافندی مستحکم و در موقعیت



مناسب منطقه تشکیل نمی‌گردید در اثر پاتک دشمن، وضعیت نیروها به .الت دیگری درمی‌آمد.

در روشنایی صبح من خودم را به داخل منطقه رسانده. اولین اقدام تخلیه اسرا بود برای این امر کلیه امکانات گردانها از نظر خودرویی جمع‌آوری شده بود و رئیس ستاد تیپ - جناب سرهنگ دارالصفایی و رئیس رکز 4 تیپ مسئولیت داشتند ب محض ابلاغ محل اسرا، کامیونها را ب اسکورت دژبان اعزام نمایند. از طریق بی‌سیم وضع به ریاست ستاد ابلاغ شد تا اقدام نمایند.

داخل منطقه وضع عجیبی حاکم بود: جنازه عراقی‌ها در بعضی جاها همانند برگ خزان بر زمین ریخته شده بود.

داخل سنگرها پر از کشته‌های دشمن بود. و تعدادی از نفربرهای دشمن که به غنیمت گرفته شده بود توسط برادران سیاه، ب سرعت 60 . 50 کیلومتر در منطقه جولان می‌دادند خودروهای کوچک و بزرگ به تعداد زیادی در اختیار برادران سیاه و ارتشی بود که از عراقیها به غنیمت گرفته شده بود. اسرای زیادی در نزد سیاه سنگر فرماندهی توپخانه در حالی که دستها روی سر گذاشته بودند منتظر شت خود بودند - تعدادی از نیروها، ب روشن شدن هوا، سنگرهای دشمن را کاوش می‌کردند و عراقی‌هایی را که از ترس در سنگر مخفی شده بودند، بیرون می‌کشیدند. در بعضی مواقع ب کلمات عربی به آنها دستور می‌دادند و فریاد می‌کشیدند.



اجرای عملیات فتح المبین / 189

تعدادی از برادران سیاهی، نیز با شابلون و اسیری تجهیزات به جای مانده عراقی‌ها را آرم سپاه می‌زدند. این بدان معنی بود که این وسیله توسط نیروهای سپاه به غنیمت گرفته شده است.

موفقیت، آن هم در آن سطح بزرگ و گرفتن هدف‌های مهم، حساس شور و نشاط دارد و همه علاقه‌مند بودیم در آن سهیم باشیم. اما در این مواقع اگر در فکر یک کهای دشمن نباشیم آسیب‌پذیری زیادی خواهیم داشت. حضور من در آنجا، سازماندهی گردانها برای پدافند در مقابل پاتک دشمن بود.

در محور پیشروی ارتفاعات جوفینه درگیری ادامه داشت و آتشیهای پشتیبانی به دو الی سه برابر رسید. حدود ساعت 8 ارتفاعات جوفینه توسط گردانهای 2 تیبی 58 و مالک‌اشتر سیاه تصرف گردید و تمامی نیروهای دشمن کشته و یا اسیر شدند. تا آن موقع هنوز نص 4 به منطقه نص 2 نرسیده بود. نص 4 در منطقه جوفینه وارد عمل نشد. ام نص 2 احتیاط قرارگاه ر در منطقه خود آماده در اختیار داشت.

تلفات نیروی درگیر در ارتفاعات جوفینه بیشتر از سایر گردانهای نص 2 بود برای تخلیه مجروحین از قرارگاه نصر در خواست بالگرد شد با توجه به اینکه جاده اندیمشک دهلران در آن موقع از روز در اختیار نیروهای خودی بود بالگردها در روی جاده به زمین نشستند، مجروحین به وسیله آنها سریع تخلیه شدند.

در ساعت 6، 30 دقیقه تعداد اسرا ب 1000 نفر رسید و هنوز از داخل سنگرهای عراقی که ا ترس مخفی شده بودند دستگیر می‌شدند به تعداد آنها



اضافه می‌گردید. وسائل ترابری تیبی 2 قادر به تخلیه آنها بطور سریع نبود از قرار 4 ماه نصر درخواست گردید، تعدادی خودرو در اختیار نصر 2 قرار گیرد. رکن 4 لشکر تعدادی اتوبوس برای همین منظور فرستاد. توسط رئیس ستاد تیبی جناب فرهنگ دارالصفائی، یک هفته قبل از عملیات محل مناسبی برای اسریش به شده بود و اقدامات تأمینی از قبیل کشیدن سیم خاردار، گذاشتن پستهای نگهبانی، صورت گرفته بود، فرمهایی برای وسایل اسرا تهیه شده بود که در آن مشخصات ادبیر، وسایل همراهی، شماره مربوطه قید گردیده بود. اسرای تخلیه شده فرمهای مربوطه را بر می‌کردند و وسائل دریافته، قید می‌شد و در سه برگ تکثیر می‌گردید یک برگ به خود اسیر داده می‌شد برگ دوم با وسایل مربوطه در داخل یک کیسه نایلون قرار می‌گرفت برگ سوم در رکن دوم بایگانی می‌شد. با این تدبیر نه 2 هیچ مشکلی از طرف اسرا در وسایل همراهی آنان نداشت در موقع تحویل آنان، به تعداد تحویل شده نایلون وسائل همراهی نیز طبق صورت تحویل گردید.

در جهت بازجویی از اسرا، لشکر تعدادی از عناصر رکن دوم، و سربازانی که به بان عربی تسلط داشتند به تیب اعزام نموده بود رکن دوم تیب جناب سرگرد صغر کریمی مه) در محل اردوگاه ب کمک عوامل موجود بازجویی‌های اولیه را انجام می‌داد.

در ابتدای ورود اسرا به اردوگاه تعیین شده، برای جداسازی آنها اقدام می‌شد. سربازان درجه‌داران، و افسران جدا از یکدیگر نگهداری می‌شدند، روحیه اسرا بسیار خراب بود و تعدادی از آنها از اینکه اسیر شده بودند ظاهراً به نظر



اجرای عملیات فتح المبین / 191

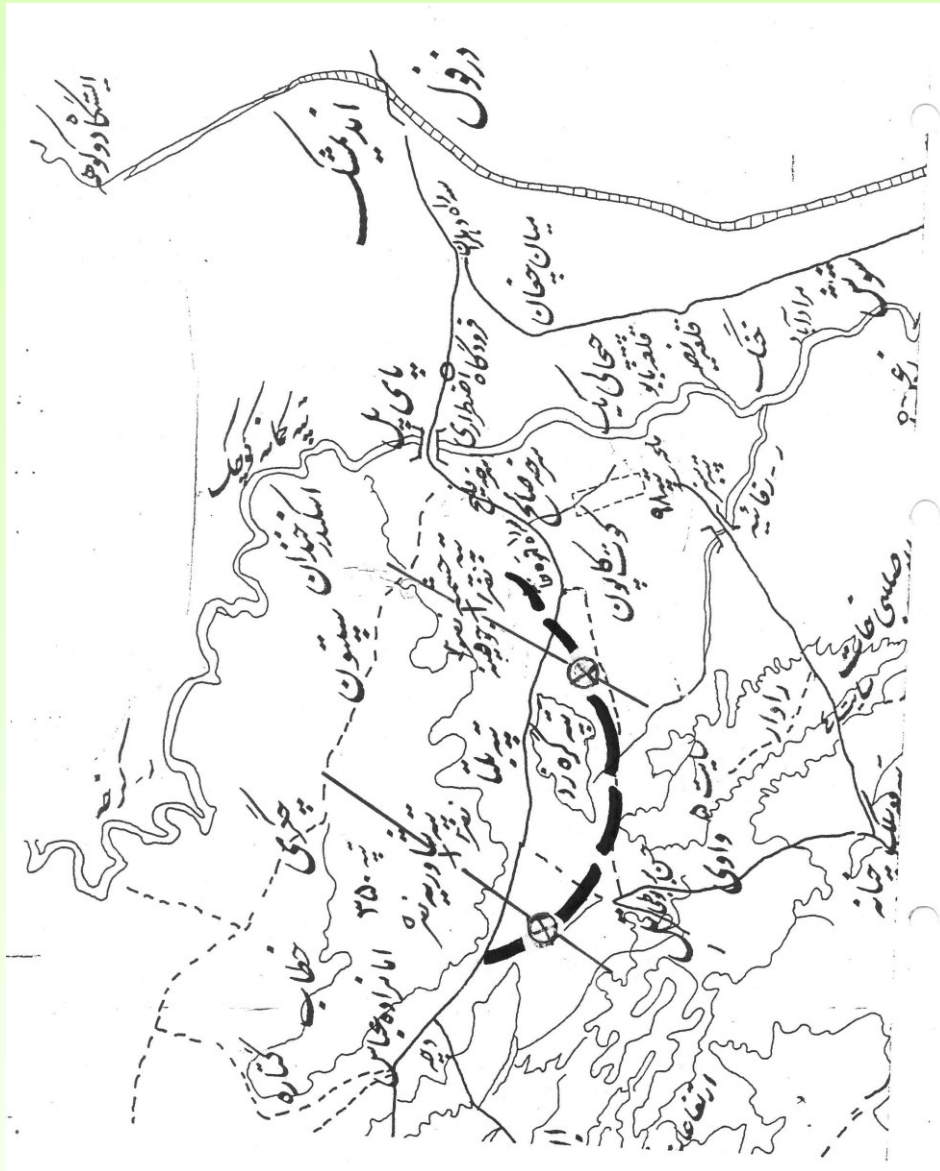
می‌رسید احساس رضایت می‌کردند. و تعدادی از آنها عکس حضرت امام را در دست داشتند و تعدادی قرآن کوچکی در دست گرفته بودند.

مدت 12 ساعت برای بازجویی‌های اولیه، اردوگاه اسرای نصر 2 فعال بود و عصر همان روز کلیه اسرا که تعداد آنها با 1250 نفر می‌رسید به قرارگاه نصر تحویل گردید.

با پیشروی نیروهای رزمنده به عمق 15 . 10 کیلومتری دشمن، در انهدام توپخانه توپخانه سپاه 4 سازمان رزمی لشکرهای 10 زرهی و پایاده مکانیزه عراق به کلی متلاشی شده بود. نقشه شماره 13)

ارتباط نیروها قطع گردیده بود و نیروهای باقیمانده دشمن از وضع یکدیگر خبر نداشتند و نیروهایی که از خط جلو عقب‌نشینی و یا فرار کرده بودند در منطقه سرگردان بودند کنترلی بر آنها وجود نداشت.

قرارگاههای نصر 3 و نصر 1 در سمت چپ نصر 2 هنوز به اهداف اولیه تعیین شده دسترسی پیدا نکرده بودند و در نتیجه قرارگاه نصر 2 از سمت چپ مورد تهدید بود. و در سمت راست نیز در صورتی که دشمن قادر بود نیروهای احتیاط خود را وارد عمل کند، تحت فشار قرار گرفتن نیروهای نصر 2 که در عمق دشمن با نیروهای باقیمانده درگیر بودند قطعی به نظر می‌رسید.



نقشه شمار 13 - موقعیت نص 2 پس از انجام مرحله اول عملیات





193 / اجرای عملیات فتح المبین

حضور من در منطقه درگیری، و مشاهده اوضاع، پس از روشنایی در تصمیم گیری‌های عاجل و به موقع بسیار مؤثر بود. ابتدا اقداماتی برای تخلیه اسر صورت گرفت سپس به نیروهای درگیر در جنوب منطقه و در عمق نیروهای دشمن ابلغ گردید برای خط پدافندی موقعیت مناسبی را در شمال رودخانه رفته در نزدیکی و به محض ابلغ دستور بعدی آن را اشغال نموده و نیروها را سازماندهی نمایند پس از تشکیل خط پدافندی نیروهایی که در جنوب رودخانه هستند و دشمن را آغوش می‌کنند قطع درگیری نموده و در خط مورد نظر استقرار یابند.

پس از ابلغ دستور در روی یک ارتفاع نسبتاً بلند از ارتفاعات علی‌الوجه زد فتم و با دوربین صحنه نبرد را از طرفین تحت نظر گرفته. نیروهای نصر 2 حدود 4 الی 5 کیلومتر از نیروهای نصر 3 جلوتر و در عمق دشمن بود. در صورتی که نصرهای عنوان شده به اهداف اولیه دسترسی پیدا نمی‌کردند ماندن نصر 2 در خط تعیین شده خالی از خطر و ریسک پذیری نبود.

معمولاً در عملیات‌های مشترک ارتش و سپاه مسئولیت سازماندهی خط پدافندی و دفاع از منطقه متصرفی به عهده نیروهای ارتش بود زیرا دارای نیروهای پشتیبانی آتش هستند و برای پدافند از منطقه نیروهای پدافند را پشتیبانی می‌کنند. آتش‌های پشتیبانی سازمانی، در سطح گروهان، خمپاره‌اندازهای 60 مم، 81 مم و تفنگ‌های 106 مم، در سطح گردان، خمپاره‌اندازهای 120 مم، موشک‌اندازهای 107 مم و موشک‌های تاو، در سطح تیپ گردان توپخان کمک مستقیم



است و آتشیهای اجرایی این گردان، توسط گردانهای توپخانه که به صورت ا ویت عمل کلی تقویت می باشند و از برد بالایی برخوردار هستند به چند برابر می رسد.

پس از بررسی منطقه و مشاهده وضعیت نیروهای خودی و دشمن، یک دستگاه کامیون آیفای عراقی که هنوز آرم سیاه نخورده بود نظرم را جلب کرد و تصمیم بر این واقع شد که از همان خودرو برای پاسگاه فرماندهی جهت صدور دستورات استفاده نمایم.

ستوان یکم مخابرات حسین خنجری جمعی قرارگاه تیپ، بلافاصله ارتباط ازم را برقرار نمود. فرماندهان گردان جهت دریافت دستور جدید فراخوانده شدند. حدود ساعت 8 فرماندهان گردانهای تیپ 2 در محل تعیین شده حضور یافته بودند. با بررسی آخرین وضعیت نیروها و اطلاعات دریافتی از قرارگاه نصر به این نتیجه رسیدیم. گرچه پیشروی نیروهای نصر 2 به عمق بیشتر دشمن امکان پذیر است. لیکن به علت قطع ارتباط از طرفین با نیروهای خودی تعقیب دشمن به ما ملحق نمی باشد. تیپ 2 لشکر 21 روی ارتفاعات غربی منطقه علی گره زد و علی گردید و ساحل شمالی رودخانه رفائییه، به ترتیب گردان 144، 169، 141 و گردان 2 تیپ 58 ذوالفقار از راست به چپ خط پدافندی را اشغال نمایند.»

مراتب بررسی به صورت پیشنهاد به قرارگاه نصر گزارش گردید. قرارگاه نصر اعلام نمود نصر 3 و نصر 1 به اهداف تعیین شده رسیدند ضمن تشکیل خط پدافندی تلاش نمایم از سمت چپ با نصر 1 تماس حاصل شود و نیروهای باقیمانده دشمن را در منطقه منهدم نمایم.



اجرای عملیات فتح المبین / 195

دستور نصر برای تشکیل خط پدافندی در ساعت 9، 4 دقیقه روز 2/1/61 ابلاغ شد.؛ مشخص بودن حدود و مسئولیت برای گردانهای تیپ 2، تمام تلاشها برای سازماندهی خط پدافندی متمرکز گردید.

سازمان پیر تلاش و عظیم مهندسی جهاد، گروهان مهندسی مأمور به تیپ 2 برای زدن خاکریز بسیج شدند. روحیه فوق العاده نیروهای مهندسی وصف ناپذیر بود. تا ساعت 16 همان روز خاکریزهایی به طول 10 کیلومتر در محلهای تعیین شده احداث گردید. نیروها قبل از شروع تاریکی در پشت خاکریز قرار گرفتند. در ساعت 11 با سازمان دادن نیروهای شکست خورده و با استفاده از نیروهای احتیاط، سه بار اقدام به یاتک نمود. دو عامل مهم سبب گردید که هر بار با دادن تلفات و ضایعات عقب نشینی نماید. در یاتک اول، روحیه سرشار از ایمان و پیروزی نیروهای رزمنده باعث شد که تانکهای دشمن به وسیله سلاحهای آر پی جی هفت به شش کشیده شود و مقاومت نیروهای پدافند کننده سینه به سینه تانکهای دشمن ادامه یابد.

در یاتکهای دوم و سوم از قدرت زرهی تیپ 4 لشکر 21 که در منطقه نصر 2 حضور داشت استفاده گردید. و نیروهای یاتک کننده مجبور با عقب نشینی شدند.

یک واقعیت تلخ نیز اتفاق افتاد، آن این بود که دو دستگاه تانک چینی با خدمه مربوطه در تعقیب دشمن با مسافت زیادی جلو رفت و هر دو گرفتار دشمن شدند.



و مورد جالب دیگری نیز در آن روز توسط برادران مهندس بسیج حادث شد که در نوع خود کم نظیر است. حدود ساعت 14 من در منطقه گردان 144 بودم و اولین یاتک دشمن سرکوب گردیده بود. از مسافت دور لودری را دیدم در حالی که مل خود را نهایت بالا برده است و با سمت عقب می آمد. من در این فکر افتادم اما آن دارد موردی برای خدمه و یا خود را پیش آمده است که قادر به ادامه کار نبوده، و به عقب خط می آید پس از چند دقیقه که جلوتر آمد. در داخل بیل لودر، اجسامی همانند انسان با چشم می خورد که در اثر بالا و پایین رفتن خودرو دست از اهالی مسیر تکان می خوردند و بالا و پایین می رفتند. به موضوع حساس شده. دلم می خواست سریع جلو بیاید تا از موضوع آگاه شوم چون احتمال دادم از خدمه های وسایل مهندسی مجروح شده اند، برای رساندن سریع به آمبولانس. آن را داخل بیل لودر گذاشته اند. چون نیروهای بسیجی دست به هر ابتکاری برای اجرای کارها می زدند.

طولی نکشید لودر با همان حالت جلوی من توقف کرد. بغل دست راننده یک نفر بسیجی نشسته بود به سرعت پیاده شد و پیش من آمد بیل لودر در حالت بالا قرار گرفته بود و من قادر به دیدن نفرات داخل آن نبودم اما قبل از رسیدن، متوجه موضوع وجود نفر در داخل آن بوده بسیجی که اسم آن را به خاطر دارم محمد رضا بود، اظهار داشت، جناب سرهنگ، اسیر گرفتیم، اسیر عراقی. سه نفر هستند. اینها در سنگر قایم شده بودند. قبل از اینکه لودر به آن سنگر برسد اینها بیرون آمدند و به زبان عربی چیزهایی می گفتند و التماس می کردند و دستهای



اجرای عملیات فتح المبین | 197

خود را بالا گرفته بودند. من فقط کلمه الامان آنها را می‌دانستم که آخر هر دو کلمه یکبار می‌گفتند الامان، الامان ما برای اینکه اینها از جنگ ما فرار نکنند بیل لودر روی زمین گذاشتیم و اشاره کردیم بروید داخل آن، اول از رفتن به داخل بیل امتناع می‌کردند! احتمالاً می‌ترسیدند آنها را زنده به گور کنیم اما بعد خود، ان با اصرار ما به این کار راضی شدند و داخل بیل لودر رفتند. م هم برای اینکه فرار نکنند بیل لودر را بالا زدیم و آوردیم به شما تحویل دهیم. بقیه کار را شما انجام دهید. به راننده اشاره کردم بیل را پایین بیاورید. راننده لودر بیل را روی زمین گذاشت سه سرباز عراقی در حالی که از ترس، تشنگی و گرسنگی، پژمرده بودند و حالت گریانی داشتند در گودی سه کنج بیل چمباتمه زده بودند من در نزدیکی خمپاره‌اندا 120 م گردان بوده. استوار یونس احمدی - روانش شاد - که در عملیات بیت المقدس شهید شد پیش من بود، به سربازان عراقی اشاره کرد پایین بیایند. سربازان اسیر در حالی که نشان می‌دادند رمقی ندارند از تیغه لودر پیاده شدند.

از محمدرضا بسیجی شجاع سؤال شد آیا سربازان عراقی اسلحه نداشتند؟ اظهار داشتند ما ندیدیم اما احتمال دارد در داخل سنگر گذاشته باشند با تشکر از رزمندگان دلاور و قدردانی از شجاعت، شهامت و ابتکار آنان، برای ادامه کار احداث خاکریز آنها روانه شدند.

اسرا تخلیه شدند. در بازجویی از آنان، مطلع شدیم که آنها در خواب بودند. زدی بیدار شدند که نیروهای ایرانی در منطق حضور داشتند سه نفری تصمیم



می‌گیرند که شب مخفی شوند، شب با استفاده از تاریکی، به عقب برند. سنگر مخفی‌گاه سربازان عراقی بازدید شد سه قبضه سلاح و مقداری مهمات و تجهیزات و تعدادی پتو و غذای آماده موجود بود.

در مرحله اول عملیات بزرگ فتح‌المبین تعداد اسراء که توسط تیپ 2 تخلیه شد به 1250 نفر رسید. اما اسیر گرفتن این دو نفر بسیجی راننده، کمک راننده لودر برای من بسیار جالب بود. من همواره قیافه مردانه برادر بسیجی محمدرضا را که ت‌أم با صداقت و سادگی بود به خاطر دارم و هرگز فراموش نخواهم کرد.

سقوط توپخانه سیاه چهارم عراق، در عمق نقطه نبرد سبب گردید، نیروهای د خط جلو که با قرارگاه‌های نصر 1 و 3 درگیر بودند آتش پشتیبانی توپخانه نداشته باشند. پشتیبانی هوایی دشمن نیز آن چنان فعال نبود زیرا عقبه دشمن سقوط کرده بود و از طرفی عمده عملیات و پیشروی نیروها در شب انجام گردید. می‌توان گفت خط و حد مشخص بین نیروهای طرفین وجود نداشت. موارد مذکور کمک شایانی در پیشروی نصر 3 برای تأمین اهداف تعیین شده داشت.

حدود ساعت 9 کوت کاپن و منطقه اطراف آن، رودخانه رفائیه در غرب رودخانه کرخه توسط نصر 3 سقوط کرد و نصر 1 در سمت چپ ارتباط خود را با نصر 3 برقرار نمود. بدین ترتیب اهداف تعیین شده برای قرارگاه نصر در مرحله اول عملیات فتح‌المبین تأمین گردید.



اجرای عملیات فتح المبین / 199

نص 2 که جلوتر از نص 1 ، 3 به هدف رسیده بود در عمق منطقه جلوتر از سایر نیروها بود. سمت راست، نیروهای ادغامی تپ 58 ذوالفقار و تعدادی از گردانهای تپ 27 محمد رسول (ص) پس از تصرف ارتفاعات شاوریه در دشت عباس با دشمن درگیر بودند و ارتباطی با نص 2 برقرار نشده بود. نص 1 نیز به علت بعد مسافت و منطقه وسیع که واگذار شده بود تا شروع مرحله دوم عملیات قادر به برقراری ارتباط نشد.

نص 2 موقعیت بسیار حساسی داشت برای حفظ و نگهداری آن لازم بود که با مام توان از نیروها و امکانات موجود، در جهت استحکام وضعیت پدافندی اقدام نماید. سازماندهی خط پدافندی که در اولین فرصت صورت گرفت بسیار به جا و مؤثر بود همین امر سبب گردید که نیروها توانستند پاسخ شدیدی به تحرکات دشمن بدهند.

دشمن غافلگیر شده بود. و از تجهیزات و سلاحهای موجود کمتر استفاده کرده بود. طبق آماري که رکز 4 تپ ارائه نمود حدود 80 قبضه از انواع توپ در منطقه، نص 2 جمع آوری شده بوده در ابتدای امر از تویهای 122 م م ، 130 م م دشمن با مهمات فراوانی که بر جای مانده بود بر علیه نیروهای خودش استفاده گردید یکن برای احضار خدمه از گردان توپخانه کمک مستقیم و تغییر سمت آنها مدتی طولی کشید و این اقدام برای مقابله با پاتک دوم دشمن بسیار کار ساز بود.



مطمئن هستیم که نیروهای سپاه نیز تعداد بیشتری از توپهای به غنیمت گرفته از دشمن را مورد استفاده قرار دادند و یا از منطقه خارج نمودند.

داشتن اطلاعات در تصمیم گیری های فرمانده اهمیت اساسی دارد. آخرین اطلاعات برای هر فرمانده از نیروهای مستقر در خط جلو ارسال می گردد. داشتن ارتباط دائم و کامل سبب می گردد که در حوزه مسئولیت یک فرماندهی هر مورد اطلاعاتی که به نظر کوچک و جزئی برسد در اسرع وقت گزارش شود. اما این اقدام کافی نیست.

در جهت حفظ و نگهداری منطقه تصرف شده، نصر 2 اطلاعات اولیه را از نیروهای در خط دریافت می کرد اما در طرفین راست چپ که نیرو استقرار نداشت وضعیت مشخص نبود. از طریق قرارگاه نصر وضعیت خواسته شده اعلام می گردید اما ن اطلاعات برای نصر 2 دقیق نبود چون قرارگاه نصر نیز در جاهایی که نیرو استقرار داشت اطلاع دریافت می کرد. برای مشخص شدن وضعیت نیروها، در راست چپ منطقه استقرار از نصر 2 با روان شاد محسن وزوایی هماهنگی شد برای اطلاع از وضعیت سمت راست جبهه یعنی دشت عباس، برادر محسن وزوایی رفتند و در جهز سمن چپ حرکت کردم. در حین عبور از وسط منطقه به محلی رسیدیم که باور آن برای امکان نداشت.

دو دستگاه خودرو کامیون سنگین دشمن که معمولاً توپهای کششی 1 را با خود حمل می کنند با یک دستگاه یدک که اطاق آن هم به بزرگی کامیونها بود

- توپهای کششی: توپهای کششی با جنگ افزارهایی از توپخانه اطلاق می گردد، که برای جا به جایی یا خودرو کشیده حمل می گردند.



201 اجرای عملیات فتح المبین

شدید متلاشی شده و سوخته بودند به طوری که فقط قسمتهای آهنی به جا مانده بود. خودرو یدک پشت یکی از کامیونها قرار داشت که هنوز میله اتصال آن به کامیون در داخل حلقه آهنی بود. اطراف کامیونها تا مسافت زیادی گلوله‌های پرتاب شده و منفجر شده بود تعدادی نیز منفجر نشده بودند. در طرفین خودروهای سوخته جسد سوخته که تبدیل به ذغال شده بودند وجود داشت.

پس از نگاه کوتاه از موقعیت عبور کرده 30 20 متر بیشتر حرکت نکرده بودم به تجمعی از اجساد نیروهای عراقی که شمارش آنها مشکل بود برخورد کرده. زمینی به وسعت 5 20 متر مملو از اجساد بود که چون برگ خزان روی هم ریخته بودند. اجساد اکثراً تکه تکه شده بودند و شناسایی آنها بسی مشکل بود خون جری شده خاک منطقه را خیس کرده بود و در جاهایی که زمین کمی گود بود خون لختا شده بود چون هوا رو به گرمی می‌رفت بوی تعفن در حال شدت گرفتن بود موهای در و صورت قربانیان صدام متجاوز ت جای که دیده می‌شد نشان از جوان بودن آنها داشت و فقط معدودی از فرماندهان با موهای جوگندمی داخل آنان به چشم می‌خورد. خدواندا به عدلت و بزرگیت سیاسی می‌گویه. هم اکنون 19 ماه است که قسمتی از خاک مقدس جمهوری اسلامی ایران زیر پاهای نیروهای بعثی قرار گرفته است و این است پاداش هر متجاوز.

در سرتاسر منطقه استقرار توپخانه سپاه چهارم عراق، در سنگرها، در مسیر جاده، روی ارتفاعات اجساد عراقی مشاهده می‌شد. لیکن وضعیت مورد نظر نشان



میداد که نیروهای عراقی برای دریافت دستورات در جهت اجرای مأموریت در آن محل تجمع کردند. کامیونهای مهمات که در نزدیکی آن محل قرار داشتند به وسیله گلوله پرتاب شده از سوی نیروهای ایرانی منفجر میشوند. این انفجار سبب می‌گردد که تا آخرین گلوله مهمات موجود در داخل کامیونها منفجر گردند. نیروهای عراقی که در نزدیکی محل انفجار قرار داشتند مورد اصابت گلوله قرار گیرند. از طرفی چون خود نیروها به همراه خود مهمات داشتند مهمات همراهی آنان نیز منفجر می‌گردد. در واقع یک گلوله توپ پرتابی از سوی نیروهای ایرانی سبب وارد شدن این همه ضایعات و تلفات گردیده بود.

در ادامه مسیر از منطقه عبور کرده. فاصله سمت چپ نص 2؛ سمت راست نص 1 خیلی زیاد بود و با گسترش و استقرار نیرو قابل پوشش نبود پس از پشت از شناسایی، به فرمانده گردان 169 جناب سرهنگ فتح‌پور مظفری مأموریت داده شده دسته شناسایی گردان، با انجا گشت محل خالی پوشش دهد.

برادر محسن وزوایی نیز نیمه ساعت بعد از من رسید طبق اظهار وی، نص 2 سمت راست تهدید نداشت فقط بایستی ارتفاعات غربی علی گره‌زد و علی گردیز را برای تأمین جاده دهلران - اندیمشک سمت راست نص 2 با استقرار نیروها در دست داشته باشی.



اجرای عملیات فتح المبین / 203

خاتمه مرحله یکم عملیات فتح المبین و اتخاذ وضعیت پدافندی

طبق دستور العمل صادره از قرارگاه نصر از ساعت 9 رو 2/1/61 اقدامات پدافندی صورت گرفته بود. در مرحله اول نیروهای عمل کننده گردانهای 44، 69، 141 و گردان دوم تیپ 58 (ذوالفقار) مناطق حساس ارتفاعات علی گره زد و علی گریدز را اشغال نموده بودند. اولین پاتک دشمن سرکوب گردیده بود. اما هوز شناسایی کامل برای اطمینان از استقرار صحیح نیروه صورت نگرفته بود.

اطلاعات واصله از قرارگاه نصر در مورد وضعیت نیروهای نص 1، 3 د سمت چپ و نیروهای ادغامی تیپ 58 و باقیمانده از تیپ 27 محمد رسول الله (ص) در سمت راست، و شناسایی های انجام شده از طرفین، نشان می داد که به علت عده حضر نیرو و نداشتن ارتباط جانبی لازه است وضعیت پدافندی بهتر و سازماندهی جدیدی در قرارگاه نص 2 صورت گیرد.

ب کسب اجازه از نصر، تیپ 4 زرهی لشکر 21 مأموریت مقابله با پاتکهای دشمن گردید. گردانهای ادغامی تیپ 58 سیاه تحت کنترل عملیاتی نص 2 در احتیاط نص 2 قرار گرفت. گردانهای 144، 69، 141 تیپ 2 در خط یکم پدافندی گسترش یافتند و گردانهای سیاه، در عمق منطقه در خط دوم پدافندی مستر گردیدند. در سازماندهی جدید با استفاده از تویپهای به غنیمت گرفته شده از دشمن یک گردان توپخانه نیز به نیروها اضافه گردید. و از لحاظ پشتیبانی آتش توپخانه استعداد ب 2 برابر رسید.



تلاش برای ایجاد وضعیت پدافندی از ساعت 5، 30 دقیقه شروع شد و تا ساعت 13 ادامه داشت اولین حرکت دشمن جهت اجرای یاتک در ساعت 10، 25 دقیقه انجام شد نیروهای در خط با ایثار و مقاومت زیاد با یاتک دشمن مقابله کردند و نیروهای تک و را عقب زدند. یاتک دشمن از سمت راست نه 2 اجرا شد چون نیروهای ادغامی تیپ 58 ذوالفقار و با باقیمانده نیروهای تیپ محمد رسول الله (ص) هنوز در دامنه ارتفاعات شاوریه و شمال دشت عباس به دشمن درگیر بودند.

دومین یاتک دشمن، در ساعت 13 و 50 دقیقه با پشتیبانی هوایی چندین هواییمای سوخو انجام شد که در لحظات اول شروع تک هوایی یک فروند هوایی ای دشمن مورد اصابت موشک قرار گرفت و سقوط کرد. در دفع این یاتک تیپ 4 زرهی لشکر 21 با تانکهای چیفتن در مقابل نیروی زرهی دشمن قرار گرفت و ضربات شدیدی به دشمن وارد کرد. طولی نکشید دشمن عقب‌نشینی نمود. در نتیجه نیروهای دشمن 2 دستگاه تانک به خدمه مربوطه که از نیروهای جد شده بودند علت پیشروی زیاد در جنگ دشمن اسیر شدند.

سومین حرکت دشمن در ساعت 16 انجام شد. تعداد 100 الی 150 دستگاه تانک در اثر فشار وارده از سوی نیروهای ایرانی در منطق دشت عباس تیپ 37 زرهی - تیپ 58 ذوالفقار - نیروهای سیا) به طرف منطقه گسترش نصر 2 سرازیر شدند. اجرای آتشهای سنگین توپخانه موجود، و مورد هدف واقع شدن به وسیله تانکهای چیفتن تیپ 4 سبب گردید از مسافت 400 300 متری خط



اجرای عملیات فتح المبین / 205

پدافندی با عقب برگردند. البته تحلیل موضوع این بود که نیروهای عراقی نیت یاتک نداشتند بلکه در اثر ضربات وارده مقاومت آنها شکسته شده بود و می‌خواستند عقب‌نشینی کنند، به دنبال راه فرار بودند.

نیروهایی از دشمن که در حال عقب‌نشینی بودند، زیر آتش انبوهی از آتشیهای توپخانه و تانک قرار گرفتند. نیم ساعت بعد از مسیر جاده ابوغریب که تنها مسیر پوشیده و قابل دسترسی بود به سمت دشت فکه فرار کردند و دیگر اثری از آنها نبود.

پس از خروج نیروهای زرهی دشمن از منطقه نبرد، برای مدت سکوت در جبهه صر 2 حاکم شد و این زمانی بود که تلاشهای ستادی و عملیاتی برای سازماندهی پدافندی مناسب به نتیجه رسیده بود و مطمئن شدیم که با شرایط مورد هدف تصرفی را حفظ خواهیم کرد.

از ستاد تیپ آمار مجروحین و شهدا خواسته شد. رکن 1 گزارش داد فقط 5 نفر مجروح داشتیم که مجروحیت آنها نیز سطحی بود تاکنون در آمارهای ارسالی از گردانها، لیست و آمار شهدا نداشتیم. رکن دوم تیپ آمار اسرا را که تا آن موقع جمع‌آوری و به عقب برده شده بود تعداد 1245 نفر اعلام نمود رکن 4 در گزارش جمع‌آوری ارقام غنیمتی تأخیر داشت و تا آن موقع آمار صحیحی را ارائه نداد. زیرا به جز تعدادی از قبضه‌های توپ‌های غنیمتی که در منطقه علیه دشمن به کار گرفته شد مابقی ارقام به جا مانده از دشمن شامل: سلاحهای کالیبر کوچک، وسائل مخابرات، وسائل مهندسی خودروهای سبک و سنگین، تجهیزات پوشاک،



خواروبار توسط نیروهای سپاه و گردانهای عمل کننده تیپ 2 جمع‌آوری شده بود. آماری ارائه داده نشده بود.

در سایر جبهه‌های قرارگاه نصر هنوز درگیری‌های پراکنده وجود داشت. در منطقه نص 2 نوعی آرامش برقرار بود به طوری که نوعی توهم ایجاد می‌شد مباد آرامش بل از طوفان باشد. آفتاب در حال غروب کردن بود و حدود 24 ساعت از حرکت اولین یگان برای انجام عملیات از موضع تک می‌گذشت. در این مدت قرارگاه نصر ب یژد نصر 2 موفقیت‌های خوبی بدست آورده بود. واقع جای شکر داشت و موقعیت نیز از نظر مساعد بود. گرچه برای اقامه نماز جماعت پیش‌نماز روحانی نداشتیم اما برای اقامه نماز مغرب و عشاء به صورت دسته جمعی اقدام کردیم. از آب قمقمه‌ها برای گرفتن وضو استفاده شد و با یک صدق و صفا روی خاک مقدس جزئی از یهن دشت خوزستان که مدت 18 ماه در زیر چکمه‌های متجاوزین صدام بود و آن روز به همت رادمردان رزمنده آزاد شده بود رو به قبله ایستادم و از صمیم قلب از خداوند و زد مناز سیاسیگری کردیم و از ته دل برای شهدا و مجروحین دعا کردیم. از درگاه ادر توانا التماس و استدعا کردیم که ما را در رسیدن به اهداف و بیرون راندن متجوز از خاک مقدس جمهوری اسلامی ایران یاری نماید.

رکن چهاره تیپ برای تخلیه تویهای سنگین عراقی که مورد استفاده در منطقه نبود تقاضای اعزاه خودرو از طریق لشکر نموده بود که این خودروها به



اجرای عملیات قتح المبین / 207

تعداد 7 دستگاه در شروع تاریکی به منطقه رسید. و شبانه توپهای مورد نظر به لشکر تخلی شد.

وضعیت قرارگاه نصر در خاتمه روز اول نبرد

1. نصر 3 منطقه کوت کاپن ر تصرف نموده است اما به علت مقاومت زیاد دشمن، در شمال رودخانه رفائیه، هنوز این منطقه پاکسازی نشد، است درگیری ادامه دارد.

2. نصر 1 ارتفاعات تپه چشمه، سه راهی قهوه‌خانه و جاده اندیمشک و دهلران را تأمین نموده است لیکن به علت اینکه نصر 3 هنوز در شمال رودخانه رفائیه در حال نبرد است دسترسی نصر 1 به شمال رودخانه رفائیه تاکنون میسر نگردید، است.

3. نصر 5 تپه 58 ذوالفقار - نیمه از تپه محمد رسول (ص) ارتفاعات 350 و شاوریه و بلتا را 11 چنگ دشمن خارج نموده‌اند و در شمال دشت عباس در حال نبرد دشمن هستند.

در بررسی وضع کلی منطقه، به توجه به آخرین اطلاعات مشخص گردید که نصر 2 در عمق منطقه دشمن است و تهدید دشمن از طرفین متصور است.

با تحلیلی از وضع کلی منطقه نبرد به نگرش به حساسیت بعضی جاها، مانند سایت‌های 4، 5 که صدام غیر قابل تصرف می‌دانست. نشان میداد اگر دشمن در شمال ه طقه بالای رودخانه رفائیه مقاومت سرسختانه دارد برای این است که



دسترسی به رودخانه، سایت‌های 4 و 5 را تهدید می‌کند. و به طوری که در روز اول نبرد، لشکر 77 خراسان همراه با نیروهای ادغامی سیاه، در پیشروی به سمت اهداف تعیین شده، با مقاومت سرسختانه دشمن مواجه شدند و همین امر سبب گردید که قادر به تأمین اهداف مورد نظر نگردند. یعنی بعد دیگر قضیه این بود که دشمن در جبهه نص 2 اقدام به پاتک ننماید و تمام تلاش خود را صرف نگهداری سایت‌های 4 و 5 که موقعیت حساسی در منطقه دارند بنماید.

مع الوصف حفظ و نگهداری هدف برای نص 2، بسیار با اهمیت بود پس از صرف شام که کنسرو لوبیا بود فرماندهان گردان را جمع کردم گرچه آنها به اهمیت مسئله بیش از من واقف بودند اما برای تأکید، سفارشات لازم برای آمادگی نیروها داد شد. با خصوص که نیروها در شب قبل نیز استراحت نکرده بودند و در طول روز با استحکام مواضع و پاسخ به تحرکات دشمن تلاش فوق العاده داشتند. به فرآیندهای ابلاغ گردید نمی از نیروها در سنگرهای رزم روی خاکریز بیدار باشند و دیده بان‌ها کنند و نمی دیگر استراحت نمایند بعد از دو ساعت یکدیگر را تعویض کنند، به گردانهای توپخانه نیز به همین ترتیب توصیه شد و مداومت تیراندازی مت شده در طول شب تأکید گردید.

فرماندهی تیپ محمد رسول الله (ص) سردار حاج احمد متوسلیان یادش گرامی (ار) حدود ساعت 21 تماسی به من داشت و اظهار نمود تعدادی از گردانهای آن تیپ که در خط پدافندی دوم بودند برای روز 3/1/61 به مأموریت دیگری اعزام می‌شوند. سؤال شد چه مأموریتی؟ اظهار داشتند نیروهایی که در شمال دشت



209 | اجرای عملیات فتح المبین

عباس درگیر نبرد هستند نیاز به کمک دارند برای پاکسازی آنج لازم است به کمک آنها برویم. منظور حاج احمد نیروهای ادغامی سپاه و با گردان 2 تیپ 58 ذوالفقار بود من برای ایشان و نیروهای اعزامی آرزوی موفقیت نمودم البته از شروع اقدامات برای تشکیل خط پدافندی، به کارگیری نیروهای سپاه، در خط اول منظور شده بود. در اجرای مأموریت مشکلی نداشت.

روز دوم نبرد 3 گردان را، 4 گردان ادغامی تیپ 27 محمد رسول (ص) از منطقه عملیات نصر 2 خارج شدند و به منطقه نیروهای ادغامی تیپ 58 ذوالفقار و تیپ 27 محمد رسول (ص) اعزام گردید.

اجرای آتشهای ثبت شده توسط توپخانه کمک‌های مستقیم تیپ 2 در طول شب ادامه داشت و عناصر ستادی که نیمی از آنها در طول شب بیدار بودند بطور مداوم از وضعیت نیروهای در خط و تحرکات احتمالی دشمن، سؤال می‌نمودند. اخبار وادعه عادی بودن وضعیت را نشان می‌داد اما غافل بودن از موضوع، قابل جبران نبود رای همین امر تا صبح به ازاء هر نیم ساعت یکبار از وضعیت گردانهای در خط سؤال و ثبت شد و به اطلاع من رسید.

پس از روشن شدن هوا پیامی از لشکر رسید و متن آن حاکی از اعزام تیپ 4 به منطقه نصر 1 بود با این اقدام قرارگاه نصر تصمیم داشت با تقویت نصر 1، 3 در روز دوم نبرد نیروهای نصر تا رودخانه رفائیه را از وجود دشمن پاکسازی نمایند در خط پدافندی در امتداد رودخانه رفائیه برای آن قرارگاه سازماندهی شود.



210 / شجاعان نبرد

در این صورت برای اجرای یدافند نیروهای کمتری مورد نیاز بود. و برای عمده ت
آفندی نیز مبد خوب و هماهنگی بود و نیروهای د خط تماس حضوری با یکدیگر
داشتند





اجرای عملیات فتح المبین / 211

جدول پیام‌های ارسالی از تیر 2 لشک 21 حمزه به قرارگاه نصر تاریخ
2/1/1361

ساعت	شرح پیام
0001	دفتر روزنامه افتتاح گردید
0030	ب اعلام رمز یا زه سر (عملیات شروع شد
0045	از قرارگاه نصر وضعیت نه 2 خواسته شد. پاسخ داده شد وضعیت خوب است.
0140	نصر اعلام نمود نصر 1 و 3 درگیر هستند وضعیت اعلام شود. پاسخ داد، شد وضع م خوب است هنوز نیروه درگیر نشده‌اند.
0150	به قرارگاه نصر اعلام گردید. نیروها به جاده آسفالت اندیمشک و دهلران رسیدند پیشروی ادامه دارد تلاش نیروها بر این است که با دشمن درگیر نشوند.
0156	قرارگاه نصر اعلام نمود نیروهای نصر 2 سرعت پیشروی را زیاد کنند پاسخ داد، شد موضوع ابلاغ می شود.
0225	سقوط بلتا بالا توسط قرارگاه نصر به نصر 2 ابلاغ شد و وضعیت نصر 2 خواسته شد. پاسخ داد، شد نیروها پای هدف واسطه هستند هوز درگیر نشده‌اند.
0247	نصر 2 به نصر تپه پیاده و تپه تانک که دشمن استقرار داشت، سقوط کرد و شمال جاده پاکسازی شد.



0347	نص 2 به نصر نیروهای دست راست در تپه جوفینه درگیر شدند.
0405	نص 2 به نصر، م روی هدف اصلی درگیر شدیه.
0415	قرارگاه نصر اعلام نمود گردان 242 تانک را با سمت راست به ارتفاعات جوفینه اعزام نمایید.
0451	قرارگاه نصر اعلام نمود تیپ 4 زرهی ب سمت شما می‌آید راهنما گذاشته شود تا با موضع مربوطه هدایت گردد.
0514	نص 2 به قرارگاه نصر اعلام نمود کارهدف اصلی تمام است 0 / اهداف
0531	از فرماندهی نص 2 به نص 1 من به طرف مواضع توپخانه دشمن، روی هدف می‌رود.
0536	قرارگاه نصر وضعیت جوفینه را خواستار شد پاسخ داده شد شدیداً درگیرند. کار در حال اتمام است. قرارگاه نصر اعلام نمود تماس خود را با تیپ 58 قطع نکنید و سریع خود را به جلو بکشید. پاسخ داده شد نیروهای ما چندین کیلومتر از نیروهای تیپ 58 جلوتر هستند تلاش می‌کنیم تماس حاصل شود.
0637	از نص 2 به نصر، ما حدود یکهزار نفر اسیر گرفته‌ایم چطور آنها را خلیه کنیم؟
0638	از فرماندهی نصر به رکز 1 برای تخلیه اسراء به نص 2 وسیله بفرستید. با رکز 4 هماهنگی نمایید.



اجرای عملیات فتح المبین / 213

0645	از نص 2 به نصر ارتفاعات نمکی گره زد تصرف گردید. نیروها به طرف ارتفاعات علی گره دز سرازیر شدند.
0810	از نص 2 به نص 2 فروند هلیکوپت جهت مجروحین به پایین ارتفاعات جوفینا روی جاده اندیمشک دهلران اعزاء گردد.
0821	از قرارگاه نصر به نص 2، تعدادی تانک از جلو نص 3 فرار کرده‌اند و به سمت شما می‌آیند نگذارید فرار کنند. جلو آنها را بگیرید و من دم کنید. پاسخ داد. شد اقدام می‌گردد.
0847	از نصر به نص 2، وضعیت تپه جوفینا را کامل گزارش کنید. اگر هدف گرفته شد به تپه 58 بگوئید که مواضع به یکدیگر وصل شود. در ضمن دشمن می‌خواهد موقعیت خود را با پرچم سفید مشخص کند مواظب باشید. گردار 2 تپه 58 ذوالفقار در اختیار بگیرند. پاسخ داده شد. هنوز درگیری پراکنده وجود دارد اما هدف تصرف گردیده است. بقیه موارد اقدام می‌گردد.
0904	برای تأمین و نگهداری هدف موضع خود ر تحکیم کنید پیام از رارگاه نصر واصل شد.
0905	نص 2 به نصر، هلیکوپترها نرسیدند. آمبولانس مورد نیاز است. نصر پاسخ داد. دستور داد. شد سریع اقدام گردد.



0913	از نصر به نصر 2، 3، تانکهای دشمن را نگذارید فرار کنند سلاحهای ضد تانک را در مسیر آنها قرار دهید پاسخ داد. شد اقدام می‌شود.
1011	از نصر به نصر 2، آیا به رودخانه رفته‌اید؟ یا نه دستور ده د نیروها زیاد جلو نروند، و موقعیت دقیق خود را گزارش نمایید. پاسخ داد. شد نیروهای تک و در سمت جنوب به رودخانه رفته رسیدند. دستور داده می‌شود جلوتر از آن نروند
1025	نصر 2 به نصر، از سمت غرب تپه‌های علی گره زد دشمن با نیروهای زرهی مبادرت به پیشروی می‌کند. مراقب اوضاع هستی. نصر در پاسخ اعلام نمود مواضع خود را محکم کنید.
1131	معاون نصر به نصر 2، دیده‌بانان خود را به جلو اعزام کنید تا مراقب اوضاع باشند. پاسخ داد. شد اقدام می‌گردد.
1150	از قرارگاه نصر به نصر 2. وضعیت خود را گزارش نمایید. پاسخ داد. شد مراقب اوضاع هستی.
1225	از نصر به نصر 2، تیمهای شکار تانک را به جلو اعزام کنید و از نیروهای زرهی تیم 4 استفاده کنید.
1350	نصر 2 به نصر یک فروند هواپیمای دشمن در اثر اصابت موشک در منطقه سقوط کرد.



اجرای عملیات فتح المبین / 215

از نصر به نه 2 , 3 1. آخرین آمار تلفات و ضایعات خودی، تعداد اسرا، آمار غنایه بدست آمده را اطلاع دهید. مواضع را تحکیم کرده و ارتباط فی مابین را برقرار نمایید.	1430
نصر 2 به نصر. جهت تخلیه تعدادی از توپهای دشمن احتیاج به 7 دستگاہ خودر 10 تن داریم.	1720
نصر 2 به نصر پست شنود تیپ 2 اعلام نمود، 2 تیپ از لشک 14 عراق امشب وارد سایتهای 4 5 می شوند.	1742



نتایج کلی اولین روز نبرد عملیات فتح‌المبین :

1. تمام ارتفاعات شمال محور پل نادری - عین خوش - دهلران از اشغال نیروهای دشمن آزاد گردید و ضربات بسیار سنگین بر نیروهای دشمن در این قسمت از منطقه نبرد وارد شد به نحوی که حدود 3000 نفر اسیر از افراد دشمن در منطقه قرارگاه نصر تخلیه شدند که سهم نص 2 از تعداد اسرای دشمن 1245 نفر بود.

2. در سمت شرق و جنوب منطقه تغییرات محسوسی ایجاد نشد و نیروهای دشمن سرسختانه مقاومت نمودند و همین امر سبب شد مشکلاتی برای نصر 3 ایجاد گردد گرچه موفقیت بدست آمده در قرارگاه نصر خیلی بیشتر از سایر قرارگاههای عملیاتی بود.

3 خط پدافندی که بطور موقت در خاتمه روز اول نبرد توسط قرارگاههای نصر تشکیل شد مناسب نبود و نیروها با یکدیگر تماس فیزیکی نداشتند سط آنها خالی از نیرو بود.

ادامه نبرد در روز دوه عملیات

در روز دوم نبرد تلاش قرارگاه نصر بر این بود که قرارگاههای نصر 3 1 ، شمال رودخانه رفائیه را از وجود دشمن پاک نمایند و در امتداد رودخانه رفائیه استقرار یابند .



اجرای عملیات فتح المبین / 217

و قرارگاه نصر 5 نیز تیپ 58 ذوالفقار نیروهای سپاه از تیپ 27 محمد رسول الله ص « در شرق دشت عباس با انجام عملیات خود را به ارتفاعات ابوغریب رساند.

از نصر 2 نیروهای سپاه و گردان 2 تیپ 58 ذوالفقار برای تقویت نصر 5 اعزام گردید تیپ 2 لشکر 21 به سه گردان در خط از مواضع متصرفی نگهداری نمود. در طول این مدت ضمن تعقیب تحرکات و فعالیتهای دشمن منطقه را شناسایی نمود. تا برای ادامه عملیات با اطلاعات بهتری اقدام نماید در این روز در منطقه نصر 2 اتفاق مهمی روی نداد. اکثر پشتیبانیهای آتش برای تقویت نیروهای نصر 1، 5 در سمت راست چپ انجام شد.

روز دوم نبرد فتح المبین دشمن از تمام نیروهای موجود خود در منطقه، برای انجام پاتک استفاده نمود. علاوه بر نیروهای احتیاط سپاه چهارم عراق، تعدادی از پهبانهای مستقل ارتش عراق نیز وارد کارزار شد.

در سطح 4 قرارگاه بزرگ عملیاتی نیروهای زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران 2 قرارگاه بنامهای نصر، قدس از شمال و قسمتی از شرق به دشمن تک کرده بودند. 2 قرارگاه فجر و فتح 1 سمت جنوب به سمت شمال تک نمودند. در روز اول نبرد قرارگاههای تک کننده از شمال به جنوب موفقیت خوبی داشتند و توانستند قسمت عمده جاده اندیمشک - دهلران را از تصرف دشمن درآورند و قرارگاه نصر توسط نصر 2 در عمق 20 کیلومتری دشمن نفوذ کرد و توپخانه سپاه چهارم عراق را به کلی متلاشی نمود. علاوه بر آن توسط



قرارگاه نصر و قدس 4 تیپ از نیروهای دشمن که از جنوب غربی پل نادری تا نزدیک غیر خوش د خط پدافندی دشمن استقرار داشتند منهدم گردیدند.

قرارگاههای فجر و فتح در روز اول نبرد به علت شرایط حساس منطقه و مقاومت شدید دشمن پیشروی چندانی در منطقه اشغال دشمن نداشتند و همین مودع سبب گردید که دشمن با جمع‌آوری نیروهای احتیاط و وارد نمودن نیروهای جدید در فکر جبران شکست خود باشد و یا حداقل در محل استقرار خود مواضع پدافندی مستحکم و غیر قابل نفوذ نماید.

بر اساس تدابیر متخذه در قرارگاه کربلا 2 قرارگاه مشترک ارتش و سپاه در منطقه خوزستان (روز دوم عملیات، نیروها مأموریت داشتند یاتکهای دشمن را یاسخ دهند و با انجام شناسایی، نقاط ضعف دشمن را در خط جلو ارزیابی کنند تا به موقع مرحله دوه عملیات را شروع کنند.

در روز دوم نبرد یاتکهای دشمن در منطقه دشت عباس شدت بیشتری داشت. قسمتی از نیروهای عمل کننده حتی مجبور به عقب نشینی از جنوب جاده اندیمشک دهلران به شمال جاده گردیدند. با وارد عمل شدن تیپ 37 زرهی و تقویت نیروهای تیپ 27 محمد رسول (ص) موضوه عقب نشینی جبران گردید. قرارگاه قدس که نیروها به عمق منطقه نبرد نفوذ کرده بودند تهدید دشمن مدت گرفت و در مدت 24 ساعت چندین بار نیروها با هجوم و فشار شدید آتش دشمن مواضعی را از دست دادند و به تلاش زیاد مجدداً توانستند مواضع از دست داده را از دشمن بازپس گیرند.



اجرای عملیات فتح المبین / 219

دشمن که به طول 40 کیلومتر (0 40) توسط 4 قرارگاه، نصر، فتح، فجر، قدس محاصر شده بود در ارزیابی وضعیت 2 حالت داشت:

1. ایجاد وضعیت بهتر و تصرف مناطق از دست داده و یا لاقط مناطق سرکوب و حساس، برای ادامه حضور در منطقه، در این حالت نیروهای موجود توان انجام آن را نداشتند لازم بود از سایر مناطق نیرو بیاورد.

2. در دست داشتن کنترل جاده اندیمشک - دهلران برای عقب‌نشینی قسمتی از نیروها که مورد تهدید قرار گرفته بودند و مقاومت در ارتفاعات ابوصلیب، خات یا سایت‌های 4، 5 نیروی هوایی که در شروع جنگ اشغال کرده و از مناطق حساس به حساب می‌آمد.

در روز دوم نبرد دشمن به علت نرسیدن نیروهای تقویتی از سایر مناطق، با استفاده از نیروهای احتیاط لشکرهای 10 زرهی، 1 پیاده، مکانیزه و احتیاط سیاه چهاره که در اطراف رودخانه دویرج استقرار داشتند برای اجرای حالت دوم اقدام نمود. در این روز دشمن مقاومت شدیدی در مقابل قرارگاههای فتح و فجر داشت و اجازه پیشروی نداد. و با استفاده از نیروهای احتیاط در منطقه دشت عباس، غیرخوشر تک نمود.

فشار فزاینده‌ای که دشمن، در منطقه قرارگاه قدس وارد می‌آورد به نحوی بود که هر آن احتمال سقوط عین‌خوش افزایش می‌یافت و چنانچه دشمن می‌توانست عین‌خوش را مجدد تصرف نماید، موفقیت کل عملیات در منطقه قرارگاه قدس وارد تهدید جدی قرار می‌گرفت.



قرارگاه کرب 2 با توجه به وضعیت پیش آمده مجبور گردید تپ 37 زرهی که در احتیاط آن قرارگاه بود و در منطقه شوش استقرار داشت به شمال منطقه اعزام نماید.

نتیجه نبرد در روز دوم

1. در منطقه شمالی قرارگاه نصر قدس (از ساعت 9 یاتکهای شدید دشمن شروع شد در منطقه قرارگاه قدس و نصر 3 شدت بیشتری داشت و تا عصر همان روز چندین بار مواضع بین نیروهای ایرانی و عراقی دست ب دست گردید نیروهای ایرانی به جنگ تن به تن و سینه به سینه به دشمن اجازه پیشروی ندادند و در خمه روز دشمن نتوانست به اهداف خود برسد و به مواضع اولیا خود برگشت.

2. در منطقه جنوبی قرارگاه فتح و فجر دشمن سرسختانه مقاومت نمود و این دو قرارگاه از مواضع اولیا خود به سمت جلو پیشروی نکردند.

3. نص 2 با گردانهای 144 169 141 پیاده 242 تانک از اهداف تصرف شده نگهداری و شناسایی های لازم را برای انجام مرحله بعدی عملیات انجام داد.

جریان نبرد در روز سوه عملیات 4/1/1361

با توجه به وضعیت موجود، قرارگاه کرب 2 طرح جدیدی را ابلاغ نمود که بایستی از ساعت یک بامداد روز چهارم فروردین، اجر گردد در این طرح قرارگاه فتح لشکر



اجرای عملیات فتح المبین / 221

زرهم، با نیروهای ترکیبی، از سیا) که در جنوب غربی، منطقه نبرد استقرار داشت تلاش اصلی را عهده‌دار بود. تصمیم بر آن بود که نیروهای تحت امر این قرارگاه، مواضع دشمن را در تنگ رقابیه و دوسلک مورد تهدید قرار دهد تا بدین وسیله منطقه عقب عناصر دشمن را، در تپه‌های ابوصلیب خات و رادار به محاصره در آرد. در نتیجه دشمن مجبور به ترک مقاومت، در شرق و شمال تپه‌های ابوصلیب بات گردد.

در این صورت نیروهای قرارگاههای فجر و نصر بتوانند به سمت غرب پیشروی نمایند و با نیروهای قرارگاه که در عمق منطقه اشغالی دشمن، در حوالی عین خوش در دشت عباس درگیر بودند عمل الحاق انجام دهند.

قرارگاه نصر مأموریت داشت در شرق قرارگاه قدس دشت عباس را پاکسازی نماید و با قرارگاه مذکور عمل الحاق را انجام دهد. قرارگاه قدس در منطقه پدافند و از اهداف بدست آمد، حراست کند.

قرارگاه نصر به نصر 2 مأموریت داد که در سمت چپ عملیات الحاق را با نصر 1 انجام دهد و در سمت راست تلاش نماید به نصر 5 ارتباط برقرار کند.

در ساعت یک بامداد روز چهارم فروردین ماه نصر 2 برای انجام عمل الحاق با نصر 1 بوسیله گردان 169 تک ر شروع کرد. در منطقه عمل گردان دشمن خط پدافندی نداشت و عناصر تأمینیه دشمن حضور داشتند که مقاومت چندانی در مقابل نیروهای تکور ننمودند زیرا در همان ساعت هر چهار قرارگاه از محل



استقرار نیروها به دشمن یورش بردند و همه نیروهای دشمن درگیر شدند و جا به جایی نیرو برای دشمن امکان پذیر نشد.

در ساعت 3 35 دقیقه گردار 169 به فرماندهی جناب سرهنگ فتح پور مظفری، با نمره 1 عمل الحاق حاصل نمود.

برای برقراری ارتباط حضوری با نصر 5 تیپ 58 ذوالفقار و نیروی ادغامی سیا (گردان 144 مأموریت داشت. این گردان نیز در رأس ساعت یک بامداد حرکت و پیشروی خود را به سمت جلو آغاز نمود.

به منظور تقویت نمره 2 فرماندهی نصر دستور اعزام یک گردان نیرو از نصر 1 به منطقه نصر 2 را صادر کردند. لیکن این گردان تا خاتمه روز چهارم وارد منطقه نمره 2 نشد.

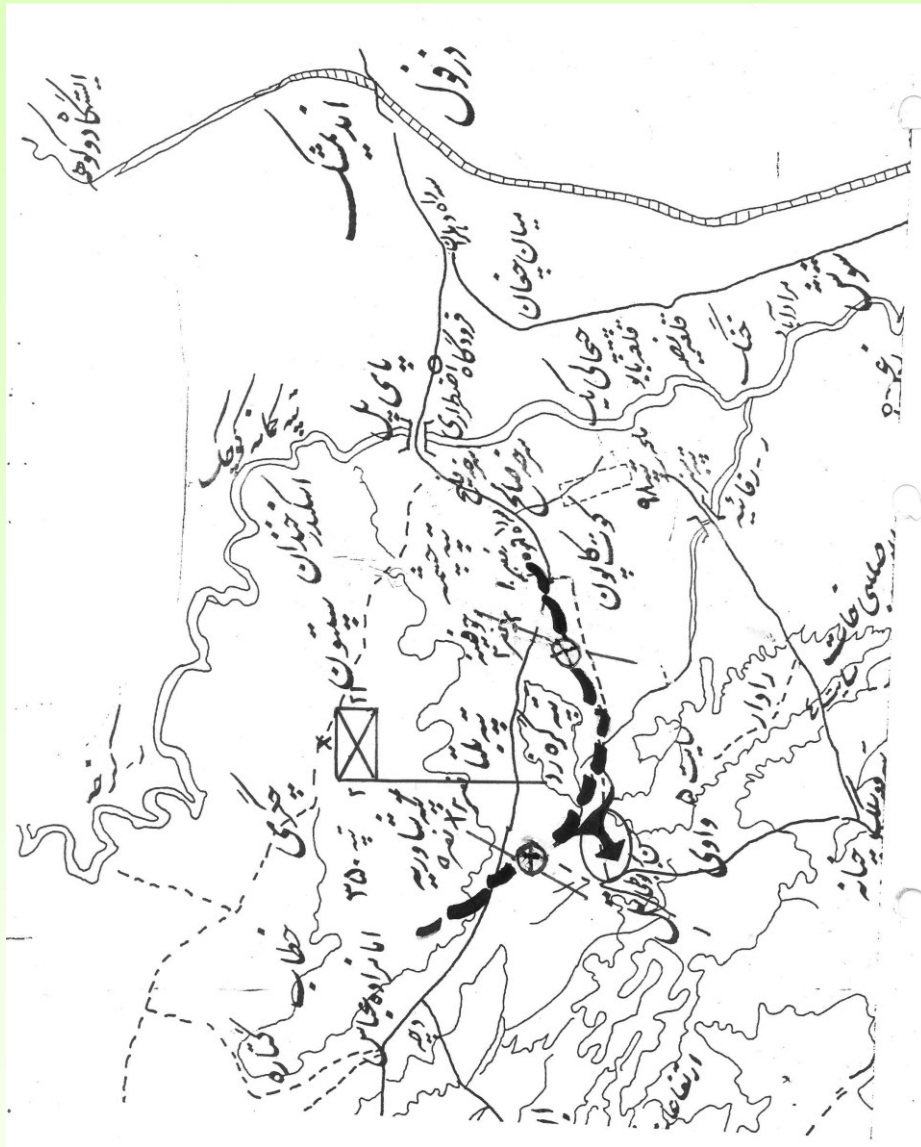
گردان 144 برای انجام عمل الحاق با نمره 5 بایستی ارتفاعات تل واوی را تصرف نماید. در روی این ارتفاعات یگانهایی از نیروهای یشتیبانی دشمن استقرار داشتند، البته پس از تصرف هدف این موضوع مشخص گردید. این گردان نیز همانند گردان 169 و سایر نیروهای شرکت کننده در عملیات در ساعت 100. روز چهارم فروردین ماه تک خود را آغاز کرد در ابتدا پیشروی نیروهای گردان خوب بود. اما پس از 2 ساعت با نیروهای دشمن برخورد کرد و زمین گیر شد. منطقه عملیات وسیع بود و نیروهای تک و دو نفری از طرفین تأمین مناسب نداشتند لازم بود به گذاشتن نیروهای تأمین پیشروی نمایند.



اجرای عملیات فتح المبین / 223

تا روشنایی صبح بیش از 3 کیلومتر پیشروی صورت گرفته بود و شمال ارتفاعات واوی در تصرف نیروهای خودی بود. گزارشات واصله حاکی از وضع بی ثبات در من بود. نیروهایی که در جلو گردان 144 مقاومت می کردند اندک بودند و همین نیروها نیز یشتیبانی آتش نداشتند. به روشن شدن هوا گسترش نیرو و وضعیت بهتری پیدا کرد و تأمین پهلوها برقرار گردید دیده بانان اعزامی توپخانه ها و خمپاره اندازهای 120 م. به علت سرکوب بودن محل استقرار، و مشاهده بهتر نیروهای عراقی آتشهای مؤثر درخواست نمودند و در گردان توپخانه موجود در کمک مستقیم تیپ گردان 313 - گردان اغتنامی (انبوهی) از آتش را اجرا نمودند بتدریج مقاومت دشمن در - ملو کمتر شد و عقبه دشمن نیز که نشان می داد در حال عقب نشینی هستند مورد اصابت گلوله های توپخانه قرار گرفت.

در ساعت 10 ، 30 دقیقه گردان هدفهای تعیین شده را تصرف نمودند و مراتب به قرارگاه نصر اطلاع داد. شد. نقشه شمار 14)



نقشه شمار 14 - تک تیم 2 لشک 21 و تصرف حسن بربوطی





225 اجرای عملیات فتح المبین

جدول پیامهای مبادله شده تیپ 2 در مرحله دوم عملیات فتح المبین

تاریخ 4/1/61

ساعت	شرح پیام
0100	عملیات با رمز یا زهر (سر) شروع شد .
0130	وضعیت خواست شد . پاسخ اعلاہ گردید نیروها ب سمت اهداف تعیین شده پیشروی می کنند .
0200	از نص 2 به نصر . نیروها نزدیک اهداف تعیین شده هستند و تا نون ؛ دشمن برخورد ننموده اند .
0300	از نص 2 به نصر . نیروها نزدیک اهداف تعیین شده هستند هنو ک کشف نشده است .
0335	از نص 2 به نصر . با هدف مورد نظر در سمت چپ رسید و نیروهای عمل کننده در حال استحکام مواضع هستند .
0300	از نص 2 به نصر . نیروی عمل کننده در سمت راست بادشمن درگیر شد .
0305	از نص به نص 2 : در پیشروی عجله نکنید پس از تأمین جناحین نیروی عمل کننده پیشروی نماید .
0425	از نص 2 به نصر : تأمین جناحین صورت گرفت نیروی عمل کننده با دشمن درگیر است
0500	از نص 2 به نصر : نیروی عمل کننده در سمت راست ارتفاعات شده لی واوی را اشغال نمود .



0550	از نه 2 به نصر: مقاومت دشمن زیاد نیست طولی نخواهد کشید ه تمام هدف تصرف گردد.
0904	نصر به نه 1: نص 2 در حال پیشروی است یک نیروی احتیاط در نه ر بگیریید و در امتداد رودخانه آنقدر برود تا به نص 2 ملحق شود.
0932	ف نصر به نه 2 جلودشمن را ببندید که نتواند نزدیک تیپ 37 شود. پاسخ داد: شد ب آتش توپخانه مأموریت اجر گردد.
1005	معاونت نصر به نه 1: گردانی که قرار بود به نص 2 ملحق شود چا شد پاسخ داد: شد از طریق نه 1 که گردان اعزاء شده است.
1023	نه 2 به نصر: ه هدف تعیین شده ر اشغال کردیم.
1024	ف نصر به نه 2 دشمن در منطقه گردار 133 تیپ 1) در حال فرار است. پاسخ داد: شد با سلاحهای موجود مأموریت انجام می گردد. فرمانده نصر به تیپ 37، 58 نص 2 هدف را گرفته: تنگ رقابیه و پل رفائی سقوط کرده است به نیروهایتان اطلاع دهید.
1222	نه 2 به نصر: طبق اطلاع واصله از گردان 169 دشمن در حال فرار است تصمیم اتخاذ کنید و به ما ابلاغ نمایید دستو چیست؟
1225	فرمانده نصر به نه 2: گردار 133 ر تقویت کنید، ب نص 1 هماهنگ کنید ت سقوط دشمن در دشت عباس و تأمین اهداف تیپ 37 و تیپ 58 در منطقه پدافند کنید.



اجرای عملیات فتح المبین 227

وضعیت قرارگاه نصر در مرحله دوه عملیات

نص 5 و تیپ 37 زرهی مأموریت داشتند در ساعت یک بامداد روز چهارم فروردین ماه، همزمان با تک یگانهای فجر، ب سمت غرب دشت عباس تک کنند و منطقه بین تپه‌های علی گره‌زد در شرق، و ارتفاعات تینه در غرب را از وجود دشمن پاک، و با یگانهای قرارگاه قدس، در ارتفاعات تینه و عین خوش الحاق حاصل نمایند. در اجرای عملیاتی جدید، تیپ 37 زرهی مأموریت داشت، در شمال دشت عباس قسمتی از مأموریت نص 5 را در تپه‌های شاوریه به عهده بگیرد و ب سمت امامزاده عباس حمله نماید. این تیپ حدود ساعت 5 صبح روز چهارم فروردین ماه به منطقه رسید و بلافاصله تک نمود.

در ساعت 7، 7 دقیقه تیپ 37 گزارش داد که وارد امامزاده عباس شده است. چند دقیقه بعد تیپ 58 گزارش داد که دشمن، در حال عقب‌نشینی از منطقه است. به منظور ایجاد هماهنگی بین نیروهای قدس و نصر، فرماندهی نصر دستور توقف و اقدامات تعجیلی برای پدافند به تیپ 37 صادر نمود تا سایر یگانهای قرارگاه نیز پیشروی کنند و ب خط پیشروی امامزاده عباس برسند. در نتیجه تیپ 37 زرهی از ساعت 7، 34 دقیقه آرایش دفاعی تعجیلی گرفت و متوقف گردید.

قرارگاه کرب 2 به قرارگاه قدس دستور داد تیپ 2 زرهی لشکر 92 را سریعاً ب سمت جنوب اعزام کند تا د خط گسترش تیپ 37 زرهی قرار گیرد. و جناح غربی منطقه نبرد دشت عباس تأمین گردد.



تیپ 37 زرهی، ب محض توقف، زیر آتش شدید توپخانه دشمن قرار گرفت و از لحاظ یاتک احتمالی دشمن مورد تهدید واقع شد. درخواست یشتیبانی وسائل س گین مهندسی و آتش توپخانه نمود. با ایجاد این وضعیت تلاش اصلی پشتی ی قرارگاه نصر به تیپ 37 زرهی اختصاص داد شد.

تیپ 2 زرهی لشک 32. حدود ساعت 8، 30 دقیقه صبح 1 سمت غرب، به منطقه تیپ 37 زرهی در دشت عباس نزدیک شد. تیپ 58 ذوالفقار با نیروهای سیاه نیز وارد دشت عباس گردیدند. بدین ترتیب یک خط پدافندی پیوسته در دشت عباس برقرار گردید. اما این یگانها تحت فشار شدید دشمن قرار داشتند.

از ساعت 1 به بعد با اشغال هدف واگذاری به نصر 2 که فقط تیپ 2 لشک 21 وارد عمل شده بود در ارتفاعات تل واوی وضعیت کلی منطقه نبرد، به نفع یگا ای قرارگاه نصر تغییر کرد. تیپ 2 پیاده اعلام کرد که هدف اولیه خود را اشغال کرده و آثار عقب‌نشینی دشمن در منطقه این تیپ آشکار شده است. به قرارگاه نصر گزارش رسید که در حوالی روستای حسن بربوطی دشمن وسایل و تجهیزات خود را ه هدم می‌کند، تا ب دست نیروهای ایرانی نیفتد.

در منطقه قرارگاههای نصر 3 یل رودخانه رنائیه، در مسیر جاده رادار در کنترل نیروهای قرارگاه نصر قرار گرفت با موفقیت‌های بدست آمده روح تهاجمی در نروها تقویت شد. قرارگاه نصر به یگانهای تابعه دستور داد، در تمام عرض جبهه ه مواضع دشمن یورش ببرند، و مانع فرار سالد دشمن از مهلکه شوند.



اجرای عملیات فتح المبین / 229

در ساعت 11 قسمتی از قرارگاه نصر، به تاسیسات رادار در ارتفاعات ابوصلا ۳ خات نزدیک شدند و حدود ساعت 12 آثار شکست در واحدهای دشمن کاملاً مشهود گردید. با موفقیت‌های بزرگی که نیروهای تابعه قرارگاه نصر، در محورهای شرقی، شرقی غربی، از طرف تیه‌های علی، گره زد بطرف ارتفاعات ابوصلیبه خات، ست آوردند تلاش تهاجمی نیروهای دشمن در منطقه دشت‌عباس و در مقابل تیپ 37 زرهی 58 نیز متوقف گردید.

نبرد نیروهای قرارگاه نصر، تا ساعت 14 با شدت ادامه داشت و آن موقع این نیروها نص 1، نه 2 و نه 3 و نه 5 و تیپ 37) توانستند مناسبترین مناطق قابل داع را در منطقاً تصرف نمایند و با یکدیگر ارتباط جانبی، حضوری داشته باشند.

از ساعت 16 کلیه یگانهای قرارگاه نصر، در حالی که در عملیات آن روز توانسته بودند اولین خط مقاومت نیروهای دشمن را در شرق و شمال ارتفاعات ابوصلا ۳ خات بین نهر رفائیه در جنوب و جاده اصلی غیر خوش در شمال) در هم بشکند و نیروهای دشمن را وادار به عقب‌نشینی به مواضع بعدی خود نمایند. غنایمی نیز در آن روز بشرح زیر با عقب منطقه تخلیا شد.

30 قبضه موشک انداز 22م م کاتیوشا.

3 قبضه توپ 55م م

1 قبضه توپ 130 م م

30 قبضه توپ 57 م م پدافند هوایی



۱ قبضه توپ 23 مم پدافند هوایی

4 هزار گلوله انواع مختلف توپ

در عملیات آن روز قرارگاه نصر، گزارش‌ها حاکی از فرار دشمن و عدم مقاومت آن، به جز یک مورد دشت عباس بود زیرا تعداد اسیر در قرارگاه نصر فقط 30 نفر بود.

وضعیت قرارگاه فتح در مرحله دوه عملیات

براساس دستورالعمل صادره از سوی قرارگاه مرکزی کرب 2، قرارگاه فتح لشکر 92 زرهی تیپ 55 هوابرد با ترکیبی از نیروهای سیا (در جناح جنوب غربی منطقه عملیات فتح‌المبین تلاش اصلی را به عهده داشت تا از سمت جنوب غربی، واضع دشمن را در تنگ رفائیه و دوسلک مورد تهدید قرار دهد. و این عمل سبب می‌گردد منطقاً عقب عناصر دشمن در تپه‌های ابوصلیبی خات به محاصره در 1.

قرارگاه فتح در ساعت یک بامداد روز چهارم فروردین ماه با اعلام بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم یا زهر سر تک خود را آغاز نمود. پیشروی به سمت شمال غرب سمت تنگ رقابیه و دوسلک ادامه یافت. در اوایل مقاومت قابل ملاحظه‌ای از دشمن مشاهده نشد. در ساعت 2 10 دقیقه عناصر مقدم نیروهای تک‌ور در میدان مین دشمن برخورد کردند. یگان دیگری از نیروهای هجومی در ساعت 0225 به اولین خاکریز دشمن رسید که این خاکریز خالی از نیرو بود. از طریق پست زنده، اطلاعاتی از نیروهای دشمن دریافت شد که حاکی از آگاهی دشمن از پیشروی نیروهای ایرانی بود. عناصر قرارگاه فتح تا حدود ساعت 3 بدون برخورد با



اجرای عملیات فتح المبین / 231

نیروهای دشمن به پیشروی ادامه دادند. و در ساعت 3، 30 دقیقه نیروهای تکوین در سمت چپ منطقه عملیات، ارتفاعات میش‌داغ و رقابیه را بدون برخورد با نیروهای دشمن اشغال کردند. در ساعت 4 دو ستون تک در قرارگاه فتح که در دو محور جداگانه به طرف تنگ رقابیه پیشروی می‌کردند در این تنگ الحاق حاصل کردند و در نتیجه تنگ رقابیه تحت کنترل نیروهای ایرانی قرار گرفت و عناصر دشمن که در حوالی این تنگ پدافند می‌کردند تسلیم نیروهای خودی شدند.

بعد از بدست آوردن این موفقیت نیروهای قرارگاه موصوف پیشروی خود را به سمت شمال غرب و به طرف تپه برغازه و دوسلک ادامه دادند. اما با روشن شدن هوا به مقاومت نیروهای دشمن شدید شد و تپه 1 زرهی لشکر 92 که از سمت جنوب پیشروی می‌کرد به حرکت نیروهای پیاده هماهنگ نگردید. و فاصله‌ای بین نیروهای پیاده و زرهی ایجاد شد و این امر سبب گردید سرعت پیشروی نیروها تقلیل یابد.

در ساعت 9 تپه 1 زرهی لشکر 92 از منطقه تنگ رقابیه عبور کرد و در روی ارتفاعات حالت پدافندی اتخاذ نمود. از ساعت 1 نیروهای تکوین در قرارگاه فتح موفق شدند تا موضع توپخانه دشمن در منطقه رقابیه پیشروی کنند و 20 قبضه توپ نیروهای دشمن را سالم به غنیمت بگیرند و در ساعت 1، 30 دقیقه تپه 96 عراق به کلی متلاشی گردید و فرمانده آن تپه به اسارت نیروهای ایرانی درآمد.



در ساعت 16 روز سوم نبرد فتح‌المبین مرحله دوم عملیات (ارتفاعات رقابیه و تنگ برغازه به کنترل کامل نیروهای خودی در آمد. خط عقب نیروهای دشمن که در تپه‌های ابوصلیبی خات پدافند می‌کردند، مورد تهدید جدی قرار گرفت و اعصر قرارگاه فتح در این مرحله از عملیات توانستند قسمت اول مأموریت خود را در نطقه مسئولیت خود ب موفقیت انجام دهند.

وضعیت قرارگاه فجر در مرحله دوه عملیات

منظور اصلی عملیات قرارگاه فتح، در مرحله دوم عملیات، تسهیل عملیات قرارگاه فجر در انهدام ب عقب راندن نیروهای دشمن در تپه‌های ابوصلیبی خات بود. بر این اساس قرارگاه فجر نیز لشکر 77 و ترکیبی از نیروهای سپا (همزمان با آغاز حمله قرارگاه فتح، در غرب شهرستان شوش و شرق تپه‌های ابوصلیبی خات تک‌خدا را شروع کرد.

در ساعت اولیه حمله، پیشروی نیروهای تک‌خور سرعت چندانی نداشت به نحوی که حدود ساعت 4 مسافت زیادی به سمت دشمن پیشروی نشده بود زیرا یگانهای دشمن د خط تقدم پدافندی خود سرسختانه مقاومت می‌کردند. آتشیهای ین تپه‌های دشمن نیروهای قرارگاه فجر را در حوالی آبادی زعن و سایر مناطق مقدم زمین‌گیر نموده بود.

این مقاومت تا ساعت 6 ادامه داشت در نتیجه در محور شرقی و غربی به سمت تپه‌های ابوصلیبی خات نیروها قادر به پیشروی قابل ملاحظه‌ای نشدند. اما



اجرای عملیات فتح المبین / 233

در جنوب این ارتفاعات، نیروهای قرارگاه فتح موفق شدند نیروهای دشمن را از جنوب مسیل ماله به سمت شمال عقب برانند و مواضع دشمن را از سمت جنوب مورد تهدید قرار دهند.

از ساعت 6 به بعد مقاومت نیروهای دشمن در خط مقدم پدافندی جنوب ابوصلیبی خات رو به ضعف نهاد به نحوی که از ساعت 7 عقب‌نشینی دشمن در تپه‌های جنوبی 104 [107 به سمت شمال مشاهده شد. و تعداد قابل ملاحظه‌ای از افراد دشمن به اسارت یگانهای قرارگاه فجر در آمدند. اسرای تخلیه شده تپه 3 لشکر 77 در ساعت 6 30 دقیقه ب 382 نفر رسید.

در ساعت 7 ، 45 دقیقه فرماندهی قرارگاه فجر، به کلیه نیروهای تک‌کننده ستور داد نیروهای دشمن را که در حال فرار و عقب‌نشینی هستند تعقیب کنند و از فرار آنان جلوگیری نمایند. آمار اسرای عراقی در منطقه قرارگاه فجر در ساعت 8 ، 55 دقیقه با 500 نفر رسید و این تعداد اسیر نمایانگر در هم شکسته شدن مقامت دشمن در مواضع پدافندی خط مقدم بود. از ساعت 1 نیروهای دشمن در شرق و جنوب تپه‌های ابوصلیبی خات مقاومت چندانی نداشتند و چنین به نظر می‌رسید در سازمان پدافندی دشمن اختلال ایجاد گردیده است. حدود ساعت 11 عقب‌نشینی واحدهای تانک دشمن در حوالی تپه 120 در شمال عمارنه مشهود گردید. یگانهای تپه 1 لشکر 77 به سمت تپه 120 پیشروی نمودند اما در جنوب آن با میدان وسیع میز دشمن برخورد کردند.



تیبی 3 لشک 77 ادغامی، با نیروهای سیاه، د سمت شمال و از حاشیه جنوبی، رفیبه به سمت غرب پیشروی می‌کرد. نیروهای این محور موفق شدند مواضع مقدم نیروهای دشمن را در هم بشکنند و به داخل منطقه پدافندی دشمن رخنه نمایند. تیبی 1 لشکر و ترکیبی از نیروهای سیاه در قسمت جنوب منطقه وارد عمل شدند این نیروها نیز؛ تلاش زیاد موفق به دره شکستن منطقه پدافندی دشمن گردیدند و نیروهای دشمن را تا موقعیت پیشروی منهدم نمودند تیبی 2 لشک 77 و نیروهای ادغامی از سیاه که در مرکز منطقه نبرد سازماندهی شده بودند با مقاومت سردختانه دشمن روبرو شدند و تا ساعت 15 قادر به پیشروی نگردیدند. در ساعت 16، 10 دقیقه عناصر جنگنده این محور در منطقه انگوش موفق شدند نیروهای دشمن را در هم شکنند و آنها را مجبور به ترک مواضع نمایند. پیشروی این محور، تصرف اهداف تعیین شده تا غروب ادامه داشت. تا آن موقع تیبی 120 که از موقعیت پدافندی مناسبی برای نیروهای ادغامی سیاه و تیبی 1 لشکر بود تصرف گردید و از طریق قرارگاه فجر به نیروهای عمل کننده دستور داده شد که در محلهای مربوطه حالت پدافندی اتخاذ نمایند.

وضعیت قرارگاه قدس در مرحله دوه عملیات

در اثر حمله متقابل دشمن در منطقه شمال غربی قرارگاه قدس، که روز سوم فروردین انجام شد دشمن موفق شد نیروهایی از آن قرارگاه را، در مناطقی که وز اول نبرد تصرف کرده بودند مورد تهاجم قرار دهد و نیروها را مجبور با عقب



اجرای عملیات فتح المبین / 235

نشینی نمایند. در ساعت یک بامداد روز چهارم فروردین ماه این قرارگاه نیز برای تصرف مناطق پس گرفته شده توسط دشمن اقدام با تک نمود. در ساعت اول موفق شدند نیروهای دشمن را عقب برانند و تا 202 را مجدداً از دشمن بازپس بگیرند و نیروهای دشمن را تا جنوب جاده اصلی غیر خوش تعقیب نمایند.

تیپ 2 لشکر 92 زرهی دسمت چپ برای الحاق با نصر 5 وارد عمل شد و به علت مقاومت شدید دشمن نتوانست خط پدافندی دشمن را در هم شکند. سایر یگانهای قرارگاه قدس شامل تیپ 84 و تیپ 14 امام حسین (ع) از سپاه پاسداران با وجود اینکه تا ساعت 1 پیشروی نسبتاً خوبی داشتند و نیروهای دشمن را به جنوب - اده اصلی غیر خوش به عقب راندند. بعد از چند ساعت وضعیت تغییر کرد به جوی که از ساعت 12 نیروهای دشمن اقدام با تک نمودند و عناصر قرارگاه قدس را از موضع متصرفی با عقب راندند.

در تحلیل موضوع این نتیجه حاصل شد که فرماندهی نیروهای دشمن تصمیم گرفته بود خط پدافندی ارتفاعات تینه و دوسلک را به هر قیمت باشد نگهدارد و به همین جهت در عین خوش و دوسلک مقاومت بسیار سختی در مقابل حمله نیروهای جمهوری اسلامی ایران از خود نشان می داد. در روز چهارم فروردین دشمن نتوانست مانع سقوط این دو منطقه حساس شود. زیرا اگر این دو منطقه سقوط می کرد مواصلاتی نیروهای دشمن که در شرق این خط بودند قطع می گردید و یگانهای دشمن منهدم و یا مجبور به تسلیم می شدند.



به هر حال در ساعت یازده، روز چهارم فروردین ماه دشمن در منطقه قرارگا قدس سرسختانه مقاومت نمود و موفق شد مواضع خود را در دشت عباس و عین خوش حفظ کند و مانع از ادامه پیشروی نیروهای ایرانی ب طرف تینه گردد.

با توجه به موفقیت های نسبی که نیروهای عمل کننده در منطقه عملیات فتح المبین در روز چهارم فروردین ماه سال شصت و یک داشتند، لیکن دسترسی به هدف نهایی که تأمین ارتفاعات تینه و کنترل معابر عین خوش و ابوغریب، رقاژه و رقابیه بود راه درازی در پیش رو بود. نتیجه نبردهای روز چهارم فروردین ماه در منطقه عملیات فتح المبین با شرح زیر بود:

در شمال غربی جبهه در منطقه عین خوش دشت عباس تغییرات زیاد نبود.

در مرکز جبهه نبرد، عناصر قرارگاههای فجر و نصر از شرق به غرب پیشرفتهای نسبتاً خوبی داشتند و توانستند خط مقدم مواضع پدافندی دشمن را، در شرق و شمال تپه ابوصلیبی خات و شرق تپه علی گره زد در هم بشکنند و حدود 3 الی 10 کیلومتر در نقاط مختلف جبهه نبرد پیشروی نمایند.

در قسمت جنوب غربی صحنه عملیات، پیشروی یگانهای قرارگاه فتح، به ر از سایر مناطق بود و عناصر این قرارگاه موفق شدند، تنگ رقابیه و تپه های جنوبی مسیل ماله را، از وجود دشمن پاکسازی نمایند و صدها نفر از افراد دشمن را به اسارت درآورند. چندین یگان زرهی و مکانیزه دشمن را در عمق منطقه پدافندی منهدم نمایند.



اجرای عملیات فتح المبین / 237

نتیجه کلی، آنک خط تماس نیروهای ایرانی، با نیروهای دشمن، در خط عمومی، شمال جاده عیر خوش ت شرق امامزاده، دامنه شرقی تپه های علی گره زد، دامنه شرقی تپه های ابوصلیبی خات و تأسیسات رادار سایت ۱ (۵) شرق آبادی عباس سلطان و امتداد شمال غربی جنوب شرق مسیل ماله قرار گرفت.

جریان نبرد 5/1/61

در پنجم فروردین ماه هوا بارانی بود و مشکلاتی در وضعیت ما ایجاد شد. زمین منطقه نبرد در بعضی نقاط غیر قابل قبول گردید. در نتیجه نیروهای طرف عمدتاً در حال پدافندی قرار داشتند، تلاش آفندی قابل ملاحظه ای از هیچ یک از طرفین درگیر انجام نگرفت. نیروها به تحکیم مواضع پدافندی، و تجدید نظر در سازمان و گسترش یگانهای خود پرداختند. از جمله تغییراتی که در سازمان قرارگاه صر به وجود آمد، تیپ های 37 زرهی، 58 ذوالفقار و نیروهای ادغامی تیپ 27 محمد رسول الله (ص) به تیپ 58 ذوالفقار، از زیر امر قرارگاه نصر خارج و در تحت کنترل عملیاتی قرارگاه قدس قرار گرفتند. تیپ 3 لشکر 92 زرهی قرارگاه فتح از غرب شوش به منطقه شمالی جبهه نبرد تغییر مکان و زیر امر قرارگاه نصر قرار رفت.

طبق اطلاع واصله، در روز پنجم فروردین ماه عناصر قرارگاه قدس تلاش کرد در نیروهای دشمن را از منطقه اطراف عیر خوش عقب برانند و ارتفاعات تینه



را ب دست بگیرند. در اثر این تلاش، نیروهای قدس عیز خوش ر تصرف ک دند اما در پیشروی ب سمت ارتفاعات تینه موفقیت زیادی حاصل نگردید.

وضعیتی که در میدان نبرد پیش آمد است نمی توانست کاملاً رضایت بخش باشد زیرا تا آن موقع نیروها به اهداف نهایی تعیین شده نرسیده بودند و نیروهای شمن سرسختانه در مقابل نیروهای ایرانی مقاومت می کردند. بنابراین، فرماندهی کلی عملیات لازم بود تدبیر دیگری اتخاذ نماید.

برای این منظور قرارگاه کربلای 2 بر اساس اطلاعات بدست آمده از دشمن، و موقعیت تاکتیکی زمین اجرای یک مانور احاطه ای توسط قرارگاههای نصر و جر را ضروری دانست. زیرا برابر شناسایی که توسط نص 2 به عمل آمده بود، جنا- چپ لشکر 1 مکانیزه عراق کاملاً باز بود و این محل بهترین موقعیت برای اجرای ا بل تمرکز، در این قسمت ضعیف از جبهه لشک 1 عراق بود. روز یستم فروردین دستور جزء به جزء شماره 2 که شامل انجام تک د سطح قرارگاه نصر به منظور اجرای م ور احاطه ای یک طرفه بود صادر گردید.

قرارگاه نصر تک می کند و هدفهای پیرو، 1 سایت (3) و فتح تیه برقاز) را تصرف می نماید و بمنظور جلوگیری از دخالت نیروهای باقیمانده دشمن در ارتفاعات تینه در عملیات آفندی، جنا- راست و عقبه خود ر حفظ می کند «

در این مأموریت تصرف ارتفاعات برقازه به نص 2 محول گردید، حفظ جنا- راست و عقبه به تیپ 4 واگذار شد. تصرف سایت پنج به نص 3 مأموریت داد. شد.



239 | اجرای عملیات فتح المبین

در قسمت دوم این مأموریت، قرارگاه فجر وارد عمل می‌شد و سایت 4 را به تصرف خود در می‌آورد. با انجام مأموریت اشاره شده قرارگاه‌های نصر و فجر به اهداف تعیین شده دسترسی می‌یافتند.

ام چند ساعت قبل از شروع عملیات، با سبب رخدادهای جدید، فرماندهی قرارگاه کربلا 2 دستور عدم اجرای آن را صادر کرد. ستاد طرح ریزی عملیات، در طرح تجدید نظر نمود و دستور جزء به جزء جدیدی صادر گردید. در دستور جدید، هدف پیرو 2 تپه رادار سای 4) نیز به قرارگاه نصر اختصاص یافت؛ مأموریت قرارگاه فجر، در این عملیات فشار روی دشمن و تثبیت وی در مواضع، و پیشروی ت عمق 3 تعیین گردید؛ همچنین تأمین هدف تپه برق‌زده از عملیات حذف گردید.

بدین ترتیب نه 2 و سایر نصرها در رو 5/1/61 از مواضع متصرفی پدافند نمودند و عملیات آفندی اجر نشد.

6/1/61 جریان نبرد در رو

در ساعت اولیه روز ششم طبق دستورات صادره از قرارگاه کربلا 2 قرارگاه فجر و نصر بایستی به سمت اهداف تعیین شده تک می‌کردند. ام 30 دقیقه صبح ششم فروردین ماه قرارگاه کربلا 2 دستور عدم اجرای تک را صادر کرد احتمالاً چنین برآورد شده بود بر اساس اطلاعات واصله از پست‌های شنود دیده بانان عکس‌های هوایی) که دشمن در حال آماده شدن، برای اجرای یک حمله سنگین، در



منطقه قرارگاه نصر است. اگر چنین می شد ممکن بود مأموریت های قرارگاه ابعه به خطر افتد. در هر حال تک بیش بینی نیروهای خودی، برای روز ششم فروردین ماه اجرا نشد و تجدید نظر در دستور جزء به جزء شماره 2 به مرحله اجرا در نیامد. نیروهای دشمن نیز، وضعیت موجود یدافندی خود را در تمام نقاط منطقه نبرد حفظ کردند. فقط یگانهای توپخانه طرفین در جبهه فعال بودند و تلفاتی به یکدیگر وارد ساختند.

در ساعت 21، 30 دقیقه رو 6/1/61 فرماندهی عملیات فتح المبین برای ادامه تک بر اساس دستور جزء به جزء تجدید نظر شده شماره 2، دستور جزء به جزء شماره 3 را صادر کرد. این دستور ابلاغ همان مأموریت انجام مانور احاطه یک طرفه بود که نصر و فجر اجر می کردند. و قرارگاه فتح، قدس در مناطق متصرفی دافند می کردند. قرارگاه نصر به منظور تصرف سایت 5 و تپه رادار تک می نمود. قرارگاه فجر از طریق تثبیت و فشار بر دشمن، در اجرای مأموریت قرارگاه نصر تسهیلاتی ایجاد می نمود. به طور کلی می توان گفت در اثر مقاومت سرسختانه دشمن پیشروی قرارگاه فجر بسیار دشوار بود، اما قرارگاه نصر با استفاده از دور زدن دشمن، منطقاً عقب دشمن را تهدید می کرد. واضح بود در صورت انهدام نیروهای دشمن در سایتهای 5 و تپه رادار مقاومت نیروهای دشمن خط تقلیل می یافت در آن هنگام پیشروی نیروهای قرارگاه فجر به راحتی امکان پذیر بود.



241 / اجرای عملیات فتح المبین

ارتش عراق تا رو شش علاوه بر لشک 1 مکانیزه ، 10 زرهی ، لشک 3 زرهی ، را نیز وارد عمل کرده بود و تپ 8 مکانیزه نیز از تپ 202 پدافند می کرد تلاش اصلی نیروهای عراق حفظ و نگهداری تپ های ابوصلیب خات سایتهای 5 و تپ رادار بود . از نظر راه مواصلاتی برای نیروهای خود غیر خوش ریش بین کرده بود زیرا با دست داشتن آن می توانست با دیگر نیروهای خود ارتباط داشته و جا ه جایی انجاه دهد .

در روز ششم نیروهای دشمن سعی کردند نیروهای ایرانی را ، از عین خوش عقب برانند ولی موفق نشدند و با دادر 420 نفر اسیر ، از تپ 60 عراق مجبور به عقب نشینی گردیدند .

از نیروهای نص 2 ، گردان های اعزامی به منطقه عملیات نه 5 تپ 58 ذوالفقار و گردانهای ادغامی سیا) به علت مقاومت دشمن در دشت عباس ، در آن منطقه درگیر بودند فقط گردانهای 144 ، 69 ، 141 تپ 2 در منطقه تصرف شده ارتفاعات علی گره زد و شرق ارتفاعات واوی ، شمال رودخانه رفائی (پدافند می کردند و در رو شش وضعیت ادامه یافت .

جریان نبرد در روز هفته فروردین ماه مرحل سوه عملیات)

روز هفتم فروردین ماه ، روز سرنوشت سازی در سالهای دفاع مقدس محسوب می شود . زیرا در نبردهای این روز ، نیروهای جمهوری اسلامی ایران ، موفق شدند خطوط مستحکه دفاعی دشمن را در تپ های ابوصلیب خات و تأسیسات راد ر در



هم بشکنند ، بخشی از آنها منهدم ، بخشی را به عقب برانند . در این رو 7000 نفر از افراد دشمن به اسارت در آمدند .

ساعت 1 بامداد هفتم فروردین ماه ، قرارگاههای فجر و نصر ، طبق دستور جزء به جزء؛ شمار 3 صادره از قرارگاه کربا 2 ، با اعلام رمز بسم الله القاصم الجبارین یا زد را (سر) نبرد سرنوشت ساز را آغاز کردند .

نیروهای قرارگاه نصر پس از شروع پیشروی ، در ساعت 3 با اولین میدان مین ایجاد شده توسط دشمن برخورد کردند . نه 1 و نه 3 تک اصلی نبرد را بر عهده داشتند . نه 2 ضمن پدافند از منطقه ، تأمین پهلوی راست نیروهای تک اصلی را عهده دار بود چون هنوز نیروهای دشمن در منطقه دشت عباس کا سمت راست نیروهای عمل کننده بود سرسختانه مقاومت می کردند .

ساعت 3 و 10 دقیقه نه 3 به نزدیکی دشمن رسید و این نوع پیشروی بدون برخورد ب دشمن ، نوید پیروزی را می داد . نه 1 نیز با عبور از مانع ایجاد شده میدان مین) بدون برخورد با دشمن به نزدیکی دشمن رسید . ادامه پیشروی به سمت اهداف تعیین شده سبب گردید که دشمن وحشت زده ، با حداکثر توان ، منطقه نبرد را با پرتاب گلوله های منور توپخانه روشن کند .

روشنایی منطقه به نفع نیروهای تک ور بود به طوری که اولین تانک دشمن در ساعت 3 ، 55 دقیقه در منطقه نه 3 به آتش کشید شد . در ساعت 4 ، 45 دقیقه نیروهای نه 1 به هدف مهم سایت 5 نزدیک شدند . در همان موقع نصر 3 گزارش داد : نیروهای دشمن شروع با عقب نشینی نمودند قرارگاه نصر در



اجرای عملیات فتح المبین / 243

ساعت 4 ، 50 دقیقه دستور پیشروی به هر سه قرارگاه را صادر کرد و نه 2 که مأموریت پهلوداری داشت ، به طرف هدفهای تعیین شده پیشروی نمود بلا ه از سمت راست نه 1 مسیری که مورد تهدید بود جلو رفت و نیروهای تأمینی را با ای حفظ جناح نه 1 گسترش داد .

از ساعت پنج صبح که هوا روشن شد آثار وحشت در نیروهای دشمن عیان بود و عقب نشینی آنها از مواضع مشخص گردید . از طریق قرارگاه نصر دستور صادر گردید . دشمن را تعقیب و منهدم نمایند . برای جلوگیری از فرار دشمن ، به توپخانه لشکری دستور داده شد عقبه دشمن را با آتش بیوشانند و حداکثر تلفات را وارد نماید .

در ساعت 5 25 دقیقه قرارگاه نصر ، نزدیک شدن نصر 1 به سایت 5 را به اطلاع قرارگاه کره 2 رساند و در این پیام باز نمودن معابر از میدان مین دشمن که برای حفاظت از مواضع پدافندی ، در آخرین مرحله پیش بینی کرده بود به اطلاع سید .

نه 1 در ساعت 5 ، 34 دقیقه گزارش داد موفق به اشغال ایستگاه رادار گردید و بقیه نیروها ب سمت سایت 5 در حال پیشروی هستند . قرارگاه نصر تأکید داشت ه موقعیت و وضعیت نیروه دقیق بررسی شود و صحت گزارش اطمینان حاصل شود .

نه 2 در ساعت 5 ، 30 دقیقه به آخرین حد تعیین شده برای حفاظت و تأمین راست نه 1 رسیده بود ، موضوع اطلاع داد ، شد .



نه 3 در ساعت 6 گزارش داد در حال نزدیک شدن به سایت 4 است همزمان: یست شنود خبری از نیروهای دشمن کسب کرد که حاکی از به هم خوردن آرایش دفاعی دشمن، عقب نشینی بعضی از یگانهای او بود.

قرارگاه فجر، با در هم شکستن مقاومت دشمن، در شرق و جنوب تپه های ابوصلیبی خات، قادر گردید نیروهای دشمن را، در خط مقدم منطقه عملیات 4 تا آن موقع سرسختانه می جنگید از بین ببرد و همزمان با یگانهای تابعه قرارگاه نصر به سمت جلو غرب، پیشروی کند و در اولین مورد تپه 104 را تصرف کند.

در ساعت 6، 15 دقیقه نه 1 گزارش داد یک یک یگانهای زرهی دشمن را؛ 12 دستگاه تانک، 80 نفر خدمه به اسارت درآورده است. این موفقیت شروع نشانه های پیروزی بزرگ بود حدود ساعت 7 تأسیسات سایت 4 توسط نه 3 آزاد شد و نیروهای دشمن، منهدم و اسیر دشمن شدند تعدادی نیز فرار کردند. ساعت 7 20 دقیقه سایت 5 توسط نه 1 آزاد شد. نیروهای فجر 3 از طریق عبور از پل نهر رفائیه به باقیمانده نیروها در وسط منطقه عملیات یورش بردند و آنها را منهدم و یا اسیر نمودند.

با اشغال تپه های ابوصلیبی خات، یعنی محل استقرار سایت های 4 و 5 نقاط حساس منطقه نبرد در اختیار نیروهای ایرانی قرار گرفت و نیروهای مستقر از همان لحاظ می توانستند قسمت عمده میدان نبرد را در زیر دید و تیر قرار دهند. بدسقوط واضح مستحکم دشمن، در حوالی ایستگاه رادار، سازمان دفاعی دشمن



اجرای عملیات فتح المبین / 245

در آن منطقه به کلی مختل گردید. و یگان های رزمی و مکانیزه دشمن، با یی
نظمی شروع با عقب نشینی کردند.

حدود ساعت 8 فعالیت‌هایی در منطقه دشمن مشاهده شد که به نظر می رسید
نیروهای دشمن قصد اجرای یاتک، در غرب تپه های علی گره زد و حوالی روستای
حسن بربوطی را دارند. دستورات لازم از طریق نه 2 به نیروهای یهلودار داد شد و
مراتب به قرارگاه نصر اعلام و تقاضای دو تیم بالگرد از قرارگاه مذکور گردید و مورد
موافقت قرار گرفت که دو تیم بالگرد در اسرء وقت در محل نه 2 وارد عمل شود
اطلاعات واصله از سایر جبهه ها حاکی از این بود که دشمن، در غرب تپه های
ابوصلیبی خات و در منطقا دوسلک مشغول تحکیم مواضع می باشد.

در حدود ساعت 9 اولین عکس العمل از نیروهای دشمن دیده شد یک یگان بزرگ
زرهی که به نظر می رسید 300 دستگاه تانک دارد در حوالی روستای حسن بربوطی،
واوی مشاهده گردید. ام حرکت آنها به سمت نه 2 نبود بلکه مسیر پیشروی به
سمت جنوب شرقی و به طرف سایت‌های 1 تا 5 تأیید شد. فوراً مراتب به به قرارگاه
نصر اطلاع داد شد.

در اسرء وقت هوانیروز با حداکثر توان وارد عمل گردید و به یگان زرهی دشمن - مله
کرد. از طرفی فرماندهی قرارگاه نصر، یگانهای احتیاط تی 4 زرهی لشکر 21 و
تیپ 3 زرهی لشکر 92) را برای مقابله با یاتک دشمن وارد منطقه نبرد نمود. ه
علت متلاشی شدن سیستم فرماندهی، با هم ریختن وضع نیروهای



عراقی؛ نداشتن تصمیم قاطع در انجاه پاتک عملاً نیروهای عراقی پاتک اجرا کردند. فقط تظاهر به پاتک نمودند.

بدین ترتیب نیروهای قرارگاه نصر توانستند ارتفاعات تصرف شده در منطقه تأسیسات رادار را تأمین نمایند.

در منطقه قرارگاه فجر هنوز یگانهایی از دشمن در مقابل نیروهای آن قرارگاه در شرق ارتفاعات رادار در حال نبرد بودند و در حقیقت این نیروها بین نیروهای ن 1 و قرارگاه فجر بودند. فرماندهی قرارگاه نصر با هماهنگی فرماندهی قرارگاه فجر، برای انهدام نیروهای محاصره شده از دشمن به نص 3 مأموریت داد. با طرف آبدی شلش تغییر جهت داد و ضمن قطع کامل راه عقب نشینی ب سمت غرب، نیروهای تجاوز ر دستگیر و ی منهدم نماید. ن 1 و ن 2 در منطقه مربوطه پدافند نمایند.

ن 3 در ساعت 9، 50 دقیقه اطلاع داد که یک واحد زرهی دشمن به حدود 50 دستگاه تانک تسلیم شده اند از ساعت 10 به بعد، آثار قطعی شکست دشمن در منطقه نمایان شد. فرماندهی قرارگاه کربلا 2 دستور داد اعلامیه هایی که قبلاً به زبان عربی تهیه شده بود توسط هواپیما و بالگرد بر روی مواضع دشمن فرو یزد و از آنها بخواهند که خود را تسلیم نمایند.

در ساعت 10، 30 دقیقه از طریق نص 1 به قرارگاه نصر اطلاع داده شد که افراد یک گردان تانک یک گردان توپخانه سلاح، تجهیزات و وسایل خود را



اجرای عملیات فتح المبین | 247

در منطقه رها نموده اند و فرار کرده اند بالگردهای دشمن در عقبه منطقه نبرد رای تخلیه فرماندهان ظاهر شدند.

در ساعت 11 ، 45 دقیقه نیروهای دشمن ، 1 سمت چپانه اقدام به یاتک نمودند . این حرکت دشمن در منطقه مسئولیت نه 2 بود . با واکنش سریع نیروهای پدافند کننده دشمن از منطقه پیشروی انجا شد ، عقب نشینی نمود . این عملیات دشمن ، که با روحیه بسیار ضعیفی صورت گرفت خسارات و تلفات انسانی و تجهه ذات زیادی را سبب شد بطوری که کشته های خود را تخلیه نمودند و اجساد روی زمین باقی ماند .

وضعیت دشمن آشفته بود . نیروهای دشمن که در جلوی منطقه عملیات بود ، گروه گروه ، بعضی مواقع به صورت یگانی تسلیم می شدند و این در حالی بود که هنوز در پشت منطقه یگانهای جدیدی از نیروهای دشمن به منطقه وارد می شدند .

در تلاش فوق العاده ، تپ های 37 و تپ 2 لشک 32 زرهی و نیروهای ادغامی از سپاه پاسداران ، در منطقا دشت عباس نیز پیشروی هایی صورت گرفت ، سمت راست نیروهای نه 2 ، از تهدید دشمن خارج گردید .

در ساعت 13 ، 45 دقیقه نه 3 گزارش داد یک گردان تانک دشمن در جنوب سایت 4 محاصره شده است . در ساع 14 ، 20 دقیقه یک واحد مکانیزه دشمن به هفتاد دستگاه نفربر خود را به نیروهای نه 3 تسلیم نمود .



از ساعت 15 وضعیت منطقه نبرد رو به آرامش گذاشت و بتدریج نیروها در روی اهداف مربوطه که تصرف کرده بودند مشغول تحکیم مواضع گردیدند. اوضاع لمی حاکی از متلاشی شدن سیستم فرماندهیو سازماندهی نیروهای دشمن بود. یعنی اوضاع نشان می داد که دشمن آنچه را که از دست داده است پذیرفته و برای نگهداری بقیه مناطق، در حال برنامه ریزی است. در ادامه آن روز فعالیت زیادی از طرفین صورت نگرفت. اجرای آتش توپخانه از در طرف ادامه داشت.

جریان نبرد در رو 8/1/61 مرحله چهاره عملیات)

بر اساس مأموریت ابلاغی طی دستور جزء به جزء شماره 3 کرب 2، قرارگاه نصر مأموریت داشت، روستاهای واوی و حسن بربوطی را پاکسازی و پس از تصرف ارتفاعات چنانه و دوسلک روستای دچه را پاکسازی نموده و در ارتفاعات برقازه استقرار یابند.

منطقه مورد نظر، در حیطة مسئولیت نصر 2 واقع شده بود قرارگاه نصر مأموریت را به نه 2 ابلاغ نمود. بر اساس مأموریت ابلاغی به نه 2، سوی قرارگاه نصر ساعت 9 (یعنی ساعت شروع تک، نیم ساعت بعد از نیم شب، یعنی 30 دقیقه روز 9/1/61 تعیین شده بود) چون روز هشتم قرارگاه قدس درگیری شدیدی در جنوب دشت عباس، غرب ارتفاعات علی گره زد به دشمن داشت.

موفقیت در مأموریت آن قرارگاه سبب می گردید که نیروهای نه 2 در حین اجرای مأموریت سمت راست تهدید جدی نداشته باشند.



اجرای عملیات فتح المبین / 249

قرارگاه قدس، در آغاز روز هشتم فروردین ماه به سمت اهداف تعیین شده یورش بردند و در ساعت 12 اهداف تعیین شده توسط قرارگاه قدس از عین خوش تا ارتفاعات تینه تأمین گردید.

نه 2 بر اساس مأموریت دریافتی، عوامل شناسایی خود را از 24 ساعت قبل، به جلو اعزام نمود. گرچه نیروهای تیپ 2 لشکر 21 به حضور دائمی در منطقه شناخت خوبی را برای اجرای عملیات داشت.

گشته‌های اعزامی که از گردان 169 پیاده بودند و در ساعت 8 و 20 دقیقه گزارش دادند که روستاهای واوی و تل خالی از نیروی دشمن است. مراتب به قرارگاه نصر اعلام شد و پیشنهاد داده شد در صورت دادن مجوز، روستاهای مربوطه اشغال شود. در ساعت 8 و 32 دقیقه از طریق قرارگاه نصر ابلاغ گردید ابتدا شناسایی مجدد به عمل آید. به تیپ 4 زرهی هماهنگی شود سمت راست شمار پوشش دهد پس از اطمینان از تأمین پهلوها پیشروی نمایید و روستاهای تل واوی را اشغال کنید.

با توجه به موفقیت‌های پیش آمده، و وسعت بیش از حد منطقه عملیات، با نوع نیروهای عمل کننده با حد و حدود دقیق نیروهای عمل کننده اطلاع دقیقی و ود نداشت بعضی از گزارش‌های واصله نیز به علت عده شناخت واقعی از منطقه، وسط فرماندهان، دقیق نبود همین امر سبب می‌گردید که در بعضی مواقع نیروهای عمل کننده در زیر آتش توپخانه سایر نیروها گسترش یافته قرار گیرند.



حدود ساعت 9 نیروهای تیپ 2 لشکر 21 حمزه گردانهای 169، 44، 141 پیشروی ب سمت اهداف تعیین شده را شروع کردند و تیپ 4 زرهی د سمت راست برای برقراری تأمین حرکت خود را شروع کرد پس از یک ساعت یعنی ساعت 10 نیروهای روستاهای تل و واوی را اشغال کردند. با نیروی دشمن برخوردی نشد. معلوم بود که شناسایی دقیق صورت گرفته بود و دشمن شبانه آنجا را تخیه و عقب نشینی کرده بود.

طولی نکشید که نیروها در مناطق سرکوب استقرار یافتند ام همان موقع در زیر آتش توپخانه قرار گرفتند با دقت در قیف انفجار گلوله ها مشخص گردید که از طرف نیروهای خودی اجرای آتش می شود. بلافاصله مراتب به قرارگاه نصر اعلام گردید و دستورات لازم از آن طریق صادر گردید موضوع تکرار نشد.

موضوع تصرف هدف به قرارگاه اعلام گردید. گردان 169 که در سمت چپ منطقه، عملیات انجام می داد تا آن موقع موقعیت پدافندی مناسبی برای گسترش نیروها نداشت. دستور داده شد به پیشروی ادامه دهد و در 500 متری خط جلو ارتفاع مناسبی را اشغال نماید طبق دستور صادره گردان 169 به پیشروی ادامه داد. در روی ارتفاع مورد نظر که نزدیک یاسگاه چنانچه بود تعدادی از عناصر دشمن حضور داشتند. نیروهای گردان درگیر شدند. آتش های اجرایی از سوی دشمن نشان می داد که پشتیبان ندارند و تعداد آنها کم است. در ادامه پیشروی و محاصره اوضاع مورد نظر آتش های اجرایی از سوی دشمن قطع شد.



اجرای عملیات فتح المبین / 251

در ساعت 10 ، 30 دقیقه گردان گزارش داد تعدادی از نیروهای دشمن به اسارت درآمده اند برای تخلیه آنها با عقب کمک خواستند .

تعداد اسر 15 نفر بودند و نشان می داد که به استعداد یک دسته برای برقراری تأمین به جلو اعزام شده بودند که با حرکت سریع نیروهای ایرانی به جلو نوانسته بودند عقب نشینی کنند .

قرارگاه نصر دستور داد برای کسب آخرین اطلاعات از دشمن یک نفر از اسرا را که می تواند اطلاعات بیشتر داشته باشد به قرارگاه بفرستید . باقی اسرا بق روش اقدام شود خلع سلاح ، جداسازی ، بازجویی توسط رکن دوم تیپ، تحویل به رکن لشک .

ادامه مأموریت نه 2 . تصرف دوسلک ، پاکسازی روستای چنانه ، تأمین برقازهد و با نیروهای دشمن پس از گرفتن اسرا ارتباط قطع شده بود پس از بررسی وضعیت تصمیم گرفته شده که نیروهای سیاه در تل واوی طبق ترکیب قبلی به گردانهای تیپ 2 ملحق شوند . هر گردان در منطقه عمل خود شناسایی کند پس از دریافت گزارش ها برای ادامه عملیات اقدام شود .

دسته های شناسایی گردان ها برای شناسایی اعزام شدند . مأموریت این دسته ها ، برقراری تماس با دشمن بود ، کسب خبر از استعداد و توان نیروهای دشمن در منطقه حضور داشتند .

برای رسیدن به اهداف تعیین شده ، نه 2 لازم بود که از روستاهای حسن بربوطی و واوی 5 کیلومتر به جلو و به سمت جنوب پیشروی نماید منطقه مورد



نظر دارای ارتفاعاتی بود که دیدر محدود می‌کرد. اما تا آنجایی که نیروها در ط
مقدمه می‌توانستند ببینند دشمن حضور نداشت. اعزام دسته‌های شناسایی برای
اطمینان و جلوگیری از غافلگیری نیروها در حین پیشروی بود.

دریافت گزارشها از گشته‌های اعزامی، تا ساعت 14 به طول انجامید. گزارش‌های
واصله حاکی از آن بود که دشمن در حال عقب‌نشینی است بالای ارتفاعات به‌قازه
خط پدافندی دارد و دارای مواضع مستحکم می‌باشد وضعیت نشان می‌دهد
نیروهای جلوت خط پدافندی عقب‌نشینی خواهند کرد. اطلاعات باارزشی بدو تا
موقع نیروهای سیاه‌ملحق شدند و ساعت 14، 30 دقیقه دستور پیشروی نیروها به
سمت اهداف تعیین شده صادر گردید. از محل استقرار نیروها تا یاسگاه چینه حدود
500 متر بیشتر نبود. من پشت سر نیروهای خط جلو در مسیر جاده به جلو
می‌رفتم و خود را جیب‌گا 69 فرماندهی توسط راننده و درجه‌دار مخابرات، همراه
من بودند حدود 100 متری به روستای چنانه گلوله توپخانه دشمن در چند قدمی
اصابت کرد. من که در حال پیاده روی بودم بلافاصله خودم را به روی زمین انداختم
و انفجار گلوله و پرتاب ترکش، باعث مجروح شدن دست چپ من از ساعد و بازو
گردید. درجه‌دار مخابرات با قرارگاد تیپ تماس حاصل کرد و طولی نکشید، یک
دستگاه آمبولانس با پزشکیار در محل حاضر شد زخمها پانسمان شد خوشبختانه
عمیق نبودند و همان موقع خون‌ریزی بند آمد مأموریت را ادامه دادم در ساعت 15
نیروها از روستای چنانه به سمت جنوب در حال پیشروی بودند مراتب به قرارگاه نصر
اعلاہ گردید.



اجرای عملیات فتح المبین / 253

دشمن با تمام توان تلاش می کرد که جلوی نیروهای پیشروی کننده را بگردد و با اجرای آتشهای توپخانه تلفات و ضایعاتی به نیروهای خودی وارد ساخت اما فات زیاد نبود و نیروها روحیه خوبی را برای پیشروی داشتند چون دشمن را در حال عقب نشینی می دیدند چندین فروند بالگرد دشمن به صورت متوالی روی ارتفاعات برقازه در حال پرواز بودند و این امر نشان می داد که آنها که برای تقویت روحیه نیروهای پدافندی در آنجا حضور دارند و یا احتمالاً تعدادی از فرماندهان رده بالا را می خواستند از صحنه نبرد خارج شوند.

مقاومت دشمن در مقابل نیروها ادامه داشت و بتدریج که نیروهای خودی پیش می کردند، نیروهای تأمینی دشمن عقب نشینی می کردند و پشتیبانی تشریح لحظه ای قطع نمی شد.

نیروهای خودی نیز با روحیه ای سرشار از پیروزی و غنایم بدست آمده از توپخانه دشمن که به استعداد یک گردان می رسید خط دفاعی دشمن را کاملاً مشخص و در زیر آتش توپخانه قرار داده بودند.

پیشروی ادامه داشت و حضور نیروهای رزمنده در نزدیکی دشمن سبب گردید که آتشهای توپخان دشمن مؤثر واقع نگردد.

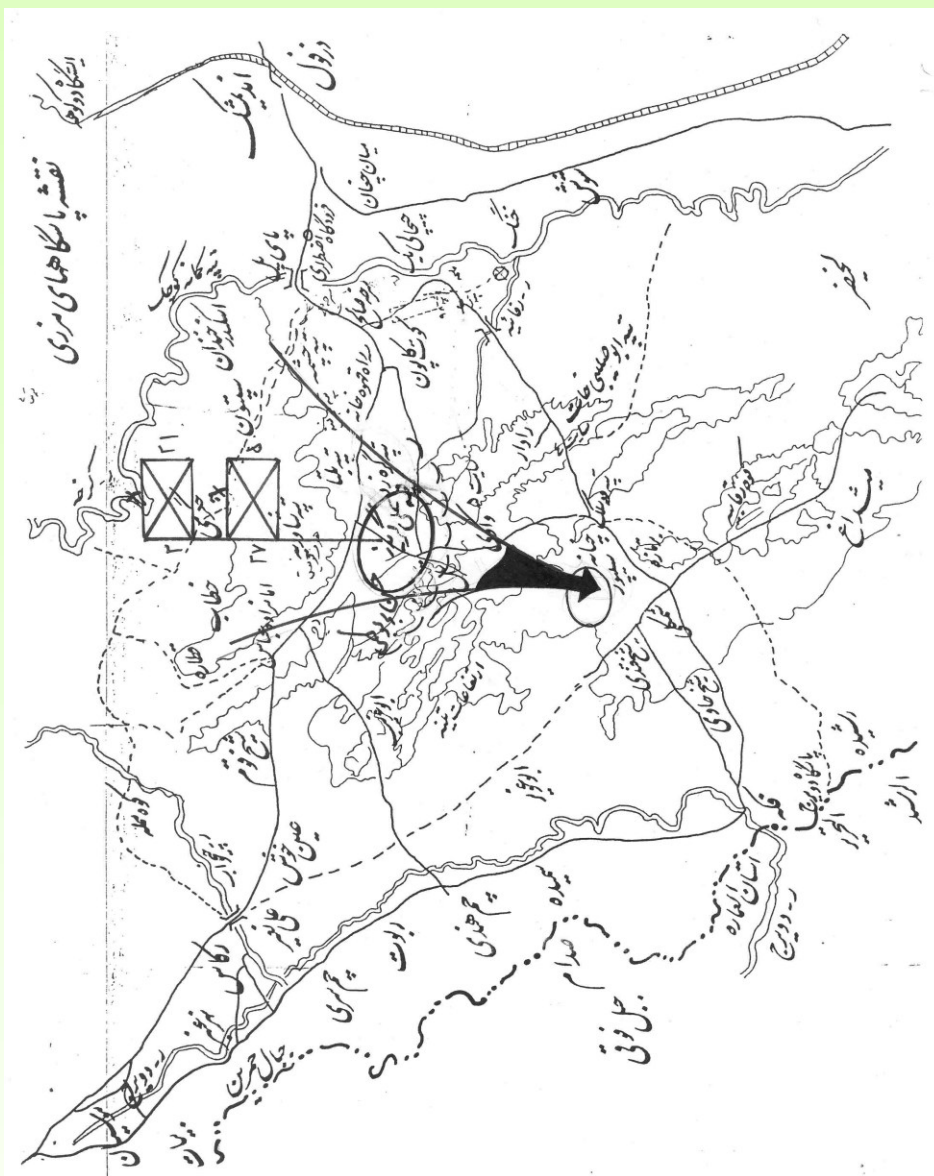
من از سایر جبهه ها خبر نداشتم اما اوضاع نشان می داد که تیراندازی دشمن دقیق نیست یعنی تیرها اکثراً هوایی اجر می شود و فقط حجم تیراندازی خیلی زیاد است. بعده اطلاع حاصل شد که در سایر جبهه ها نیز دشمن کاملاً



شکست خورده و مقاومت در ارتفاعات برقازده فقط به منظور این بوده است که نیروها عقب نشینی و فرار کنند و کمتر اسیر شوند.

پیشروی ت غروب آفتاب ادامه داشت. قبل از تاریکی نیروهای عمل کننده، ارتفاعات برقازده را تصرف کردند تعدادی از نیروهای باقیمانده دشمن به اسارت درآمد و 6 دستگاه تانک به غنیمت گرفته شد و تجهیزات زیادی از دشمن، که قادر به بردن آنها نشده بود به دست نیروهای خودی جمع آوری گردید. (نقشه شماره 15)

با تلاش زیاد، گسترش نیروها در خط پدافندی سازماندهی گردید و محدوده مسئولیت هر گردار مشخص شد. اجبار داشتیم از سنگرهای عراقی استفاده نیم. با توجه به اینکه عراقیها به سمت شرق پدافند می کردند و پدافند نیروهای ما به سمت غرب بود این مشکل برای نیروهای پدافند کننده و دیده بان پدافند حل می شد. حق تقدم کار به سنگرهای دیده بان و سلاحهای سازمانی داده شد. از شب 12 ساعت نیمه شب) نیروها سنگرهای روی خاکریزها را جابه جا کردند. اما سنگرهای استراحت بدون تغییر ماند و نیروها با همان شرایط از وضعیت موجود استفاده کردند.



نقشه شماره 15 - آخرین مرحله عملیات فتح المبین



شب نسبتاً سردی بود من که تا نیمه شب مشغول سازماندهی، ارتباط، تیب پشتیبانی آتش و برقراری ارتباط جانبی با نه 4 و تیب 3 لشک 32 زرهی د سمت چپ و راست نیروها بودم. موضوع درد دستم را احساس نکردم. نیم شب که کرها ت حدودی خاتمه یافت، سراغ راننده را از درجه دار مخابرات گرفتم. اظهار داشتند در 3 کیلومتری اینجا ماشین به گل فرورفته و تاکنون نتوانستیم خارج کنیم ام جناب سرهنگ فراهانی رئیس رکن سوم تیب و جناب سرواز خنجری افسر مخابرات تیب آمدند به ما ملحق شدند و در اینجا حضور دارند. به اتفاق تا نزدیک خودرو س رکن سوم رفتیم. آنها نیز جا برای استراحت نداشتند و در داخل ماشین نشسته بودند. تعداد نیروهای ایرانی نسبت به تعداد نیروهای عراقی، در منطقه زیاد بود و از طرفی سنگرهای استراحت سربازان عراقی کوچک و کم ارتفاع ساخته می شد. نیروهای ایرانی از لحاظ سنگرهای دیده بانی و استراحت تسهیلات بیشتری داشتند. بطوری که به علت عادت کردن سربازان به تسهیلات بیشتر، علاقه ای به استفاده از سنگرهای عراقی نداشتند. ام آر شب هو سرد بود و از همان سنگرها استفاده می شد و از نظر تعداد نیز بیشتر از سربازان عراقی در یک سنگر بیتوته کردند. در هر حال جایی برای استراحت موجود نداشت.

با توجه به اینکه با رده های مختلف رده های پایین - رده بالا) ارتباط برقرار بود الزامی نداشتیم که در همان محل باشیم. جناب سرهنگ فراهانی و جناب سروان خنجری از من خواستند که با استفاده از کیسه خواب یکی از آنها در داخل مانده



257 اجرای عملیات فتح المبین

استراحت کنم. من به این امر راضی نشدم و صلاح را در آن دیدم که با درجه دار مخابرات برویم و در محلی که ماشین با گل فرو رفت است در آنجا استراحت کنیم.

بعد از خداحافظی و تشکر به راه افتادیم. در شب تاریک و هوای نسبتاً سرد، درد زخم شدت گرفت. علاقه مند نبودم در آن موقع ا شب برای خاطر خودم کسی را ز خواب بیدار نمایم از طرفی پیدا کردن یزشکیار و یا مسئول، در شب تاریک زیاد راحت نبود. فکر کردم در داخل ماشی کیسه خواب دارم پس از رسیدن مشکل حل خواهد شد.

راننده پیش خودرو مانده بود. درجه دار بیسیه چی همراه من بود پس از تصادم قطعی به راه افتادیم. بعد از طی مسافتی، حدود یک کیلومتر بیسیه چی اظهار داشت من فکر می کنم راه ر درست انتخاب ننمودم شب تاریک است به نظرم پیدا کردن ماشین مشکل باشد. ساعت حدود 1 بود. درد زخم ها و خستگی به شدن فشار آورده بود. قیافه معصوم و با وفای راننده مانده سرباز بود و در زیر با ان گلوله ت محل توقف رانندگی کرده بود) که انتظار کمک از من داشت و برای خاطر من همراه آمده بود، در جلوی چشمانم مجسمه شد من می دانستم که ایشان از این به نتوانسته است ب من بیاید ناراحت است و از اینکه من به هر ترتیب برگرم و از وسایل داخل خودرو کیسه خواب، جیره عملیاتی، آب) برای شام و استراحت استفاده نم خوشحال خواهد شد و از طرفی چاره ای جز این نداشتم. با حوصله به درجه دار بیسیه چی گفتم من بعد از عبور از ده چنانه از مسیر، جلو آمدم؛ تا آنجا به هم بودیم شما را راهنمایی می کنم، شما از نقطه ای که از



جاده خارج شدیم و عقب ماندید به بعد ر می توانی راهنمایی کنی؟ ایشان اظهار داشتند بلی.

انجام این امر یک نقطه امیدی بود. وضعیت حرکت ما در شمال جاده چنانچه - ارتفاعات برقازه بود. در نتیجه بایستی یک گردش 90 درجه به سمت راست مسیر را انتخاب کنیم تا به جاده مورد نظر برسیم.

چون حرکت در مسیر اولیه موازی جاده چنانچه - ارتفاعات برقازه بود قطب نما را توجیه کردم و 90 درجه به سمت راست پیچیدم و با گرفتن نقطه کمکی به راه افتاده حدود نیم ساعت طول کشید به جاده رسیدیم مسیر جاده را تا ده چنانچه ادامه دادیم تا درست به وضعیت جاده اطمینان حاصل شد. مجدداً همان مسیر را برگشتیم. در رفت برگشت روی جاده 45 دقیقه زمان صرف شد. شک و تردید نقطه خروج از جاده را جستجو می کردیم. در سمت راست نور چراغ قوه نظرم را جلب کرد. خوشحال شدیم در هر حال اگر خودرو را پیدا نکرده باشیم نیروهایی از یگانها در اینجا حضور دارند از آنها کمک می گیریم. با سمت نور حرکت کردیم. طولی نکشید نور خاموش شد و جهت و مسیر را تشخیص دادیم اما از نظر مسافت نمی دانستیم چقدر باید برویم؟ در هر حال با توکل به خدا به جلو رفتیم بعد از 7 دقیقه مجدداً نور چراغ تکرار شد و احساس کردیم که به موقعیت نزدیک رسیدیم حدود 7 دقیقه دیگر مسیر را ادامه دادیم صدای بیل به کندن زمین شنیده شد به زمین نشستیم گوش دادیم صدا نزدیک بود روی زمین دراز کشیدیم و با صدای شنیده شده توجه کردیم سمت تقریباً معلوم بود درجه



اجرای عملیات فتح المبین / 259

دار بیسیه چه صدا زد جعفری، جعفری اگر صدای ما را می شنوی چراغ قوه را روشن کن ما داریم پیش شم می آییم در ابتدا پاسخ دریافت نشد، ام پس از 2 الی 3 بار تکرار صد زدن چراغ قوه روشن شد و ما با سوی نور چراغ قوه روانه شدیم راه زیاد نبود، 200؛ 300 متر جلو رفتیم و با محل توقف خودرو رسیدیم ساعت 2 و 30 دقیقه بود، می توانستیم در داخل خودرو ابتدا خودمان را گرم کنیم گرم نگه فراموش شده بود آقای جعفری یک قوطی کمیوت گیلان باز کرد اما از درد زخم ها و خستگی فقط نصف لیوان آب کمیوت را خوردیم و در پشت ماشین کیس و اب را به سر کشیدیم. صندلی پشت ماشین کوچک بود بایستی بطور نشسته یا به صورت پاه جمع خوابید. از شدت درد نتوانستم بخوابم اما موفقیت نیروهای عمل کننده و تصرف اهداف تعیین شده و از همه مهمتر وارد شدن تلفات اندک من را خوشحال می کرد ساعت پنج هو روشن شد هر سه نفر وضو گرفتیم و با سمت قبله جهت شکرگزاری و ادای فریضه دینی قرار گرفتیم. خداوندنا موفقیت چقدر شیرین است و این شیرینی را ما از شما داریم. اصولاً رو به قبله ایستادن و راز و نیاز کردن، خالق که همه توانایی ها از اوست به انسان احساس قدرت و نیرو می دهد. و این نیرو نشأت گرفته از نزدیک کردن قلب، جسم و روح با سمت سوی خداست پس از اقامه نماز، برای خروج خودرو از محل توقف، که در اثر فرو رفتن به رمل قادر به حرکت نبود اقدام نمودیم در اثر بارش باران در قسمت رملی تلاش راننده با ای خارج ساختن، چرخهای عقب ماشین کاملاً فرو رفته بود. جلو و عقب چرخها را خالی کردیم از بوته های اطراف،



زیر چرخها یهن کردیم با گذاشتن دنده کمکی، و هل دادن 2 نفر از عقب ماشین از باتلاق خارج شد. آفتاب در حال طلوع بود و منطقه عملیات در آن موقع آرام بود و صدای گلوله شنیده نمی شد. برای رسیدن به منطقه پدافندی به راه افتایم و با استفاده از جاده طولی نکشید که در محل به نیروه ملحق شدیم.

نیروهای دشمن از ارتفاعات برقازه به طرف غرب و با سمت رودخانه دویرج و فکه عقب نشینی کرده بودند. نیروهای نص 2 به آخرین حد تعیین شده در عملیات فتح المبین رسیده، هدف تعیین شده را تصرف نموده بودند. نقشه شماره 16)

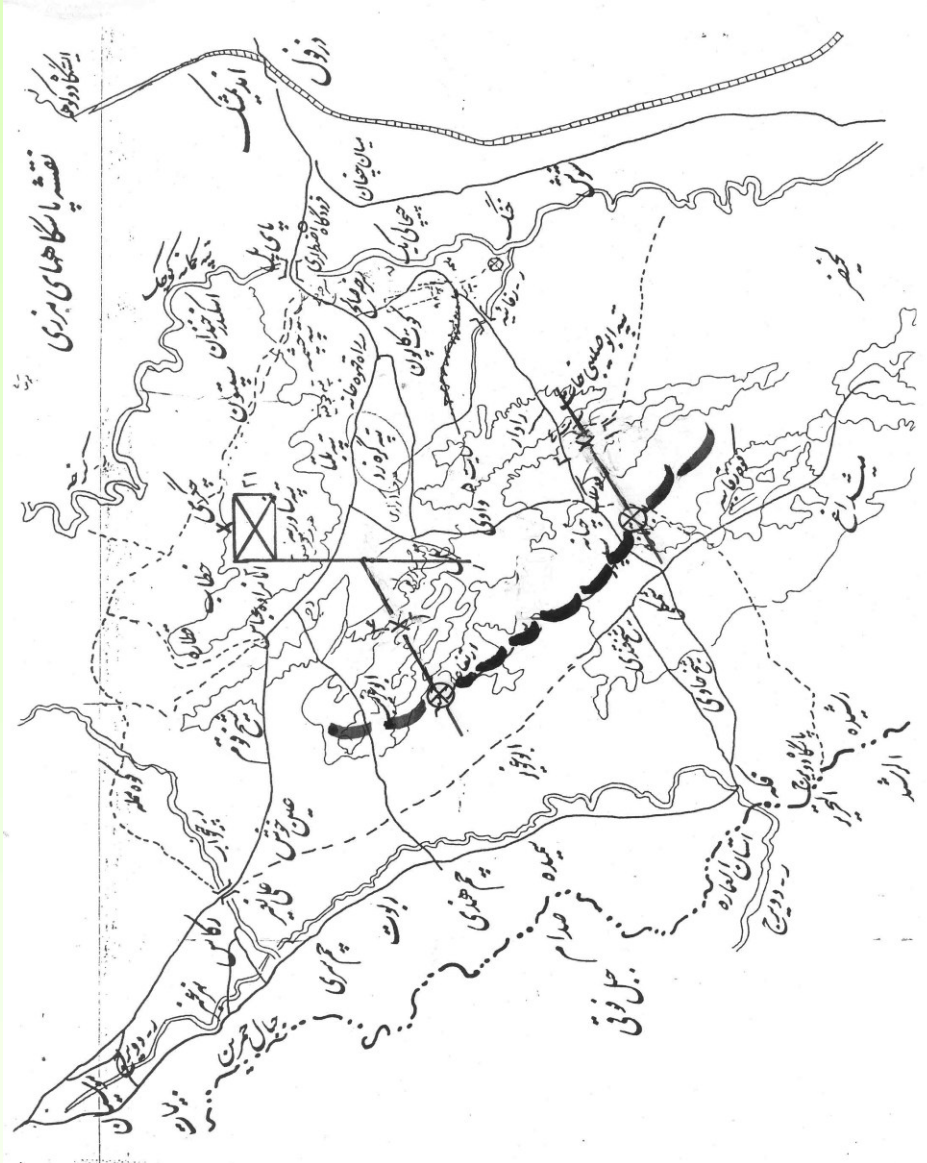
در سایر جبهه ها نیز باقیمانده نیروهای دشمن پاکسازی گردیدند و همه قرارگاهها فجر - نصر - قدس - فتح اهداف تعیین شده را تا تاریخ 9/1/61 تأمین نموده بودند. در نتیجه عملیات بزرگ فتح المبین با آزاد سازی صدها کیلومتر از خاک یهن اسلامی، و گرفتن هزاران اسیر و بدست آوردن غنایم زیاد با دست پرتوان رزه دگان اسلام پایان یافت.

براساس آمار اعلام شده از سوی قرارگاه کرب 2، در این عملیات 4 لشکر زرهی پیاده و مکانیزه دشمن کاملاً منهدم شد و بیش از 15000 نفر از نیروهای دشمن به اسارت رزمندگان درآمدند چند صد دستگاه خودرو زرهی، چرخدار، توپ و چندین هزار قبضه جنگ افزار دیگر دشمن منهدم و یا سالم به غنیمت گرفته شد 2400 تا 2200 کیومتر مربع از مناطق اشغال شده میهن اسلامی آزاد



اجرای عملیات فتح المبین / 261

شد و نیروهای باقیمانده از دشمن به حوالی مرز بین الملل ، در منطقه فکه و رب رودخانه دویرج عقب رانده شدند.





تلاشهای نیروهای هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران

مأموریت نیروی هوایی، تأمین اطلاعات تاکتیکی هوایی، طرح ریزی برای اجای آتش های پشتیبانی، قطع خطوط مواصلاتی دشمن، جدا سازی نیروهای دشمن، پشتیبانی نزدیک هوایی - و انهدام مراکز تجمع دشمن برای ایجاد شکاف در خطوط تماس، تأمین دفاع هوایی از عقبه نیروها و تأمین پوشش هوایی، ارتفاع کم، توسط و بالا در منطقه عملیات می باشد.

نیروی هوایی، قبل از شروع عملیات بزرگ فتح المبین، با اجرای عملیات ناسایی، هوایی - و عکسبرداری، اطلاعات بسیار خوب و جامع، از استعداد و ترکیب نیروهای دشمن بدست آورده بود. این اطلاعات برای طرح ریزی عملیات توسط ستاد ارتش بسیار گرد گشا و مؤثر بود.

سایتهای 1 تا 5 موشکی و ایستگاه رادار دهلران که در شروع عملیات و در عقبه دشمن قرار داشتند از حساسیت فوق العاده ای برخوردار بودند که توسط نیروهای همپای در مرحله اول، عملیات با دسته های 8 فروندی 4 فروندی بمباران گردیدند. هواپیماهای F-4 برای بمباران ارتفاع بالا و قرارگاههای تاکتیکی تپ ها و لنگرها در نظر گرفته شد و این هواپیماها در طول عملیات، چندین قرارگاه تاکتیکی دشمن را منهدم کردند.

توسط هواپیماهای F-5 در ارتفاع کم، بمباران متوالی، مراکز تجمع نیروهای دشمن، سنگرهای اجتماعی و مراکز آمادی قرار داشت با طوری که تفکر



264 / شجاعان نبرد

و برنامه ریزی را از فرماندهان رده بالای ارتش عراق سلب و روحیه نیروهای زمینی دشمن مستقر در خطوط مقدمه جبهه را شدیداً متزلزل ساخت.

هوایماهای F-4 , F-14 در مقابل نیروهای هوایی ارتش عراق، شجاعانه وارد نبرد هوایی شدند ضمن وارد آوردن ضایعات و تلفات. حاکمیت کامل فضای منطقه نبرد را دست گرفتند.

در طول 7 روز عملیات بزرگ فتح المبین، توسط نیروهای هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، در نبرد هوایی هوا به هوا - زمین به هوا (تعداد 27 فروند از انواع هوایماهای دشمن هدف قرار گرفت و منهدم گردید).

تعویض خط پدافندی

حدود ساعت 0730 9/1/61 از قرارگاه لشکر پیامی واصل گردید. این پیام حاوی از این بود که عملیات فتح المبین با دسترسی به اهداف تعیین شده خاتمه یافته است و لازم است تیپ 2 خط پدافندی تشکیل شده در ارتفاعات تینه و برقازه را به تیپ 3 لشکر 92 زرهی تحویل دهد. سپس نیروها را در منطقه تجمع قبلی ارتفاعات اسکندر خندان - خرولی، مستقر نماید.

پس از دریافت پیام، اطلاعات لازم در مورد موقعیت تیپ 3 دریافت شد. تیپ 3 با مأموریت نیروی احتیاط در پشت سر نیروهای عمل کننده به جلا حرکت کرده بود. حدود ساعت 9 ب خدمت جناب سرهنگ هوشنگ بهرامی فرمانده تیپ



اجرای عملیات فتح المبین / 265

3 رسیدیم . مأموریت به تیپ 3 نیز ابلاغ شده بود و فرمانده تیپ در جریان کار بودند.

منطقه نبرد آرام بود ، سازمان دشمن از هم یاشیده بود ، برای تعویض نیروها ، توانستیم در روز روشن اقدام کنیم و مشکلی نداشتیم . فرماندهی تیپ 3 آمادگی خود را برای تعویض نیروها اعلام کرد و نیروها به صورت گروهانی از هر گردان یک گروهان شروع به تعویض نمودند .

جراحی دست چپ من عمیق نبود اما درد داشت در ابتدا یزشکیار فراهانی یانمان کرده بود و این تا ساعت 10 که وضعیت نیروه مشخص گردید باقی بود . در ساعت 10 آقای دکتر اسماعیل یزشک قرارگاد تیپ برای تجدید یانسمان تشف آوردند و کار انجام شد چون احتمال عفونت متصور بود دستورات لازم در مورد تزریق آه ول پنی سیلین و کپسولهای آنتی بیوتیک دادند . البته در مقابل پیروزی بزرگ نیروهای رزمنده شوق شعف اینقدر زیاد بود که این نوع ناراحتی به کلی فراموش شده بود .

برگشت نیروها به منطقه تجمع قبلی ، بسیار آسان بود . چون نیروها به صورت گروهانی از هر گردان ، تعویض را انجام می دادند . ترابری گردان ها در جا به جایی آنها به محل مشکل نداشتند . گردان های تعویض شونده در جایی استقرار می یافت که قبل از اجرای عملیات در همان جا مستقر بود .

تعویض نیروها تا ساعت 22 ادامه داشت و آخرین یگانها در ساعت 22 از منطقه عملیات خارج شدند .



با توجه به اینکه قسمت یشتیانی، گردانها، ستادهای گردان و سنگرهای ستراحت و همچنین تسهیلات ایجاد شده در قرارگاه تیپ در منطقه تجمع باقی بود، چه جای راحتی انجام شد و نیروه شب را با اطمینان و آسایش کافی استراحت نمودند.

اجرای عملیات فتح المبین، برای تیپ 2 یک پیروزی بسیار بزرگ بود البته این پیروزی در سطح مملکت و در سطح نیروهای مسلح بیشتر بود چون تیپ 2 عنصر کوچکی از مجموعه رزمندگان را تشکیل می داد. به این دلیل من این موضوع را تأکید دارم. چون تیپ 2 در این عملیات، با رعایت اکثر اصول جنگ و بدست آوردن اطلاعات دقیق از منطقه ای که بایستی عملیات انجام می داد و غافلگرن کردن دشمن در مرحله یکم عملیات بدون دادن تلفات و ضایعات، به جم 5 نفر مجروح و چند دستگاه خودرو که آسیب های جزئی وارد شد توانست 1245 نفر از نیروهای دشمن را به اسارت درآورد. غنایم زیادی از جمله یک گردان توپخانه دشمن بطر سالم با مهمات کافی، از توپخانه سی 4 عراق بدست رزمندگان افتاد که پس سازماندهی خدمه توسط فرماندهی توپخانه لشکری، بر علیا دشمن در مراحل عدی مورد استفاده قرارگرفت آمار کامل توپهای به غنیمت گرفته شده توسط 2، 82 قبضه بود.

البته خودرو - تانک - نفربر - سلاحهای سبک و سنگین و تجهیزات زیادی از دشمن منهدد شد که آمار دقیق آنها در سطح نیروی زمینی مشخص است. وسایل سم و تجهیزات با جای مانده مورد استفاده توسط نیروهای رزمنده، در



اجرای عملیات فتح المبین ' 267

ادامه عملیات مورد استفاده قرار گرفت و به آمار تجهیزات سازماندهی یگانها اضافه گردید.





جدول پیامهای مبادلا شده در مرحله چهاره عملیات فتح المبیر 8/1/61

پیام	ساعت
نه 2 به نصر طبق گزارش گشتیهای اعزامی، واوی حسن ب و طی خالی از دشمن است. اگر اجازت می دهید آنها را اشغال کنیم. معاون نصر: با یگانهای مجاور هماهنگی کنی سپس اشغال ک د ضمناً به توپخانه وتیب 58 و تیب 1 اطلاع داد شد.	0925
معاون نصر به نه 2: شناسایی کنید و حرکت کنید، تل واوی را اشغال نمایید. ضمناً نه 4 جناح راست شما را بیوشاند ضمن اخذ تماس ب دشمن ترتیبی دهید که فشار از روی غیر خوش کاسه شود.	0932
معاون نصر به نه 1 نه 2 به طرف چنانه می آید روی آن آتش اجرا نکنید.	0940
نه 2 به نصر من در حال حاضر حسن بربوطی را اشغال کردم و از آنج شمه صحبت می کنم. معاون نصر به نه 2: آیا از شمه کسی به چنانه رفته است؟ پاسخ داده شد خیر.	1000
نه 4 به نصر: با نه 1 هماهنگی کردیم وبه محلی که قرار بود رفتیم	1009
نه 2 به نصر نه 1 در تل واوی ما را زیر آتش گرفته است موضوع را ابلاغ نمایید. نصر به نه 2 موضوع ابلاغ شد.	1035



اجرای عملیات فتح المبین / 267

1050	نه 2 به نصر: در تل تعدادی اسیر گرفته ایم. نصر به نه 2: فور یک نفر از آنها را که مطلع باشد به قرارگاه اعزام کنید.
1435	کربلا به نصر: نیروهای خودی، چنانچه و دوسلک را اشغال و دشمن بین برقازه و شیخ حاوی، در حال فرار می باشد آتش توپخانه را بلند کنید و از فرار آنها جلوگیری نمایید.
1725	ستونیار جعفری اطلاعات 2) به نصر: شرق تینه از دشمن خالی است تعداد متجاوز از دو هزار تانک دشمن، در غرب سندال در باتلاقگیر کرد، است.
1855	معاون نصر به نه 2 حا سمن چپ را با بوته روشن کنید. آنهایی که قرار است به شم ملحق شوند شما را اشتباهی نگیرند.
1859	معاون نصر به نه 2: برابر هماهنگی با قرارگاه فتح، تیر و لشکر 92 می خواهد به نصر ملحق شود. بایستی نه سمن چپ خود را روشن کند که نیروی تعیین شده به آسانی بتواند عمل الحاق حاصل نماید. نصر به نه 2 دستور اجر شده است.
2200	نه 2 به نصر: تعدادی اسیر در ارتفاعات برقازه از دشمن گرفته شده است. معاون نصر به نه 2 سریع تخلیه نمایید.



استقرار گردانهای تیپ در منطقه تجمع

منطقه تجمع، موقعیت خوبی داشت البته از قبل عملیات نیز بهتر شده بود چون دشمن دهها کیلومتر به عقب رانده شده بود و اثری از گلوله های سرگردان نداشت. وجود نداشت.

برای اجرای عملیات فتح المبین مدتی بود که مرخصی ها لغو شده بود و از 15 اسفندماه 1361 تا دهم فروردین ماه که مجدداً نیروها تجمع یافتند احدی به مرخصی نرفته بود. سری اول نیروها که برای رفتن به مرخصی تعیین شد سانه بودند که مدت 70 و 75 روز در منطقه حضور داشتند طبق روش، ابتدا برای این منظور از فرماندهی لشکر کسب تکلیف می گردید. ایشان فرمودند: «مأموریت دیگری در پیش است به زودی ابلاغ می شود. زمان مرخصی را محدود کنید با وجود این، آنها را که به مرخصی می روند قبل از حرکت به سرپرست تیپ در باقمانده در تهران تماس بگیرند ممکن است محل برگشت آنها، این محل نباشد و در جای دیگر لازم شود حضور داشته باشند»

توصیه های فرماندهی لشکر حاکی از ابلاغ مأموریت جدید به تیپ، انجام جا به جایی نیروها را نمایانگر بود. مع الوصف مشکلاتی که از لحاظ خانواده برای تعدادی از افسران و درجه داران وجود داشت رفتن آنها به مرخصی، در مدت محدود نیز می توانست در روحیه آنان مؤثر باشد به گردانها ابلاغ شد از مدت 10⁷ روز بستگی به بعد مسافت به آنها که در نوبت مرخصی هستند مرخصی داده شود.



اجرای عملیات فتح المبین / 271

روز نهم فروردین ماه تجمعی از نیروهای رزمنده در باند اضطراری در سه راهی دهلران ب شرکت هزاران رزمنده شکل گرفت و همه نیروها حاضر در محل نماز و دعای شکر برای پیروزی بزرگ عملیات فتح المبین اقامه کردند و به جای آو دند. جناب سرهنگ علی صیاد شیرازی، فرمانده نیروی زمینی وقت با سخنان دشین خود جمعیت را ب فیض رساند. روانش شاد و یادش گرمی باد.



بخش هشتم

خاتمه عملیات فتح اله بین



نتیجه عملیات فتح المبین

براساس گزارش قرارگاه کر 2، در خاتمه عملیات نتایج با شرح زیر اعلام گردید:

1. عملیات فتح المبین در 4 مرحله با موفقیت کامل اجرا گردید. کلیه مناطق تحت اشغال دشمن از رودخانه کرخه تا ارتفاعات حمزین حدود 2200 کیلومتر مربع آزاد گردید.

2. در این عملیات تپه‌های 27 مکانیزه و تپه‌های 4؛ 51 زرهی، از لشکر 1 مکانیزه عراق، و تپه‌های 24 مکانیزه و 17 زرهی لشکر 10 زرهی عراق به کلی منهدم گردیدند. و به یگانهای درگیر عراق، شامل تپه‌های 2؛ 60 زرهی و تپه‌های 505 99,423,15,13,11,96,93,424 پیاده و یگانهای توپخانه آسیب‌های کلی وارد شد. به طوری که توان رزمی خود را دست دادند.

نتایج مهم دیگری نیز، عملیات پیروزمندانه فتح المبین و برای ملت بزرگ ایران داشت و آنها عبارت بودند از:

1. بالا رفتن میزان اتکاء به ذات باریتعالی و پی بردن به خلاقیت‌ها و ابتکارات نیروهای رزمنده اجرایی و ستادی.



۱- خارج شدن از شهرهای دزفول - اندیمشک و جاده مواصلاتی دزفول - اهواز از زیر آتش توپخانه دشمن تصرف سایتهای 5 واقع در ارتفاعات ابوصلیبی خات.

3. ایجاد اعتماد به نفس ، در تمامی رزمندگان ، برای تداوم بخشیدن به عملیات تهاجمی.

4. تغییر وضعیت جنگ به نفع کشور . و فروپاشی رؤیای قادیسیه صدام.

پیام حضرت امام خمینی (ره) در خاتمه عملیات ظفرمند فتح المبین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ان تنصروا لله ينصرکم و ینتہب اقدامکم اخبار غرور آفرین ، جبهه های نبرد ملیه قوای شیطان، را یک یس از دیگری دریافت نمودم . قلم قاصر است ؛ که اساسات خویش را ابراز کنم . به قوای مسلح اسلامی که خدایشان نصرت آخرین را نب فرماید . تبریک عرض می کنم . مبارک باد بر شما عزیزان افتخار آفرین ، ب روزی بزرگ ر که با یاری ملائکه الله نصرت ملکوت اعلا نصیب اسلام و کشور عزیز ایران ، کشور بقیه الله الاعظم ارواحنا له الفداء نمودید . رحمت واسعه خداوند، بر آن ه دران و یدرانی ، که شجاعان نبرد در میدان کارزار و مجاهدان بنفس در شبهای نورانی را در دامن پاکشان تربیت نمودند . مژده باد به شما جوانان برومند



خاتمه عملیات فتح المبین / 277

در تحصیل رضای پروردگار که از بالاترین سنگرهای روحانی و جسمانی، ظاهری و باطنی پیروزید.

مبارک باد بر بقیه الله ارواحنا له الفداء وجود چنین رزمندگان ارزشمند و مجادان فی سبیل الله که آبروی اسلام را حفظ و ملت ایران را رو سپید و مجاهدان را - دارا سرافراز نمودید.

ملت بزرگ ایران و فرزندان اسلام به شمه سلحشوران افتخار می کنند. آفرین بر شما که میهن خود را بر بال ملائکه الله نشاندید و در میان ملل جهان سرافراز نمودید. مبارک باد بر ملت چنین جوانان رزمنده ای و بر شما چنین ملت قدردانی، که به مجرد فتح و پیروزی توسط رزمندگان به دعا و شادی برخاستید.

اینجانب از دور دست و بازوی قدرتمند شما را که دست خداوند بالای آن است می بوسم و بر این بوسه افتخار می کنم. شمه دین خود را به اسلام عزیز و میهن ابریف ادا کردید، و طمع ابرقدرتها و مزدوران آنان را از کشور خود بردید. سخاوتمندانه در را شرف و عزت اسلامی جهاد کردید «یا لیتنی کنت معکم فافوز فوز عظیم»

درود بر فرماندهان بزرگوار و رزمندگان و بر همه مجاهدان را، عظمت کشور و اسلام، و نفرت و لعنت بر منافقان و منحرفانی، که می خواستند یکی از انبارهای همات چنین مجاهدانی را به آتش بکشند. غضب و سخط خداوند، بر آن خدانشاهانی که به کمک صدا می خواستند اور نجات دهند و شکر بی پایان



خداوندی را که توانستید مفتضحانه، نیروهای کفر را در بارگاه متعال بی آرو و در پیشگاه ملت های مسلمان منفور نمایید .

من از خداوند تعالی نصرت نهایی شما و عزیزان ، شکست مخالفان حق را خواستاریم .

درود بر شما و رحمت بر شهیدان راه حق و شهدای جبهه نبرد حق علیه باطل و سلام بر عبادالله الصالحین .

روح الله الموسوی الخمینی تاریخ 10/1/61



خاتمه عملیات فتح المبین / 279

فرماندهان عملیات بزرگ فتح المبین در خاتمه عملیات ، مراتب پیروزی رزمندگان افتخارآفرین را به حضور فرماندهی معظه کل قوا حضرت امام خمینی رسدند ایشان در پاسخ بیان فرمودند :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ان الله يحب الذين يقاتلون في سبيله كآن هم بنيان مرصوص تیمسار ظهیر نژاد ، رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران ، سرکار سرهنگ علی صیاد شیرازی فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران ، جناب آقای محسن رضایی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران ، سرکار سرهنگ من پور فرمانده نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران .

پیام آراد بخش وافتخارآمیزتان ، پیرو پیروزیهای بزرگ سلحشوران ظفرمند ملیات فتح المبین واصل و موجب سرافرازی گردید . گرچه این شجاعتها و فداکاریها و پیروزیهای عظیم کم سابقه ی بی سابقه در بعد نظامی و میدان نبرد از طرف نیروهای مسلح عظیم القدر جمهوری اسلامی ، آن چنان افتخارآفرین و اعجاب آمیز است که با مقیاسهای عادی و معیارهای نظامی ، جنگی نتوان ارزش یی عظمت غرورآفرین آن را با الفاظ محدود و عبارت معدود ، شجاعت و حمله برق آسای سلحشوران ایران ، گ را به ذهن آورد و با قلم و بیان اظهار کرد . گرچه این شکل پیروزی و سلحشوری ها در باب خودبی نظیر ی کم نظیر است .



گرچه این نحو تاختن بر نیروهای زمینی، و هوایی دشمنان که تا بن دندان به سلاحهای سنگین و سبک مدرن غربی و شرقی مسلح بودند، در جنگهای جهان نمونه است که در ظرف کمتر از یک هفته، آنچنان مات شوند، که هرچه دارند بگذارند و فرار نمایند و یا تسلیم شوند، به صورتی که قوای مسلح تاکنون نتوانند، اسیر و کشتگان و غنائم را به شمار آورند و گرچه تمام این امور، برخلاف عادت بورت معجزه آسا تحقق یافت، لیکن آنچه انسان را در مقابل رزمندگان جبهه ها و پشتیبانان آنان در میدان رزم، مثل جهاد سازندگی و هم فیلمبرداران جان بسف عزیز و پزشکان و پرستاران متعهد و الامقام، خبرنگاران جسور، و مردمان میلیونی، پشت جبهه به خضوع وادار می کند بعد معنوی آن است که با هیچ معیاری نمی توان سنجید و به هیچ میزانی نمی توان عظمت آن را دریافت کرد.

اینجانب هر وقت به یکی از چهره ها روبرو می شوم، عشق او را به شهادت، در بن و چهره نورانی اش، مشاهده می کنم احساس شرمساری و حقارت می کنم. هر وقت در تلویزیون مجالس و محافل این عزیزان که خود را برای حمله به دشمن مهیا می کنند و مناجات و راز و نیازهای این عاشقان خدا و فانیان را حق را در آستانه هجوم به دشمن می نگریم که به مرگ دست به گریبان هستند و از شوق و عشق دوست نمی گنجند خود را ملامت می کنیم و بر حال خویش تأسف می خوریم.



خاتمه عملیات فتح المبین 281

اکنون ملت ما دریافته که کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا (مجالس حال و دعای اینار شب عاشوراهای اصحاب سیدالشهداء ر در دل زند، می کند.

جوانان عزیزم و فرماندهان محترم، شما توقع نداشته باشید . که من بتوانم از هده ثنای شما و شکر عمل شما برآیم . شما ر همان بس که محبوب خدای تعالی هه تید و خدای شما فرموده که شما را که چوز سدی محکم و بنیانی مرصوص ، در مقابل دشمنان خدا، و برای رضای او ایستاده اید ددوست می دارد واین است جزای شما و این است عاقبت عمل شما پس از این مرحله بگذریم و از گروههایی که از جهات مختلف در جبهه ها با آن حال جنگ و نزدیکی خطر، شما ر کمک کرده و می کند و د خدمت شما بوده و هستند باید تشکر کنم .

خدایتان یار و مددکار و رحمت حق بر شهیدان عزیزتان و خاندان محترمشان که با شجاعت و شهامت به شهادت فرزندان و نزدیکانشان افتخار می کنند ، خود را و فرزندان خود را از اسلام و برای اسلا د می دانند سلام خدا و بزرگان دین، برش دا و خاندانشان و بر رزمندگان در راه اسلام و ایران .

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

روح اله الموسوی الخمینی



بخش نهم

تحليل عمليات فتح اله بين



تحلیل مختصر عملیات فتح المبین

عملیات فتح المبین در حالی صورت گرفت ، که مدت 18 ماه از حضور دشمن متجاوز در سرزمین مقدس اسلامی می گذشت . در این مدت مواضع پدافندی دشمن با انواع استحکامات آرایش یافته بود .

نیروها و تجهیزات دشمن در داخل سنگرهای مستحکم استقرار داشتند . جلو پدافندی نیروهای بعثی ، تا مسافت زیادی از انواع مین ها ، تله های انفجاری کارگذاشته شده بود . متجاوزین اطمینان داشتند که نفوذ به منطقه پدافندی آنان ، امکان پذیر نیست .

با توجه به اقدامات صورت گرفته توسط دشمن تک به این نوع مواضع را در صلاح نظامی « تک به مواضع مستحکم » می گویند .

قرارگاه کربلا 2 برای انجام عملیات 4 قرارگاه عملیاتی نصر ، فجر ، فتح و قدس را سازماندهی نمود . و این قرارگاهها از سه جهت شمال جنوب شرق در مقابل دشمن صف آرایی کردند . در این حالت دشمن فقط از سمت عقب فقط با نیروهای خرد درگیر نبود و بایستی در سه جبهه می جنگید . این امر یکی از نقاط ضعف دشمن بود که قرارگاه کربلا 2 به خوبی از آن استفاده کرد .



معمولاً، برای اجرای تک به مواضع مستحکم دشمن، استعداد نیروهای تک کند 6 برابر نیروی یدافند کننده در نظر گرفته می شود زیرا تلفات و ضایعات ارده به نیروهای تک کننده 2 برابر سایر عملیات ها در شرایط متعارف پیش بینی می گردد.

لشکرهای 10 زرهی 1 مکانیزه عراق، در منطقه عملیات فتح المبین حضور دادند و لشکر 3 زرهی نیز پس از شروع عملیات، وارد منطقه شد. این امر در حالی بود که چندین تیپ پیاده و زرهی مستقل نیز از سایر مناطق احضار و وارد صحنه آرزار شدند.

قرارگاه کرب 2، معادل 2 برابر نیروهای عراقی، برای بیرون راندن متجاوز در چهار قرارگاه سازماندهی نموده بود. و این استعداد با توجه به سختی شرایط نبرد بسیار اندک بود و به روایتی می توان گفت، از لحاظ کمیت نیرو، در اجرای مأموریت اطمینان کامل وجود نداشت.

با توجه به اینکه از بعد تجهیزات و پوشش هوایی، نیروهای عراقی در بعضی جهات برتری داشتند عملیات د شب انجام می شد و این امر تا حدودی نواقص را پوشش می داد. اما انجام عملیات د شب بسیار مشکل است. کنترل و هدایت نیروها از حساسیت بالایی برخوردار است و آموزشهای ویژه ای نیاز دارد.

مأموریت واگذاری به قرارگاههای چهارگانه، هرکدام ویژگی های خاصی داشت. بنا به وضعیت و توانمندی نیروهای عمل کنند، اختصاص یافته بود.



تحلیل عملیات فتح المبین / 287

شکل مأموریت ، برای قرارگاه نصر ، به علت شرایط منطقه ، حساس تر از سایر قرارگاهها بود زیرا :

1. تصرف ارتفاعات تپه چشمه ، جوفینه، بلتا و شاوریه سبب می گردید که نقاط حساس منطقه ، که از دیده بانی خوبی برخوردار بود دست نیروهای خودی شد .

2. در دست داشتن جاده اندیمشک - دهلران ، باعث می شد نیروهای حاضر در منطقه ا یک راه مواصلاتی خوب و مطمئنی ، برای پشتیبانی استفاده نمایند .

3. انهدام توپخانه دشمن در ارتفاعات علی گره زد سبب می گردید که نیروهای در خط دشمن از استفاده آتشیهای پشتیبانی محروم شوند .

موارد بالا را نیز دشمن به خوبی درک می کرد و به همین جهت با تمام توان، و با استفاده از نیروهای زبده و مجهز در نگهداری منطقه تلاش می کرد .

اوج موفقیت یک فرمانده ، زمانی است که او قادر باشد ، در اجرای مأموریت ، به نحوی از امکانات و توان موجود استفاده کند، بیشترین آسیب به دشمن برسد و کمترین آسیب ا سوی دشمن به نیروهای تحت امر وارد شود .

برای دسترسی به چنین موفقیتی ، لشکر 21 علاوه بر اجرای طرحهای پیش بینی شده، در سطح قرارگاه کرد ؛ ابتکارهای خاصی نیز بکاربرد از آن جمله :



1. نیروهای رزمنده تیپ 1 به تلاش و راهنمایی بسیجی بزرگوار غلامحسین یزدی 1 از پشت خاکریز خط پدافندی نیروهای خودی، در منطقه مسئولیت تیپ مذکور، تا پشت خاکریز خط پدافندی دشمن، به طول 430 متر نقب یا تونل ایجاد کرد. در شب عملیات تعداد زیادی از نیروهای عمل کننده، با استفاده از تونل ایجاد شده به داخل مواضع دشمن نفوذ کردند و همین امر سبب گردید که نیروها از میدان نبرد عبور کنند و در مقابل دید و تیپ دشمن قرار نگیرند. دشمن را غافلگیر نمایند.

2. انجاه شناسایی های دقیق، کسب اطلاع لازم از دشمن، آموزش نیروهای عمل کننده در تیپ 2 سبب گردید که چهار گردان ادغامی ارتش و سپاه، در منطقه مسئولیت تیپ 1 خط پدافندی نیروهای عراقی عبور کنند و آنها متوجه عبور نیروها نشوند. این غافلگیری در مرحله یکم عملیات موفقیت فوق العاده برای تیپ 2 و در نهایت قرارگاه نصر داشت زیرا با انهدام تویخانه دشمن در عمق منطقه، نیروی خط جلو آتش تویخانه برای پشتیبانی خود در خط پدافندی نداشتند و سرعت یادی در اجرای مأموریت نصر 3 ایجاد شد و تلفات و ضایعات نیروی انسانی و تجهیزات را به حداقل رساند.

غافلگیر شدن دشمن، در منطقه نصر 2 سبب گردید که مواضع مستحکم دشمن که با اطمینان کامل پدافند می کرد سریع شکسته شود و نیروها

1 - غلامحسین یزدی، بسیجی بزرگوار، در عملیات بیت المقدس، در بکارگیر

همین روش به خیل شهدای عزیز پیوست. روانش شاد



تحلیل عملیات فتح المبین 289

به عمق منطقاً تحت استقرار نفوذ نمایند. این امر در حال صورت گرفت ذایعات و تلفات نیروهای خودی بسیار اندک بود. مقایسه امر، در تاریخ جنگهای گذشته موفقیت بسیار بزرگی را نمایانگ است.

عملیات فتح المبین در چهار مرحله انجام شد 7 روز با طول انجامید.

طبق آمار موجود در مدیریت ایثارگران نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران شهدا و جانبازان لشک 21 حمزه در عملیات فتح المبین با شرح زیر می باشد:

کارکنان افسران - درجه داران)

شهید 18 نفر

جانبا 43 نفر

سربازان - درجه داران و افسران وظیفه

شهید 246 نفر

جانبا 743 نفر

این تعداد شهید و جانباز، با توجه به استانداردهای قابل قبول در سطح ج 4/1 ضایعات انسانی پیش بینی شده است.

تلفات و ضایعات نیروی انسانی و تجهیزات دشمن.

1. انهدام نیروهای لشک 1 مکانیزه و تعدادی از تیپهای مستقل پیاده زرهی

ب تجهیزات مربوطه 10٪ و گرفتن غنایم زیاد

2. به اسارت درآوردن بیش از 5000 نفر از نیروهای دشمن



با توجه به نوع مأموریت : آسیب رسی، به نیروی انسانی، در سطح قرارگاه نصر، در عملیات فتح المبین کمتر از 10٪ باشد. در صورتی که در تک به مواضع مستحکم ما 10٪ نیروهای عمل کننده ضایعات نیروی انسانی و تجهیزات مورد محاسبه قرار می گیرد. و این موضوع قابل نقد و تقدیر است. در اجرای عملیات در سطوح بالای نظامی که با صورت الگم می تواند مورد بررسی قرار گیرد.

مأموریت تک اصلی در سطح قرارگاه نصر، به نه 2 واگذار شده بود. انهدام تویخانه دشمن از اهداف مهم عملیات بود که در عمق 12 کیلومتری منطقه مستقر شده بودند. این مأموریت در مرحله یکم عملیات فتح المبین انجام شد. پس از صرف هدف. طبق آمارهای ارسالی از گردان های عمل کنند. 5 نفر مجروح گزارش شده بود. در مرحله یکم عملیات شهید نداشت.

بر اساس آمار موجود در مدیریت ایثارگران نیروی زمینی، آمار چهار مرحله عملیات و پاسخ به پاتکهای دشمن در طول 7 روز نبرد عملیات فتح المبین تی 2 به شرح زیر می باشد.

کارکنان افسران - درجه داران)

جانبا 6 نفر

سربازان، درجه داران، افسران وظیفه

شهید 9 نفر

جانبا 57 نفر

آزاد 1 نفر



291 تحلیل عملیات فتح المبین

با توجه به آمار موجود، شهدا و جانبازان تیپ 2 لشکر 21 حمزه در عملیات فتح المبین، کمتر از 100 می باشد و این رقم نشانگر موفقیت بالای فرماندهان تیپ 2 از فرمانده گروه هدایت کننده تا فرمانده دسته و فرمانده گروهان و فرمانده گردان می باشد.

توضیح: گردانهای 169، 144، 141، و پیاد 242 زرهی «در سازمان رزه تیپ 2 منظور گردیده بود».

گردان دوه تپی 58 ذوالفقار نیز تحت کنترل عملیات تیپ 2 قرار داشت. نیروهای موصوف به جز گردان 242 با نیروهای سپاه ادغام شده و تشکیل قرارگاه نه 2 را داده بودند.

به نظر نویسنده، تجزیه تحلیل طراحی ها و عملکردها و هدایت عملیات فتح المبین، در هر زمان و در هر حال می تواند الگوی مناسبی، در یک عملیات هماهنگ بر علیه دشمن باشد و تقدیر و تشکر از فرماندهان که در صحنه نبرد با هوشیاری و داکاری توانسته اند با کمترین ضایعات، ضربه شدیدی به دشمن وارد سازند و اهداف تعیین شده را تأمین کنند ضروری است گرچه مدت طولانی جنگ گذشته باشد.



صورت اسامی شهدای وظیفه تبه 2 در عملیات فتح المبین
()/1/61 - /1/61

ردیف	درجه	ناد - نشان	تاریخ شهادت	گردان
1	سرباز یکم	غلامرضا اکوان	2/1/61	69 پیاده
2	سرباز یکم	محمد رضا اسدالهی	9/1/61	69 پیاده
3	سرباز یکم	حسین جلالی	7/1/61	69 پیاده
4	سرباز یکم	هوشنگ جعفری	2/1/61	144 پیاده
5	سرباز یکم	مختار چشمارو	2/1/61	44 پیاده
6	سرباز یکم	مجید ثابت قدم لنگرودی	2/1/61	69 پیاده
7	سرباز یکم	محمد حسین خان وردی	8/1/61	69 پیاده
8	سرباز یکم	راپیک رشدزاده	9/1/61	44 پیاده
9	سرباز یکم	اصغر سلطانی	2/1/61	41 پیاده

اسلامی شهدای کادر (کارکنان) تبه 2 در عملیات فتح المبین
()/1/61 - /1/61

ردیف	درجه	ناد - نشان	تاریخ شهادت	گردان
1	استوا 2	اکبر یادگاری	2/1/61	244 زرهی





تحلیل عملیات فتح المبین / 293

اسامه، جانبازان کادر (کارکنان) تیپ 2 در عملیات فتح المبین
2/1/61 . 1/1/61 ()

ردیف	درجه	نام و نشان	تاریخ مجروحیت	گردان	شرح
1	گروهباندوم	جعفر هاشمی	2/1/61	41 پیاده	
2	گروهبانس م	احمد نوروزی	2/1/61	قرارگاه پ	
3	گروهبان م	نادر علیزاده	5/1/61	41 پیاده	
4	گروهبان م	سیدحسین حسبی نژاد	8/1/61	242 تانک	
5	گروهباندوم	رضا اصلانی	2/1/61	گردا 455 مهندسی گروهان دوم مأمور به پ	
6	ستواندوم	حسین ابراهیمی کیاسری	8/1/61	گردان 242 زرهی	

اسامه، آزادگان کادر (کارکنان) تیپ 2 در عملیات فتح المبین
2/1/61 . 1/1/61 ()

ردیف	درجه	نام و نشان	تاریخ مجروحیت	گردان	شرح
1	ستوان دوم زرهی	غلامرضا حدادی	2/1/61	242 زرهی	





صورت اسامی جانبازان وظیفه در عملیات فتح المبین 1/61 / 1/61 ()

ردیف	درجه	نام و نشان	تاریخ جانبازی	گردان
1	سربازیکم وظیفه	محمدعلی ابول زاده حداد	8/1/61	169
2	سربازیکم وظیفه	رحمان ابراهیم زاده	7/1/61	169
3	سربازیکم وظیفه	ارسلاز احمدی	2/1/61	141
4	سربازیکم وظیفه	پرویز اقبال خواه	6/1/61	141
5	سربازیکم وظیفه	علی ماشه اله ...	4/1/61	141
6	سربازیکم وظیفه	محمود آتشر بسته	8/1/61	141
7	سربازیکم وظیفه	احمد ایرانمنش	2/1/61	169
8	سربازیکم وظیفه	یداله اینالو	2/1/61	141
9	سربازیکم وظیفه	علی بازرجانی	2/1/61	144
10	سربازیکم وظیفه	محمدحسن باقری نژاد	3/1/61	144
11	سربازیکم وظیفه	یعقوب باریزه	2/1/61	144
12	سربازیکم وظیفه	عبدالرضا بختیاری	8/1/61	169
13	سربازیکم وظیفه	حبیب اله بناردکوکي	2/1/61	141
14	سربازیکم وظیفه	حسن بستار	9/1/61	169
15	سربازیکم وظیفه	علی اصغر بهرامی خلیل آبادی	2/1/61	141
16	سربازیکم وظیفه	حسنعلی پیمانی	5/1/61	141
17	سربازیکم وظیفه	هدایت اله توسلی	8/1/61	169
18	سربازیکم وظیفه	سیف اله جعفری	8/1/61	169
19	سربازیکم وظیفه	صفرعلی خدایاری	2/1/61	141
20	سربازیکم وظیفه	نجفعلی دارابی	3/1/61	144
21	سربازیکم وظیفه	جبرائیل داداشی	4/1/61	141



تحلیل عملیات فتح المبین / 295

ردیف	درجه	نام و نشان	تاریخ جانبازی	گردان
22	سربازیکه وظه ه	بابک دولو	4/1/61	141
23	سربازیکه وظه ه	بهرز رخساری	7/1/61	169
24	سربازیکه وظه ه	قربانعلی رمضانی	2/1/61	144
25	سربازیکه وظه ه	جهان پوررمضانی	2/1/61	144
26	سربازیکه وظه ه	اصغر رسولی	9/1/61	169
27	سربازیکه وظه ه	منصور سعایی	2/1/61	144
28	سربازیکه وظه ه	غلامعلی شمس اسفندآبادی	2/1/61	144
29	سربازیکه وظه ه	اصغر شریفی	2/1/61	144
30	سربازیکه وظه ه	عباسعلی صحر نیوش	8/1/61	169
31	سربازیکه وظه ه	علی صحرایی	8/1/61	169
32	سربازیکه وظه ه	حسین صادقی پراویز	2/1/61	169
33	سربازیکه وظه ه	عزت الی صلاحی کجور	2/1/61	169
34	سربازیکه وظه ه	رجبعلی صداقتی	3/1/61	144
35	سربازیکه وظه ه	اسماعیل طایفا جلالی	2/1/61	169
36	سربازیکه وظه ه	علی صمد خسروی	2/1/61	144
37	سربازیکه وظه ه	نصرت علی نژاد	2/1/61	169
38	سربازیکه وظه ه	سید محمد عقیلی	2/1/61	141
39	سربازیکه وظه ه	لطیف طوسی	2/1/61	169
40	سربازیکه وظه ه	خداداد کاظمی	2/1/61	169
41	سربازیکه وظه ه	صمد کریمی	4/1/61	141
42	سربازیکه وظه ه	حمز، گنجی	8/1/61	169





ردیف	درجه	نام و نشان	تاریخ جانبازی	گردان
43	سربازیکه وظه ه	امیر هوشنگ گلکار	2/1/61	144
44	سربازیکه وظه ه	بهادر محمد سرداری	2/1/61	141
45	سربازیکه وظه ه	محمد علی محسنی مرزدشتی	2/1/61	144
46	سربازیکه وظه ه	هوشنگ مختار زاده	5/1/61	141
47	سربازیکه وظه ه	حیات کنگوی	2/1/61	144
48	سربازیکه وظه ه	محمد مضروب	2/1/61	144
49	سربازیکه وظه ه	علی حسن کشاورز	2/1/61	144
50	سربازیکه وظه ه	علیرض موسوی کفایی	8/1/61	169
51	سربازیکه وظه ه	عبدالحمید موسوی	8/1/61	169
52	سربازیکه وظه ه	ساسان میرزایی	2/1/61	141
53	سربازیکه وظه ه	مهدی نامنی	3/1/61	144
54	گروه‌باندوم وظه ه	غلامرض مؤیدی	7/1/61	169
55	سربازیکه وظه ه	شعبان میرباقری	2/1/61	169
56	سربازیکه وظه ه	حسینعلی مهدیان	9/1/61	169
57	سربازیکه وظه ه	عبداله یوسفی نژاد	2/1/61	144



فهرست راهنما

آ

آبادان 19,20,42,92,167

ا

ابوصلیبی خات، ارتفاع 228,274

ابوغریب، تنگ 169,180

احمدی، سرهنگ 118

احمدی، استواریکه 197

ارکان. رکور. ارتفاع 49,99

اسکندر خندان. ارتفاع 97,175,263

اسماعیلی پزشک 76,264

اکبری. جواد. استواریکه 28

امامزاده عباس 226

اندیمشک 38,143,145,147,174 و ...

ب

باقری محمد سرهنگ 25

برزگر. علی سروار 44

براتی. ابراهیم سروان زرهو 79





برقازہ . ارتفاع 259,263,268 237,247,251,252,253,257

بشیری . ستوانیکم مهندس 60,142

بلتا ، نام ارتفاعات 175,177,207,285 127,152,160,162,173,174

بهرامی هوشنگ ، سرهنگ زرہی 263

باند اضطراری . مکان 270

پ

پورداراب . سعید . سرهنگ پیاد 25

پاسگاہ فرماندهی . مکان 166,174,175,181,194

پل نادری 10,215,217

ت

تپہ های اللہ اکبر 15

تپہ چشمہ 155 142,153 10,118,119,127,128

158,167,168,186,207,285

تپہ تانک 183,184,210

تپہ پیادہ 183,184,210

تراورس 42,43,76,114,174

تلہ تاپپ 29,64



تنگ چزابه 93

تنگ رقابیه 169,220,225,229,230,235

تنگ ابوغریب 169,180

توفیق نام هدف 156,158

تینه . ارتفاعات 248,263 169,226,234,235,236,237

تیپ 27 محمدرسول الله ص (اکثر صفحات

تب 2 پیاده لشک 21 حمزه اکثر صفحات

تیپ 4 زرهی لشک 21 حمزه اکثر صفحات

تیپ 3 زرهی لشک 92 زرھ 224

تیپ 58 ذوالفقار ، در اکثر صفحات

تیپ 37 زرهی شیرا، 227,228 7,204,217,219,225,226

تب 55 هواپر، 168,229

تیپ 2 لشک 92 زرهی 7,23,226,227,234,246

تیپ 8 مکانیزه عراق 240

تیپ 60 پیاده عراق 240

ج

جاده اندیمشک - دهلران ، مسیر 145,147,174،

181,183,185,186,216,218,285

جعفری ، محمود سرهنگ پیاد، 20,21,26,27,28

جوادی ، سید شهاب الدین سرهنگ پیاد 20

جوفینه نام ارتفاع 142,146,153,158,160,173،

175,177,186,187,189,211,212



چ



چراغی ، رضا، پاسدا 152,154

چزابه ، مکار 169

چنانه، روستا 250,251,252,256,257

ح

حاجی پور ، علی اکبر، پاسدا 155

حسن بربوطی ، روستا 227,244,247,251

حسنى سعدى ، حسین ، سرهنگ 108 23,25,26,68

خ

خرولی ، ارتفاعات 97,101,102,175,263

خسروتاش ، مرتضی، سرهنگ دوم پیاد 154 100,134

خنجری ، حسین ستواندو، 29,82,194,255

خواجویی ، اسماعیل سرهنگ 25

خط نور، خط قرصی روی نقشه عملیات 155,159

د

دارالصفایی پرویز سرهنگ دو، 188

دچه ، نام روستا 157,247

درجزی ، جهانگیر ، سرگرد زرهی 76,77,79 38,70,71,72

دشت عباس ، منطقه 180,199,200,204,207 و 208 ...

دوسلک ، ارتفاع 234,247

دهلران 143,145,147,174,181,183,184,185 واكث صفحات





د

رادار، مکان 242,243,245,262 220,227,228,236,238,239,240

رزمی علی ، سرهنگ پیاد 25

رضایی ، محمد ستوانیکم پیاد 29

رفائیه ، رودخانه فصلی 12,34,40,193,194,198,207,209,213,215
225 و اکثر صفحات

رقابیه ، ارتفاع 230,231,235

رؤسای ارکان ، رئیس رکر 99 4 3 2 1

ز

زغن ، نام آبادی 12,41,231

زینلی ، محسن ، سرگرد توپخانه 155

س

ساحل دور ، ساحل نزدیک دشمن 60

سالارکيا ، علی محمد ، سرهنگ 81,111,112

سایز 5 ، مکا 237,241,242,243

سای ۱ ، مکان 236,238,239,243,246

سپتون ، ارتفاع 123,173

سد ، مانع 9

سرخه صالح آبادی 12

سلیمانجاه ، بهروز، سرهنگ 25,71

سنجری پور ، داود ستوانیکم 175,182

سه راهی قهوه خانه : مکا 155,207

سه راهی دهلران مکا 270





ش

شاوریه ، ارتفاعات 207,226,285 152,156,158,169,199,204

شوش 21,26,42,57,76,92,93,97,106,167

شهری ، مصطفی ، سرهنگ ستاد 236 100,166,231

شهبازی ، محمد ، پاسدار 153,155

ص

صالحی ، احمد ، پاسدار 155

صفایی ، استواریکم 142,143

صیاد شیرازی ، علی ، فرمانده نیروی زمینی 23,24,270,277 19

ط

طاهری ، محمود ، استواریکم 28

ع

علیرضا ، علیرضایی ، سرهنگ دو 153,155,186

علی گره زد ، ارتفاعات اکثر صفحات

علی گریذ ، ارتفاع 194,202,203

عین خوش ، نام محل 180,215,217,218,220 226,228,234 و اکثر

صفحات

عمارنه ، آبادی 232

ف

فتح ، نام قرارگا مشترک 148,216 و اکثر صفحات





فتح پور ، مظفری ، سرهنگ دوم پیاده 100,154 202 221،

فجر، نام قرارگاه مشترک 148,216,217 و اکثر صفحات

فراهانی ، پزشکیار استوا 1 264

فروزان ، حسن فرمانده ژاندارمری 20

ق

قجه ای ، حسین ، پاسدا 152,154

قدس ، قرارگاه مشترک 148,217,218، و ...

ک

کارون ، رودخانه 92

کربلاي 2 ، قرارگاه مشترک 245,283 217,237,238,241

کرخه ، رودخانه 7,9,12,15,20,26,34,35 و ...

کریمی مهر، اصغر ، سرگرد 114,115,116 117,122 123,180,190

کمانه کوچک ، ارتفاع 137

کوچه مشگیان ، ستواندوم وظیفه 135

گ

گردار 69 . ، اکثر صفحات

گردار 44 . ، اکثر صفحات

گردار 41 . ، اکثر صفحات

گردار 313 توپخان 49 . ، اکثر صفحات

ل





لشک 10 زرهی عراق 84,140,168,273

لخیضر ، منطق 68,85

لشک 1 مکانیزه عراق 140,237

لشک 3 زرهی عراق 167

م

متوسلیان ، احمد ، پاسدار 148,181,208

مسلمی ، محمد ابراهیم ، استواریکم 144 35,38,142

محمد رضا ، بسیجی 196

مسیل ، له مکان 232,235,236

مشهدی فراهانی ، علی اکبر، سرهنگ دو، 28,33

41,44,49,54,60,81,84,187,255

معینی ، کامران ، ستوانیکم 46

میشداغ ، ارتفاع 230

ن

ناصری ، هوشنگ ، سرهنگ پیاد 99

ناصری ، سعید ، ستواندوم مهندس 126,128,135

نصر ، قرارگاه مشترک 148,155,156,157,158

نص 1 - قرارگاه مشترک 221,211,194,185, 225 241 و اکثر صفحات

نص 2 - قرارگاه مشترک 199,190,187,153, 200 و اکثر صفحات

نص 3 - قرارگاه مشترک 246,245,243,28,؛ و اکثر صفحات

نص 4 - تبر 4 زرهی لشک 21 حمز 187,168,162 189,255,267





نه 5 - قرارگاه مشترک 155,158,166,180 207,216,219 و اکثر
صفحات

نصیری ، سرگرد نصیری 68

نیوشاهی ، الیاس ، سرهنگ دود 22,34,35,36

و

وزوایی ، محسن ، پاسدار 202 152,154,185,200

هـ

هدایت نسب ، مظفر ، پاسدا 50,100

همایونمهر تقی ، سرهنگ دوم 71,81



فهرست منابع

۱ - یادداشتهای شخصی سرتیپ بازنشسته فرض الله شاهین راد

۲ - هشت سال دفاع مقدس، جلد اول، نبردهای غرب دزفول، سازمان عقیدتی سیاسی دفتر سیاسی ارتش ج.ا.ا.

۳ - مدارک و سوابق مدیریت ایثارگران نزاجا دایره شهدا و جانبازان

۴ - رستمی، محمود فرهنگ واژه های نظامی، تهران: سماجا 1378.

پایان

